

مُهَجُّ الدَّعَوَاتِ

و

مَنْهَجُ الْعِنَايَاتِ

تأليف: عالم عامل عابد ربّاني

مؤيد آقا امام زمان عليه السلام

سيد بن طاوس الحسني الحسيني عليه السلام

ترجمة: حجة الاسلام محمد تقى بن على نقى طبسى عليه السلام

تصحيح و تنظيم: رضا مرندى

حق طبع محفوظ و مخصوص كتابفروشى فلسفى است.

مقدمه ناشر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حمد و سپاس خداوند منان را که به ما توفیق داد تا کتاب شریف «مَهْجُ الدَّعَوَاتِ وَ مَنَهْجُ الْعِبَادَاتِ» سید بن طاووس رحمته الله علیه را به زیور چاپ آراسته گردانیم.

کتاب شریف «مَهْجُ الدَّعَوَاتِ وَ مَنَهْجُ الْعِبَادَاتِ» از جمله کتب معتبر دعاست که سید بن طاووس رحمته الله علیه از میان چندین کتاب دعا که در خدمتش بوده علامت گذاری کرده تا نسخه نویسان از روی آن، دعا‌های علامت گذاری شده را بازنویسی کنند. لذا مجموعه حاضر از نظر محتوی از اهمیت بیشتری برخوردار است، امید است خداوند به همه ما توفیق عنایت فرماید تا با نیت خالص و توکل کامل به خداوند منان، از دعا‌های پر برکت این کتاب، استفاده شایانی ببریم.

ای عزیز! در مورد دعا و شرایط استجابت آن، چند نکته قابل ذکر است که باید به آن توجه نمود.

نکته اول: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: اگر مسلمانی از خدای متعال دعا و خواهشی کند که مشتمل بر گسستن پیوندهای خانوادگی و معصیت نباشد، حق تعالی به یکی از سه وجه زیر به آن دعا و خواهش پاسخ می‌دهد: یا آنکه فوراً دعایش را مستجاب می‌کند. یا پاداش و اجری برای روز قیامت می‌اندوزد. یا آنکه از بلاها و گرفتاریها او را در امان می‌دارد.

نکته دوم: از جمله اسباب اجابت دعا زمان دعا است. مثل شب جمعه یا روز جمعه و ماه مبارک رمضان و.... حدیث است که پروردگار عالم در هر شب جمعه، از اول شب تا طلوع فجر، به بندگان خود از فوق عرش ندا می‌کند: آیا نیست بنده مؤمنی که بخواند مرا در این وقت و حاجتی از من بخواهد، خواه حاجت دنیا و خواه حاجت آخرت، تا من حاجت او را برآورم و مطلب او را روا کنم؟

آیا نیست بنده مؤمنی که در این وقت از گناهان خود، توبه کند و به من بازگشت نماید؛ تا من بیمارزم او را و توبه او را قبول کنم؟

آیا نیست بنده مؤمنی که فقیر و بی چیز باشد و از من بخواهد تا وسعت معاش دهم؛ تا من اجابت کنم او را؟

آیا نیست صاحب مرضی که از من سؤال کند صحت خود را؛ تا من او را صحت بخشم و عافیت کرامت فرمایم؟

یا محبوس باشد تا او را خلاصی دهم.
 یا ظلم کسی به او رسیده باشد، تا او را از ظلمِ ظالم نجات دهم؟
 نکته سوم: از جمله اسبابِ اجابتِ دعا، خصوصیتِ مکان است، مثل سرزمین عرفه در مکه معظمه. چنان که حدیث است که حضرت باری تعالی، در آن روز ندا می‌کند به ملائکه آسمان: ببینید بندگانِ مرا که از اطرافِ عالم سر برهنه و خاک‌آلود، از برای محض بندگی و اطاعتِ فرمانِ من، به این مکان آمده‌اند، آیا می‌دانید که مطلبِ ایشان چیست و چه می‌خواهند؟

ملائکه می‌گویند: مطلبِ ایشان نیست مگر مغفرت و آمرزش.
 حقّ «عَزَّ اِسْمُهُ»، گوید: شما شاهد باشید که من آمرزیدم ایشان را؛ و از تقصیراتِ ایشان گذشتم.

از جمله اماکنِ اجابتِ دعا، مرقد شریف و مطهر حضرت امام حسین علیه السلام است. حدیث است که جنابِ حضرت عزّت به عوضِ شهادتِ آن حضرت، چهار خصلت به او کرامت فرموده است:

اول: استشفای امراض از تربتِ مبارکه آن حضرت.

دوم: اجابتِ دعا در زیرِ قبة آن حضرت.

سوم: بودنِ ائمه از ذریه آن حضرت.

چهارم: حساب نکردنِ مدتِ زیارت آن حضرت، از عمرِ زواری.

در پایان از همه کسانی که در تهیه این کتاب ما را یاری کرده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری می‌شود، مخصوصاً از جناب آقای فریدون سامانی و رضا مرندی که نهایت زحمت را در تصحیح و تنظیم آن به عمل آورده‌اند.

ای خدا زاری ز تو مرحم ز تو هم دعا از تو اجابت هم ز تو

ما نبودیم و تقاضا مان نبود لطف تو ناگفته ما می‌شنود

خدایا به فضل و کرم و رحمت خود، چاپ و نشر این اثر گرانقد را برای ما مبارک و سهل و آسان گردان، و به کسانی که از این کتاب استفاده می‌کنند، خیر دنیا و آخرت عطا فرما.

علی فلسفی

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به یاری نام خدای بخشنده مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي ابْتَدَأَ بِالْإِحْسَانِ، وَدَعَا عِبَادَهُ إِلَى مَعْرِفَتِهِ
 حمد خدای را که آغاز نموده به نیکی، و دعوت کرده به شناسختن خود
 بِلِسَانِ الْبُرْهَانِ، وَتَجَلَّى لَهُمْ فِي آفَاقٍ مَا اخْتَصَّ بِهِ مِنْ
 به زبان دلیل، و ظاهر شده برای بندگان در نهایت اوج آنچه مخصوص به خداست از
 مَقْدُورَاتِهِ، وَأَرَاهُمْ فِي مِرَاةِ آيَاتِهِ فِي خَلْقِ مَلَكُوتِهِ وَسَمَوَاتِهِ،
 توانایش، و نموده به بندگان در آیینه نشانه‌های خود در خلقت ملکوت و آسمانهایش،
 مَا كَانَ كَافِيًا وَشَافِيًا فِي الدَّلَالَةِ عَلَى مُقَدَّسِ ذَاتِهِ، وَعَظِيمِ
 آنچه که کفایت کننده و شفاف‌دهنده است در راهنمایی بر ذات منزّهش، و بر صفتهای
 صِفَاتِهِ، وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، شَهَادَةً سَبَقَنِي الْعَقْلُ
 بزرگش، و شهادت می‌دهم که نیست معبودی به حق جز خدا، شهادتی که پیشی گرفته مرا در عقل
 وَالْقَلْبُ إِلَى الْأَقْرَارِ بِتَحْقِيقِهَا قَبْلَ أَنْ أَهْتَدِيَ إِلَى طَرِيقِهَا،
 و دل به اقرار کردن به تحقیق آن شهادت پیش از آن که هدایت یابم به آن.
 وَقَالَ لِسَانُ خَالِهِمَا قَبْلَ بَيَانِ مَقَالِهِمَا، إِنَّ الْأَنْوَارَ السَّائِكَةَ فِي
 و زبان حال عاقل و قلب پیش از بیان گفتگوی این است، که انوار قرار داده شده در
 ذَاتِنَا، وَالْأَسْرَارَ الْكَامِنَةَ فِي صِفَاتِنَا، مَبْعُوثَةٌ إِلَيْنَا، وَ شَاهِدَةٌ
 ذات ما، و اسرار پنهان در صفتهای ما، برانگیخته شده به ما، و گواهند
 عَلَيْنَا بِالْمُنْشِئِ الْفَاطِرِ، وَالْقَادِرِ الْقَاهِرِ، وَلَوْ سَتَرَ بَنُ آدَمَ
 بر ما به وجود خالق کننده شکافنده، و قادر غلبه کننده، و اگر چه بپوشاند فرزند آدم
 وَجُوهَنَا بِتُرَابِ فِطْرَتِهِ، وَ حَالَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ بَصَائِرِنَا بِيَدِ غَفْلَتِهِ،
 صورت‌های ما را به خاک خلقتش، و حایل گردد میان ما و شعور ما به دست غفلتش،
 وَ أَتَيْنَ لِمَالِكِنَا شَبِيهَةً فِي الْوُجُودِ، وَ مَنْ ذَا يُضَاهِيهِ فِي الْقُدْرَةِ وَ
 و گجاست برای مالک ما همانندی در هستی؟، و کیست که شبیه باشد در قدرت و
 الرَّحْمَةِ وَ الْجُودِ حَتَّى نَعْدِلَ عَنْهُ، أَوْ يَشْتَبِهَ عَلَيْنَا الْحَالُ فِي
 رحمت و بخشش؟ تا بگردیم از درگاه او، یا آن که مشتبه شود بر حال ما در

مقدمه

الْاعْتِمَادِ مَعَهُ عَلَيْهِ. وَ أَشْهَدُ أَنَّ جَدِّي مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

اعتماد بر او بجای خدای تعالی. و شهادت می‌دهم جد من محمد رسول خداست که درود خدا

عَلَيْهِ وَ آلِهِ، أَسْبَقُ أَهْلَ الْأَكْوَانِ وَ الْأَزْمَانِ إِلَى مَعْرِفَةِ فَاطِرِ

بر او و خاندانش بر باد، سابقترین موجودات از نظر مکان و زمان به شناخت خالق

الْمَكَانِ وَ الْأَمْكَانِ، وَ أَصْدَقُ فِي بَيَانِ الْحَقَائِقِ، وَ أَطْلَقُ لِعِنَانِ

مکان و طایفه امکان، و راستگوترین افشاد در بیان حقایق، و پیشی گیرنده

السَّوَابِقِ فِي مَيْدَانِ الْخَلَائِقِ مِنْ كُلِّ صَامِتٍ وَ نَاطِقٍ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ

در میدان از همه مخلوقات از هر ساکت و گویا، و شهادت می‌دهم براسنی

مَجَارِي مَنَاجِحِهِ وَ مَسَارِي مِعْزَاجِهِ لَا يَقْدُمُ عَلَى أَبْوَابِهَا، وَ لَا

که به راه‌های شریعت و پلهای معراج آن حضرت، قدم نمی‌تواند بگذارد بر درهای آنها، و نه

يَتَهَجَّمُ عَلَى شِعَابِهَا إِلَّا مَنْ كَانَتْ أَقْمَارُ وَجُودِهِ مِنْ شَمُوشِ أَنْوَارِ

داخل می‌شود بر شعبه‌های آنها مگر جماعتی که بهم رسیده باشد ماه‌های هستی ایشان از آفتابهای نورهای

سُعُودِهِ، وَ مَنْ تَفَرَّعَتْ دَوَّخَاتُ حُصُولِهِ عَنْ نَفَحَاتِ أَصُولِهِ، وَ مَنْ

سعادت‌های آن حضرت، و چه کسی سزاست که بیرون آمده باشد درخت‌های وجود ایشان از نسیم‌های اصل‌های آن حضرت، و یا باشد

كَانَتْ مَرَائِبُ تَوْفِيقِهِ مِنْ مَوَاهِبِ تَحْقِيقِهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ

سواریه‌های توفیق او از بخشش‌های بیان آن حضرت، درود فرستد خدای تعالی بر آن حضرت و

عَلَيْهِمْ صَلَوةً هَادِيَةً إِلَى اتِّبَاعِ طَرِيقِهِ، وَ دَاعِيَةً إِلَى كَمَالِ تَصَدِيقِهِ.

بر آنان، درودی که برساند مارا به پیروی راه شریعتش، و بغواند مارا به سوی کمال تصدیقش.

و بعد، به درستی که من در اوقاتی که به مداومت و مواظبت دعوات و انواع ریاضات بر خود قرار داده بودم از جمله ادعیه حرزها و قنوتها و حُجَبِها و دعا‌های دیگر که از حضرت پیغمبر اکرم ﷺ و ائمه اثنی عشر علیهم السلام به اسانید معتبره روایت شده بود و همچنین از جمله مناجات‌ها و دعا‌های متفرقه در کتابها، قدری را که نخبه و خلاصه آنها بود و کمال اعتماد بر آن داشتم، نقل نموده بودم و چون این قدر منتخب، همگی در رساله‌های متفرقه و بیاض‌های متعدده نقل شده بود و از یکدیگر متفرق و با هم در کمال وحشت بودند و طالبان آنها را چندان انتفاعی و بهره‌ای به سهولت حاصل و میسر نبود

لهذا خواستم به عون الله تعالی که وحشت آنها را به مؤانست و تفرقه‌گی آنها را به جمعیت مبدل ساخته همه آنها را در رساله‌ای جمع نمایم، زیرا که هرگاه همگی در کتابی مجتمع و محفوظ باشند، از برای راغبانش سودمندتر و بهتر خواهد بود و از

مقدمه

جهت طالبان ادعیه، اسهل و نیکوتر می باشد. و چون ادعیه منتخبه و مجتمعه در این رساله، به منزله حیات و جانند نسبت به سایر دعاها و به منزله راه راستند جهت طالبان دعا.

لهذا این رساله را به کتاب «مَهَجُ الدَّعَوَاتِ وَ مَنْهَجُ الْعِنَايَاتِ» نامیدم و حرزها و قنوتها و حُجُب و سایر دعاها را به ابواب و فصول از یکدیگر جدا و ممتاز نساخته، بلکه همگی آنها را ایراد نمودم به منزله یک بوستان که مشتمل باشد بر شکوفه های رنگارنگ و میوه های گوناگون و به منزله یک باب باشد جهت رسیدن به محصول و ظفر یافتن به مقصود.

پس شروع نمودم اولاً در ذکر نمودن حرزهای حضرت رسول اکرم و ائمه هدی صلوات الله علیه و علیهم اجمعین.

حُرّزهای پیغمبر اکرم ﷺ

وَأُتِمَّتْ طَهَارَةُ

حرزهای پیغمبر اکرم ﷺ

✽ حرزهای پیغمبر اکرم ﷺ ✽

✽ حرز اول پیغمبر اکرم ﷺ ✽

روایت نموده است ابوالحسن علی بن محمد بن علی بن عبدالصمد تمیمی از ثقفی که حکایت نمود به ما محمد بن مظفر بن موسی بغدادی که گفت: خبر داد مارا جعفر بن محمد موصلی که حدیث نموده ما را ابو عمرو ذوری، از محمد بن عبدالرحمن قرشی، از ابی سعید عمر بن سعید مؤدب، از فضل بن عباس، از ابی کرز موصلی، از عقیل بن ابی عقیل، از آمنه مادر پیغمبر ﷺ: چون حامله شدم، به پیغمبر ﷺ در خواب دیدم که شخصی آمد و گفت: ای آمنه، حامله شده‌ای به شخصی که بهترین مخلوقات است، پس باید که نام‌گذاری او را «محمد» چون نام او در تورات «احمد» است و بعد از تولد او، ببند بر او این دعا را. چون از خواب بیدار شدم، در نزد بالینم، قصبه‌ای از فولاد یافتم، که در آن پوستی بود که این دعا و تعویذ بر او نوشته بود.

بِسْمِ اللَّهِ، أَسْتَزِعُكَ رَبِّكَ، وَ أَعُوذُكَ بِالْوَاحِدِ مِنْ شَرِّ كُلِّ حَاسِدٍ
 به نام خدای، می‌سپارم تو را به پروردگارت، و پناه می‌دهم به خدای یکتا از شر هر رشک‌برنده
 قَائِمٍ أَوْ قَاعِدٍ، وَ كُلِّ خَلْقٍ رَأَيْدٍ فِي طُرُقِ الْمَوَارِدِ، لَا تَضُرُّوهُ فِي
 ایستاده یا نشسته، و از هر مخلوق پیشی گیرنده در راه‌های گوناگون، ضرر نرساند او را در
 يَقْظَةٍ وَ لَا مَنَامٍ، وَ لَا فِي ظَعْنٍ وَ لَا فِي مُقَامٍ، سَجِيسَ اللَّيَالِي وَ
 بیداری و نه در خواب، و نه در حال حرکت و نه در حال ایستاده، نه در آخر شبها و
 أَوَّخِرَ الْأَيَّامِ، يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ، وَ حِجَابُ اللَّهِ فَوْقَ عَادِيَتِهِمْ.
 نه در آخر روزها، دست قدرت خدا بالاتر از دستانهای ایشان است، و حفظ و پوشش خدا بالاتر از دشمنی ایشان است.

✽ حرز دوم پیغمبر اکرم ﷺ ✽

روایت شده از شیخ علی بن عبدالصمد که گفت: خبر داده است به من جدم، امام شیخ ابوبکر عثمان بن اسماعیل بن احمد الحاجی، و خبر داده است امام احمد بن علی بن ابی صالح المقری، که خواندم بر ایشان از ابی بکر عبدالغفار بن محمد، گفت: خبر داده است مرا حسن بن محمد دربندی، از عبدالرحمن بن عثمان دمشقی، گفت: حکایت کرد از

حرزهای پیغمبر اکرم ﷺ

برای ما ابوبکر محمد بن صالح بن خلف حورانی، از پدر خود، از موسی بن ابراهیم، گفت: حکایت نموده به ما حضرت امام موسی بن جعفر بن محمد صادق، از پدر خود، از جد آن حضرت ﷺ که حضرت رسول خدا ﷺ به امیرالمؤمنین ﷺ فرمودند: یا علی! هرگاه امری تو را به هول بیندازد، که از آن بترسی، یا شدت و سختی بر تو فرود آید، این حرز را بخوان:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ
 خدایا براسستی سؤال می‌کنم از توبه حق محمد و آل محمد، که درود فرستی بر محمد و
اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَنْ تُنَجِّیَنِ مِنْ هٰذَا الْغَمِّ.
 آل محمد، و خلاص کنی مرا از این غم.

حرز سوم پیغمبر اکرم ﷺ

مروی است که پیداشد در گهواره آن حضرت، در زیر سر مبارک ایشان، پارچه‌ای از حریر سفید که در آن نوشته بود.

اُعِیْذُ مُحَمَّدُ بْنُ اَمِنَةَ بِالْوَاحِدِ، مِنْ شَرِّ كُلِّ حَاسِدٍ قَائِمٍ اَوْ قَاعِدٍ، اَوْ
 پناه می‌دهم محمد بن امین را به خدای یگانه، از بدی هر رشک‌برنده ایستاده یا نشسته، یا
نَافِثٍ عَلٰی الْفَسَادِ جَاهِدٍ، وَ كُلِّ خَلْقٍ مَّارِدٍ یَّاخُذُ بِالْمَرَاصِدِ فِی
 ساحری که بر فساد نمودن کوشش کند، و هر مخلوقی سرکشی که بگیرد کمینگاهها را در
طَرِیقِ الْمَوَارِدِ، اَذُبُّهُمْ عَنْهُ بِاللّٰهِ الْاَعْلٰی، وَ اَحُوْطُهُ مِنْهُمْ بِالْكَنَفِ
 راههای عداوت، منع می‌کنم شر ایشان را از آن حضرت به مدد خدای بلند مرتبه، و محافظت می‌نمایم از شر ایشان به محافظتی
الَّذِی لَا یُوْذِی، اَنْ لَا یَضُرُّوْهُ وَ لَا یُطِیْرُوْهُ فِی مَشْهَدٍ وَ لَا مَنَامٍ وَ لَا
 که آزار نکشد، تا آنجا که ضرر نرسانند و فال بدنزنند به او در بیداری و نه در خواب و نه
مَسْبِرٍ، وَ لَا فِی مَقَامِ سَجِیْسِ اللَّیَالِیِ وَ اٰخِرِ الْاَیَّامِ، لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ،
 در راه، و نه در موقع آخر شبها و آخر روزها، نیست معبودی جز خدای
تَبَدَّدَ اَعْدَاءُ اللّٰهِ، وَ بَقِیَ وَجْهُ اللّٰهِ، لَا یُعْجِزُ اللّٰهُ شَیْءٌ، اَللّٰهُ
 هلاک می‌شوند دشمنان خدا، و باقی می‌ماند قدرت خدا، ناتوان نمی‌کند خدا را چیزی، خدای
اَعَزُّ مِنْ كُلِّ شَیْءٍ، حَسْبُهُ اللّٰهُ وَ کَفٰی، سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ دَعَا، وَ اَعِیْذُهُ
 تعالی قوی‌تر است از هر چیز، بس است او را خدا و کافی است، می‌شنود خدا سخن کسی را که بخواند او را، و پناه می‌دهم

حرزهای پیغمبر اکرم ﷺ

بِعِزَّةِ اللَّهِ، وَ نُورِ اللَّهِ، وَ بِعِزَّةِ مَا يَحْمِلُ الْعَرْشَ مِنْ جَلَالِ اللَّهِ. وَ

اورا به عزت خدا، و نور خدا، و به ارجمندی آنچه حمل می کند عرش را از بزرگی خدا، و پناه می دهم

بِالْإِسْمِ الَّذِي يَفْرُقُ بَيْنَ النُّورِ وَ الظُّلْمَةِ، وَ اخْتَجَبَ بِهِ دُونَ خَلْقِهِ.

به آن اسم خدا که جدا می کند میان روشنی و تاریکی، و پنهان است به آن نزد مخلوقاتش.

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، وَ الْمَلَائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ،

شهادت می دهد خدا بر وجود خود که نیست معبودی جز او، و شهادت می دهند فرشتگان و صاحبان علم به عدالت خدا،

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ الْمُحِيطِ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَ لَا

که نیست معبودی جز او که ارجمند و حکیم است، و پناه می برم به خدای فراگیرنده همه چیز، و

يُحِيطُ بِهِ شَيْءٌ، وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ

فرانگرفته او را چیزی، و او بر همه چیز فراگیرنده است. نیست معبودی جز خدا، محمد

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ.

فرستاده خداست درود فرستد خدا بر او و بر خاندانش و سلام نیز.



حرز بالا به روایتی دیگر



اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِاسْمِكَ وَ کَلِمَتِكَ التَّامَّةِ، مِنْ شَرِّ السَّامَةِ

بار خدایا پناه می برم به نامت و به حق کلمه تمامت، از شر هرگزنده نکشنده

وَ الْهَامَةِ، وَ اَعُوْذُ بِاسْمِكَ وَ کَلِمَتِكَ التَّامَّةِ مِنْ شَرِّ عَذَابِكَ

و هرگزنده کشنده، و پناه می برم به حق نامت و کلمه تمامت از عذابت

وَ شَرِّ عِبَادِكَ، وَ اَعُوْذُ بِاسْمِكَ وَ کَلِمَتِكَ التَّامَّةِ مِنْ شَرِّ

و از بدی بندگانت، و پناه می برم به حق نامت و کلمه تمامت از شر

الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِاسْمِكَ وَ کَلِمَتِكَ التَّامَّةِ

شیطان که دور است از رحمت خدا. خداوند می طلبم از تو به حق نامت و کلمه تمامت

مِنْ خَیْرِ مَا تُعْطِیْ وَ مَا تُسْأَلُ، وَ خَیْرَ مَا تُخْفِیْ وَ مَا تُبْدِیْ. اَللّٰهُمَّ

از بهترین چیزی که بخشش نمایی و آنچه را که سؤال شوی، و بهترین چیزی که پنهان داری و ظاهر گردانی. خداوند

اِنِّیْ اَعُوْذُ بِاسْمِكَ وَ کَلِمَتِكَ التَّامَّةِ مِنْ شَرِّ مَا یَجْرِیْ بِهِ اللَّیْلُ

پناه می برم به حق نامت و کلمه تمامت از شر آنچه بگذرد به او شب و

وَالنَّهَارُ، اِنَّ رَبِّیَ اللّٰهُ الَّذِیْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَیْهِ تَوَكَّلْتُ، وَ هُوَ

روز، بدرستی که پرورنده من خدایی است که نیست معبودی مگر او، بر او اعتماد نمودم و خدا، و اوست

رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ. مَا شَاءَ اللّٰهُ کَانَ. اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبِّیْ لَا إِلَهَ

پروردگار عرش بزرگ، هر چه را بخواهد خدا می شود، خدایا تویی پروردگار من نیست معبودی

حرزهای حضرت فاطمه علیها السلام

إِلَّا أَنْتَ، عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَأَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

غیر تو، بر تو اعتماد نمودم، و تویی پروردگار عرش بزرگ، نیست قدرت و نه قوه‌ای الا بالله العلی العظیم. ما شاء الله کان، و ما لم یشاء

قوتی مگر به یاری خدای بلند مرتبه بزرگ. هر چه را بخواهد خدا می شود. و آنچه را نخواهد

نمی شود، می دانم که خدا بر همه چیز تواناست. و براسنی خدا فرا گرفته به همه چیز

شئی علم، و شمرده نموده هر چیزی را از حیثیت عدد. خداوند بدرستی که پناه می برم به تو از

نفسی، و از شرّ هر حرکت کننده در روی زمین که گرفته ای پیشانی او را، بدرستی که پروردگار من بر

صراط مستقیم. فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ

راه راست است. پس اگر اعراض نمایند کفار از ایمان بگو: کافی است مرا خدائی که نیست معبودی جز او، بر او

تَوَكَّلْتُ، وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

اعتماد نمودم، و او پروردگار عرش بزرگ است.

حرز حضرت خدیجه علیها السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به یاری نام خدای بخشنده مهربان

يَا اللَّهُ يَا حَافِظُ يَا حَفِيفُ يَا رَقِيبُ.

ای خدا ای نگاهدارنده ای بسیار نگاهدارنده ای نگهبان.

حرزهای حضرت فاطمه علیها السلام

حرز اول حضرت فاطمه علیها السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به یاری نام خدای بخشنده مهربان

يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ فَأَعِثْنِي، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى

ای زنده ای پایدار ابدی، به رحمتت فریادری می کنم پس به فریادم برس، و وامگذار مرا به

حرزهای حضرت فاطمه علیها السلام

نَفْسِي طَرْفَةً عَيْنٍ أَبَدًا، وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ.

حال خودم چنان بهم زدنی هرگز، و نیکوگردان از برای من همه کارم را.

✽ حرز دوم حضرت فاطمه علیها السلام ✽

مروی است از شیخ علی بن عبدالصمد که نقل نموده از جدّ خود آن که خبر داده به من ابوالحسن فقیه رحمه الله که حکایت کرد از برای ما سید و عالم ابوالبرکات، علی حسین حسنی جوزی، که خبر داده مارا شیخ ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه فقیه قمی علیه السلام، از حسن بن محمد بن سعید کوفی که حکایت نموده به ما فرات بن ابراهیم که نقل نمود از برای ما جعفر بن محمد بن بشرویه قطّان و او نقل نموده از محمد بن ادریس بن سعید انصاری، که خبر دادند مارا داود بن رشید و ولید بن شجاع و آن هر دو روایت نمودند از عاصم و او از عبدالله بن سلمان فارسی، از پدر خود سلمان که فرمود: ده روز بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله از خانه خود بیرون آمدم، پس به خدمت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام پسر عم رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدم.

فرمودند: ای سلمان از ما دوری نموده‌ای و به نزد ما نمی‌آیی؟

در جواب عرض کردم: ای حبیب من یا ابالحسن، از مثل شما شخصی چگونه دوری می‌توان نمود؟ بلکه حزن و اندوه من از برای رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا مانع بود و نگذارده که در این چند روز به خدمت رسم.

پس امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ای سلمان! برو به منزل فاطمه علیها السلام که بسیار مشتاق دیدن تو است و اراده دارد که تحفه‌ای به تو دهد از تحفه‌ای که از بهشت از برای او آمده است.

پس من گفتم: یا علی! از برای فاطمه، بعد از رحلت رسول خدا، از بهشت تحفه نیز می‌آید؟

آن حضرت فرمودند: بلی، دیروز تحفه‌ای آمده است.

پس سلمان گفت: به سرعت بسیار شتافتم و به دولتخانه فاطمه، دختر رسول خدا رسیدم، آن حضرت را دیدم نشسته و پارچه عبائی بر خود پیچیده که اگر سر خود را می‌پوشانید، پایهای مبارکش باز بود و اگر پایهای مبارکش را می‌پوشانید، فرق مبارکش ظاهر بود. چون نظر مبارکش بر من افتاد، سر و روی خود را پوشانیده فرمودند: ای سلمان! بعد از فوت پدرم، رسول خدا صلی الله علیه و آله از ما دوری اختیار نموده‌ای؟

در جواب گفتم: حاشا که من از شما دوری جویم ای حبیب من!

حرزهای حضرت فاطمه علیها السلام

حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: خوش بنشین و متوجه باش که چه می‌گویم. بعد از آن فرمودند: دیروز در همین موضع نشسته و در خانه را بسته بودم و با خود در فکر بودم، که بعد از رسول خدا وحی الهی از ما قطع گشته و فرشتگان از منزل ما منصرف شدند و در این خیال بودم که دیدم در خانه گشوده شد، بدون آن که شخصی او را بگشاید و سه نفر دختر داخل خانه شدند، که در حسن و جمال و لطافت و تازگی صورت و خوش‌بوئی ایشان، هیچ بیننده‌ای مثل ایشان را ندیده، چون ایشان را دیدم، متوجه گردیده، مهربانی نمودم.

سپس گفتم: قسم می‌دهم شما را به پدرم که بگوئید از اهل مدینه‌اید یا از اهل مکه؟ گفتند: ای دختر محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله ما نه از اهل مدینه و نه از اهل مکه و نه از اهل روی زمینیم، بلکه کنیزانیم از اهل حور عین، از دارالسلام بهشت و پروردگار عالمیان ما را به سوی تو، ای دختر محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستاده‌است و ما بسیار مشتاق دیدارت بودیم.

پس پرسیدم از یکی از ایشان که به گمانم بزرگتر بود: نام تو چیست؟ گفت: مقدوده.

گفتم: از چه جهت نام تو را مقدوده گذاردند؟

گفت: از برای آن که من از جهت مقداد بن اسود کندي، مصاحب رسول خدا صلی الله علیه و آله مخلوق شده‌ام.

پس از دیگری پرسیدم: نام تو چیست؟ گفت: ذره.

گفتم: چرا نام تو را ذره گذاشته‌اند و حال آن که تو در نظر من بزرگی؟

گفت: از برای آن که من جهت ابوذر غفاری مصاحب رسول خدا صلی الله علیه و آله مخلوق گردیده‌ام.

پس از سومی پرسیدم: نام تو چیست؟ گفت: سلمی.

گفتم: چرا تو را سلمی نام گذاردند؟

گفت: من از جهت سلمان فارسی، خادم پدرت رسول خدا صلی الله علیه و آله خلق شده‌ام.

بعد از آن، حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: بیرون آوردند از برای من قدری از رطب مانند خشکناج بزرگ که سفیدتر بود از برف و خوش‌بوتر بود از مشک اذفر. پس حضرت فاطمه علیها السلام از آن رطب یک دانه به من دادند و فرمودند: امشب با این افطار نمای و فردا استخوان این رطب را بیاور. پس آن رطب را گرفته از خانه آن حضرت بیرون آمدم و به

حرزهای حضرت فاطمه علیها السلام

هر شخص از اصحاب آن حضرت که گذشتم، گفتند: ای سلمان! مشک با خود داری؟
گفتم: بلی.

پس در وقت افطار به آن رطب افطار نمودم و استخوانی در آن نیافتم.
روز دیگر به خدمت آن حضرت رسیده عرض نمودم: دیشب به آن رطب افطار نمودم
و آن رطب استخوان نداشت.

حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: او را چگونه استخوان باشد، و حال آن که آن رطب، از
درختی است که خدای تعالی آن را در دَارُ السَّلَام بهشت غرس نموده، به سبب دعائی
که مرا پدر بزرگوارم تعلیم نموده، و من هر صبح و شام، مداومت به آن کلمات می‌نمایم.
گفتم: ای سیده من! به من این کلمات را تعلیم نمای.

حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: اگر مداومت نمائی به این کلمات، خدای تعالی تو را از
علت تب نگاه می‌دارد، مادام که در دنیا باشی. پس این حرز را تعلیم نمودند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به یاری نام خدای بخشنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ النُّورِ، بِسْمِ اللَّهِ نُّورِ النُّورِ، بِسْمِ اللَّهِ نُّورٌ عَلَى نُّورِ،
به نام خدا که روشن است، به نام خدا که روشن روشن است، به نام خدا که روشنی است بر روشنی.

بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي هُوَ مَدْبِرُ الْأُمُورِ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَ النُّورَ
به نام خدایی که او است تقدیر کننده چیزها، به نام خدایی که خلق نمود نور را

مِنَ النُّورِ، أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ، وَأَنْزَلَ النُّورَ
از نور، سپاس خدای را که موجود نموده نور را از نور، و نازل نور را

عَلَى الطُّورِ، فِي كِتَابٍ مَسْطُورٍ، فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ، بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ،
بر طور، در کتابی نوشته شده، در صحیفه‌ای از پوست متفرق، به اندازه لازم.

عَلَى نَبِيِّ مَحْبُورٍ، أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ بِالْعِزِّ مَذْكُورٌ، وَ بِالْفَخْرِ
بر پیغمبری نیکو خصال، سپاس مخصوص خدای را که آن پیامبر به عزت و بزرگی مذکور است، و به مباهات

مَشْهُورٌ، وَ عَلَى السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ مَشْكُورٌ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى
مشهور، و بر حال خوشحالی و ناخوشی شاکر خداست، و رحمت فرستد خدا بر

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ

سید ما محمد و بر خاندانش که پاکند از گناه.

پس سلمان گفت: من این حرز را یاد گرفتم و قسم به خدا که این حرز را به بیشتر از
هزار کس از اهل مدینه و مکه آموختم، که همگی آزار تب داشتند و به برکت خواندن

حرزهای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

این دعا، جملگی شفا یافتند به اذن الله تعالی.

✽ حرزهای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ✽

✽ حرز اول حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ✽

حرز مبارک جهت همه آزارها، که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است. روایت شده از عبدالله بن عبدالصمد که گفت: حدیث نمودند مرا جماعتی از اهل مدینه، از ثقی که گفت: حدیث نمود ما را یوسف، از حسن بن ولید، و او از عمرو بن محمد شیبانی، از ابراهیم بن عبدالرحمان کوفی، از محمد بن فضیل بن عرفان بن عمران که گفت: حکایت کرده ما را اسماعیل بن جویر، از ضحاک، از ابن عباس رضی الله عنهما که در خدمت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام نشسته بودم. مردی بر آن حضرت داخل شد، که رنگ او متغیر شده بود. گفت: یا امیرالمؤمنین! من مردی علیل و اکثر اوقات صاحب دردم، به من دعائی تعلیم نمائید، که به برکت آن دعا از مریضی شفایابم. پس آن حضرت فرمودند: دعائی تو را تعلیم نمایم، که آن را جبرئیل علیه السلام به پیغمبر صلی الله علیه و آله، در بیماری فرزندام حسن و حسین، تعلیم نموده است.

إِلَهِي كُلَّمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ نِعْمَةً قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا شُكْرِي، وَ كُلَّمَا
ای خدای من هر وقت که بخشیدی به نعمتی را کم شدن نزد آن نعمت شکر من، و هرگاه که
ابْتَلَيْتَنِي بِبَلِيَّةٍ قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا صَبْرِي، فَيَا مَنْ قَلَّ شُكْرِي عِنْدَ
امتحان نموده مرا به بلائی کم شدن نزد آن صبرم، پس ای آنکه کم است شکر من نزد
نِعَمِهِ فَلَمْ يَحْرِمْنِي، وَ يَا مَنْ قَلَّ صَبْرِي عِنْدَ بَلَائِهِ فَلَمْ يَخْذُلْنِي،
نعمتهایش پس محروم نساخته ای مرا، و ای آنکه کم است صبرم نزد بلائی او پس ترک ننموده ای یاری مرا.
وَ يَا مَنْ رَانِي عَلَى الْمَغَاصِبِ فَلَمْ يَفْضَحْنِي، وَ يَا مَنْ رَانِي
و ای آنکه دیده است مرا بر گناهان پس رسوا نکرده مرا، و ای آنکه دیده است مرا
عَلَى الْخَطَايَا فَلَمْ يُعَاقِبْنِي عَلَيْهَا، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،
بر خطاها پس عذاب ننموده مرا بر آنها، رحمت فرست بر محمد و آل محمد،
وَ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي، وَ اشْفِنِي مِنْ مَرَضِي، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.
و بیماریام را، و شفاده از بیماریم، بدرستی که تو بر انجام همه چیز قادری.

ابن عباس گوید: بعد از یک سال آن شخص بیمار را دیدم که خوب شده بود و رنگی

حرزهای حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

داشت در نهایت خوبی و سرخ روئی و به من گفت: نخواندم خدای خود را در حالت بیماری، به این دعا، مگر که شفا یافتم و در هیچ دردی نخواندم، مگر آن که از آن درد نجات یافتم، و داخل نشدم بر هیچ پادشاهی که می ترسیدم از جور او، مگر آن که خدای تعالی جور او را از من دفع کرد.

✽ حرز دوم حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) ✽

آن حضرت این حرز را می نوش و بر بازوی راست مبارک خود می بست.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به یاری نام خدای بخشنده مهربان

ای کنوش ای کنوش اره شش عطیطلننلبج یا مططرون
قرتالسیون ما و ما ماسوما طبطسالوس حنطوس مسبققیس
مناصعوس افرطیعوس لطفیکس هذا هذا

و مَا كُنْتُ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَى مُوسَى الْأَمْرَ، وَ مَا

و نبودی ای پیغمبر به سمت مغرب گنوه طور در وقتی که فرستادیم به سوی موسی وحی را، و

كُنْتُ مِنَ الشَّاهِدِينَ، أَخْرَجَ بِقُدْرَةِ اللَّهِ مِنْهَا أَيُّهَا اللَّعِينُ، بِعِزَّةِ رَبِّ

نبودی از جمله شاهدان بر وحی، بیرون رو به سبب قدرت خدا از جنت ای شیطان ملعون به قوت پروردگار

الْعَالَمِينَ، أَخْرَجَ مِنْهَا وَ إِلَّا كُنْتُ مِنَ الْمَسْجُوبِينَ. أَخْرَجَ مِنْهَا

عالمیان، بیرون رو از آن و اگر نه خواهمی بود از زندانیان، بیرون رو از آن

فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا، فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ. أَخْرَجَ

پس نیست از برایت آن که اطاعت نکنی در جنت، پس بیرون رو که تو از جمله خواران، بیرون رو

مِنْهَا مَذْمُومًا مَذْخُورًا مَلْعُونًا، كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ، وَ كَانَ أَمْرُ

از جنت در حال مذمت منع لعنت شده، همچنان که لعنت کردیم اصحاب شنبه را و باشد حکم

اللَّهِ مَفْعُولًا، أَخْرَجَ يَا ذَا الْمَخْزُونِ، أَخْرَجَ يَا سُورَا يَا سُورَا

خدای تعالی انجام شده، بیرون رو ای صاحب آتدوه، بیرون رو ای سور ای سور

بِالْإِسْمِ الْمَخْزُونِ، يَا طَطْرُونَ طَرَعُونَ مُرَاعُونَ، تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ

ببیرون رو به سبب اسم محفوظ نزد جناب الهی، بلند است خدا که نیکوتر است

الْخَالِقِينَ يَا هَيَّا شَرَاهِيَا حَيًّا قَيُّومًا، بِالْإِسْمِ الْمَكْتُوبِ عَلَى جَبْهَةِ

از همه خلق کننده ها، ای ازلی ای دایمی ای همیشه ای زنده قائم، به سبب نام نوشته شده بر پیشانی

حرزهای حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

إِسْرَافِيلَ، أَطْرُدُوا عَنْ صَاحِبِ هَذَا الْكِتَابِ كُلَّ جِنِّيٍّ وَ جِنِّيَّةٍ، وَ
اسرافیل. دور کنید از صاحب این نوشته هر مرد و زن جانی را، و

شَيْطَانٍ وَ شَيْطَانَةٍ، وَ تَابِعِ وَ تَابِعَةٍ، وَ سَاحِرٍ وَ سَاحِرَةٍ، وَ غُولٍ
مرد و زن شیطان را، و مرد و زن تابع و تابعه، و ساحر و ساحره، و غول

وَ غُولَةٍ، وَ كُلَّ مُتَعَيِّثٍ وَ غَابِثٍ يَغْبِثُ بِابْنِ آدَمَ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ
وزن دیو سیرتر، و هر جانی بسیار بازیگر و هر بازی کننده که بازی کند به فرزندان آدم، نیست حرکتی و نه قدرت

إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ
مگر به یاری خدا که بلند و بزرگ است، و رحمت فرستد خدا بر سید ما محمد و بر خاندان

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.

که پاکیزه و پاکند.

سوره الفاتحه

سوره الفاتحه

سوره الفاتحه

خیر خیر خیر خیر خیر، ثُمَّ ثُمَّ سِرْجَه حِلْدِ اَمَلِ وَ سِرْ حِلْدِ اَبَلِ
تم و کمل.



حرز سوم حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)



اَللّٰهُمَّ بِتَالِقِ نُوْرِ بَهَاءِ عَرْشِكَ مِنْ اَعْدَائِيْ اسْتَقْرْتُ، وَ بِسَطْوَةِ
بار خدایا به سبب درخشندگی روشنی جمال عرش از دشمنانم پنهان می گردم، و به سبب شدت خشم

الْجَبْرُوتِ مِنْ كَمَالِ عِزِّكَ مِمَّنْ يَكِيدُنِيْ اخْتَجَبْتُ، وَ بِسُلْطَانِكَ
بزرگی که از نهایت قوت تو است از کسی که عداوت نماید مرا پوشیده می گردم، و به پادشاهیت

الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ مَرِيدٍ، وَ شَيْطَانٍ عَبِيدٍ اسْتَعَدْتُ، وَ مِنْ
که بزرگ است از بدی پادشاهی ظالم کننده، و هر شیطانی سرکش و پناه می برم، و از

فَرَائِضِ نِعَمِكَ، وَ جَزِيلِ عَطَايِكَ يَا مَوْلَايَ طَلَبْتُ، كَيْفَ أَخَافُ وَ
واجبهای نعمتهایت، و از بخشش بزرگت ای مولای من طلب می نمایم، چگونه بترسم و

حرزهای حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

أَنْتَ أَمَلِي، وَ كَيْفَ أَضَامُ وَ عَلَيْكَ مُتَّكِلِي، أَسَلَمْتُ إِلَيْكَ نَفْسِي، وَ

حال آن که به تو امید دارم، و چگونه سندیده شوم و حال آن که بر تو است اعتماد من، تسلیم کردم به تو نفسم را، و

فَوَضَّعْتُ إِلَيْكَ أَمْرِي، وَ تَوَكَّلْتُ فِي كُلِّ أَحْوَالِي عَلَيْكَ، صَلِّ عَلَى

باز گذاشتم به سوی تو کارم را، و توکل نمودم در هر حال بر تو، رحمت فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اشْفِنِي وَ اكْفِنِي، وَ أَغْلِبْ لِي مَنْ غَلَبَنِي يَا

محمد و بر آل محمد، و شفاده و کفایت نمای، و غالب گردان مرا بر کسی که غالب شده مرا ای

غَالِباً غَيْرَ مَغْلُوبٍ، زَجَرْتُ كُلَّ رَاصِدٍ رَصْدًا، وَ مَارِدٍ مَرَدًا، وَ حَاسِدٍ

غالبی که مغلوب نگردی، دور گردانیدم هر کعبین کننده را که مهیاست، و هر سرکشی که یاغی شده، و هر حسد کننده

حَسَدًا، وَ عَائِدٍ عِنْدَ، بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ.

که حسد برد، و هر دشمنی که دشمنی کند، به اسم خدای بخشنده مهربان، بگو تو ای محمد او خدای یگانه است.

اللَّهُ الصَّمَدُ. لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ. وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. وَ كَذَلِكَ اللَّهُ

خدای بی نیاز است. نه زاییده کسی را و نرانیده شده، و نباشد او را همانند کسی، و اینچنین است خدای

رَبُّنَا، وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ، وَ أَقْوَى مُعِينٍ.

پروردگار ما، و کافی است ما را خدای و نیکی وکیل است او، و قوی ترین مددکار است.



حرز امام حسن و امام حسین (علیه السلام)



روایت نموده شیخ علی بن عبدالصمد، از شیخ فقیه جدّ خود علی بن حسن بن عبدالصمد تمیمی که خبر داده به من والد امیرالمؤمنین فقیه که حدیث نموده به ما ابوالقاسم علی بن محمد بن معادی که محله ای است در نیشابور که منسوب بوده است به معاد بن مسلم و او نقل نموده از ابوجعفر محمد بن علی که حکایت نموده ما محمد بن حسن بن احمد بن ولید، از محمد بن حسن، از احمد بن عبد الله برقی، از قاسم بن یحیی بن حسن بن راشد، از جدّ خود ابی بصیر و محمد بن مسلم و این هر دو گفتند: حدیث فرمودند به ما حضرت امام جعفر بن محمد الصادق از پدر خود و همچنین از پدران خود، از حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) که آن حضرت فرمودند: رسول اکرم حضرت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) تعویذ نمودند حضرت امام حسن و امام حسین (علیه السلام) را به این عوده و امر فرمودند به همه اصحاب، که ایشان نیز مداومت به خواندن این حرز نمایند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به یاری نام خدای بخشنده مهربان

حز حضرت امام حسن علیه السلام

أُعِيذُ نَفْسِي وَ دِينِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وَلَدِي، وَ خَوَاتِيمَ عَمَلِي وَ مَا

بناهی منم خودم و دینم و خاندانم و مال و فرزندانم، و عاقبت کارهایم را و آنچه

رَزَقَنِي رَبِّي وَ خَوْلَانِي، بِعِزَّةِ اللَّهِ، وَ عَظَمَةِ اللَّهِ، وَ جَبَرُوتِ اللَّهِ، وَ

دادهاست به من پروردگارم و عطا نموده، به قوت خدای تعالی، و بزرگی و عظمت خدای تعالی، و

سُلْطَانِ اللَّهِ، وَ رَحْمَةِ اللَّهِ، وَ رَأْفَةِ اللَّهِ، وَ غُفْرَانِ اللَّهِ، وَ قُوَّةِ اللَّهِ، وَ

پادشاهی خدای تعالی، و رحمت خدای تعالی، و مهربانی خدای تعالی، و آمرزش خدای تعالی، و قوت خدای تعالی، و

قُدْرَةِ اللَّهِ، وَ بِلَاءِ اللَّهِ، وَ بَصْنَعِ اللَّهِ، وَ بِأَرْكَانِ اللَّهِ، وَ بِجَمْعِ اللَّهِ

قدرت خدای تعالی، و به نعمتهای خدای تعالی، و به آفرینش خدای تعالی، و به رکنهای خدای تعالی، و به جمع خدای

عَزَّ وَ جَلَّ، وَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، وَ بِقُدْرَةِ اللَّهِ

عزیز و بزرگوار، و به پیغمبر خدا که درود و سلام خدا بر او و بر آلش، و به توانایی خدا

عَلَى مَا يَشَاءُ، مِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَ الْهَامَةِ، وَ مِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ، وَ

بر هر چیزی که خواهد از شر هرگزنده و کشنده، و از شر جن و انس، و

مِنْ شَرِّ مَا دَبَّ فِي الْأَرْضِ، وَ مِنْ شَرِّ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا، وَ مِنْ شَرِّ مَا

از شر آنچه حرکت نماید در زمین و از شر آنچه که بیرون آید از زمین، و از شر آنچه که

يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ مَا يَخْرُجُ فِيهَا، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي آخِذٌ

فرود آید از آسمان و آنچه که بالا رود بسوی آسمان، و از شر هر جنبنده که پروردگار گرفته است

بِنَاصِيَّتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

بیشناسش را، بدرستی که پروردگار بر راه راست است، و خدای تعالی بر انجام هر چیز

قَدِيرٌ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى

قادر است، و نیست حرکتی و نه قوتی مگر به یاری خدای بلند مرتبه بزرگ، و درود فرستد خدا بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ.

محمد و خاندانش همگی.



حز حضرت امام حسن علیه السلام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به یاری نام خدای بخشنده مهربان

اَللّهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ بِمَكَانِكَ وَ مَعَاقِدِ عِزِّكَ، وَ سُكَّانِ سَمَوَاتِكَ وَ

خداوند! براسستی سؤال می‌کنم از تو به حق منزلت و مقام عزت، و به ساکنان آسمانها و

اَرْضِكَ، وَ اَنْبِیَائِكَ وَ رُسُلِكَ، اَنْ تَسْتَجِیْبَ لِی، فَقَدْ رَهَقْنِی مِنْ

و زمینت، و پیغمبران و فرستادگانت، این که اجابت نمایی مرا، چون که فرو گرفته مرا

حرزهای حضرت زین العابدین علیه السلام

أَمْرِي عُسْرُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

کارهایم را سختی و دشواری. بار خدایا سؤال می‌کنم از تو این که درود فرستی بر محمد و خاندان محمد.

وَأَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ عُسْرِي يُسْرًا.

و این که بگردانی شدت و دشواریم را به آسانی.



حرز حضرت امام حسین علیه السلام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به یاری نام خدای بخشنده مهربان

يَا دَائِمُ يَا دَيْمُومُ، يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ، يَا كَاشِفَ الْغَمِّ، يَا فَارِجَ الْهَمِّ، يَا

ای همیشگی ای ازلی، ای زنده ای قایم به ذات، ای برطرف سازنده غم، ای فرج دهنده اذیت، ای

بَاعِثَ الرُّسُلِ، يَا صَادِقَ الْوَعْدِ. اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ لِي عِنْدَكَ رِضْوَانٌ وَ

برانگیزنده پیامبران، ای راست گوی در وعده. خدایا اگر باشد برای من در نزدت خشنودی و

وُدٌّ، فَاعْفِرْ لِي وَ مَنْ اتَّبَعَنِي مِنْ إِخْوَانِي وَ شَبِيعَتِي، وَ طَيِّبْ مَا فِي

دوستی، پس بیامرز مرا و آن را که تبعیت نموده مرا از برادران و همراهانم، و پاک گردان آنچه را که در

صُلْبِي، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَ صَلِّ اللَّهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ

قلب من است، به حق رحمتی ای رحیم کننده ترین رحم کنندگان، و درود فرستد خدا بر محمد و

آلِهِ أَجْمَعِينَ.

خاندانش همگی.



حرزهای حضرت زین العابدین علیه السلام



حرز اول حضرت زین العابدین علیه السلام



حرز کامل از برای حضرت امام زین العابدین علیه السلام که آن حضرت این حرز را از کتاب

خدای تعالی بیرون آورده است و باید که قرائت شود در هر صبح و شام.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به یاری نام خدای بخشنده مهربان

اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَ أَعْلَى وَ أَجَلُّ، وَ أَعْظَمُ مِمَّا أَخَافُ

خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر و بلند مرتبه تر و عظیم تر است، و بزرگتر است از چیزی که می‌ترسم

حرزهای حضرت زین العابدین (علیه السلام)

وَ أَخْذَرُ، أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ، عَزَّ جَارُ اللَّهِ، وَ جَلَّ ثَنَاءُ اللَّهِ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

و حذر می نمایم، پناه می برم به خدا، که غالب است پناه برنده به خدا، و عظیم است مدح خدا، و نیست معبودی به غیر خدا

وَ حَذَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ كَثِيرًا.

یکمی است و نیست شریکی برایش، و درود فرستد خدا بر محمد و بر خاندانش و سلام بسیار.

اللَّهُمَّ بِكَ أَعِيزُ نَفْسِي وَ دِينِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وَلَدِي، وَ مَنْ

بار خدایا به تو پناه می فرمایم نفسم را و دینم را و اهلم را و مالم را و فرزندم را، و کسی که

يَعْنِينِي أَمْرُهُ. اللَّهُمَّ بِكَ أَعُوذُ، وَ بِكَ أَلُوذُ، وَ بِكَ أَصُولُ، وَ إِيَّاكَ

قصد نماید مرا شأن او. خداوندایا به تو پناه می برم، و به تو التجأ می کنم، و به سبب تو مسلط می شوم، و ترا

أَعْبُدُ، وَ إِيَّاكَ أَسْتَعِينُ، وَ عَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ، وَ أَذْرَأُ بِكَ فِي نَحْرِ

می پرستم، و از تو طلب یاری می کنم، و بر تو اعتماد می کنم، و دفع می نمایم به وسیله تو در گودی سینه

أَعْدَائِي، وَ أَسْتَعِينُ بِكَ عَلَيْهِمْ، وَ أَسْتَكْفِيكَهُمْ فَكَفْنِيهِمْ بِمَا

دشمنانم، و طلب اعانت می نمایم از تو بر ایشان، و از تو طلب کفایت می کنم بر ایشان پس کفایت

شِئْتِ، وَ كَيْفَ شِئْتِ، وَ حَيْثُ شِئْتِ، بِحَقِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، إِنَّكَ عَلَى

کن مرا به هر گونه که خواهی، و هر نحو که خواهی، و هر وقت که اراده کنی، به حق نیست خدائی به غیر از تو، بدرستی که تو بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ، وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. قَالَ

هر چیزی قادری. پس زود باشند که کفایت نماید تو را از شر ایشان خدا، و اوست شنوای دانای. گفت

سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ، وَ نَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا، فَلَا يَصِلُونَ

خدا زود باشد که محکم گردانم بازوی تو را به برادرت، و بگردانیم از برای شما حجتی و معجزه ای، پس نمی رسند

إِلَيْكُمَا بِأَيَاتِنَا، أَنْتُمَا وَ مَنْ اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ. قَالَ لَا تَخَافَا، إِنَّنِي

به شما به سبب آیات، شما و کسانی که پیروی نموده شما را غلبه کننده اید. گفت مترسید

مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَ أَرَى. قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ

بدرستی که من با شما می شنوم و می بینم گفت (مریم) بدرستی که من پناه می برم به خدای بخشنده از تو اگر باشی

تَقِيًّا. إِخْسَئُوا فِيهَا وَ لَا تَكَلِّمُونِ. إِنِّي أَخَذْتُ بِسَمْعِ مَنْ يُطَالِبُنِي

برهیزکار. دور شوید و خوار باشید در جهنم و سخن مگویند با من. می گیرم به گوش شخصی که طلب نماید مرا

بِالسُّوءِ، بِسَمْعِ اللَّهِ وَ بَصَرِهِ وَ قُوَّتِهِ، بِقُوَّةِ اللَّهِ، وَ حَبْلِهِ الْمُتَيْنِ

به بدی، به وسیله گوش خدا و چشم خدا و توانایی خدا، به قوت و به ریسمان محکم خدا

وَ بِسُلْطَانِهِ الْمُبِينِ. فَلَيْسَ لَهُمْ عَلَيْنَا سَبِيلٌ وَ لَا سُلْطَانٌ، إِنْ

و به غلبه و قوت آشکار خدا. پس نیست از برای ایشان بر ما راهی و نه غلبه کردنی، اگر

شَاءَ اللَّهُ، سَتَرْتُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ بَسِطَ النُّبُوءَةِ الَّذِي سَتَرَ اللَّهُ

خدا خواهد، پوشانیدم میان خودمان و میان ایشان را به حجاب نبوتی که حجاب قرار داده خدا

حرزهای حضرت زین العابدین علیه السلام

لَأَنْبِيَائِهِ بِهِ مِنَ الْفَرَاغَةِ، جَبْرَائِيلُ عَنْ أَيْمَانِنَا، وَمِيكَائِيلُ عَنْ

از برای پیغمبرانش به وسیله آن از کافران و ظالمین، جبرئیل از طرف راست و میکائیل از جانب

یَسَارِنَا، وَاللَّهُ مُطَّلِعٌ عَلَيْنَا، وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا، وَ مِنْ

چپ ما، و خدا آگاه است بر ما، و گردانیدیم از پیش روی ایشان حاجبی، و از

خَلْفِهِمْ سَدًّا، فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ. شَاهَتِ الْوُجُوهُ فَعَلِبُوا

عقب سر ایشان مانی، پس پوشانیدیم چشמהای ایشان را و ایشان نمی بینند. قبیح است روی های ایشان پس مغلوب شدند

هُنَالِكَ وَ انْقَلَبُوا صَاغِرِينَ. صُمُّ بَكْمٌ عُمَى فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ. وَ

در این منگام و گردیدند ذلیل و خوار. کردند گنگند کورند پس ایشان نمی بینند حقرا. و

إِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ

مرگام می خوانی قرآن را قرار می دهیم میان تو و آنان که ایمان نمی آورند به آخرت

حِجَابًا مَسْتُورًا. وَ جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ، وَ فِي

برده پوشیده شده. و قرار می دهیم بر دلهای ایشان پوششها که مانعند از آن که بفهمند قرآن را، و در

أَذَانِهِمْ وَ قَرَأَ. وَ إِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَ حِدَةً، وَلَّوْا عَلَى

گوشه های شان گرانوی را. و چون یاد کنی پروردگار خود را در قرآن که یگانه است، بازگردند کافران بر

أَذْبَارِهِمْ نَفُورًا. قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ، أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ

پشتهای خود در حالی که ترسند و متنفر باشند. بگو تو که بخوانید خدا را یا بخوانید رحمان را، به هر نام که بخوانید پس از برای اوست

الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى. وَ لَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَ لَا تُخَافِتْ بِهَا، وَ ابْتَغِ

نامهای نیکو. و بلند مخوان قرآن را در نماز خود و آهسته نیز مخوان، و طلب نمای

بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا. وَ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ

میان بلند و آهسته راهی حد وسط. و بگو ستایش مخصوص خداست که فرانگرفته فرزندی را و نیست

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ، وَ كِبَرُهُ

برای او شریکی در پادشاهی. و نیست از برای او یاری و مددکاری از خواری، و به بزرگی یادکن او را

تَكْثِيرًا. سُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَ أَصِيلًا. حَسْبِيَ اللَّهُ

بزرگی دارای سزاواری. تسبیح گویند و ستره سازید خدا را در وقت صبح و عصر. بس است مرا خدا

مِنْ خَلْقِهِ، حَسْبِيَ اللَّهُ الَّذِي يَكْفِي، وَ لَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ،

از مخلوقات، کافی است مرا خدا که بس است و احتیاج به غیر نیست، و بی نیاز نیست از او چیزی،

حَسْبِيَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ، حَسْبِيَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ

کافی است مرا خدا و نیکو و کیلی است، کافی است خدا کسی که نیست خدائی جز او، بر

تَوَكَّلْتُ، وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ. أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى

او اعتماد نموده ام، و اوست پروردگار عرش بزرگ. کافران آن جماعتند که مهر نموده است خدا بر

حرزهای حضرت زین العابدین علیه السلام

قُلُوبِهِمْ وَ سَمْعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ، وَ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ. أَفَرَأَيْتَ

دل‌های ایشان و گوش‌های ایشان و چشم‌های ایشان و ایشانند غافلان از عذاب خدا. آیا پس دیده‌ای

مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ، وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ، وَ خَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَ

آنرا که فراموش کرد خدای خود را از روی خواهش خود، و یازگذازد خدا او را در گمراهی بر دانش، و مهرزد بر گوش او و

قَلْبِهِ، وَ جَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً، فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ، أَفَلَا

بر دل او، و گردانید بر چشم او پرده‌ای، پس کیست که راه نماید آن شخص را بعد از واگذاشتن خدا او را؟ آیا پس

تَذَكَّرُونَ. إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ، وَ فِي آذَانِهِمْ

بند نمی‌گیرید شما؟ بدرستی که گردانیدیم بر دل‌های ایشان پوشش‌ها که مانع‌اند از آن که بفهمند قرآن را، و گردانیدیم در

وَقَرَأَ، وَ إِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا. اَللَّهُمَّ اخْرُسْنَا

گوشه‌های ایشان کوری را، و اگر بخواهی ایشان را به راه حق هرگز به راه نمی‌آیند. بار خدایا نگاه‌دار

بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَ اخْنُقْنَا بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ، وَ أَعِزَّنَا

مارا به چشمت که نمی‌خوابد، و محافظت نمای مارا به قوت که زایل نگردد، و پناه ده مارا

بِسُلْطَانِكَ الَّذِي لَا يُضَامُ، وَ ارْحَمْنَا بِقُدْرَتِكَ يَا رَحْمَنُ. اَللَّهُمَّ لَا

به پادشاهیت که ستم نمی‌کند، و مهربانی نمای مارا به تواناییت ای بخشنده. بار خدایا

تُهْلِكُنَا وَ أَنْتَ بِنَا بَرٌّ، يَا رَحْمَنُ لَا تُهْلِكُنَا وَ أَنْتَ رَبُّنَا. حَسْبِيَ الرَّبُّ

هلاک مگردان مارا در حالیکه به ما نیکوکننده‌ای، ای بخشنده هلاک مگردان مارا در حالیکه تو پروردگار مانی، پس است مرا پروردگار

مِنَ الْمَرْبُوبِينَ، حَسْبِيَ الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ، حَسْبِيَ مَنْ لَمْ

از همه پرورده شده‌ها، کافی است مرا آفریدگار از مخلوقات، کافی است مرا آن که

يَزُلْ حَسْبِيَ، حَسْبِيَ الَّذِي لَا يَمُنُّ عَلَى الَّذِينَ يَمُنُّونَ، حَسْبِيَ اللَّهُ وَ

همیشگی است، کافی است مرا آن که منت نگذارد بر آنان که بخشش نماید، کافی است مرا خدا و

نِعْمَ الْوَكِيلُ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ كَثِيرًا.

نیکو معتمدی است، و درود فرستد خدا بر آقای ما محمد و بر خاندانش و سلام فرستد سلامی زیاد.

اَللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ فِي حِمَاكَ الَّذِي لَا يُسْتَبَاحُ، وَ ذِمَّتِكَ الَّتِي لَا

خداوند بدرستی که داخل در صبح شدم در سایه حمایتت که مباح گردانیده نیست، و در ضمان تو که

تُخَفَّرُ، وَ جِوَارِكَ الَّذِي لَا يُضَامُ، وَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ،

شکسته نمی‌شود، و در پناهت که ستم رسیده نمی‌شود، و طلب می‌نمایم از تو خداوند به حق عزت و توانایت،

أَنْ تَجْعَلَنِي فِي حِرْزِكَ وَ جِوَارِكَ وَ أَمْنِكَ وَ عِيَانِكَ وَ عُدَّتِكَ وَ

که بگردانی مرا در حفظ و پناه و امنیت و یاریت و منع نمودنت و در نگاهداشتنت

عَقْدِكَ وَ حِفْظِكَ وَ أَمَانِكَ، وَ مَنْعِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ، وَ عِزِّكَ الَّذِي لَا

و در ایمن داشتن داشتنت، و در منع نمودنت که زایل نمی‌شود، و در غالب بودن

حرزهای حضرت زین العابدین (علیه السلام)

يُسْتَطَاعُ مِنْ غَضَبِكَ، وَ سُوءِ عِقَابِكَ، وَ سُوءِ أَخْذَاتِ النَّهَارِ، وَ

که نیست مقدور احدی از خشم، و از بدی عذاب، و از بدی چیزهایی که حادث شود در روز، و

طَوَارِقِ اللَّيْلِ، إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ يَا رَحْمَنُ. اَللّٰهُمَّ يَدُكَ فَوْقَ

اشیایی که وارد شود در شب مگر وارد شونده‌ای که وارد شود به خوبی ای بخشنده. خداوند قوت تو بالای

كُلِّ يَدٍ، وَ عِزَّتُكَ أَعَزُّ مِنْ كُلِّ عِزَّةٍ، وَ قُوَّتُكَ أَقْوَى مِنْ كُلِّ قُوَّةٍ، وَ

همه قوت‌هاست و غلبه تو غلبه کننده‌تر است از هر غلبه‌ای و توانایت قوی‌تر است از هر توانایی، و

سُلْطَانُكَ أَجَلُّ، وَ أَمْنَعُ مِنْ كُلِّ سُلْطَانٍ، أَذْرَأُ بِكَ فِي نُحُورِ أَعْدَائِي،

پادشاهیت عظیم‌تر و منع کننده‌تر است از هر پادشاهی‌ای. منع می‌کنم و طعن می‌زنم به قوت تو در نحرهای دشمنانم

وَ أَسْتَعِينُ بِكَ عَلَيْهِمْ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ، وَ أَلْجَأُ إِلَيْكَ

و طلب امداد می‌نمایم از تو بر غالب شدن بر ایشان و پناه می‌برم به تو از شرهای ایشان و التجا می‌برم به سوی

فِيمَا أَشْفَقْتُ عَلَيْهِ مِنْهُمْ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ

در حفظ چیزی که دوست و مهربانم بر آن چیز از شر ایشان و رحمت خدا باد بر محمد و بر آل محمد و

أَجِرْنِي مِنْهُمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. وَ قَالَ الْمَلِكُ انْتَوْنِي بِهِ

پناه بده مرا از دشمنانم ای رحم کننده‌ترین رحم کننده‌ها و گفت پادشاه مصر بیاورید برای من یوسف را تا خالص گردانم او را

أَسْتَخْلِصُهُ لِنَفْسِي، فَلَمَّا كَلَّمَهُ، قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ.

از برای مهمات خود، چون آمد و سخن گفت، عزیز مصر گفت: تو امروز نزد ما در نهایت تقرب و مؤتمنی بر همه چیزها.

قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ، إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْكُمْ. وَ كَذَلِكَ مَكَّنَّا

گفت یوسف بگردان مرا گماشته بر خزانه‌های زمین مصر بدرستی که من نگاهدارنده و دانیام به مصالح آنها و همچنین جای دادیم

لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوهُ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ، نَصِيبٌ بِرَحْمَتِنَا

بـیوسف را در زمین مصر تا جای می‌گرفت از آن زمین هر جایی که می‌خواست. می‌رسانیم به رحمت خود

مَنْ نَشَاءُ، وَ لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ. وَ لِأَجْرِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ

هر که را خواهیم و ضایع نمی‌کنیم مزد نیکوکاران را و هر آینه مزد آخرت بهتر است برای

آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ. وَ خَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ

جماعتی که ایمان دارند و هستند پرهیزکار از معاصی و روز قیامت ضعیف و پست شود آوازه‌ها از جهت

إِلَّا هَمْسًا. أَعِيزْ نَفْسِي وَ دِينِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وَلَدِي، وَ جَمِيعَ

خوف خدا. پس نشنوی در آن روز مگر آوازی آهسته. پناه می‌فرمایم نفس خود را و دینم را و اهل خانه‌ام را و مالم را و فرزندم را و همه

مَنْ يَلْحَقُهُ عِنَايَتِي، وَ جَمِيعَ نِعَمِ اللَّهِ عِنْدِي، بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

جماعتی را که رسیده‌است به ایشان خواهش من و همه نعمتهای خدا را که در نزد من است به اسم خدای بخشنده

الرَّحِيمِ. بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَضَعْتُ لَهُ الرَّقَابُ، وَ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي

مهربان. به اسم خدا که ذلیل است از برای او گردنهای خلائق و به اسم خدا که

حرزهای حضرت زین العابدین علیه السلام

خَافَتُهُ الصُّدُورُ، وَ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي وَ جِلَتْ مِنْهُ النُّفُوسُ، وَ بِسْمِ اللَّهِ

می ترسند از او سینه ها، و به اسم خدا که می ترسند از او نفس های خلاق و به اسم خدا

الَّذِي قَالَ لِلنَّارِ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ، وَ أَرَادُوا بِهِ

که گفت به آتش: سرد باش و سالم بر حضرت ابراهیم، و خواستند به ابراهیم

كَيْدًا، فَجَعَلْنَاهُمْ الْأَخْسَرِينَ. وَ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي مَلَأَ الْأَرْكَانَ كُلَّهَا، وَ

مکر کنند، پس گردانیدیم آنان را زیان کاران. و به اسم خدا که پر کرده اطراف آنها را، و

بِعَزِيمَةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تُخْصَى، وَ بِقُدْرَةِ اللَّهِ الْمُسْتَطِيلَةِ عَلَىٰ

به اراده خدا که بشماره در نمی آید، و به توانائی خدا که شامل است بر

جَمِيعِ خَلْقِهِ، مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَنْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا، وَ مِنْ شَرِّ سُلْطَانِهِمْ

همه مخلوقاتش، از شر همه در این دنیا، و از شر پادشاهانشان

وَ سَطَوَاتِهِمْ وَ حَوْلِهِمْ وَ قُوَّتِهِمْ وَ غَدْرِهِمْ وَ مَكْرِهِمْ. وَ أُعِيدُ

و از شر حمله هایشان و از قوتشان و از غلبه و مکر و حيله ایشان، و پناه می دهم

نَفْسِي، وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وَلَدِي وَ ذَوِي عِنَايَتِي، وَ جَمِيعِ نِعَمِ اللَّهِ

نفس خود را و اهلم و مال و فرزندان و دوستان را، و همه نعمتهای خدا که

عِنْدِي، بِشِدَّةِ حَوْلِ اللَّهِ، وَ شِدَّةِ قُوَّةِ اللَّهِ، وَ شِدَّةِ بَطْشِ اللَّهِ، وَ

در نزد من است، به شدت قدرت خدا، و شدت غلبه خدا، و به سختی قوت خدا، و

شِدَّةِ جَبَرُوتِ اللَّهِ، وَ بِمَوَاقِفِ اللَّهِ، وَ طَاعَتِهِ عَلَىٰ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ،

سختی عظمت و جلال خدا، و به پیمان و عهده های خدا، و اطاعت کردن خدا که قرار داده آنرا بر جن و انس،

بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي يُفْسِكُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا، وَ لَئِنْ زَالَتَا

پناه می برم به اسم خدا که نگاه می دارد آسمانها و زمین را از آن که زایل شوند، و هر آینه

إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ، إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا. وَ بِسْمِ اللَّهِ

اگر زایل شوند نگاه نخواهند داشت آنها را احدی غیر از خدا، بدرستی که خدا بردبار و آمرزنده است. و پناه می جویم به نامش

الَّذِي فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَآئِيلَ، وَ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي الْأَن لِدَاوُدَ

که شکافت دریا را برای بنی اسرائیل، و به اسم خدا که نامش که نرم ساخت از جهت داود

الْحَدِيدِ، وَ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي الْأَرْضَ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ،

آهن را و به نامش که زمین تماماً در یکدست اوست در روز قیامت

وَ السَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ، سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

و آسمانها در هم پیچیده شده است به قدرت او پاک و منزله است خدا و بلند است از چیزی که شریک قرار می دهند او را

مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَنْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا، وَ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَنْ خَلَقَهُ، وَ مَا

پناه می برم از شر همه کسانی که در این دنیا اند و از شر همه کسانی که خدا خلق نموده ایشان را و از

حرزهای حضرت زین العابدین (علیه السلام)

أَخَاطَ بِهِ عِلْمُهُ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ، وَ مِنْ شَرِّ حَسَدِ كُلِّ حَاسِدٍ، وَ
 شَرِّ چیزی که فرو گرفته است به او علم خدا و از شر هر صاحب شری و از شر رشک بردن هر حسد برنده و
 سِعَايَةِ كُلِّ سَاعٍ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ شَأْنُهُ.
 جهد نمودن هر سعی کننده در بدی و نیست قدرتی از برای ما و نه قوتی مگر به خدا که بلند و بزرگ است شأن و امر او
 اللَّهُمَّ بِكَ أَسْتَعِينُ، وَ بِكَ أَسْتَعِيزُ، وَ عَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ، وَ أَنْتَ رَبُّ
 خداوند از تو طلب امداد می نمایم و از تو مطالبه فریادرسی می کنم و بر تو اعتماد می نمایم و تویی پروردگار
 الْعَرْشِ الْعَظِيمِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اخْفِظْنِي وَ
 عرش کبریا را بزرگوار گردان. بار خدایا رحمت نمای بر محمد و آل محمد و نگاه دار و
 خَلِّصْنِي مِنْ كُلِّ مَعْصِيَةٍ وَ مُصِيبَةٍ نَزَلَتْ فِي هَذَا الْيَوْمِ، وَ فِي هَذِهِ
 زمانی ده مرا از هر گناهی و بیلانی که وارد شده در این روز و در این
 اللَّيْلَةِ، وَ فِي جَمِيعِ الْأَيَّامِ وَ اللَّيَالِي مِنَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ، إِنَّكَ
 شب و در همه روزها و شبها از آسمانها و از زمین، بدرستی که
 عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. بِسْمِ اللَّهِ عَلَى نَفْسِي، وَ أَهْلِي، وَ مَالِي وَ
 تو بر همه چیز بسیار توانا هستی. بسم الله می گویم به اسم خدا بر نفسم و اهل و مال و
 وَلَدِي بِسْمِ اللَّهِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ أَعْطَانِي رَبِّي. بِسْمِ اللَّهِ خَيْرُ
 فرزندم. بسم الله می برم به اسم خدا بر هر چیزی که بخشیده است آنرا به من پروردگارم. بسم الله می گویم به اسم خدا
 الْأَسْمَاءِ، بِسْمِ اللَّهِ رَبِّ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ
 که بهتر از همه اسم ها است بسم الله خدا که پروردگار زمین و آسمان است بسم الله خدا که ضرر نمی رساند
 مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ، وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.
 با وجود اسمش چیزی که در زمین و نه در آسمان باشد و خداست شنونده و دانای
 اللَّهُمَّ رَضِّنِي بِمَا قَضَيْتَ، وَ عَافِنِي فِي مَا أَمْضَيْتَ، حَتَّى لَا أَجِبَ
 خداوند! خوشنود گردان مرا به چیزی که حکم نموده ای و نجات ده مرا در بلاها و مصیبتها که جاری شده است امر تو به آنها تا که دوست ندارم
 تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ، وَ لَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ
 به تعجیل چیزی را که تأخیر نموده ای آنرا و نخواهم تأخیر بر آنچه تعجیل نموده ای. خداوند! بدرستی که من پناه می آورم به تو از
 أَضْغَاثِ الْأَخْلَامِ، وَ أَنْ يَلْعَبَ بِي الشَّيْطَانُ فِي الْيَقْضَةِ وَ الْمَنَامِ.
 مزل موشهای کاذبه شیطانی و از آن که بازی نماید با من شیطان در بیداری و خواب.
 بِسْمِ اللَّهِ، تَحَصَّنْتُ بِالْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَ
 پناه می گویم به اسم خدا و محافظت می نمایم خود را به زنده ای که فوت نمی شود از شر چیزی که می ترسم از آن و
 أَحْذَرُ، وَ رَمَيْتُ مَنْ يُرِيدُ بِي سُوءً، أَوْ مَكْرُوهًا مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ، بِلَا
 چیزی که اجتناب می نمایم از آن و دور می گردانم آنرا که اراده نماید به من بدی یا ناخوشی را از نزد خود به سبب

حرزهای حضرت زین العابدین (ع)

حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّكُمْ وَ

خواندن این کلمه که نیست قدرتی و نه قوتی مگر به خدا که بلند و بزرگ است و پناه می جویم به خدا از شر شما ای بدکاران

شَرِّكُمْ تَحْتَ أَقْدَامِكُمْ، وَ خَيْرُكُمْ بَيْنَ أَعْيُنِكُمْ، وَ أَعِيذُ نَفْسِي وَ مَا

شر شما در زیر پاهای شما باشد و خوبی شما مابین چشمهای شما باد و پناه می دهم نفسم را و چیزی را که

أَعْطَانِي رَبِّي وَ مَا مَلَكَتْهُ وَ ذَوِي عِنَايَتِي، بِرُكْنِ اللَّهِ الْأَشَدِّ، وَ كُلُّ

عطا نموده مرا پروردگارم و چیزی را که مالک شدم آنرا و دوستانم را به قوت خدا که سخت تر است و همه

أَرْكَانِ رَبِّي شِدَادًا. اللَّهُمَّ تَوَسَّلْتُ بِكَ إِلَيْكَ، وَ تَحَمَّلْتُ بِكَ عَلَيْكَ،

رکنهای پروردگارم محکم است. خداوندانزدیک می شوم به سبب تو به سویت و شفیع می گردانم تو را به سویت.

فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ مَا عِنْدَكَ إِلَّا بِكَ. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ

پس بدرستی که رسیده به او نمی شود چیزی که نزد توست مگر به سبب تو. سؤال می کنم تو را که رحمت فرستی بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَكْفِيَنِي شَرَّ مَا أَحْذَرُ، وَ مَا لَا يَبْلُغُهُ حِذَارِي، إِنَّكَ عَلَيَّ

محمد و آن که کفایتی از شر چیزی که می ترسم از آن و از چیزی که نمی رسد آنرا ترس من، بدرستی که تو بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَ هُوَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ. جِبْرِئِيلُ عَنْ يَمِينِي، وَ

هر چیزی قادری و آن چیز بر تو آسان است. جبرئیل از جانب راست، و

مِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِي، وَ إِسْرَافِيلُ أَمَامِي، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا

میکائیل از جانب چپ و اسرافیل از پیش روی من است و نیست قدرتی و نه توانایی مگر

بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. اللَّهُمَّ مُخْرِجَ الْوَلَدِ مِنَ الرَّحِمِ، وَ رَبَّ الشَّفَعِ

به خواست خدا که بلند و عظیم است. خداوندای بیرون آورنده فرزند از شکم مادر و ای پروردگار جفت

وَ الْوَثْرِ، سَخِّرْ لِي مَا أُرِيدُ مِنْ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي، وَ اكْفِنِي مَا

و طاق، آسان گردان برای من چیزی را که اراده نمایم از دنیا و آخرت و کفایت کن

أَهْمَنِي، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ ابْنِي عَبْدُكَ وَ بَنُ عَبْدِكَ وَ

از شر چیزی که قصد نماید مرا، بدرستی که تو بر هر چیزی قادری. خداوند من بنده توام و پسر بنده توام و

بَنُ أُمَّتِكَ، نَاصِيَتِي بِيدِكَ، مَاضٍ فِي حُكْمِكَ، عَدْلٌ قَضَاؤُكَ،

پسر کنیز توام پیشانیم به دست تو است، جاری است در من امر تو، عدل است بر من حکم تو.

أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ، وَ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ، أَوْ

سؤال می کنم به هر نامی که نامیده ای به آن اسم نفست را و نازل گردانیدهای او را در قرآنت، یا

عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ، أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، أَنْ

تعلیم نموده ای آن را به شخصی از مخلوقات یا برگزیده های او را در علم پنهان در نزدت که

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رِبْعَ قَلْبِي، وَ

رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد و آن که بگردانی قرآن را فصل بهار از برای دل من و

حرزهای حضرت زین العابدین علیه السلام

نُورَ بَصَرِي، وَ شِفَاءَ صَدْرِي، وَ جَلَاءَ حُزْنِي، وَ ذَهَابَ هَمِّي، وَ

روشنی چشم و بگردان قرآن را سبب شفای سینه ام و برطرف شدن اندوهم و رفتن غم و بگردان آن را

قَضَاءَ دِينِي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ. يَا

سبب ادای قرضم. نیست خدائی مگر تو. منزهی از نقایص بددرستی که هستم از جمله ظالم کنندگان بر خود. ای

حَيُّ يَا مُحْيِي الْأَمْوَاتِ، وَ الْقَائِمُ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، يَا حَيُّ

آن که زندم ای در وقتی که نیست هیچ زنده ای زنده. ای زنده کننده مرده ها و ای مطلع بر هر نفسی به چیزی که کسب نموده آن را. ای زنده

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بِرَحْمَتِكَ الْبَتَى وَ سِعَتْ كُلُّ شَيْءٍ اسْتَعْنْتُ فَأَعِنِّي،

نیست خدایی مگر تو. به شفقت فرو گرفته هر چیزی را. طلب امداد می نمایم

وَ اجْمَعْ لِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، وَ اصْرِفْ عَنِّي شَرَّهُمَا بِمَنْكَ

بس امداد نمای مرا و جمع نمای برای من خوبی دنیا و آخرت را و دور گردان از من شر دنیا و آخرت را به حق

وَ سَعَةِ فَضْلِكَ. اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ مَلِيْكُ مُقْتَدِرٍ، وَ مَا تَشَاءُ مِنْ اَمْرٍ يَكُنْ،

بخشش و فراخی عطیه تو. خداوندا بددرستی که تو مالک همه چیزهائی در کمال قدرت و چیزی که خواهی از هر چیز می شود.

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ فَرِّجْ عَنِّي، وَ اكْفِنِي مَا اَهَمَّنِي، اِنَّكَ عَلَى

بس رحمت فرست بر محمد و آل او و کشف نمای از من غم را و کفایت نمای مرا از چیزی که قصدم نماید. بددرستی که تو بسیار

ذَلِكَ قَدِيرٌ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمٌ. اَللّٰهُمَّ بِكَ اُسْتَفْتِحُ، وَ بِكَ اُسْتَنْجِحُ، وَ

بر آن قادری. ای بخشنده. ای عطا کننده. خداوندا به تو طلب فتح می نمایم و از تو طلب رستگاری می نمایم. و

بِمُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اِلَيْكَ اَتَوَجَّهُ. اَللّٰهُمَّ سَهِّلْ

به محمد که بنده تو و فرستاده تو است که بر او باد سلام و درود. به سوی تو روی می آورم. خداوندا آسان گردان

لِي حُزُونَةَ اَمْرِي، وَ ذَلِّلْ لِي صُعُوبَتَهُ، وَ اَعْطِنِي مِنَ الْخَيْرِ اَكْثَرَ

از برای من سختی کارم را. و هموار گردان برایم دشواریش را. و ببخش به من از خوبی بیشتر

مِمَّا اُرْجُو، وَ اصْرِفْ عَنِّي مِنَ الشَّرِّ اَكْثَرَ مِمَّا اَخَافُ وَ اَحْذَرُ، وَ مِمَّا

از قدری که امید دارم. و بر گردان از من شر بیشتر از آنچه می ترسم و دوری می نمایم از آن. و از چیزی که

لَا اَحْذَرُ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَى

حذر نمی کنم از آن. و نیست قدرتی و نه توانائی مگر به خدای والای بزرگ. و درود فرستد خدا بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ حَسْبُنَا اللّٰهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ، نِعْمَ الْمَوْلَى نِعْمَ النَّصِيرُ.

محمد و خاندانش. و کافی است ما را خدا و نیکو وکیلی است او. نیکو صاحبی است او. و نیکو یاری دهنده است.



حرز دوم حضرت زین العابدین علیه السلام



باید که در هر صبح و شام خوانده شود.

حرزهای حضرت زین العابدین علیه السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به یاری نام خدای بخشنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، سَدَدْتُ أَقْوَاهُ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الشَّيَاطِينِ

به نام خدا و به خدا، سد کردم دهان جن و انس و شیاطین

وَ السَّحَرَةِ وَ الْأَبَالِسَةِ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ السَّلَاطِينِ، وَ مَنْ يَلُودُ

و سحرکنندگان و ابلیس‌ها را از جن و انس و پادشاهان و کسی که پناه ببرد

بِهِمْ، بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْأَعَزِّ، وَ بِاللَّهِ الْكَبِيرِ الْأَكْبَرِ. بِسْمِ اللَّهِ الظَّاهِرِ

به ایشان، به خدا که عزیزتر است و به خدا که بزرگتر است و به نام خدا که هویدا

الْبَاطِنِ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الَّذِي أَقَامَ بِهِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضَ، ثُمَّ

و پنهان است و مستور و سچوده شده در خزینه است آنچنان اسمی که بجای داشته خدا به برکت آن آسمانها و زمین را پس

اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَ وَقَعَ الْقَوْلُ

مسلط شد بر عرش. به نام خدا که بخشنده و مهربان است و واجب شود گفتار

عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ. مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ. قَالَ اخْسَئُوا

عذاب بر ایشان به سبب آن که ستم نمودند پس ایشان سخن نگویند، چه شده شما را که سخن نمی‌گویند، گفت که

فِيهَا، وَ لَا تَكَلِّمُونِ. وَ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ، وَ قَدْ خَابَ مَنْ

دور شوید و خوار باشید در جهنم و سخن مگویند با من و ذلیل و خوارند صورتها از برای زنده قایم به ذات و زیانمند

حَمَلَ ظُلْمًا، وَ خَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا. وَ

کسی است که بار گیرد ظلم را و پست شود روز قیامت آوازه‌ها از جهت خوف از خدا پس نشنوی در آن روز مگر آوازی آهسته و

جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ، وَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرًا. وَ إِذَا

گردانیدیم بر دلهایشان پوششها که حایلند از آن که بفهمند قرآن را و گردانیدیم در گوشهای ایشان

ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَ حَذُّهُ، وَ لَوْ أَعْلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا. وَ إِذَا

گرائی را و هرگاه یاد کنی پروردگارت را در قرآن که او یگانه است باز گردند کافران بر پشتهای خود در حالی که

قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ

منفر باشند و هرگاه می‌خوانی ای محمد قرآن را می‌گردانیم میان تو و آن جماعتی که ایمان نمی‌آورند به آخرت

حِجَابًا مَسْتُورًا. وَ جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا، وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا

برده پوشیده شده و گردانیدیم از پیش روی ایشان حجابی و از عقب ایشان مانعی پس پوشانیدیم

فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ. الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَ

چشمهایشان را پس نمی‌بینند چیزی را. روز قیامت مهر نمائیم بر دهانهای ایشان و

تُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ، وَ تَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ. لَوْ أَنْفَقْتَ مَا

سخن گویند با ما دستهایشان و شهادت می‌دهند پاهاشان به آنچه کسب کرده‌اند. اگر خرج می‌نمودی چیزی را که

حرزهای حضرت زین العابدین علیه السلام

فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ، وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ، إِنَّهُ

در زمین است همه آنرا نتوانستی الفت نمود میان دلهای ایشان ولیکن خدای الفت افکند میان ایشان بدرستی که

عَزِيزٌ حَكِيمٌ. وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ.

خدا داناست به حکمت، و رحمت خدا بر محمد و بر خاندانش که پاکند از گناه.



حرز سوم حضرت زین العابدین علیه السلام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به یاری نام خدای بخشنده مهربان

يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، يَا أَسْرَعَ الْخَاسِبِينَ، يَا

ای شنواترین شنوندگان، ای بیناترین بینندگان، ای زود حساب کننده ترین حساب کنندگان، ای

أَحْكَمَ الْخَاكِمِينَ، يَا خَالِقَ الْمَخْلُوقِينَ، يَا رَازِقَ الْمَرْزُوقِينَ، يَا

حکم کننده ترین حکم کنندگان، ای خالق کنندۀ آفریدگان، ای رزق دهنده رزق داده شدگان، ای

نَاصِرَ الْمَنْصُورِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا دَلِيلَ الْمُتَحَيِّرِينَ، يَا

یار یاری کننده یاری کرده شده ها، ای رحم کننده ترین رحم کنندگان، ای راهنمای گمراهان، ای

غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، أَغْنِنِي يَا مَالِكَ يَوْمَ الدِّينِ، إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ

فریادرس طلب فریادرس کنندگان، فریادرس مرا ای صاحب روز جزا تو را پرستش می کنیم و

إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ، يَا حَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ

از تو طلب امداد می نمایم، ای فریادرس اندوهناک ها، ای برآورنده دعای

الْمُضْطَرِّينَ، أَنْتَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَلِكُ

بیچارگان، تویی خدای پرورنده همه عالمیان تویی خدا، نیست خدائی مگر تو که پادشاهی

الْحَقُّ الْمُبِينُ. الْكَبِيرُ يَا رِداؤُكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

به حق و ظاهر، بزرگی رداء تو است. بار خدایا رحمت فرست بر محمد که برگزیده است

الْمُصْطَفَى، وَ عَلَى الْمُرْتَضَى، وَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، وَ خَدِيجَةَ

و علی که خشنودند از خدا و رسول و بر فاطمه که صاحب نور است و بر خدیجه

الْكُبْرَى، وَ الْحَسَنِ الْمُجْتَبَى، وَ الْحُسَيْنَ الشَّهِيدَ بِكَرْبَلَاءَ، وَ عَلَى

که بزرگی است و بر حسن که مختار است و بر حسین شهید شده در کربلا و بر

عَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ، وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ، وَ

علی فرزندان حسین که زیست عبادت کننده هاست و بر محمد پسر علی که جامع علمهاست و بر

جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ، وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْكَاظمِ، وَ عَلَى بْنِ

جعفر ولد محمد که راست گوشت و بر موسی فرزند جعفر که حلیم است و بر علی پسر

حرزهای امام محمد باقر علیه السلام

مُوسَى الرِّضَا، وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ التَّقِي، وَ عَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدٍ النَّقِيِّ،

موسی که رضاء خدا و رسول است و بر محمد فرزند علی که پرهیزگار است و بر علی پسر محمد که پاک است

وَ الْحَسَنِ بْنُ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ، وَ الْحُجَّةَ الْمَهْدِيَّ بْنَ الْحَسَنِ الْأَمَامِ

و بر حسن پسر علی که ساکن بلد عسکر است و بر حجة که برپادارنده دین خداست و راه یافتن است فرزند حسن و پیشوا

الْمُنْتَظَرِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَآلَهُمْ، وَ

و انتظار کشیده شده است، رحمتهای خدا بر ایشان باد همگی. خداوندا دوست دار دوستدار ایشان را و دشمنی نهای آنرا که

عَادِ مَنْ عَادَاهُمْ، وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُمْ، وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُمْ، وَ الْعَنْ

دشمن ایشان باشد و یاری کن آنرا که یاریشان نموده باشد و ترک یاری نهای آنرا که ترک معاونت ایشان نموده باشد و لعنت کن

مَنْ ظَلَمَهُمْ، وَ عَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ انْصُرْ شَيْعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ

کسی را که ستم نموده بر ایشان و تسجیل کن راحت آل محمد را و یاری نهای پیروان آل محمد را و

أَهْلِكَ أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْزُقْنِي رُؤْيَا قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ

ملاک گردان دشمنان آل محمد را، و روزیم کن دیدن پای دارنده دین را که از آل محمد است و بگردان مرا از

اتِّبَاعِهِ وَ أَتْبَاعِهِ، وَ الرَّاظِينَ بِفِعْلِهِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

جمله تابعین و پیروان او، و از جمله خشنودیهای به کار آن حضرت به حق رحمت ای رحیم کننده ترین رحیم کننده ها.

حرزهای امام محمد باقر علیه السلام

حرز اول امام محمد باقر علیه السلام

باید این حرز را نوشت و بر بازو بست.

أُعِيذُ نَفْسِي بِرَبِّي الْأَكْبَرِ مِمَّا يَخْفَى وَ يَظْهَرُ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ أَنْثَى

پناه می فرمایم نفسم را به پروردگارم که بزرگتر است از شر چیزی که پنهان و هویداست و از شر هر چیزی که

وَ ذَكَرَ، وَ مِنْ شَرِّ مَا رَأَتْ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ، قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ رَبُّ

هویداست و از شر هر مادهای و نری و از شر چیزی که بتابد بر او آفتاب و ماه، پاک و منزّه است پاک و منزّه است از عیبها پروردگار

الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ، أَدْعُوكُمْ أَيُّهَا الْجِنُّ وَ الْإِنْسُ إِلَى اللَّطِيفِ

فرشتگان و روح، می خوانم شما را ای گروه جنیان و آدمیان به سوی خدای مهربان

الْخَبِيرِ، وَ أَدْعُوكُمْ أَيُّهَا الْجِنُّ وَ الْإِنْسُ إِلَى الَّذِي خَتَمْتُهُ بِخَاتَمِ

دانا و می خوانم شما را ای گروه جن و انس به سوی چیزی که مهر نموده ام آنرا به مهر

حرزهای امام محمد باقر علیه السلام

رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ خَاتَمِ جِبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ، وَ بِخَاتَمِ

بروردگار عالمیان و مهر جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و به مهر

سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ، وَ خَاتَمِ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ النَّبِيِّينَ،

سلیمان پسر داود و مهر محمد برگزیده رسولها و پیغمبران

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. إِخْسَتُوا فِيهَا وَ لَا تُكَلِّمُونِ،

رحمت خدا بر آن حضرت و بر ایشان همگی، دور شوید و باشید در جهنم و سخن مگوئید با من.

إِخْسَتُوا عَنْ (نام صاحب دعا) كُلَّمَا يَغْدُو وَ يَرُوحُ، مِنْ ذِي حُمَى أَوْ

دور شوید از فلان پسر فلان هر وقت که داخل شود در صبح و شام خواه باشید از جنس صاحب زهر یا

عَقْرَبٍ أَوْ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ أَوْ سُلْطَانٍ عَنِيدٍ. أَخَذْتُ عَنْهُ مَا يُرَى وَ

عقرب یا از سحر کننده یا شیطانی رانده شده از رحمت یا پادشاهی یاغی، دور نمودم از او شری چیزی را که دیده شود و

مَا لَا يُرَى، وَ مَا رَأَتْ عَيْنٌ نَائِمٌ أَوْ يَقْظَانِ. تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، لَا

چیزی را که دیده نشود و چیزی را که دیده است او را چشم خوابیده یا بیدار، توکل نمودم بر خدای، نیست

شَرِيكَ لَهُ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ الرَّسُولِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ سَيِّدِنَا

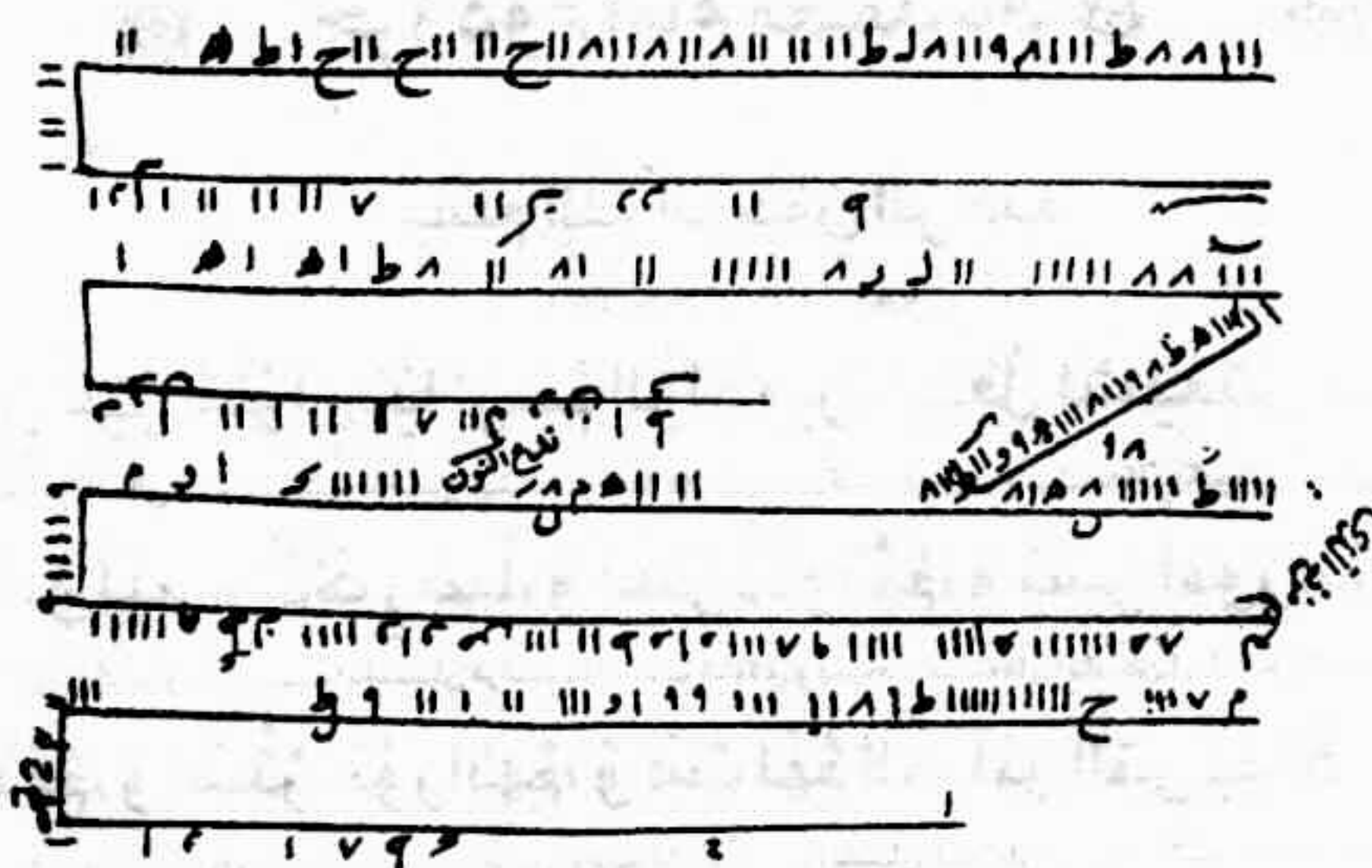
شریکی برای او و رحمت خدا بر محمد که فرستاده شده و خبر دهنده و اُمی است و پیشوای ماست

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

که محمد است و بر خاندانش که پاکند از گناه و درود فرست بر ایشان درود بسیار. به نام خدای بخشنده مهربان

وَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ، وَ بِهِ يَعْدِلُونَ.

و از جمله قوم موسی طایفه ای است که راه می یابند به حق و به سوی او میل می نمایند.

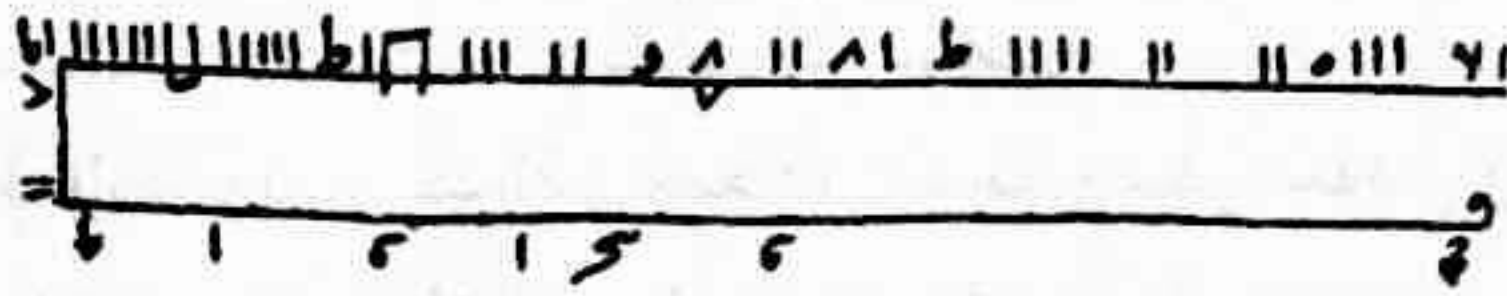


يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا دَيَّانُ يَا دَيَّانُ يَا آهِيَّا شَرَاهِيَّا آذُوْنِي

ای زنده، ای قیام، ای ذات، ای غلبه کننده، ای غلبه کننده، ای غلبه کننده.

حرزهای امام محمد باقر علیه السلام

أَصْبَاوُثُ آلِ شِدَائِي



أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الطَّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ، أَنْ تَدْفَعَ عَنِّي

سؤال می‌کنم به حق این نامهای پاکیزه پاک کرده شده، اینکه دور نمانی از

صَاحِبِ هَذَا الْكِتَابِ جَمِيعَ الْبَلَايَا، وَ تَقْضِيَ حَوَائِجَهُ، إِنَّكَ أَنْتَ

صاحب این حرز همه بلاها را و این که روا کنی حاجتهایش را بدرستی که تویی

أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَطَاهِرِينَ. اَللَّهُمَّ

رحم کننده ترین رحم کننده ها، و رحمتهای خدا بر محمد و آل او که طاهرند از معاصی. خداوند

كَهْجِجٍ بَعِثْ مَهْمَا مَسَّلَعَ وَ وَرُورَهُ مَهْفَتَامَ، وَ بَعُوْنِكَ إِلَّا مَا

و به حق امداد تو که نکنی کاری را

أَخَذْتَ لِسَانَ جَمِيعِ بَنِي آدَمَ، وَ بَنَاتِ حَوَاءَ عَلَى (نَامِ صَاحِبِ دَعَا) إِلَّا

مگر آن که حبس نمانی زبان همه پسران آدم را و دختران حوا را بر فلان شخص پسر فلان مگر

بِالْخَيْرِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ، وَ هُوَ السَّمِيعُ

به خوبی ای رحم کننده ترین رحم کننده گان. پس زود باشد که خدای شما را از شرشان نگاه دلد و اوست بسیار شنوا

الْعَلِيمُ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ.

و بسیار دانای و رحمت خدا بر محمد و آل او که پاکند از گناه



حرز دوم امام محمد باقر علیه السلام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به یاری نام خدای بخشنده مهربان

يَا ذَا نِ غَيْرِ مُتَوَانٍ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اجْعَلْ لِشَيْعَتِي مِنَ النَّارِ

ای نزدیک در حالی که نیستی تاخیر کننده در کارها، ای رحم کننده ترین رحم کننده گان بگردان از برای پیروانم از آتش

وَقَاءً، وَ لَهُمْ عِنْدَكَ رِضَاءٌ، وَ اغْفِرْ ذُنُوبَهُمْ، وَ يَسِّرْ أُمُورَهُمْ، وَ اقْضِ

نگاهداری و بگردان از برایشان در نزدت خوشنودی و بپامرز گناهانهای ایشان را و آسان گردان امرهایشان را

دُيُونَهُمْ، وَ اسْتُرْ عَوْرَاتِهِمْ، وَ هَبْ لَهُمُ الْكِبَائِرَ الَّتِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ،

و ادا کن قرضهایشان را و بپوشان قبااحتشان را و ببخش از برای ایشان گناهان کبیره را که مابین تو و ایشان است.

يَا مَنْ لَا يَخَافُ الضَّيْمَ، وَ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَ لَا نَوْمٌ، اجْعَلْ لِي مِنْ كُلِّ

ای کسی که نمی ترسد از ظلم و فراتمی گیرد او را سستی و نه خوابی و بگردان از برایم از هر

حرزهای امام جعفر صادق علیه السلام

غَمٌّ فَرَجاً وَ مَخْرَجاً.

اندوهی، گشادگی و بیرون رفتنی.

✽ حرزهای امام جعفر صادق علیه السلام ✽

✽ حرز اول حضرت امام جعفر صادق علیه السلام ✽

روایت نموده است شیخ علی بن عبدالصمد از عمّ والد خود ابوجعفر محمد بن علی بن عبدالصمد علیه السلام که حدیث کرده ما را شیخ ابو عبدالله جعفر بن محمد بن احمد بن عباس دوریستی از پدر خود که نقل نموده به ما شیخ ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه فقیه قمی علیه السلام.

همچنین روایت نموده شیخ علی بن عبدالصمد که گفت به من شیخ جدم، از والد خودش ابوالحسن علی بن عبدالصمد علیه السلام که حکایت نمود به ما ابوجعفر محمد بن ابراهیم تیر تراش کاشی مجاور به مشهد مقدس رضوی که بر ساکن آن باد سلام که نقل نمود از برای ما شیخ ابوجعفر، از پدر خود و او از مشایخ خود، از محمد بن عبید الله اسکندری که گفت: من از جمله مصاحبان و هم صحبتان و خواصّ ابی جعفر منصور دوانقی بودم و صاحب سرّ و راز نهانی او بودم.

روزی از روزها به قصد صحبت وارد او گردیدم. او را دیدم که بسیار غمگین است. به او گفتم: یا امیرالمؤمنین سبب اندوه و فکر شما چیست؟

گفت: ای محمد! هر آینه هلاک شدند صد نفر یا بیشتر از اولاد فاطمه، و حال آن که بزرگ و مهتر و پیشوای ایشان باقی مانده است!!

پس گفتم: یا امیرالمؤمنین! کیست آن شخص؟

گفت: جعفر بن محمد که سرکرده و پیشوای رافضیان و سید ایشان است.

به وی گفتم: او مردی است که مشغول نموده او را عبادت کردن از طلب پادشاهی و خلافت و گوشه نشینی و عبادت را اختیار نموده و او را با پادشاهی چه کار است؟

منصور گفت: من می دانم که تو قائل به حقیت و امامت او هستی و از جمله شیعیان و تابعان اوئی، ولیکن ملک و پادشاهی عقیم است، من قسم یاد نموده ام و با نفس خود شرط کرده ام که امروز را به شب نکنم و این شب را به صبح نیاورم تا آن که دل خود را از او فارغ گردانم و خاطر خود را از او جمع نمایم!!

پس جلاد را طلبید و به او گفت: ابا عبد الله جعفر بن محمد را حاضر می کنم و او را به

حرزهای امام جعفر صادق علیه السلام

سخن گفتن مشغول می سازم و نشان میان من و تو آن است که هرگاه بینی که من کلاه خود را زمین گذارم باید که گردن او را بزنی و او را به قتل رسانی.

پس آنگاه منصور امر به احضار حضرت صادق علیه السلام نمودند. بعد از لحظه ای آن حضرت حاضر شدند و داخل شدند در اطاقی که منصور در آنجا بودند.

راوی گوید: دیدم آن حضرت را که در وقت داخل شدن، لبهای مبارکش متحرک است و چیزی را می خواند که آن را نفهمیدم، ولیکن قصر منصور را دیدم که به حرکت درآمد و مانند کشتی بر روی آب موج می زد. و منصور را دیدم که متوجه شد و از جای خود برجست و به استقبال آن حضرت رفت، چنانچه بنده ای که به نزد مولای خود رود، سر و پا برهنه و رنگش متغیر بود، گاهی سرخ و گاهی زرد می شد.

چون به خدمت آن حضرت رسید، بازوی مبارک ایشان را گرفته، آورد و به مسند پادشاهی خود نشانید و خود در برابر آن حضرت به دو زانو و در کمال ادب نشست، چنانچه بنده ای در خدمت مولای خود نشیند.

پس منصور گفت: یا بن رسول الله! در این ساعت به چه جهت تشریف آورده اید و از جهت کدام مهم آمده اید؟!

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: من به اراده خود نیامدم، بلکه چون تو مرا خواستی و طلب نمودی، اجابت نمودم.

منصور گفت: من شما را نطلبیدم، بلکه شخصی که به طلب شما آمده اشتباه نموده است. الحال بفرمائید که چه حاجت دارید تا آن را انجام دهم.

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: این حاجت را دارم که تا با من کاری نداشتید، مرا به نزد خود نطلبی.

منصور گفت: چنین باشد.

پس آن حضرت برخاستند و به خانه خود رفتند.

در این بین منصور دوانقی بی موش شد و به هوش نیامد تا نصف شب. چون بهوش آمد، مرا دید که بر بالین او نشسته ام.

گفت: ای محمدا به جانی مرو و صبر کن تا من نماز را قضا کنم و با تو حکایتی نمایم. گفتم: سمعاً و طاعة.

بعد از آن که نماز بجای آورد، گفت: ای محمدا بدان که چون مولا و سید و پیشوای تو را، ابا عبد الله را حاضر گردانیدم و قصد نمودم که بجای آورم نسبت به او آن کار بد را که قصد نموده بودم، دیدم از دهائی را که دم خود را پیچیده بود و همه قصر و خانه مرا فرو گرفته بود و لب بالای خود را بر بالای خانه نهاده بود و لب پائین را بر زیر خانه و به

راوی گوید: من گفتم که این معجزات و امثال اینها از آن حضرت عجب نیست. زیرا که حضرت اباعبدالله جعفر صادق علیه السلام وارث علم پیغمبر صلی الله علیه و آله است و جد او امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است و در نزد اوست (اسماء حسنی و دعوات علیا) که اگر بر شب تاریک بخوانند، روز روشن گردد و اگر بر روز روشن بخواند چون شب تاریک شود.

سپس محمد بن عبد الله روایت نموده: من از منصور اذن گرفتم و رخصت طلبیدم که اراده دارم که به زیارت حضرت امام جعفر صادق روم. ایشان نیز اجابت نمودند. چون به خدمت آن حضرت رسیدم و سلام بر او کرده، سؤال نمودم و گفتم: به حقّ جدّت رسول الله ﷺ که مرا تعلیم نمای آن دعایی را که می خواندی در آن وقت که داخل بر ابی جعفر منصور دوانقی شدم و شرط نمودی که دیگر شما را بدون کاری طلب نکند.

پس بر من این حرز را خواندند و فرمودند: که این حرزی است جلیل القدر و دعائی است عظیم المرتبه هر که آن را در وقت صبح بخواند در حفظ و امان خدا باشد تا به شب و هر کس که این را در وقت شام بخواند در حفظ و پناه خدای تعالی باشد تا به صبح و به تحقیق این دعا را به من پدرم جامع علم اولین و آخرین امام محمد باقر علیه السلام تعلیم نموده است و او اخذ نموده از پدر خود سید العابدین و ایشان از پدر خود سید الشهداء حضرت امام حسین از برادر خود سید الاصفیاء که او از پدر خود سید الاوصیاء و ایشان نقل فرموده اند از محمد مصطفی و سید انبیاء (صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین الطیبین الطاهرین) که این حرز را از کتاب خدای عزیز بیرون آوردند که باطل از پیش روی او و نه از عقب سر او، وارد آن نمی شود و از جانب خدائی نازل شده که حکیم و محمود است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ هَدَانِیْ لِلسَّلَامِ، وَ اَكْرَمَنِیْ بِالْاِیْمَانِ، وَ عَرَّفَنِیْ

حرزهای امام جعفر صادق (علیه السلام)

الْحَقُّ الَّذِي عَنْهُ يُؤَفَّكُونَ، وَ النَّبَأُ الْعَظِيمُ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ.

دین حقی که از او برگردانیده می شوند و شناسانده به من خبر بزرگی را که ایشان در آن اختلاف کنند.

و سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاءَ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا، وَ أَنْشَأَ

و پاک و منزه است خدایی که بلند نموده است آسمان را بدون ستونی که می بیند آن را و خلق نموده است

جَنَاتِ الْمَأْوَى بِلا أَمَدٍ تَلْقَوْنَهَا، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ السَّابِغُ النِّعْمَةِ،

بهشت های جاودان را بی منتهائی که می رسید آن را، و نیست خدائی مگر خدا که شامل است نعمتش.

الْدَّافِعُ النِّقْمَةِ، أَلْوَسِعُ الرَّحْمَةَ. وَ اللَّهُ أَكْبَرُ ذُو السُّلْطَانِ الْمَنِيعِ،

دفع کننده است عقوبت را، و وسیع است رحمتش، و خدا بزرگتر است، صاحب قدرت و پادشاهی قوی است

وَ الْأَنْشَاءُ الْبَدِيعِ، وَ الشَّأْنُ الرَّفِيعِ، وَ الْحِسَابُ السَّرِيعِ. اللَّهُمَّ صَلِّ

و صاحب ایجاد نمودن چیزهاست بی نمونه ای، و صاحب شأن بلند و حساب زود و آسان است. خداوند رحمت فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ أَمِينِكَ، وَ شَهِيدِكَ النَّقِيِّ

بر محمد که بنده و فرستاده تو هست و پیغمبر و امین و شاهد تو است، پرهیزکار پاکیزه است.

النَّقِيِّ الْبَشِيرِ الْغَذِيرِ السِّرَاجِ الْمُنِيرِ، وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الْأَخْيَارِ. مَا

بخشاینده و ترساننده است، مثل چراغ روشن است و صلوات بر خاندانش که پاکان و نیکانند. آنچه خواسته

شَاءَ اللَّهُ تَقَرُّباً إِلَى اللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ تَوَجُّهاً إِلَى اللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ

خدائی است روی آوردم روی آوردنی به سوی خدا. آنچه خواسته است خدا، هست. نزدیک شدم نزدیک شدن به سویش. آنچه خواسته است

تَلَطُّفاً بِاللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ مَا يَكُنْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا

واقع شده، انعیاد نمودنی به خدا، آنچه خدا خواسته است. هست، آنچه وارد می شود از نعمتی پس از جانب خداست. آنچه خواسته است

يَصْرِفُ السُّوءَ إِلَّا اللَّهَ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا يَسُوقُ الْخَيْرَ إِلَّا اللَّهَ، مَا

واقع شود بر نمی گرداند بدی را مگر خدا، آنچه خواسته است خدا آن را، هست. روان نمی سازد خیر را مگر خدا، آنچه

شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. أُعِيزُ نَفْسِي وَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ أَهْلِي

خواسته است خدا واقع شده، نیست قوتی مگر به خدا. پناه می فرمایم نفسم و مویم و پوست بدنم و اهلیم را

وَ مَالِي، وَ وَلَدِي وَ ذُرِّيَّتِي وَ دِينِي وَ دُنْيَايَ، وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي، وَ مَا

و مالم و فرزندم و فرزندانم و دینم و دنیایم را و چیزی که روزی نموده به من پروردگارم

أَغْلَقْتَ عَلَيْهِ أَبْوَابِي، وَ أَحَاطَتْ بِهِ جُذُرَانِي، وَ مَا أَتَقَلَّبُ فِيهِ مِنْ

و آنچه بسته شده است بر او درهایم و فرو گرفته است او را دیوارهایم و چیزی که می گردم در آن چیز از

نِعْمِهِ وَ إِحْسَانِهِ، وَ جَمِيعِ إِخْوَانِي وَ أَقْرَبَائِي، وَ قَرَابَاتِي

نعمتهای خدا و نیکیهای او و همه برادرانم را و مردان خویشانم را و زنان خویشانم را

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، بِاللَّهِ الْعَظِيمِ، وَ بِأَسْمَائِهِ الْقَامَةِ

از مردان مؤمن و زنان مؤمنه به خدائی که بزرگ است و به نامهای خدا که تمام و شاملند.

الْعَامَّةِ الْكَامِلَةِ الشَّافِيَةِ الْفَاضِلَةِ الْمُبَارَكَةِ الْمُنِيفَةِ الْمُتَعَالِيَةِ

بِسْمِ كَمَالِ رَسِيدِهِ وَ شَفَادِهِ سَنَدِ سَادَةِ مَسْأَلَةِ مَرْكَتِ وَ خَيْرِنَدِ،

الزَّائِكِيَةِ الشَّرِيفَةِ الْكَرِيمَةِ الطَّاهِرَةِ الْعَظِيمَةِ الْمَخْزُونَةِ

شَرِيفِ وَ سَمِيعِ بَلَدِ مَرْتَبَةِ سَنَدِ، پَاكِزِهِ وَ مَسْأَلَةِ مَرْكَتِ، نَفِيعِ رَسَائِدِهِ وَ پَاكِ وَ

الْمَكْنُونَةِ. أَلَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ، وَ بِأَمِّ الْكِتَابِ وَ

بِزَرْغَنْدِ سَبْرَدِهْ شَدِهْ دَرِ خَزِينِهِ وَ مَسْتَوْرِنْدِ آن چنانِ اسْمَانِیْ كِهْ تَجَاوِزِ نَمِیْ كَنْدِ آنهارا نِیْكَوَكَلَرِیْ وَ نِهْ بِدَكْرَدَلَرِیْ، وَ

فَاتِحَتِهِ وَ خَاتِمَتِهِ، وَ مَا بَيْنَهُمَا مِنْ سُورَةٍ شَرِيفَةٍ، وَ آيَةٍ مُحْكَمَةٍ، وَ

پِنَاهِ مِیْ فَرْمَايِمِ بِهْ أَمِّ كِتَابِ وَ أَوَّلِ وَ آخِرِ اَوْ وَ آنچِهْ دَرِ مَبَیْنِ هَرِ دُو اسْتِ از سُورَةِ شَرِيفِ وَ آيَةِ مُحْكَمِ وَ

شِفَاءٍ وَ رَحْمَةٍ وَ عَوْذَةٍ وَ بَرَكَاتٍ، وَ بِالتَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ

از شَفَادِهِ سَنَدِهِ وَ رَحْمَتِیْ وَ پِنَاهِیْ وَ خَیْرِیْ وَ بِهْ تَوْرَاتِ وَ بِهْ اِنْجیلِ وَ بِهْ زَبُورِ

وَ الْفُرْقَانِ، وَ بِصُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى، وَ بِكُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلَهُ اللَّهُ،

وَ بِهْ فُرْقَانِ وَ بِهْ صَحِيفَهْ هَیْ اِبْرَاهِیْمِ وَ مُوسَى وَ بِهْ هَرِ كِتَابِیْ كِهْ نَازِلِ سَاخْتِهْ اَوْ رَا خُدا

وَ بِكُلِّ رَسُولٍ أَرْسَلَهُ اللَّهُ، وَ بِكُلِّ حُجَّةٍ أَقَامَهَا اللَّهُ، وَ بِكُلِّ بُرْهَانٍ

وَ بِهْ هَرِ رَیْسِ مَبْرُورِیْ كِهْ فَرَسْتَادِهْ وَ بِهْ هَرِ حُجَّتِیْ كِهْ قَائِمِ نَمُودِهْ، وَ بِهْ هَرِ دَلِیْلِیْ كِهْ

أَظْهَرَهُ اللَّهُ، وَ بِكُلِّ آلاءِ اللَّهِ، وَ عِزَّةِ اللَّهِ، وَ عَظَمَةِ اللَّهِ، وَ قُدْرَةِ اللَّهِ، وَ

ظَاهِرِ سَاخْتِهْ وَ بِهْ هَمَّةِ نَعْمَتِ هَیْ خُدايِ وَ بِهْ غَلْبَةِ خُدايِ وَ بِهْ بِزَرْغَمِیْ خُدايِ وَ بِهْ تَوَانِیْ خُدايِ وَ

سُلْطَانِ اللَّهِ، وَ جَلَالِ اللَّهِ، وَ مَنَعِ اللَّهِ، وَ مَنِّ اللَّهِ، وَ عَفْوِ اللَّهِ وَ

بِهْ پَادشاهِیْ خُدايِ وَ بِهْ بِزَرْغَمِیْ خُدايِ وَ بِهْ مَنَعِ نَعْمُودِنِ خُدايِ وَ بِهْ بَخْشِشِ خُدايِ وَ بِهْ دَرِگَزِشْتِنِ خُدايِ از تَقْصِیرِ وَ

حُكْمِ اللَّهِ، وَ غُفْرَانِ اللَّهِ، وَ مَلَائِكَةِ اللَّهِ، وَ كُتُبِ اللَّهِ، وَ رُسُلِ اللَّهِ وَ

بِهْ حُكْمِ نَعْمُودِنِ خُدايِ وَ بِهْ اَمْرِ زِیْدِنِ خُدايِ وَ بِهْ فَرِشْتِگَانِ خُدايِ وَ بِهْ كِتَابِ هَیْ خُدايِ وَ بِهْ رَسُولِ هَیْ خُدايِ وَ

أَنْبِيَاءِ اللَّهِ، وَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ، وَ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

بِهْ پِیغمبرِانِ خُدايِ وَ بِهْ مُحَمَّدِ كِهْ فَرَسْتَادِهْ خُدايِ وَ بِهْ اَهْلِ خَانَةِ رَسُولِ خُدايِ، شَفَقَتِ خُدايِ بَادِ

عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، مِنْ غَضَبِ اللَّهِ، وَ سَخَطِ اللَّهِ، وَ نَكَالِ اللَّهِ

بِرِ اَوْ بِرِ اِیْنِسانِ هَمْمِیْ، پِنَاهِ مِیْ فَرْمَايِمِ خُودِ رَا از خُشَمِ خُدايِ وَ لَزِ نَاخُوشِ اَمْدِنِ خُدايِ وَ از عَقُوبَتِ خُدايِ

وَ عِقَابِ اللَّهِ، وَ أَخْذِ اللَّهِ، وَ بَطْشِهِ، وَ اجْتِيَا حِهِ، وَ اجْتِنَاثِهِ وَ

وَ از عَذَابِ خُدايِ وَ از مَوْاْخِذَةِ خُدايِ وَ از شِدَّتِ قَهْرِ خُدايِ وَ از هَلَاكِ نَعْمُودِنِ اَوْ وَ لَزِ رِيشِهْ كَنْدِنِ اَوْ وَ

اضْطِلَامِهِ، وَ تَذْمِيرِهِ، وَ سَطَوَاتِهِ، وَ نَقِمَتِهِ، وَ جَمِيعِ مَثَلَاتِهِ، وَ مِنْ

از بَیْخِ قَطْعِ نَعْمُودِنِ وَ از هَلَاكِ نَعْمُودِنِ وَ لَزِ قَهْرِ هَیْشِ وَ عَقُوبَتِشِ وَ از هَمَّةِ عَیْبِ هَیْ خُدايِ وَ لَزِ

إِعْزَاضِهِ، وَ صُدُودِهِ، وَ تَنْكِيلِهِ، وَ تَوَكِيلِهِ، وَ خِذْلَانِهِ، وَ دَمْدَمَتِهِ، وَ

اعْزَاضِ كَرْدِنِ وَ از مِیْنَعِ نَعْمُودِنِشِ وَ لَزِ مَعِیُوبِ كَرْدَانِیْدِنِ وَ بِلَازِ كِذارْدِنِشِ وَ لَزِ یَسَارِیْ نَعْمُودِنِ وَ غَضَبِشِ وَ

حرزهای امام جعفر صادق (ع)

تَخْلِيَّتِهِ، وَ مِنْ الْكُفْرِ وَ النِّفَاقِ وَ الشَّكِّ وَ الشِّرْكِ وَ الْحَيْرَةِ فِي

از تبری نمودن و از کفر و از نفاق و از شک و از شرک و از حیرانی در

دِينِ اللَّهِ، وَ مِنْ شَرِّ يَوْمِ النُّشُورِ وَ الْحَشْرِ، وَ الْمَوْقِفِ وَ الْحِسَابِ،

دین خدای و از شر روز زنده شدن و روز حشر و از شر عرصات و حساب قیامت و از شر عذاب حکم کرده شده،

وَ مِنْ شَرِّ كِتَابٍ قَدْ سَبَقَ، وَ مِنْ زَوَالِ النِّعْمَةِ، وَ تَحْوِيلِ الْعَافِيَةِ، وَ

که پیش ثبت شده و از زایل شدن نعمت و تغییر یافتن عافیت و

حُلُولِ النَّقِمَةِ، وَ مَوْجِبَاتِ الْهَلَكَةِ، وَ مِنْ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ

از رسیدن عقوبت و از اسباب هلاکت و از مواضع نالامبیدی و رسوائی در

وَالْفَضِيحَةِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ هَوَى

دنیا و آخرت. و پناه می برم به خدائی که بزرگ است از خواهش هلاک کننده و مصاحب لهواتدازنده

مُرِيدٍ، وَ قَرِينٍ مُلْهِ، وَ صَاحِبِ مُسْهِ، وَ جَارِ مُوَدٍّ، وَ غِنَى مُطْعٍ، وَ فَقْرٍ

و از هم صحنی که به فراموشی اندازد و همسایه ای که آزار رساند و بی نیازی که سبب طغیان باشد

مُنْسٍ، وَ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَ صَلَاةٍ لَا تَرْفَعُ، وَ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ، وَ عَيْنٍ لَا

بی جزئی که سبب فراموشی شود و از دلی که فروتنی نکند و نمازی که بالا برده نشود و از دعائی که شنیده و

تَدْمَعُ، وَ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ، وَ بَطْنٍ لَا يَشْبَعُ، وَ عَمَلٍ لَا يَنْفَعُ، وَ اسْتِغَاثَةٍ

برآورده نشود و چشمی که به اشک نیابد و از نفسی که قناعت نکند و شکمی که سیر نشود و از عملی که نفع ندهد و از طلب

لَا تُجَابُ، وَ غَفْلَةٍ وَ تَفْرِيطٍ يُوجِبَانِ الْحَسْرَةَ وَ النَّدَامَةَ، وَ

فریادرسی که جواب داده نشود و از غفلت و تقصیری که حسرت و پشیمانی را سبب شوند و

مِنْ الرِّيَاءِ وَ السُّمْعَةِ وَ الشَّكِّ، وَ الْعَمَى فِي دِينِ اللَّهِ، وَ مِنْ نَصَبٍ وَ

از قلمد ریا و آوازه و از شک و کوری در دین خدای و از تعب و

اجْتِهَادٍ يُوجِبَانِ الْعَذَابَ، وَ مِنْ مَرَدٍّ إِلَى النَّارِ، وَ مِنْ ظَلَعِ الدَّيْنِ، وَ

منقشی که سبب شوند عذاب را و از بازگشت به سوی آتش و از انگیدن در قرض و

غَلَبَةِ الرِّجَالِ، وَ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الدِّينِ وَ النَّفْسِ وَ الْأَهْلِ وَ الْمَالِ

از غلبه مردان و از بدی منظر در دین و نفس و اهل و در مال و

وَالْوَلَدِ وَ الْأَخْوَانِ، وَ عِنْدَ مُغَايَنَةِ مَلِكِ الْمَوْتِ. وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ

فرزند و برادران و در وقت دیدن ملک موت و پناه می برم به خدای که بزرگ است

الْعَظِيمِ مِنَ الْغَرَقِ وَ الْحَرَقِ، وَ الشَّرْقِ وَ السَّرْقِ، وَ الْهَذْمِ وَ الْخَسْفِ

از غرق شدن و از سوختن و از گرفتگی گلو و از دزدی و از آتیبود و از فرو رفتن به زمین

وَ الْمَسْخِ وَ الْحِجَارَةِ وَ الصَّيْحَةِ وَ الزَّلَازِلِ وَ الْفِتَنِ، وَ الْعَيْنِ

و از مسخ شدن و از سنگ شدن و از هلاک شدن به صیحه و از زلزله ها و فتنه ها و از چشم زخم

حُرُزهای امام جعفر صادق (ع)

وَالصَّوَاعِقِ وَالبَرْقِ وَالبَرْدِ وَالقَوْدِ وَالقِرْدِ وَالجُنُونِ وَالجُدَامِ

و از صاعقه ها و برق و از تگرگ و از قماص و به صورت میمون شدن و از دیوانگی و از آزار آکله

والبَرَصِ، وَ أَكْلِ السَّبْعِ، وَ مِيتَةِ السُّوءِ، وَ جَمِيعِ أَنْوَاعِ الْبَلَايَا

و از بیماری و از خوردن در تنگدستی و از مردن در حالی بد و از همه اقسام بلاها که

فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَ الْهَامَةِ

در دنیا و آخرت باشد. و پناه می جویم به خدایی که بزرگ است از شر گزنده غیر کشنده و از شر گزنده کشنده.

وَ اللَّامَةِ وَ الْخَاصَّةِ وَ الْعَامَّةِ وَ الْحَامَةِ، وَ مِنْ شَرِّ أَخْذَاتِ النَّهَارِ، وَ

و اثر چشم بد، و از شری که خاص و عام باشد، و از شر خویشان نزدیک، و از شر چیزها که حادث شود در روز،

مِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّيْلِ، إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ يَا رَحْمَنُ، وَ مِنْ دَرَكِ

و از شر چیزها که وارد شود در شب، مگر وارد شوندهای که وارد شود به خوبی، ای بسیار بخشنده، و پناه می برم از رسیدن

الشَّقَاءِ، وَ سُوءِ الْقَضَاءِ، وَ جَهْدِ الْبَلَاءِ، وَ شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ، وَ تَتَابُعِ

بخت بد، و از بدی قضا، و از مشقت بلیه بد و از سرزنش نمودن دشمنان، و از پیایی وارد شدن

الْعَنَاءِ، وَ الْفَقْرِ إِلَى الْأَكْفَاءِ، وَ سُوءِ الْمَمَاتِ وَ الْمَحْيَا، وَ سُوءِ

رنج و محنت، و از احتیاج به امثال خود، و از بد حالی در وقت مردن، و در زندگی و از بدی

الْمُنْقَلَبِ. وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ، وَ

بازگشت، و پناه می برم به خدایی که بزرگ است از شر شیطان و سپاه او و پیروان و

أَشْيَاعِهِ، وَ اتِّبَاعِهِ، وَ مِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ، وَ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَ

تابعان او و از شر جن و انس و از شر شیطان و

مِنْ شَرِّ السُّلْطَانِ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَا أَخَافُ وَ

از شر پادشاه ظالم و از شر هر صاحب شری و از شر هر چیزی که می ترسم و

أَحْذَرُ، وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ، وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ

دوری می نمایم از آن، و از شر فاسقان عرب و عجم و از شر فاسقان جن

وَ الْإِنْسِ، وَ مِنْ شَرِّ مَا فِي النُّورِ وَ الظُّلَمِ، وَ مِنْ شَرِّ مَا هَجَمَ أَوْ دَهَمَ

و انس، و از شر چیزی که در روشنی و تاریکی باشد، و از شر چیزی که بی خبر وارد شده یا بدون اطلاع داخل گردیده است

أَوْ أَلَمَ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ سُقْكِ وَ هَمٍّ وَ غَمٍّ وَ آفَةٍ وَ نَدَمٍ، وَ مِنْ شَرِّ مَا فِي

یا نازل شده است و از شر هر بیماری و اندوهی و غمی و از شر هر بلیه و پشیمانی و از شر چیزی که در

اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، وَ الْبَرِّ وَ الْبَحَارِ، وَ مِنْ شَرِّ الْفُسَّاقِ وَ الدُّعَارِ وَ الْفُجَّارِ

شب و در روز باشد، و در صحرا و در دریا باشد و از شر فسق کنندگان و اهل فساد و زناکاران

وَ الْكُفَّارِ وَ الْحُسَّادِ وَ السَّحَّارِ وَ الْجَبَابِرَةِ وَ الْأَشْرَارِ، وَ مِنْ شَرِّ مَا

و کافران و رشک برندگان و سحر کنندگان و منکبران و جماعت شریر و از شر چیزی که از

حرزهای امام جعفر صادق علیه السلام

يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ مَا يَخْرُجُ فِيهَا، وَ مِنْ شَرِّ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَ

آسمان فرود آید و بالا رود و از شرّ چیزی که در زمینی داخل شود و

مَا يَخْرُجُ مِنْهَا، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي أَخِذْ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّ رَبِّي

بیرون آید و از شرّ هر رونده‌ای که پروردگارم ناصیه‌اش را گرفته است، بدستی که پروردگارم

عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذَ

بر راه راست است. و پناه می‌جویم به خدا که بزرگ است از شرّ چیزی که پناه برده‌اند

مِنْهُ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ، وَ الْأَنْبِيَاءُ الْمُرْسَلُونَ، وَ الشُّهَدَاءُ وَ

از آن فرشتگان نزدیک و پیغمبران فرستاده‌شده و شهدا و افتگان و

عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ، وَ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ

بندگان که صالحند و محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین

وَ الْأَئِمَّةُ الْمَهْدِيُّونَ، وَ الْأَوْصِيَاءُ وَ الْحُجَجُ الْمُطَهَّرُونَ، عَلَيْهِمُ

و امامان هدایت یافته شدگان و وصی‌ها و حججهای پاک‌گرددانیده‌شده که بر ایشان باد درود

السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُعْطِيَنِي مِنْ خَيْرِ مَا

و شفقت خدای و نفع‌های خدای. و طلب می‌نمایم از تو که ببخشی مرا از بهتر چیزی که سؤال نموده‌اند از تو

سَأَلُوكَ، وَ أَنْ تُعِيدَنِي مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذُوا بِكَ مِنْهُ، وَ أَسْأَلُكَ

آن چیز را و آن که پناه دهی مرا از شرّ چیزی که پناه برده‌اند مردمان به سویت از آن چیز. و سؤال می‌نمایم

مِنْ الْخَيْرِ كُلِّهِ، عَاجِلِهِ وَ آجِلِهِ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَ مَا لَمْ أَعْلَمْ. وَ أَعُوذُ

تو را از خیر همه آن را، دنیوی و اخروی آن را، چیزی را که دانستم از خیر و چیزی را که ندانستم. و پناه می‌برم

بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ، عَاجِلِهِ وَ آجِلِهِ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَ مَا لَمْ أَعْلَمْ. وَ

به تو از شرّ همه او، دنیوی و اخروی او، چیزی را که دانستم از شرّ و چیزی را که ندانستم. و

أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ. وَ أَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ.

پناه می‌برم به تو از دیوانگی‌هایی که سبب شیاطین باشند. و پناه می‌برم به تو ای پروردگار من از آن که حاضر شوند مرا شیاطین.

اللَّهُمَّ مَنْ أَرَادَنِي فِي يَوْمِي هَذَا، وَ فِيمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَيَّامِ مِنْ جَمِيعِ

بار خدایا کسی که قصد نماید مرا در روز من، این روز و در روز بعد از این روز از روزها از همه

خَلْقِكَ كُلِّهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ، قَرِيبٍ أَوْ بَعِيدٍ، ضَعِيفٍ أَوْ شَدِيدٍ،

مخلوقات تو همگی آنها را از جن و انس، نزدیک یا دور، ناتوان باشد یا سخت،

بَشَرٍ أَوْ مَكْرُوهٍ أَوْ مَسَاءَةٍ، بِيَدٍ أَوْ بِلِسَانٍ أَوْ بِقَلْبٍ، فَأَخْرِجْ صَدْرَهُ

به بدی یا ناخوشی یا دلگیری به دست یا به زبان یا به دل پس تنگ گردان سینه‌اش را

وَ أَلْجِمْ فَاةً، وَ أَفْحِمْ لِسَانَهُ، وَ اسْدُدْ سَمْعَهُ، وَ أَقْمِخْ بَصَرَهُ، وَ أَرْعَبْ

و لجام نماید دهانش را و گنگ کن زبانش را و محکم گردان گوشش را و بپوشان چشمش را

حُرزهای امام جعفر صادق علیه السلام

قَلْبُهُ، وَ اشْغَلُهُ بِنَفْسِهِ، وَ أَمِتُهُ بِغَيْظِهِ، وَ اكْفِنَاهُ بِمَا شِئْتَ وَ كَيْفَ

و پسند از ترس را در دلش و مشغول ساز آن کسی را به نفسش. و بمیران او را به خشم خودش و کفایت نماید مرا از او به آنچه

شِئْتَ، وَ أَنَّى شِئْتَ، بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ. إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

تو خواسته‌ای و به هر حالی که تو خواسته‌ای و هر جانی که خواسته‌ای او را به قدرتت و توانائیت، بدرستی که تو بر هر چیزی قادری.

اَللّٰهُمَّ اكْفِنِيْ شَرَّ مَنْ نَّصَبَ لِيْ حَدَّهُ، وَ اكْفِنِيْ مَكْرَ الْمَكْرَةِ، وَ اَعِنِّيْ

خداوندا کفایت نماید مرا از شر شخصی که قیام ساخته از برایم جنگ خود را و کفایت کن از حيلة مکر کنندگان و امداد نماید

عَلَى ذَالِكَ بِالسَّكِينَةِ وَ الْوَقَارِ، وَ اَلْبِسْنِيْ دِرْعَكَ الْحَصِيْنَةِ، وَ

مرا بر این به سبب آرامی دل و آرامی اعضا و بپوشان مرا از زرهات را که محکم است، و

اُخِيْنِيْ مَا اُخِيْنْتَنِيْ فِيْ سِتْرِكَ الْوَاقِي، وَ اُصْلِحْ لِيْ حَالِي كُلَّهُ.

زنده‌ام بدار مادام که زنده داشته‌ای مرا در پرده خودت که نگاهدارنده است و نیکو گردان همه احوال را.

اُصْبَحْتُ فِيْ جَوَارِ اللّٰهِ مُمْتَنِعًا، وَ بِعِزَّةِ اللّٰهِ الَّتِيْ لَا تُرَامُ

داخل در وقت صبح شدم در پناه خدای در حالی که امتناع کننده‌ام و در حالی که به غلبه خدای که زایل گردیده نمی‌شود

مُحْتَجِبًا، وَ بِسُلْطَانِ اللّٰهِ الْمَنِيْعِ مُعْتَصِمًا مُتَمَسِّكًا، وَ بِأَسْمَاءِ

پنهانم، و به قدرت خدای که قوی است متمسک و در حالی که به نامهای

اللّٰهِ الْحُسْنٰی كُلِّهَا عَائِدًا. اُصْبَحْتُ فِيْ حِمَى اللّٰهِ الَّذِيْ لَا

خدای که نیکویند به همه آنها پناه برنده‌ام. داخل در صبح شدم در فورق خدای که جایز نیست

يُسْتَبَاحُ، وَ فِيْ ذِمَّةِ اللّٰهِ الَّتِيْ لَا تُخْفَرُ، وَ فِيْ حَبْلِ اللّٰهِ الَّذِيْ لَا

داخل شدن در آن و در امان خدای که شکسته نمی‌شود و در رسن امان خدای که بریده

يُجْذَمُ، وَ فِيْ جَوَارِ اللّٰهِ الَّذِيْ لَا يُسْتَضَامُ، وَ فِيْ مَنَعِ اللّٰهِ الَّذِيْ لَا

نمی‌شود. و داخل شدم در پناه خدای که ستم رسیده نمی‌شود در آن احدی، و در منع نمودن خدای که

يُدْرَكُ، وَ فِيْ سِتْرِ اللّٰهِ الَّذِيْ لَا يُهْتَكُ، وَ فِيْ عَوْنِ اللّٰهِ الَّذِيْ لَا

دست یافته نمی‌شود در او احدی و در پرده خدای که دریده نمی‌شود و در مددکاری خدای که

يُخْذَلُ. اَللّٰهُمَّ اَعْطِفْ عَلَيْنَا قُلُوبَ عِبَادِكَ وَ اِمَائِكَ وَ اَوْلِيَائِكَ،

کاری نکرده نمی‌شود از او کسی. خداوندا مهربان گردان بر ما دلهای بندگان و کنیزان و دوستان را

بِرَأْفَةٍ مِنْكَ وَ رَحْمَةٍ، إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. حَسْبِيَ اللّٰهُ وَ كَفَى،

به مهربانی از تو و شفقتی بدرستی که تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی. بس است مرا خدای و کافی است.

سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ دَعَا، لَيْسَ وَ رَأَى اللّٰهُ مُنْتَهَى، وَ لَا تُؤْنِ اللّٰهُ مَلْجَأً، مَنْ

شنواست خدای از برای کسی که بخواند او را، نیست سوای خدای منتهانی و نیست به غیر از خدای

اِعْتَصَمَ بِاللّٰهِ نَجَا. كَتَبَ اللّٰهُ لِأَغْلِبَنَّ أَنَا وَ رُسُلِيْ، إِنَّ اللّٰهَ قَوِيٌّ

محل پناهی، کسی که جنگ زد به خدای نجات یافته. نوشته و حکم کرده است خدای، که هر آینه غالب شوم و فرستادگان من، بدرستی که

حرزهای امام جعفر صادق علیه السلام

عَزِيزٌ. قَالَهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. وَ مَا تَوْفِيقِي اِلَّا بِاللّٰهِ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ اِلَيْهِ اُنِيبُ. فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ. شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهُ لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ، وَ الْمَلَائِكَةُ وَ اُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ، لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ معبودی مگر خدای و گواهی داده‌اند فرشتگان و صاحبان علم در حالی که پای دارند است عدل را. نیست خدائی مگر او **الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. اِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللّٰهِ الْاِسْلَامُ، وَ اَنَا عَلٰى ذٰلِكَ** که غلبه کننده و داناست. بدرستی که دین نزد خدای اسلام است و من بر این از **مِنَ الشّٰهِدِينَ. تَخَصَّنْتُ بِاللّٰهِ الْعَظِيمِ. وَ اِعْتَصَمْتُ بِالْحَيِّ الَّذِي** جمله گواهانم. حمن خود قرار دادم خدای را که بزرگ است و چنگ در زدم به زنده‌ای که **لَا يَمُوتُ، وَ رَمِيتُ كُلَّ عَدُوٍّ لَّنَا، بِلَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ** نمی‌مرد و انداختم هر دشمنی را که باشد از برای ما. به کلمه‌ای نیست حرکتی و نه قوتی مگر به خدا که بلند مرتبه **الْعَظِيمِ. وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ الطَّيِّبِينَ الطّٰهَرِينَ.** و بزرگ است. و رحمت خدا بر سید ما که محقق است و بر خاندانش که پاک و پاکیزه‌اند.



حرز دوم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به یاری نام خدای بخشنده مهربان

يَا خَالِقَ الْخَلْقِ، وَ يَا بَاسِطَ الرِّزْقِ، وَ يَا فَالِقَ الْحَبِّ، وَ يَا بَارِئَ ای خالق کننده خلق کرده شده‌ها و ای برار کننده روزی و ای شکافنده دانه و ای خلق کننده **النَّسَمِ، وَ مُحْيِيَ الْمَوْتِ، وَ مُمِيتَ الْأَحْيَاءِ، وَ دَائِمَ الثَّبَاتِ، وَ مُخْرِجَ** بسندگان و زنده کننده مرده و میراننده زنده‌ها و همیشه ثابت و بیرون آورنده **النَّبَاتِ، اِفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، وَ أَنْتَ أَهْلُ** رونیده شده. بکن با من چیزی را که اهل آنی و بعمل مياور با من چیزی را که اهل آنم و تو اهل **التَّقْوَى، وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ.**

نگاهداری و اهل آمرزشی.

حرزهای امام موسی بن جعفر علیه السلام

✽ حرزهای امام موسی بن جعفر علیه السلام ✽

✽ حرز اول حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام ✽

شیخ علی پسر عبدالصمد رحمه الله گفته که در کتابهای اصحاب ما یافتیم از مشایخ رحمهم الله روایت شده، چون هارون الرشید کشتن حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام را قصد نمود، فضل بن ربیع را طلب نمود و به او گفت که حاجتی به سوی تو واقع شده است، سؤال می‌کنم از تو که حاجت مرا برآوری و از برای تو نزد من صد هزار درهم است.

راوی گوید: فضل بن ربیع به سجده افتاد و چون سر از سجده برداشت گفت: امری است که واقع شده یا آن که مسئلتی و کاری است که باید او را بعمل آورم؟ هارون گفت: بلکه کاری است که از تو می‌طلبم و امر می‌نمایم. سپس گفت که در این ساعت صد هزار درهم بردار و به خانه خود ببر و بعد از آن برو به خانه موسی بن جعفر و سر آن حضرت را از برای من بیاور.

فضل گفت: چون من به خانه آن حضرت رفتم، دیدم که موسی بن جعفر ایستاده و مشغول به نماز است. پس نشستم تا آن که آن حضرت از نماز فارغ گشتند و روی به من کرده تبسم فرمودند و گفتند: می‌دانم از برای چه کار حاضر شده‌ای. مرا مهلت ده تا دو رکعت نماز بجای آورم.

فضل گفت: پس او را مهلت دادم. سپس آن حضرت برخاست و تجدید وضوی کامل ساخت و دو رکعت نماز بجای آورد و رکوع و سجود آن نماز را نیکو بعمل آورد و در عقب نماز این حرز را خواند، پس آن حضرت در همان مکان که نشسته بود، غایب شد، و من ندانستم که آیا زمین او را فرو برد یا آسمان او را ربود؟

من بلند شدم و به نزد هارون رفتم و قصه را نقل نمودم.

هارون گریست، و گفت: که خدای تعالی او را از من پناه و امان داد.

از آن حضرت روایت شده که فرمودند: هر کس که این حرز را هر روز به نیتی خالص و اعتقادی صادق بخواند، خدای تعالی او را از هر محذوری و آفتی نگاه می‌دارد و اگر در بلائی باشد، خدای تعالی او را از آن بلیه خلاص می‌کند و او را از شر او کفایت می‌نماید. و هر شخصی که خواندن این حرز را نتواند، پس این را با خود نگاه دارد و به آن تبرک جوید، خدا او را به سبب این حرز نفع دهد و کفایت نماید او را از آن چیزی که از او حذر می‌کند و می‌ترسد. به درستی که خدا ولی و سزاوار است و قادر بر این است.

حرزهای امام موسی بن جعفر علیهما السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به یاری نام خدای بخشنده مهربان

اَللّٰهُ اَكْبَرُ، اَللّٰهُ اَكْبَرُ، اَللّٰهُ اَكْبَرُ وَ اَعْلٰی وَ اَجَلٌ مِّمَّا اَخَافُ وَ اُحْذَرُ. وَ

خدای بزرگتر است خدای بزرگتر است خدای بزرگتر است و بلندتر و عظیمتر است پناه می برم از چیزی که می ترسم و دوری می کنم و

اَسْتَجِيرُ بِاللّٰهِ، عَزَّ جَارُ اللّٰهِ، وَ جَلَّ ثَنَاءُ اللّٰهِ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللّٰهُ، وَ خَدَهُ

پناه می جویم به خدای. غالب است پناه آورنده به خدا، و عظیم است سپاس خدای و نیست معبودی مگر خدای که یکی است

لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ. اَللّٰهُمَّ اخْرِسْنِي

و نیست شریکی برای او، و شفاعت خدا باد بر محمد و آل او. خداوند! پاسباتی کن مرا

بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَ اكْتَفِنِي بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ، وَ اغْفِرْ لِي

بچشمی که نمی خوابد و محافظت نمای مرا به قوت که زایل گردیده نمی شود و بیامرز مرا

بِقُدْرَتِكَ، فَأَنْتَ رَجَائِي. رَبِّ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ، قَلَّ لَكَ

به قدرتت، پس تویی امید من، ای پروردگار من چه بسیار است نعمتی که عطا نموده ای آن هارا بر من که کم است

عِنْدَهَا شُكْرِي، وَ كَمْ مِنْ بَلِيَّةٍ ابْتَلَيْتَنِي بِهَا، قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا صَبْرِي.

از برای آن نعمتها شکر من، و بسا از بلایی که امتحان نموده ای مرا به آن، کم است از برای آن بلاها صبر من

فَيَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ نِعْمَتِهِ شُكْرِي فَلَمْ يَخْرُمْ نِي، وَ يَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ

پس ای کسی که کم است نزد نعمت او شکر من، پس محروم نساخته مرا، و ای کسی که کم است نزد

بَلِيَّتِهِ صَبْرِي فَلَمْ يَخْذُلْنِي، وَ يَا مَنْ رَأَى عَلَى الْخَطَايَا فَلَمْ

ببلیه او صبر من، پس ترک نکرده است یاری ام را و ای کسی که دیده است مرا بر گناهان پس

يَفْضَحْنِي. يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقُضِي أَبَدًا، يَا ذَا النِّعَمِ الَّتِي لَا

رسانا نکرده است مرا، ای صاحب احسان که بر طرف نمی شود هرگز و ای صاحب بخششها که بشماره در نمی آید

تُخْصِي عَدَدًا، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ. اَللّٰهُمَّ بِكَ اُدْفَعْ وَ اُدْرَأْ

عدد آن، رحمت فرست بر محمد و آل محمد. بار خدایا به تو دفع می کنم و منع می نمایم در گودی

فِي نَحْرِهِ، وَ اَسْتَعِيزُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ. اَللّٰهُمَّ اَعِزَّنِي عَلَى بَيْتِي

کردن دشمن و پناه می جویم به تو از شر دشمن. خداوند! مدد کن مرا بر دین من

بِدُنْيَايَ، وَ عَلَى آخِرَتِي بِتَقْوَايَ، وَ احْفَظْنِي فِيمَا غَبْتُ عَنْهُ، وَ لَا

به سبب دنیا، و بر آخرتم به پرهیزگاری، و نگاهدار مرا در چیزی که پنهانم از آن و باز نگذار

تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي فِي مَا حَضَرْتُهُ، يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ الذُّنُوبُ، وَ لَا

مرا به سوی خودم در چیزی که حاضر شدم آن را، ای کسی که ضرر نمی رسد او را گناهان و نفع نمی دهد

تَنْفَعُهُ الْمَغْفِرَةُ، اغْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ، وَ اَعْطِنِي مَا لَا يَنْفَعُكَ،

او را آمرزش. بیامرز برای من چیزی را که ضرر نمی رسد ترا، و ببخش به من چیزی را که نفع نمی دهد ترا

حرزهای امام موسی بن جعفر علیهما السلام

إِنَّكَ وَهَّابٌ. أَسْأَلُكَ فَرَجاً قَرِيباً، وَمَخْرَجاً رَجِيْباً، وَرِزْقاً

بدرستی که تو بسیار بخشندای. سؤال می‌کنم از تو گشادگی نزدیک را، و بیرون رفتنی وسیع را، و روزی

وَاسِعاً، وَصَبْرًا جَمِيْلاً، وَ عَافِيَةً مِنْ جَمِيعِ الْبَلَايَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ

فراخ را و صبری نیکو را و سلامتی از همه بلاها را، بدرستی که تو بر همه چیز

شَيْءٍ قَدِيرٌ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَ الْعَافِيَةَ، وَ الْاَمْنَ وَ الصِّحَّةَ

بسیار قادری. خداوند! بدرستی که سؤال می‌کنم از تو در گذشتن از گناهان را و دفع کردن بلاها را و عدم ترس را و تندرستی را

وَ الصَّبْرَ، وَ دَوَامَ الْعَافِيَةِ، وَ الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ. وَ اَسْأَلُكَ اَنْ

و صبر نمودن را و همیشه بودن دوری بلاها و آزارها را و شکر کردن بر عافیت را و سؤال می‌نمایم ترا

تُصَلِّيَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَنْ تُلْبِسَنِيْ عَافِيَتَكَ فِیْ دِیْنِیْ

آن که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و آن که بپوشانی به من عافیت خود را در دینم

وَ نَفْسِیْ وَ اَهْلِیْ وَ مَالِیْ، وَ اِخْوَانِیْ مِنَ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، وَ

و در نسلم و در اهللم و در ماللم و برادرانم از مردان مؤمن و زنان مؤمنه و

جَمِيعَ مَا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَیَّ. وَ اَسْتَوْدِعُكَ ذٰلِكَ كُلَّهُ، یَا رَبِّ. وَ

همه چیزی که بخشیده‌ای آنرا بر من و می‌سپارم بـتو این‌ها را همه. ای پروردگار من و

اَسْأَلُكَ اَنْ تَجْعَلَنِيْ فِیْ كَنَفِكَ، وَ فِیْ جِوَارِكَ، وَ فِیْ حِفْظِكَ وَ

سؤال می‌کنم ترا که بگرددانی مرا در حرزت و در پناحت و در حفظت و

حِرْزِكَ، وَ عِيَاذِكَ. عَزَّ جَارُكَ، وَ جَلَّ ثَنَاتُكَ، وَ لَا اِلٰهَ غَيْرُكَ. اَللّٰهُمَّ

در حمایت و در پناحت. غالب است پناه آورنده به تو و عظمت سپاست و نیست خدایی غیر از تو. خداوند!

فَرِّغْ قَلْبِیْ لِمَحَبَّتِكَ وَ ذِكْرِكَ، وَ اَنْعَشْهُ لِخَوْفِكَ اَيَّامَ حَيَاتِیْ كُلَّهَا،

فارغ گردان دلم را از برای دوست داشتنت و از جهت یادآوری و باقی بدارت او را از برای ترس از تو در زمان زندگانی در همه آن

وَ اجْعَلْ زَادِیْ مِنَ الدُّنْيَا تَقْوَاكَ، وَ هَبْ لِیْ قُوَّةً اُحْتَمِلُ بِهَا جَمِيعَ

و بگردان تشوهم را از دنیا پرهیزگاری از عاقبت، و ببخشایم توانایی که متحمل شوم به سبب آن همه

طَاعَتِكَ، وَ اَعْمَلْ بِهَا جَمِيعَ مَرْضَاتِكَ، وَ اجْعَلْ فِرَارِیْ اِلَيْكَ، وَ

طاعتت را و بجا آورم به سبب آن همه خشنودی‌هایت را و بگردان گریزم را به سویت، و

رَغْبَتِیْ فِیْ مَا عِنْدَكَ، وَ اَلْبِسْ قَلْبِیْ الْوَحْشَةَ مِنْ شِرَارِ خَلْقِكَ،

خواستش مرا در چیزی که نزد توست، و بپوشان به دلم وحشت از بدان مخلوقات را

وَ الْاُنْسَ بِاَوْلِيَائِكَ وَ اَهْلِ طَاعَتِكَ، وَ لَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَ لَا لِكَافِرٍ

و مؤانست با دوستانت و با اهل طاعتت را و مگردان از برای فاسقی و نه کافری بر من

عَلٰی مِنْهٗ، وَ لَا لَهٗ عِنْدِیْ يَدًا، وَ لَا لِیْ اِلَيْهِ حَاجَةٌ. اِلٰهٰی قَدْ تَرٰی

مستی و نه از برای او نزد من قوتی و نه از برایم به سوی او احتیاجی. ای خدای من

حرزهای امام موسی بن جعفر علیه السلام

مَكَانِي، وَ تَسْمَعُ كَلَامِي، وَ تَعْلَمُ سِرِّي وَ عَلَانِيَتِي، لَا يَخْفَى عَلَيْكَ

مکانی منی و می شنوی سختم را و می دانی امور پنهانیم را و امور ظاهریم را، نیست پنهان بر تو چیزی

شَيْءٌ مِنْ أَمْرِي. يَا مَنْ لَا يَصِفُهُ نَعْتُ النَّاعِتِينَ، وَ يَا مَنْ لَا

از امر من، ای کسی که وصف نمی کند او را وصف کردن مدح کنندگان و ای شخصی که در نمی گذرد

يُجَاوِزُهُ رَجَاءُ الرَّاجِينَ، يَا مَنْ لَا يَضْبِعُ لَدَيْهِ أَجْرُ الْمُحْسِنِينَ، يَا

از او امیدواران، ای کسی که ضایع نمی شود نزدش مزد نیکوکاران ای

مَنْ قَرُبَتْ نُصْرَتُهُ مِنَ الْمَظْلُومِينَ، يَا مَنْ بَعْدَ عَوْنِهِ عَنِ

کسی که نزدیک است یاری نمودنش ستم رسیده شدگان را ای کسی که دور است مدد نمودن

الظَّالِمِينَ، قَدْ عَلِمْتَ مَا نَالَنِي مِنْ (فُلَانٍ) مِمَّا خَطَرْتَ، وَ انْتَهَكَ مِنِّي

او از ستم کنندگان، دانسته ای چیزی را که رسیده است به من از فلان شخص از چیزی که منع نموده ای و بر خود حلال نمود

مَا حَجَرْتَ، بَطَرًا فِي نِعْمَتِكَ عِنْدَهُ، وَ اغْتِرَارًا بِسِتْرِكَ عَلَيْهِ.

از من چیزی را که حرام نموده ای آنرا در حالی که طغیان نموده در نعمت تو که نزد اوست. و فریب خورده به پرده تو که بر روی اوست.

اللَّهُمَّ فَخُذْهُ عَنْ ظُلْمِي بِعِزَّتِكَ، وَ أَفْلُلْ حَذَّهٗ عَنِّي بِقُدْرَتِكَ، وَ

خداوند! پس مؤاخذه نمای او را از ستم به غلبه ات و کُند نمای تنیدی عداوت او را از من به قدرتت و

اجْعَلْ لَهُ شُغْلًا فِيمَا يَلِيهِ، وَ عَجْزًا عَمَّا يَنْوِيهِ. اللَّهُمَّ لَا تُسَوِّغْهُ

مگردان از برای او شغلی در چیزی و عجزی از چیزی که قصد می نماید آن را. خداوند! آسان مگردان از برای او

ظُلْمِي، وَ أَحْسِنْ عَلَيْهِ عَوْنِي، وَ اغْصِمْنِي مِنْ مِثْلِ فِعَالِهِ، وَ لَا

ظلم بر من را و نیکو گردان بر او مدد بر من را و نگاه دار مرا از مثل کارهایش و مگردان مرا

تَجْعَلْنِي بِمِثْلِ خَالِهِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَجَرْتُ بِكَ

به مثل حال او، ای رحیم کننده ترین رحیم کنندگان. بار خدایا بدرستی که پناه بردم به تو

وَ تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ، وَ فَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَ أَلْبَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ، وَ

و اعتماد نمودم بر تو و باز گذاردم امرم را به سویت و پناه دادم به پشتم را به سویت و

ضَعَفْتُ رُكْنِي إِلَى قُوَّتِكَ، مُسْتَجِيرًا بِكَ مِنْ ذِي التَّعَزُّزِ عَلَى

سستی قوتم را به سوی قوتت در حالی که پناه آورنده ام به تو از صاحب تعزز بر من

وَالْقُوَّةِ عَلَى ضَيْمِي، فَإِنِّي فِي جَوَارِكَ، فَلَا ضَيْمَ عَلَيَّ جَارِكَ، رَبِّ

و از قوت بر ستم بر من، من در پناه توام، پس نیست ستمی بر پناه آورنده به تو. ای پروردگار

فَاقْهَرْ عَنِّي قَاهِرِي، وَ أَوْهِنْ عَنِّي مُسْتَوْهِنِي بِعِزَّتِكَ، وَ اقْبِضْ

من پس رفع نمای از من غلبه کننده بر مرا و سست گردان از من طلب کننده سستی مرا به عزتت و قبض نمای

عَنِّي ضَائِمِي بِقِسْطِكَ، وَ خُذْ لِي مِمَّنْ ظَلَمْنِي بِعَدْلِكَ. رَبِّ

از من ستم کننده ام را به عدالتت و مؤاخذه نمای از برایم از کسی که ظلم نموده بر من به عدالت ای پروردگار من

حرزهای امام موسی بن جعفر علیه السلام

فَأَعِذْنِي بِعِيَاذِكَ، فَبِعِيَاذِكَ امْتَنِعْ عَائِذُكَ. وَ أَدْخِلْنِي فِي

پس پناه ده به پناهِت، پس به سبب پناه تو ای امنی نماید از دشمن پناه آورنده به تو و داخل کن در

جَوَارِكَ، عَزَّ جَارُكَ وَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ، وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ، وَ أَسْبِلْ عَلَيَّ

پناه خود، غالب است پناه برنده به تو و بزرگی است سبب و نیست خدائی غیر از تو و بپنداز بر من

سِتْرَكَ، فَمَنْ تَسْتَرُهُ فَهُوَ الْآمِنُ الْمُحَصَّنُ الَّذِي لَا يُرَاعُ. رَبِّ وَ

پرده خود را پس کسی که بپوشانی او را، در امنیتی است حصار داشته شده، که ترسیده نمی شود. ای پروردگار من و

اضْمُمْْنِي فِي ذَلِكَ إِلَى كَنَفِكَ، فَمَنْ تَكْفِنُهُ فَهُوَ الْآمِنُ الْمَحْفُوظُ، لَا

ضم کن مرا در این ضمن به سوی محافظت، پس کسی که حفظ نمائی او را، اوست در امن و حفظ کرده شده، نیست

حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ وَ لَا حِيلَةَ إِلَّا بِاللَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لَا وَلَدًا،

حرکتی و نه قوتی و نه چاره ای مگر بخدا که فرانگرفته است همصحبی را و نه فرزندی را

وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ، وَ كَبَّرَهُ

و نبوده از برایش شریکی در پادشاهی، و نبوده از برایش صاحب اختیاری از خوارگی و تعظیم کن او را تعظیم کردنی

تَكْبِيرًا. مَنْ يَكُنْ ذَا حِيلَةٍ فِي نَفْسِهِ، أَوْ حَوْلٍ بِتَقْلِبِهِ، أَوْ قُوَّةٍ فِي

کسی که باشد صاحب چاره در نفس یا حرکتی به سبب قلب شدن از حالی یا صاحب قوتی در

أَمْرِهِ بِشَيْءٍ سِوَى اللَّهِ، فَإِنَّ حَوْلِي وَ قُوَّتِي وَ كُلَّ حِيلَتِي بِاللَّهِ

امرش به سبب اعتماد نمودن به چیزی غیر از خدا، پس بدرستی که حرکت و توانائی و همه چاره من بخداست

الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ. الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ.

که یگانه در ذات و متغرد در صفات و فصد کرده شده در حاجتهاست، که نرانیده و زانیده نشده از غیری و نبوده از برای او همتای کسی.

وَ كُلُّ ذِي مُلْكٍ فَمَمْلُوكٌ لِلَّهِ. وَ كُلُّ قَوِيٍّ ضَعِيفٌ عِنْدَ قُوَّةِ اللَّهِ، وَ

و هر صاحب ملکی مملوک است از برای خدا و هر صاحب قوتی ضعیف است نزد توانائی خدا و

كُلُّ ذِي عِزٍّ فَغَالِبُهُ اللَّهُ، وَ كُلُّ شَيْءٍ فِي قَبْضَةِ اللَّهِ. ذَلَّ كُلُّ عَزِيزٍ

هر صاحب غلبه ای، پس غلبه نموده است او را خدا و هر چیزی در قبضه اختیار خداست، خوار است هر صاحب عزتی

لِبَطْشِ اللَّهِ، وَ صَغُرَ كُلُّ عَظِيمٍ عِنْدَ عَظَمَةِ اللَّهِ، خَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ

از جهت سطوت خدا، و کوچک است هر بزرگی نزد بزرگی خدا، و فروتنی نموده هر متکبری

عِنْدَ سُلْطَانِ اللَّهِ، وَ اسْتَظْهَرْتُ وَ اسْتَظَلَلْتُ عَلَى كُلِّ عَدُوٍّ لِي

نزد پادشاهی خدا و طلب پستی می کنم و مطالبه حمایت می نمایم بر هر دشمنی که باشد از برایم

بِتَوَلَّيَ اللَّهُ، دَرَأْتُ فِي نَحْرِ كُلِّ عَادٍ عَلَيَّ بِاللَّهِ، ضَرَبْتُ بِإِذْنِ اللَّهِ

به دوستی خدا، دفع نمودم و طعن زدم در گودی گردن هر دشمنی کننده بر خدا زدم و قرار دادم به اذن خدا

بَيْنِي وَ بَيْنَ كُلِّ مُتَرَفٍّ ذِي سَوْرَةٍ، وَ جَبَّارٍ ذِي نَخْوَةٍ، وَ مُتَسَلِّطٍ ذِي

مابین خود و هر بازگذاشته شده در نعمتهای دنیوی که صاحب شدت باشد، و هر بسیار جبرکننده صاحب تکبری و هر صاحب تسلطی که

حرزهای امام موسی بن جعفر علیهما السلام

قُدْرَةٍ، وَوَالِ ذِي إِمْرَةٍ، وَمُسْتَعِدِّ ذِي أُبْهَةٍ، وَعَبِيدِ ذِي ضَعِيفَةٍ، وَ

صاحب قدرت باشد و هر والی صاحب امرانی و هر صاحب تهیه‌ای که صاحب تکبر باشد و هر عناد کننده

عَدُوِّ ذِي غِيْلَةٍ، وَخَاسِدِ ذِي قُوَّةٍ، وَمَاكِرِ ذِي مَكِيدَةٍ، وَكُلِّ مُعِينٍ أَوْ

صاحب کینه‌ای و هر دشمن صاحب حيله و هر رشک برنده صاحب قوتی و هر مکر کننده صاحب خدع‌های و هر شخصی که مدد نماید یا مدد

مُغَانٍ عَلَى بِمَقَالَةٍ مُغْوِيَةٍ، أَوْ سِغَايَةٍ مُسْلِبَةٍ، أَوْ حِيلَةٍ مُوْذِيَةٍ، أَوْ

کرده شود بر ضرر بر من به سبب سختی همراه کننده یا سعی در کاری رباینده یا به سبب حيله آزار رساننده یا شر و فساد

غَادِلَةٍ مُزْدِيَةٍ، أَوْ كُلِّ طَاغِ ذِي كِبْرِيَاءٍ، أَوْ مُعْجِبِ ذِي خِيَلَاءٍ عَلَى كُلِّ

ملاک کننده یا هر طغیان کننده صاحب بزرگی یا به عجب آورنده صاحب تکبری بر هر

سَبَبٍ، وَ بِكُلِّ مَذْهَبٍ، فَأَخَذْتُ لِنَفْسِي وَ مَا لِي حِجَاباً دُونَهُمْ بِمَا

سبب که باشد و به هر راهی که بوده باشند، پس اخذ نمودم از برای نفس خود و مالم پرده‌ای و مانعی نزد ایشان

أَنْزَلْتُ مِنْ كِتَابِكَ، وَ أَحْكَمْتَ مِنْ وَ حَيْكَ الَّذِي لَا يُؤْتَى بِسُورَةٍ مِنْ

به چیزی که نازل ساخته‌ای از کتابت و محکم گردانیده‌ای از وحیت که آورده نمی‌شود سوره‌ای از

مِثْلِهِ، وَ هُوَ الْحَكْمُ الْعَدْلُ، وَ الْكِتَابُ الَّذِي لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ

مانند آن و این کتاب حکم کننده‌ای است عادل و کتابی است که وارد نمی‌شود او را باطل کننده‌ای از پیش رویش

يَدِيهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ، تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

و نه از عقب سرش، نازل گردیده از نزد دانای حمید کرده شده. خداوند رحمت فرست بر محمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْ حَمْدِي لَكَ، وَ ثَنَائِي عَلَيْكَ فِي الْعَافِيَةِ وَ الْبَلَاءِ

و آل محمد و بگردان سپاسم را از برایت و درودم را بر تو در راهی و در بلا

وَ الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ، دَائِماً لَا يَنْقُضِي وَ لَا يَبِيدُ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ

و در سختی و در آسانی همیشه که منقطع نشود و برطرف نگردد، اعتماد نموده‌ام بر زنده‌ای که

الَّذِي لَا يَمُوتُ. اَللّٰهُمَّ بِكَ أَعُوذُ، وَ بِكَ أَصُولُ، وَ إِيَّاكَ أَعْبُدُ، وَ إِيَّاكَ

نمی‌میرد. بار خدایا به تو پناه می‌برم و به سبب تو جرات و حمله می‌نمایم (یعنی بر دشمنان) و تو را عبادت می‌کنم و از تو

أَسْتَعِينُ، وَ عَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ، وَ أَدْرَأُ بِكَ فِي نَحْرِ أَعْدَائِي، وَ أَسْتَعِينُ

طلب مددکاری می‌نمایم و بر تو اعتماد می‌کنم و دفع می‌نمایم و طعن می‌زنم به سبب تو در نحر دشمنانم و طلب اعانت می‌نمایم

بِكَ عَلَيْهِمْ، وَ أَسْتَكْفِيكَهُمْ فَأَكْفِنِي بِمَا شِئْتَ، وَ كَيْفَ شِئْتَ، وَ مِمَّا

از تو بر ایشان و می‌طلبم که کفایتشان نمائی، پس کفایت کن به آنچه خواهی و به هر نحو که خواهی و از

شِئْتَ، بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. فَسَيَكْفِيكَهُمْ

هر چیز که خواهی به قدرتت و توانائیت، بدرستی که تو بر هر چیزی قادری. پس زود باشد که کفایت کند

اللَّهُ، وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ، وَ نَجْعَلُ

ترا از ایشان خدا، و اوست شنوای بسیار دانا. گفت خدا که زود باشد که قوی گردانم بازویت را به برادرت

حرزهای امام موسی بن جعفر علیه السلام

لَكُمْ سُلْطَانًا. فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمْ بِآيَاتِنَا أَنْتُمْ، وَ مَنْ اتَّبَعَكُمْ

و بگردانیم از برای شما حجتی و معجزهای پس نمی رسند به سوی شما به آیات و علامات ما، بدرستی که شما و کسی که

الْغَالِبُونَ. لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَ أَرَى. قَالَ اخْسَئُوا فِيهَا

پیروی نماید شما را غلبه کنند، مترسید، بدرستی که من با شما می شنوم و می بینم. گفت خدا دور شوید

وَ لَا تَكَلِّمُونِ. أَخَذْتُ سَمْعَ مَنْ يُطَالِبُنِي بِالسُّوءِ بِسَمْعِ اللَّهِ وَ

و بشوید در جهنم و سخن مگوئید با من. فرا گرفتم گوش آنرا که طلب نماید مرا به بدی به سبب شنوائی خدا و

بَصَرِهِ، وَ قُوَّتِهِ بِقُوَّةِ اللَّهِ وَ حَبْلِهِ أَلَمَتَيْنِ، وَ سُلْطَانِهِ الْمُبِينِ،

بینائی خدا و اخذ نمودم تواناییش را به قوتش و حبش که محکم است و به پادشاهی که واضح است.

فَلَيْسَ لَهُمْ عَلَيْنَا سُلْطَانٌ وَ لَا سَبِيلٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. وَ جَعَلْنَا مِنْ

پس نیست از برای ایشان بر ما پادشاهی و نه راهی اگر خواهد خدا و گردانیدیم از

بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا، وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا، فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ.

پیش رویهایشان حاجبی و از عقب سرشان مانعی پس پوشانیدیم چشمهایشان را پس ایشان نمی بینند.

اللَّهُمَّ يَدُكَ فَوْقَ كُلِّ ذِي يَدٍ، وَ قُوَّتُكَ أَعَزُّ مِنْ كُلِّ قُوَّةٍ، وَ سُلْطَانُكَ

خداوند قدرت تو بالای هر صاحب قدرتی، و توانایت غالب تر از هر توانائی است و پادشاهیت

أَجَلُّ مِنْ كُلِّ سُلْطَانٍ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ كُنْ عِنْدَ

عظیم تر از هر پادشاهی است، پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد و باش تو فریادرس و پناه من نزد

ظَنِّي فِي مَا لَمْ أَجِدْ فِيهِ مَفْزَعًا غَيْرَكَ، وَ لَا مَلْجَأَ سِوَاكَ، فَإِنِّي

اعتقاد من در چیزی که نیافتم در آن فریادرس سوایت و نه پناهی غیر از تو. پس بدرستی که

أَعْلَمُ أَنَّ عَدْلَكَ أَوْسَعُ مِنْ جَوْرِ الْجَبَّارِينَ، وَ أَنَّ إِنْصَافَكَ مِنْ وَ رَاءِ

می دانم عدالت تو وسیع تر است از ستم مستکبرین، و آن که عدل تو از عقب ستم کننده هاست.

ظُلْمِ الظَّالِمِينَ. صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَجْمَعِينَ، وَ أَجِرْنِي

رحمت فرست بر محمد و آل محمد همگی و پناه ده مرا از شر

مِنْهُمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. أَعِيزْ نَفْسِي وَ دِينِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ

ایشان ای رحیم کننده ترین رحیم کننده ها. پناه می دهم نفسم و دینم و اهلم و مالم و

وَلَدِي، وَ مَنْ تَلَحُّقَهُ عِنَايَتِي، وَ جَمِيعَ نِعَمِ اللَّهِ عِنْدِي، بِبِسْمِ اللَّهِ

فرزندم و آن را که برسد به او قصد من و همه نعمتهای خدای را که در نزد من است به آغاز به اسم خدا

الَّذِي خَضَعَتْ لَهُ الرِّقَابُ. وَ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَافَتْهُ الصُّدُورُ، وَ

که فروتنی و بسستی نموده از برای او گردنهای او که ترسیده است از او سینه ها و

وَجِلَتْ مِنْهُ النُّفُوسُ. وَ بِالْإِسْمِ الَّذِي نَفَسَ عَنْ دَاوُدَ كُرْبَتَهُ، وَ

خوف نموده است از او نفسها. و به اسمی که بر طرف نموده است از داود غمش را، و

حرزهای امام موسی بن جعفر علیه السلام

بِالِاسْمِ الَّذِي قَالَ لِلنَّارِ كُونِي بَرْدًا، وَ سَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَ
 به اسمی که گفته است به آتش باش سرد و سلامت بر ابراهیم و
 أَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ، وَ بِعَزِيمَةِ اللَّهِ الَّتِي لَا
 اراده نموده بودند کفار به او مکاری را پس گردانیدیم ایشان را زیانکار تران، و پناه می دهیم به اراده جزم خدا که
 تُخْصِي، وَ بِقُدْرَةِ اللَّهِ الْمُسْتَطِيلَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ مِنْ شَرِّ (فُلَانِ)
 شمرده نمی شود و به توانائی خدا که رسیده است بر همه مخلوقات او از شر فلان شخص
 وَ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَهُ الرَّحْمَنُ، وَ مِنْ شَرِّ مَكْرِهِمْ وَ كَيْدِهِمْ وَ حَوْلِهِمْ وَ
 و از شر چیزی که خلقش نموده خدا، و از شر مکر و حیل و قدرت و توانائی و
 قُوَّتِهِمْ وَ خَيْلِهِمْ وَ رَجْلِهِمْ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ بِكَ
 سوارها و پیاده های ایشان، بدرستی که تو بر هر چیزی بسیار توانائی. خداوند ایتو
 أَسْتَعِينُ، وَ بِكَ أَسْتَعِيثُ، وَ عَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ، وَ أَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ
 مدد می جویم و به تو طلب فریادری می نمایم، و بر تو اعتماد می نمایم و تو پروردگار عرش
 الْعَظِيمِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ خَلِّصْنِي مِنْ كُلِّ
 بزرگی. خداوند ارحمت فرست بر محمد و آل محمد و رهائی ده مرا از هر
 مُصِيبَةٍ نَزَلَتْ فِي هَذَا الْيَوْمِ، وَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ، وَ فِي جَمِيعِ
 بلیه ای که فرود آمده در این روز و در این شب و در همه
 اللَّيَالِي وَ الْأَيَّامِ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.
 شبها و روزها از آسمان به سوی زمین، بدرستی که تو بر هر چیزی بسیار قادری.
 وَ اجْعَلْ لِي سَهْمًا فِي كُلِّ حَسَنَةٍ نَزَلَتْ فِي هَذَا الْيَوْمِ، وَ فِي هَذِهِ
 و بگردان برایم بهرهای در هر نیکی که فرود آمده در این روز و در این
 اللَّيْلَةِ، وَ فِي جَمِيعِ اللَّيَالِي وَ الْأَيَّامِ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، إِنَّكَ
 شب و در همه شبها و روزها از آسمان به سوی زمین، بدرستی که تو
 عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ بِكَ أَسْتَفْتِحُ، وَ بِكَ أَسْتَنْجِحُ، وَ بِمُحَمَّدٍ
 بر هر چیز بسیار قادری. بار خدایا به تو طلب یاری می نمایم و به تو طلب ظفر می نمایم و به سبب محمد
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِلَيْكَ أَتَوَجَّهُ، وَ بِكِتَابِكَ أَتَوَسَّلُ أَنْ
 و آل او، رحمت خدا باد بر او و بر خاندانش، به سویت رو می آورم و به کتابت متوسل می شوم آن که
 تَلْطِفَ لِي بِلُطْفِكَ الْخَفِيِّ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. جِبْرِئِيلُ عَنْ
 مهربانی نعمانی از برای من به مهربانیت که پنهان است بدرستی که تو بر هر چیز قادری. جبرئیل از
 يَمِينِي وَ مِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِي وَ إِسْرَافِيلُ أَمَامِي، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ
 طرف راست من است و میکائیل از جانب چپم و اسرافیل پیش رویم و (کلمه) نیست انتقالی و نه توانائی

حرزهای امام موسی بن جعفر علیه السلام

بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ خَلْفِي وَ بَيْنَ يَدَيَّ. لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ
مگر بخدا که بلند و بزرگ است از عقب من و در نردم است. نیست خدائی مگر تو منزهی تو
اِنِّی كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ. وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ
بدرستی که منم از ظلم کنندگان بر خود. و رحمت خدا بر محمد و آل او که پاکند و درود خدا
وَ سَلَّمَ كَثِيرًا.

بسیار باد بر ایشان.

✽ حرز دوم حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام ✽

علی بن عبدالصمد گوید: خبر داد مرا شیخ جدّ من به این نحو که بر او حدیث شد و می شنیدم من در ماه شوال سنه پانصد و بیست و نه (۵۲۹) سال هجری که جدّ من گفت: مرا شیخ والد، ابوالحسن فقیه علیه السلام حدیث نموده که گفت خبر داده مارا سید ابوالبرکات علیه السلام در سنه چهارصد و چهارده (۴۱۴) هجری و او گفت که حکایت نموده به ماشیخ ابوجعفر محمد پسر علی ولد حسین بن موسی بن بابویه و او گفته که حدیث نموده به مامحمد بن موسی بن المتوکل، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدر خود که گفت خبر داده مارا حسن بن علی بن یقطین و او گفت حدیث نموده به من حسین بن علی، از پدر خود و او از علی بن یقطین که گفت: ابن بابویه حدیث نموده مارا از احمد بن یحیی کاتب، که نقل نموده به ما ابوالطیب احمد بن محمد و راق گفته: حدیث نمود مارا علی بن هارون بن سلیمان نوفلی و او گفت که حدیث نمود مرا پدرم از علی بن یقطین آن که گفت بالا برده شده و رسیده است خبر به حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام و جماعتی از اهل بیت آن حضرت در نزد آن حضرت حاضر شده بودند به سبب آن که به ایشان رسیده بود که موسی بن مهدی عباسی که نوبت خلافت به او رسیده بود، در خاطر دارد که آن حضرت را آزار رساند و شهید نماید.

پس آن حضرت به اهل بیت خود فرمودند: چه مصلحت می بینید و رأی شما چیست؟ ایشان گفتند: رأی ما آن است که باید شما از او دور شوید و خود را از او غایب گردانید. به درستی که از شر او ایمن نیستیم. پس آن حضرت تبسم نموده شعری فرمودند:
رَعِمْتُ سَخِينَةً أَنْ سَتَغْلِبَ رَبُّهَا فَلْيُغْلِبَنَّ مُغَالِبُ الْغُلَّابِ
(گمان نموده سخینه، یعنی: موسی عباسی خلیفه، آن که غالب می شود به پروردگار خود. البته که غالب می شود بر او کسی که بسیار غلبه کننده است بر هر صاحب غلبه ای.)

حُرّهای امام موسی بن جعفر علیه السلام

پس دستهای مبارک را به سوی آسمان بلند فرمودند و این دعا را خواندند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به یاری نام خدای بخشنده مهربان

إِلَهِي كَمْ مِنْ عَدُوٍّ شَحَذَ لِي ظُبَّةَ مُدْيَتِهِ، وَ أَزْهَفَ لِي شِبَاحَدَهُ، وَ

ای خدای من بسا از دشمنی که تند کرده از برایم تسدی کرد بزرگش را و تنگ نموده برایم دم حذت غضبش را و

ذَافَ لِي قَوَاتِلَ سُؤْمُوهِ، وَ لَمْ تَنْمُ عَنِّي عَيْنُ حِرَاسَتِهِ، فَلَمَّا رَأَيْتَ

خوستانید برایم زهرهای کشنده اش را و نخواستید از من چشم نگاهبان او. چون دیدی

ضَعْفِي عَنِ احْتِمَالِ الْفَوَاحِشِ، وَ عَجَزِي عَنِ مُلِمَّاتِ الْجَوَائِحِ،

ناتوانیم را از متحمل شدن سنگینی بلاهای نازله و ناتوانیم را از مصیبتهای زمانه هلاک کننده.

صَرَفْتَ ذَلِكَ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ، لَا بِحَوْلٍ مِنِّي وَ لَا قُوَّةٍ.

پس گردانیدی آن بلاها را از من به قدرتت و به توانائیت، نه به قدرتی و نه به قوتی از من

فَأَلْقَيْتَهُ فِي الْحَفِيرِ الَّذِي اخْتَفَرَهُ لِي خَائِبًا مِمَّا أَمَّلَهُ فِي الدُّنْيَا،

پس انداختی او را در گودی که برایم کنده است با ناامیدی از چیزی که آرزو داشته آنرا در دنیا

مَتَّبَعِدًا مِمَّا رَجَاهُ فِي الْآخِرَةِ. فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ذَلِكَ قَدَرٍ

و با دوری از چیزی که امید داشته آنرا در آخرت. پس از برای تست ستایش بر آن کار بقدر

اسْتِحْقَاقِكَ سَيِّدِي. اَللّهُمَّ فَخْذَهُ بِعِزَّتِكَ، وَ أَفْلُلْ حَدَّهُ عَنِّي

قابلیت ای مولای من. خداوند پس فراگیر دشمنم را به غلبه خودت و کند نمای تسدی غضب او را از من

بِقُدْرَتِكَ، وَ اجْعَلْ لَهُ شُغْلًا فِيمَا يَلِيهِ، وَ عَجْزًا عَمَّا يَنْوِيهِ. اَللّهُمَّ وَ

بقدرتت و بگردان از برای او مشغولی در چیزی که در جنب اوست و عجز از چیزی را که در خاطر دارد آن را. خداوند

أَعِزَّنِي عَلَيْهِ عَدُوَّايَ حَاضِرَةً تَكُونُ مِنْ غِيْظِي شِفَاءً، وَ مِنْ حَنْقِي

مسلم گردان مرا بر او چنان غلبه ای که بر خشمم شفا دهند. و از خشمم شدید من

عَلَيْهِ وَ فَاءً. وَ صَلِّ اَللّهُمَّ دُعَائِي بِالْإِجَابَةِ، وَ انْظَمْ شِكَايَتِي

بر او وفا کننده یعنی تسلطی باشد. و مقرون گردان خداوند دعایم را به قبول و منظم گردان شکوهم را

بِالتَّغْيِيرِ وَ عَرَفُهُ عَمَّا قَلِيلٍ مَا أَوْعَدْتَ الظَّالِمِينَ وَ عَرَفَنِي مَا وَعَدْتَ

به تغییر دادن و بشناسان اندکی از عذابها که ستمکاران را به آن ها وعده نموده ای و بشناسان مرا حسنه های

فِي إِجَابَةِ الْمُضْطَرِّينَ إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ وَ اَلْمَنِّ الْكَرِيمِ.

که وعده فرموده ای در اجابت دعای بیچارگان، بدرستی که تو صاحب نعمتهای بزرگ و منتهای بسیار نافع.

راوی نقل نمود که خانواده آن حضرت متفرق شدند و هنوز دست به کاری نزده بودند

که خبر مرگ موسی بن مهدی عباسی رسید.

حرزهای امام موسی بن جعفر علیه السلام

✽ حرز سوم حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام ✽

به همین سندها که سابقاً ذکر شد از علی بن یقطین روایت شده که گفت: بالای سر هارون الرشید ایستاده بودم هنگامی که حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام را احضار کرد و حال آن که هارون در نهایت خشم بود و آتش غضب او بر آن حضرت شعله ور بود. چون آن حضرت بر او وارد شدند لبهای مبارک خود را حرکت دادند و چیزی می خواندند. هارون الرشید به آن حضرت روی آورد و ملاطفت و مهربانی و احسان با آن حضرت نموده، اذن داد که آن حضرت بازگردند.

علی بن یقطین گوید: بعداً که آن حضرت را زیارت کردم، عرض کردم: یا بن رسول الله خدا مرا فدای شما بگرداند، هنگامی که بر هارون وارد شدید، او بر شما خشمناک بود و تردید نداشتم که فرمان قتل شمارا می دهد، ولی خدای تعالی شمارا از شر او به سلامت داشت، آن کلماتی که بخواندن او لبهای خود را حرکت دادید، چه دعائی بود؟ آن حضرت فرمودند: من دو دعا خواندم که یکی خاص و دیگری عام است. پس خدای تعالی شر او را از من برگرداند. علی بن یقطین گوید: گفتم: یا بن رسول الله آن دو دعا کدامند؟ سپس فرمودند: اما دعای خاص این است:

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ حَفِظْتَ الْغُلَامَيْنِ لِصَلٰحِ اَبَوَيْهِمَا فَاحْفَظْنِي

خداوندا تو نگاهداشتی آن دو پسر را از جهت صالح بودن پدر و مادرشان پس معافیت نماي مرا

لِصَلٰحِ اَبَائِي.

از جهت صلاح پدرانم.

و اما دعای عام این است:

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَكْفِيْ مِنْ كُلِّ اَحَدٍ، وَ لَا يَكْفِيْ مِنْكَ اَحَدٌ، فَاكْفِنِيْ بِمَا

خدایا تو کافی هستی مرا از شر هر شخص و نیست کافی از تو هیچکس، پس کفایت نماي به آنچه

شِئْتُ، وَ اَنْتَ شِئْتُ.

خواسته ای و به هر مکانی که خواسته ای.

پس آن حضرت فرمودند که خدای تعالی شر او را از من کفایت نمود.

✽ حرز چهارم حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام ✽

به سندهائی که سابقاً مذکور گردیده، از علی بن ابراهیم بن هاشم روایت شده است به

حرزهای امام موسی بن جعفر علیه السلام

روایت خود که گفت: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام انتخاب نمودند آیاتی چند از قرآن و آنها را حرزی برای فرزند خود حضرت امام موسی علیه السلام گردانیدند و حضرت امام موسی علیه السلام آن آیات را می خواندند و نفس خود را به آن حرز پناه می دادند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به یاری نام خدای بخشنده مهربان

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَبَدًا حَقًّا حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَ صِدْقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا

نیست خدائی مگر خدای همیشه که ثابت است. ثابت نیست خدائی مگر خدا، ایمان دارم به او ایحاتی و راست گویم نیست خدائی مگر

اللَّهُ تَعْبُدًا وَ رِقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَلَطُّفًا وَ رِفْقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،

خدا. می پرستم او را و بندگی می نمایم. نیست خدائی مگر خدا طلب شفقت و مهربانی می نمایم از او نیست خدائی مگر خدا.

بِسْمِ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ اغْتَصَفْتُ بِاللَّهِ وَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَى اللَّهِ،

آغاز بنام خداست و سپاس مگر او را است و چنگ در زدم بدامنانش. و تکیه دادم پشت خود را به سویش.

مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ، وَ نِعْمَ

آن چه خواست خدا چنان شد. نیست قوتی مگر به خدا و نیست تهیة اسبابی مگر به خدا و نیکی

الْقَادِرُ اللَّهُ، وَ نِعْمَ الْمَوْلَى اللَّهُ، وَ نِعْمَ النَّصِيرُ اللَّهُ، وَ لَا يَأْتِي

توانائی است خدا، و نیکی مولای است خدا، و نیکی یاری کننده ای است خدا، و نمی بخشد خیرات را

بِالْحَسَنَاتِ إِلَّا اللَّهُ، وَ لَا يَصْرِفُ السَّيِّئَاتِ إِلَّا اللَّهُ، وَ مَا بِنَا مِنْ

مگر خدا و بر نمی گرداند بدیهارا مگر خدا و آن چه با ما است

نِعْمَةٍ فَمِنْ اللَّهِ، وَ أَنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ. وَ أَسْتَكَفِي اللَّهَ، وَ أَسْتَعِينُ

از نعمتها پس از جانب خداست و امر همه آن از برای خداست و طلب می نمایم که کافی باشد مرا خدا و طلب مددکاری می نمایم از

اللَّهُ، وَ أَسْتَقْبِلُ اللَّهَ، وَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، وَ أَسْتَغِيثُ اللَّهَ. وَ صَلَّى اللَّهُ

خدا و طلب قبول یشیمانی می کنم از خدا و طلب آمرزش می نمایم خدای را و طلب فریادرسی می کنم خدای را و رحمت خدای باد

عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَ آلِهِ، وَ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ، وَ عَلَى مَلَائِكَةِ

بر محمد که فرستاده خداست و بر خاندانش و بر پیغمبران خدای و بر فرشتگان

اللَّهُ، وَ عَلَى الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ، إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ، وَ إِنَّهُ بِسْمِ

خدای و بر جمیع صلحا از بندگان خدای، بدرستی که این نامه از جانب سلیمان است و بدرستی که نوشته شده در این نامه که آغاز بنام

اللَّهُ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. أَلَّا تَعْلَمُوا عَلَيَّ، وَ أَتَوْنِي مُسْلِمِينَ. كَتَبَ اللَّهُ

خدای بخشنده مهربان است بدرستی که بزرگی نکنید بر من و بیایید به سویم در حالی که باشید فرمانبرداران. نوشته است خدا

لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَ رُسُلِي، إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ. لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا

که هر آینه غالب می شوم و فرستادگان من، بدرستی که خدا توانا و غلبه کننده است زیان نمی رساند شمارا مگر ایشان به چیزی

حرزهای امام موسی بن جعفر علیه السلام

إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ. وَ اجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا

بدرستی که خدا بداند چه می کنند آگاه است و بگردان از برای من از نزد خود قوتی

نَصِيرًا. إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ

یاری کننده چون قصد نمودند قومی که بگشایند به سوی شما دستهای خود را پس بازداشت خدا دستهایشان را از شما

وَ اتَّقُوا اللَّهَ، وَ اللَّهُ يَعْصِيكُمْ مِنَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ

و بترسید از خدا و خدا نگاه می دارد تو را از شر مردمان، بدرستی که خدا نمی رساند به مقصود قوم

الْكَافِرِينَ. كُلَّمَا أُوقِدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ، وَ يَسْعَوْنَ فِي

کافران را، هرگاه برافروختند یهودان آتش را از برای جنگ کردن، فرو نشاتید آنرا خدا و می شتابد در

الْأَرْضِ فَسَادًا. قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ. وَ

روی زمین برای فتنه انگیزی. گفتیم که ای آتش باش تو سرد و سالم بر ابراهیم

زَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. لَهُ

و زیاده گردانید شمارا در آفرینش از حیثیت قامت و قوت پس بیاد آورید نعمتهایش را امید است که شما رستگار باشید. از برای اوست

مُعَقَّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ، يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ. رَبِّ

فرشتگان تعاقب کننده از پیش روی و از پس سرش که نگاه می دارند او را از جهت فرمان خدا، ای پروردگار من

أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ، وَ أَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ، وَ اجْعَلْ لِي مِنْ

درآور مرا در آوردنی نیکو، و بآکرامت و بیرونم آور بیرون آوردنی پسندیده و بگردان از برایم

لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا. وَ قَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا، وَ رَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا.

از نزد خود قوتی یاری کننده و نزدیک گردانیدیم موسی را در حالی که راز گوینده بود و برداشتیم ادریس را در مکانی بلند،

سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا. وَ أَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّي، وَ لَتُصْنَعَ

زود باشد که بگرداند برای مومنان خدای بخشنده دوستی را، و انداختم بر تو ای موسی دوستی را جاتب من و تا پرورده شوی

عَلَى عَيْنِي، إِذْ تَمْشِي أَخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى مَن يَكْفُلُهُ وَ

بر نظر تربیت من، وقتی که می رفت خواهر تو مریم پس می گفت آیا راهنمایی کنم شمارا بر کسی که نگاهداری نماید او را،

فَرَجَعْنَاكَ إِلَى أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَ لَا تَحْزَنَ. وَ قَتَلْتُ نَفْسًا

پس برگردانیدیم تو را به سوی مادرت تا روشن شود چشمش و تا اندوهناک نگردد او، و بکشتی شخص کافری را

فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ، وَ فَتَنَّاكَ فُتُونًا. لَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ. لَا

پس رهانیدیم تو را از اندوه، و آزمودیم تو را آزمودنی، مترس ای موسی بدرستی که تو از جمله امان یافتگانی، مترس

تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى. لَا تَخَافُ دَرَكًا وَ لَا تَخْشَى. لَا تَخَفْ نَجَوْتَ

بدرستی که تو بلندتر و عالی در حالی که نترسی رسیدن دشمن را و نترس از غرق شدن، مترس نجات یافتی

مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ. لَا تَخَفْ إِنَّا مُنْجُوكَ وَ أَهْلَكَ. لَا تَخَافَا إِنَّنِي

از گروه ستمکاران، مترس بدرستی که ما رهانی دهنده ایم تو و اهلت را، مترسید، بدرستی که

حرزهای امام موسی بن جعفر علیهما السلام

مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَ أَرَى. وَ يَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا. وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ

من با شمایم. می شنوم گفتارتان را و می بینم کردارتان را و یاری می نماید تورا خدای تعالی یاری کردنی

عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ، إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ، قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ

غلبه کننده و کسی که اعتماد نماید بر خدا پس خدا کافی است او را. بدرستی که خدا امرش را رساننده است بتحقیق که گردانیده

قَدْرًا. فَوْقَاهُمْ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ، وَ لَقَاهُمْ نَضْرَةٌ وَ سُرُورًا. وَ

برای هر چیزی اندازهای پس نگاه دارد ایشان را از شر آن روز، و پیش آورد ایشانرا تازگی روی و شادی را و

يَنْقَلِبُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا. وَ رَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ. يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ

برمی گردد مؤمن به سوی کسانی شادمان، و یاد نمودن نامرا بلند گردانیدیم برایت دوست می دارند مشرکان بتها را مثل دوست داشتن

اللَّهِ، وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ. رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبَّتْ

خدا را و آنان که ایمان آورده اند ثابت تراند در دوستی خدا. ای پروردگار فرو ریز بر ما شکیبایی را و نگاهدار

أَقْدَامَنَا، وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ. الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ

قدمهایمان را و یاریمان ده بر گروه کافران آن چنان جماعتی که گفتند ایشان را منافقان:

النَّاسُ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا، وَ قَالُوا حَسْبُنَا

مردمان کفار برای کشتن شما اتفاق کرده اند. پس بنرسید از ایشان، پس زیاد گردانید این سخن ایمانشان را و گفتند کافی است

اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ. فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَمْ يَمَسْسَهُمْ

مارا خدای، و نیکی متعددی است او، پس بازگشتند با عافیتی از جانب خدای و زیادتى ثبوتی، نرسید ایشانرا

سُوءٌ، وَ اتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ، وَ اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ. أَوْ مَنْ كَانَ

مکروهی و پیروی نمودند خشنودی خدای را و او صاحب فضل و بخشش بزرگ است. آیا کسی که باشد

مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ. هُوَ الَّذِي

مرده به کفر پس زنده گردانیدیم او را به ایمان و گردانیدیم از برایش علمی روشن که به آن در میان مردمان راه رود خدای کسی

أَيَّدَكَ بِنُصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ. وَ أَلَفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا

است که قوت داد به یاری نمودن خود و به همه مؤمنان و دوستی افکند میان دلهای ایشان که امر خرج می نمودی

فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ، وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَلَفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ

تو همه آن چهره که در زمین است تألیف نمی دادی میان دلهای ایشان، ولیکن خدای تعالی الفت انداخت میان ایشان. بدرستی که او قادر

عَزِيزٌ حَكِيمٌ. سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَ نَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا

و غالب و داناست. و زود باشد که محکم گردانیم بازویترا (یعنی موسی) به برادرت (یعنی هارون) و بگردانیم از برای شما حجتی و معجزه ای

يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِآيَاتِنَا، أَنْتُمْ وَ مَنْ اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ. عَلَى اللَّهِ

پس نمی رسند (یعنی فرعون و قوم او) به سوی شما به سبب علامات ما بدرستی که شما و کسیکه پیروی نموده شما را غلبه کنند. بر خدای

تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ، وَ أَنْتَ خَيْرُ

اعتماد نمودهایم، ای پروردگار ما حکم فرما میان ما و میان قوم ما به راستی، و تو بهترین

حرزهای امام موسی بن جعفر علیهما السلام

الْفَاتِحِينَ. إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ، مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ

کار گشایندگانی. بدرستی که اعتماد نموده‌ام بر خدای که پروردگار من و پروردگار شماست. نیست هیچ متحرکی مگر آن که خدا

أَخَذَ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. فَسَتَذْكُرُونَ مَا

فرا گرفته‌است پیش سر او، بدرستی که پروردگارم بر راه راست است. پس زود باشد که

أَقُولُ لَكُمْ، وَ أَفَوْضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ. فَإِنْ

باد کنید چیزی را که می‌گویم شما را و باز می‌گذارم کارم را به سوی خدا، بدرستی که خدا بیناست به بندگان. پس

تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ، وَ هُوَ رَبُّ

اگر اعراض نمایند بگو تو که: پسند و کافیت مرا خدای. نیست خدائی مگر او و بر او توکل نموده‌ام و اوست پروردگار

الْعَرْشِ الْعَظِيمِ. رَبِّ إِنِّي مَسْنِي الضُّرِّ وَأَنْتَ أَزْحَمُ الرَّاحِمِينَ. لَا

عرش که بزرگ است. ای پروردگار من بدرستی که رسیده‌است مرا رنج و سختی و تو رحم کننده‌ترین رحم کنندگانی. نیست

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ. أَلَمْ، ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا

خدائی مگر تو، پاک‌ی تو، بدرستی که هستم از ستم‌کنندگان بر خود. منم خدای دانا اینست آن کتاب کامل که نیست

رَيْبَ فِيهِ، هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ. الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيمُونَ

شکی در آن، راه‌نماینده است بر هیزگاران را که ایمان آورند بخدای پنهان و بهای دارند

الصَّلَاةَ، وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ. لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ

نماز را و از چیزی که روزی نموده‌ایم ایشان را نفقه می‌کنند. خدای هست، نیست خدائی مگر او، بر او توکل می‌نمایم و اوست

رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ. اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، الْحَيُّ الْقَيُّومُ، لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ

پروردگار عرش بزرگ. خدای، نیست خدائی مگر او که همیشه زنده و بخود برپاست فراموشی گیرد او را سستی

وَ لَا نَوْمٌ، لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ، مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ

و نه خوابی. از برای اوست آنچه در آسمانهاست و در زمین است. کیست آن که درخواست نماید

عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ، يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ، وَ لَا يُحِيطُونَ

نزد او مگر به اذن او، می‌داند آنچه پیش روی ایشان است و آنچه در پس سر ایشان است و احاطه نمی‌کنند

بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ، وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضَ، وَ

به چیزی از علم او مگر به آنچه خدا خواهد و فرا گرفته‌است کرسی او آسمانها و زمین را و

لَا يَؤُدُّهُ حِفْظُهُمَا، وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ. وَ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ

به رنج نمی‌اندازد او را نگاه داشتن آن‌ها، و اوست بلند مرتبه بزرگ و ذلیل و خوارند صورتها از برای همیشه زنده

الْقَيُّومِ، وَ قَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا. فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ، لَا إِلَهَ

قائم به ذات و زیاتمند است کسی که بار گیرد ستم نمودن را. پس بلند مرتبه‌است خدای که پادشاه بحق است.

هُوَ، رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ. فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَ رَبِّ الْأَرْضِ،

نیست خدائی مگر او که پروردگار عرش نیکوست. پس خدای را است ستایش، آن خدائی که پروردگار آسمانها و آفریدگار زمین است

حرزهای امام موسی بن جعفر علیهما السلام

رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَهُوَ الْعَزِيزُ

تربیت کننده عالمیان است و از برای اوست بزرگی در آسمانها و زمین و اوست غلبه کننده دنیای

الْحَكِيمُ. وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

به تدبیر. و هرگاه می خوانی ای محمد قرآن را می گردانیم میان تو و آن جماعتی که ایمان نمی آورند

بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا. وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ

به آخرت پرده پوشیده شده. و گردانیدیم بر دلهایشان پوششها که مانع اند از آن که بفهمند قرآن را

وَفِي آذَانِهِمْ وَاقْرَأْ. وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ، وَلَوْ عَلَى

و گردانیدیم در گوشهایشان گمراهی را و هرگاه یاد نمانی پروردگار خود را در قرآن که یگانه است او. باز کردند کافران

أَذْبَارِهِمْ نُفُورًا. أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ، وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى

بر پشتهای خود در حالی که متنفر باشند، آیا دیدهای آنرا که فرا گرفت خدایش را از روی خواهش و واگذاری در گمراهی

عِلْمٍ، وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ، وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً، وَ

او را خدای بر دهنش ازلی. و مهر نهاد و بر گوش و دل او و گردانید بر چشمش پردهای و

جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا، فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا

گردانیدیم از پیش روی ایشان سدّی و حاجبی و از پشت سرشان مانعی. پس پوشانیدیم چشمهایشان را پس ایشان

يُبْصِرُونَ. وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ، وَإِلَيْهِ أُنِيبُ. إِنَّ

نمی بینند چیزی را و نیست توفیق من مگر بخدای. بر او اعتماد نموده ام و به سنوی خدا بازگشت می نمایم. بدرستی که

اللَّهُ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ. وَقَالَ الْمَلِكُ انْتُونِي

خدای با جماعتی است که پرهیز نموده اند از بد. و با جماعتی است که ایشان نیکوکارانند. و گفت پادشاه مصر بیاورید

بِهِ أَسْتَخْلِصُهُ لِنَفْسِي، فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ.

یوسف را تا خالص گردانم از برای خودم. چون آمد و سخن گفت. عزیز مصر گفت بدرستی که تو امروز در نزد ما عزیز و امینی.

وَ خَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا. فَسَيَكْفِيكَهُمْ

و بست و ضعیف شود آوازه ها برای خدا. پس نشنوی در آن روز مگر آوازی آهسته. زود باشد کفایت کند تو را از شر ایشان

اللَّهُ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ

خدای و او شنوای داناست. اگر می فرستادیم این قرآن را بر کوهی. هر آینه می دیدی آنرا

خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ، وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ

زاری کننده شکافته باره باره شد ملز ترس خدای. و این مثلها می زنیم و بیان می کنیم آن هارا از برای مردمان

لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ. هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَالِمُ الْغَيْبِ

که شاید تفکر نمایند. اوست خدائی که نیست خدایی مگر او. دانای به پنهان

وَالشَّهَادَةِ، هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ. هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، الْمَلِكُ

و آشکار است. اوست بخشنده مهربان. اوست خدائی که نیست خدائی مگر او. پادشاه

حرزهای امام موسی بن جعفر علیهما السلام

الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهِيمُنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ

و پاکیزه است از نقص و عیب، سالم از عجز و جهل، و امان دهنده، و حفظ کننده، و غلبه نماینده، و صاحب جبروت، و متکبر است.

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ. هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِيءُ الْمُصَوِّرُ لَهُ

پاک و منزله است خدا از آن که شریک می کنند آنرا مشرکان. اوست خدای تقدیر کننده آفریننده، صورت بخشنده از برای

الْأَسْمَاءِ الْحُسْنَى، يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَهُوَ

اوست نامهای نیکو، تسبیح می کند از برای او آن چه در آسمانها و زمین است، و اوست غلبه کننده

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا، وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا

دانا و با حکمت. ای پروردگار ما، ستم نموده ایم بر نفسهای خود و اگر نیامرزی ما را و رحم ننحانی بر ما

لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ. رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا

هر آینه ما از زیانکاران خواهیم بود. ای پروردگار ما بگردان از ما عذاب دوزخ را بدورستی که عذاب جهنم لازم و دایم است.

كَانَ غَرَامًا. رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.

ای پروردگار ما این خلق را عبث نیافریده ای پاک و منزهی از این، پس نگهدار ما را از عذاب آتش

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ

و بگو ای محمّد که سپاس از برای خداست که فرانه گرفته است فرزندی را و نیست از برای او شریکی در پادشاهی.

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ، وَكِبَرُهُ تَكْبِيرًا. وَ مَا لَنَا إِلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى

و نیست از برای او دوستی از خولری و تعظیم نعلی او را تعظیم کردنی، و چه چیز است آن که توکل نکنیم بر

اللَّهِ، وَ قَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا، وَ لَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْتُمُونَا، وَ عَلَى اللَّهِ

خدا و حال آن که او نموده است به ما راههای ما را، و هر آینه صبر می کنیم بر آن چه رنجانیده ایم ما را.

فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ. إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ

پس توکل کنندگان باید که اعتماد نمایند بر خدای، جز این نیست شأن او سبحانه که هرگاه خواهد آفریدن چیزی را که می گوید او را که باشی موجود

فَيَكُونُ. فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ، وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ.

پس موجود می شود. پاک و منزله است آن که بدست اوست ملکوت هر چیزی و به سویش بازگردند.

اللَّهُمَّ مَنْ أَرَادَ بِي وَبِأَهْلِي وَ أَوْلَادِي، وَ أَهْلِ عِنَايَتِي شَرًّا أَوْ بَأْسًا

خداوند کسی که قصد نموده که رساند به من و به اهل من و فرزندان من و جماعتی که می خواهم ایشان را بدی یا فقر

أَوْ ضَرًّا، فَاقْصَعْ رَأْسَهُ، وَ أَغْصِلْ لِسَانَهُ، وَ أَلْجِمْ فَاةً، وَ حُلْ بَيْنِي وَ

و سختی یا زیانی را پس بکوب سرش را و ببند زبانش را و لجام کن دهانش را و مانع باش میان من و

بَيْنَهُ كَيْفَ شِئْتَ وَ أَنَّى شِئْتَ مِنْهُ، وَ مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ

او به هر نحو که خواهی و به هر جانی که خواهی از شر او و از شر هر روندی که تو فرام گرفته ای

بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. فِي حِجَابِكَ الَّذِي لَا

پیش سر او را. بدورستی که پروردگار من بر راه راست است. داخل در پرده و حائل تو که زایل گردیده نمی شود

حرزهای امام موسی بن جعفر علیه السلام

يُرَامُ، وَ فِي سُلْطَانِكَ الَّذِي لَا يُسْتَضَامُ. فَإِنَّ حِجَابَكَ مَبْنِيٌّ، وَ

و داخل در قدرت و پادشاهیت که ظلم کرده نمی شود در آن شخص، پس بدرستی که حجابت بسیار منع کننده است و

جَارَكَ عَزِيزٌ، وَ أَمْرَكَ غَالِبٌ، وَ سُلْطَانَكَ قَاهِرٌ، وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ

پناه آورنده به سویت غلبه کننده است و فرمات غلبه نماینده است و پادشاهیت غالب است و تو بر هر

شَيْءٍ قَدِيرٌ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ

چیزی بسیار توانائی. بار خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد، زیادتیر از رحمتی که فرستادهای

عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ

بر کسی از مخلوقات و رحمت فرست بر محمد و آل محمد، همچنان که راهنمایی نموده ای و نجات داده ای ما را

مِنَ الضَّلَالَةِ، وَ اغْفِرْ لَنَا وَ لِآبَائِنَا وَ لِأُمَّهَاتِنَا، وَ لِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ

به سبب آن حضرت از گمراهی، و بیامر ما و پدران و مادرانمان را و همه مردان مؤمن و

الْمُؤْمِنَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ، وَ تَابِعْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ

زنان مؤمنه را، زنده های از ایشان و مرده های آن ها را، و پیرو و تابع گردان ما را با ایشان در خوبیها،

بِالْخَيْرَاتِ، إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ، وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

بدرستی که تو اجابت کننده دعاهائی و تو بر هر چیزی قادری.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ نَفْسِي وَ دِينِي وَ أَمَانَتِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ

خداوند بدرستی که می سپارم به تو خود و دین و امانت و اهل و مال و

عِيَالِي، وَ أَهْلَ حُزَانَتِي، وَ خَوَاتِيمَ عَمَلِي، وَ جَمِيعَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ

عیال خود را، و جماعتی را که اندوه می برم از برای ایشان و عاقبت کارهای خود را و همه چیزهائی را که بخشش نموده ای

عَلَيَّ، مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي، فَإِنَّهُ لَا يَضِيعُ مَحْفُوظُكَ، وَ لَا تُرْزَأُ

تو آن ها را بر من از امر دنیا و آخرت، پس بدرستی که ضایع نمی شود محافظت کرده تو و ناقص نمی شود

وَدَائِعُكَ، وَ لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ، وَ لَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحِداً.

سپرده های نزد تو و پناه نمی دهد مرا از عذاب خدا کسی، و نمی یابم غیر از خدا پناهی.

اَللّٰهُمَّ رَبَّنَا، آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَ قِنَا عَذَابَ

خداوند، ای پروردگار ما بخش ما را در دنیا و آخرت نیکی را و نگاهدارمان از عذاب آتش

النَّارِ، وَ صَلِّ عَلَى اللَّهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ.

و رحمت خدا باد بر محمد و آل او همگی.



حرز پنجم حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به یاری نام خدای بخشنده مهربان

حرزهای حضرت امام رضا علیه السلام

اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِي الْهُدٰى وَ ثَبِّتْنِي عَلَيْهِ، وَ اخْشُرْنِي عَلَيْهِ اَمِنًا، اَمِنْ مَنْ

خداوند! ببخش به من راهنمایی را و ثابت گردانم بر آن و زنده گردانم بر آن در حالی که ایمن باشم مثل امنیت کسی که

لَا خَوْفَ عَلَيْهِ وَ لَا حُزْنَ وَ لَا جَزَعَ، اِنَّكَ اَهْلُ التَّقْوٰى وَ اَهْلُ الْمَغْفِرَةِ.

نباشد ترس برایش، و نباشد اندوهی و نه بی تابی از برایش، بدرستی که تو سزاوار پرهیزکاری و سزاوار آمرزشی.

✽ حرزهای حضرت امام رضا علیه السلام ✽

✽ حرز اول حضرت امام رضا علیه السلام ✽

حرز مولایمان حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام که به رقعة الجیب نامیده شده است. علی بن عبدالصمد گفته است که مرا شیخ جدم خبر داد در حالی که خوانده بود بر او و من شنیدم در سنه پانصد و بیست و نه (۵۲۹) هجری که گفت جدم خبر داده است به من والد فقیه ابوالحسن که گفت حدیث نمود مرا سید ابوالبرکات علی بن الحسین الحسنی که خوانده بود بر او در سنه چهارصد و بیست و چهار (۴۲۴)، گفت که حدیث نمود به ما شیخ ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین، از محمد بن موسی بن متوکل. گفت: روایت نموده به ما علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدر خود و او از یاسر خادم که گفت: چون حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام به قصر حمید بن قحطبه فرود آمدند، جامه خود را بیرون آوردند و آن را به حمید دادند.

پس حمید آن را گرفته و به کنیزک خود داد تا آن را بشوید. پس اندک زمانی نگذشت که کنیزک آمد و در حالی که رقعه ای در دست داشت که آن را به حمید داد و گفت این را در جیب حضرت ابی الحسن علیه السلام یافتیم.

حمید گوید: به آن حضرت عرض کردم فدای شما گردم به درستی که کنیزک در جیب جامه شما رقعه ای یافته است، آن چیست؟

آن حضرت فرمودند: ای حمید این رقعه، عوده ای است که آن را از خود جدا نمی سازم.

حمید گوید: عرض کردم چنانچه مرا به تعلیم آن عوده مشرف سازید هر آینه کمال لطف و شفقت شما خواهد بود.

پس آن حضرت فرمودند: هر کس این عوده را همراه خود نگاهدارد هر آینه از او بلا دفع می شود و حرزی نگاهدارنده از شر شیطان رجیم برای او خواهد بود. پس از آن این عوده را بر حمید خواندند و او آن را حفظ نمود.

حرزهای حضرت امام رضا علیه السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به یاری نام خدای بخشنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ، إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتُ تَقِيًّا أَوْ غَيْرَ تَقِيٍّ.

بِسْمِ خدایا، بدرستی که پناه می برم به خدای بخشنده از تو، اگر پرهیزگار یا غیر پرهیزگار باشی

أَخَذْتُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْبَصِيرِ عَلَى سَمْعِكَ وَبَصْرِكَ، لَا سُلْطَانَ

فرو گرفتم به شنیدار و بینا بر گوش و چشمت، نیست قدرتی

لَكَ عَلَى، وَلَا عَلَى سَمْعِي، وَلَا عَلَى بَصْرِي، وَلَا عَلَى شَعْرِي، وَلَا

از برایت بر من و نه بر سمعی و نه بر چشم و نه بر موی و نه

عَلَى بَشْرِي، وَلَا عَلَى لَحْمِي، وَلَا عَلَى دَمِي، وَلَا عَلَى مُخِّي، وَلَا

بر پوست و نه بر گوشت و نه بر خون و نه بر مغز و نه

عَلَى عَصَبِي، وَلَا عَلَى عِظَامِي، وَلَا عَلَى مَالِي، وَلَا عَلَى مَا رَزَقَنِي

بر پی و نه بر استخوانها و نه بر مال من و نه بر چیزی که روزی نموده مرا

رَبِّي. سَتَرْتُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ، بِسِتْرِ النُّبُوَّةِ الَّذِي اسْتَقَرَّ أَنْبِيَاءُ اللَّهِ

پروردگارم، پرده قرار دادم میان خود و تو، به پرده پیغمبری که پنهان شدند پیغمبران خدا

بِهِ مِنْ سَطَوَاتِ الْجَبَابِرَةِ وَالْفَرَاعِنَةِ. جَبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِي وَ

به سبب آن از حمله های جبرکندگان متکبر و طالعان متعجب، جبرئیل از جانب راست و

مِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِي، وَإِسْرَافِيلُ عَنْ وَرَائِي، وَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ

میکائیل از جانب چپ و اسرافیل از عقب سر من است، و محمد که رحمت خدا باد

عَلَيْهِ وَآلِهِ أُمَامِي، وَاللَّهُ مُطَّلِعٌ عَلَى يَمْنَعُكَ مِنِّي وَيَمْنَعُ الشَّيْطَانَ

بر او و آلش پیش روی من است، و خدا آگاه است بر من، تو و شیطان را

مِنِّي. اَللّٰهُمَّ لَا يَغْلِبْ جَهْلُهُ اَنَاتَكَ اَنْ يَسْتَفْزِنِي وَ يَسْتَخِفَّنِي.

از من منع می کند، خداوند غلبه نمی کند نادانی او حلم نمودنت را از آن که ذلیل و خفیف گرداند مرا.

اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ التَّجَاؤُتُ. اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ التَّجَاؤُتُ.

خدایاندا به سوی تجا می آورم، خداوند به سوی تجا می آورم، خداوند به سوی تجا می آورم.

سید بن طاووس رحمه الله گوید: این حرز دارای قصه ای فرح آور و حکایتی تعجب آورنده است، همچنان که ابوالصلت هروی آن را روایت نموده که روزی حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در منزل خود نشسته بودند و من در خدمت آن حضرت بودم. پس فرستاده مأمون بر آن حضرت داخل شد و گفت امیرالمؤمنین را اجابت نمای.

پس آن حضرت برخاستند و فرمودند ای ابوالصلت به درستی که مأمون مرا در این

حرزهای حضرت امام رضا (ع)

وقت نمی خواند مگر برای آزار عظیمی که به من برساند. پس قسم بخدا که نمی تواند چیزی که ناخوش داشته باشم، بجای آورد، از جهت چند کلمه ای که از جدم رسول خدا (ص) به من رسیده است.

ابوالصت گوید: همراه آن حضرت بیرون رفتم تا آن که بر مأمون داخل شدیم. چون آن حضرت مأمون را دیدند این حرز را تا به آخر خواندند.

چون به نزدیک مأمون رسیدند، مأمون به سوی آن حضرت نگاه کرد و گفت یا ابوالحسن، از برای تو صد هزار درهم امر نمودیم بدهند و حاجتهای اهل و عیال خود را بنویس. چون آن حضرت از نزد مأمون دور شدند، مأمون از عقب آن حضرت نظر کرد و گفت: من چیزی را اراده داشتم و خدای تعالی چیزی را و آن چه خدا اراده نموده آن بهتر است.

✽ حرز بالا به روایتی دیگر ✽

سید بن طاووس (ع) گوید: مرا سید پیشوا ابوالبرکات محمد بن اسماعیل حسینی مشهدی حدیث نمود و گفت که به ما مقید ابوالوفا عبدالجبار پسر عبد الله مقری حدیث نمود که گفت: ما را شیخ ابو جعفر محمد بن حسن بن علی طوسی حدیث نموده و به من شیخ ابو عبد الله حسن بن احمد بن محمد بن طحال مقدادی خبر داده که خدای تعالی روح او را پاکیزه کند، گفته است: ما را ابو علی بن محمد بن حسن طوسی حدیث نمود و او نقل نموده که ما را پدرم (ع) روایت نموده و خبر داده مرا شیخ من جدم که گفته است که حدیث نمود ما را والد فقیه ابوالحسن (ع) و او گفته: برای ما شیخ ابو جعفر محمد بن حسن طوسی حدیث نموده که گفت: برای ما جمعی از یاران ما از احمد بن محمد بن سعید حدیث نموده که او گفته: ما را حسن بن علی بن فضال حدیث نموده که گفت: ما را محمد بن اروم حدیث کرد که گفت: ما را حدیث نمود احمد بن محمد بن ابی بصیر از حضرت امام رضا (ع) که آن حضرت فرمودند: «رقعة الجیب» نگاهدارنده از برای هر چیز است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به یاری نام خدای بخشنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ اخْسَئُوا فِيهَا وَ لَا تُكَلِّمُونِ، إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ

پناه می برم به اسم خدای، دور شوید و باشید در جهنم و با من سخن نگویند بدرستی که پناه می برم بخدای بخشنده از تو اگر

حرزهای حضرت امام رضا (ع)

كُنْتَ تَقِيًّا. أَخَذْتُ بِسَمْعِ اللَّهِ وَبَصَرِهِ عَلَى أَسْمَاعِكُمْ وَأَبْصَارِكُمْ،

برهیزگار باشی. فرا گرفتم به سبب شنیدن خدای و دیدن خدای بر گوشها و چشمهای شما

وَبِقُوَّةِ اللَّهِ قُوَّتَكُمْ، لَا سُلْطَانَ لَكُمْ عَلَى فُلَانِ بْنِ فُلَانَةٍ، وَلَا عَلَى

و به توانائی خدای بر قوت شما. نیست قدرتی از برای شما بر فلان پسر فلان زن و نه بر

ذُرِّيَّتِهِ وَلَا عَلَى أَهْلِهِ وَلَا عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، سَقَرْتُ بَيْنَهُ وَبَيْنَكُمْ،

اولاد و نه بر عیال و نه بر اهل خانه او. حاجب قرار دادم میان او و میان شما

بِسِتْرِ النَّبُوءَةِ الَّذِي اسْتَقَرُّوا بِهِ مِنْ سَطَوَاتِ الْجَبَابِرَةِ وَالْفَرَاعِنَةِ.

به پرده پیغمبری که پوشانیدند خود را به آن از حمله های جبر گندگان متکبر و ظالمان منحجر.

جَبْرَائِيلُ عَنْ أَيْمَانِكُمْ، وَمِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِكُمْ، وَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ

جبرئیل از جانب راستهای شماست. و میکائیل از جانب چپ و محمد که رحمت خدای باد

عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَمَامَكُمْ، وَاللَّهُ يُطِلُّ عَلَيْكُمْ يَمْنَعُهُ نَبِيُّ اللَّهِ، وَ يَمْنَعُ

بر او و آل او پیش روی شماست. و خدای منظر می شود بر شما. دور می گرداند او را پیغمبر خدا و منع می نماید

ذُرِّيَّتَهُ وَ أَهْلَ بَيْتِهِ مِنْكُمْ، وَ مِنَ الشَّيَاطِينِ. مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا

اولادش و اهل خاندهاش را از شما و از شیطانها. آنچه خدای او را خواسته است می شود. نیست حرکتی و نه توانائی

قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يَبْلُغُ جَهْلُهُ أَنْتَكَ، وَلَا

مگر بخدای که بلند مرتبه و بزرگ است. خداوند بدوستی که نمی رسد نادانی شیطان به حلمت و قطع نمی کند او را و نمی رسد

يَبْتَلِيهِ، وَ لَا يَبْلُغُ مَجْهُودَ نَفْسِهِ، عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ أَنْتَ نِعْمَ الْمَوْلَى

نادانی او به منسقت نفسش. بر تو اعتماد نمودهام و تو نیکی مولانی

وَ نِعْمَ النَّصِيرُ. حَرَسَكَ اللَّهُ يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانَةٍ، وَ ذُرِّيَّتَكَ مِمَّا

و نیکی یاری کننده ای. نگاهداری نماید تو را خدای ای فلان پسر فلان زن و اولاد را

تَخَافُ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

از چیزی که می ترسی بر هر کسی از مخلوق خدای. و رحمت خدای باد بر محمد و آل او.

و سپس نوشته می شود آیه الکرسی آن گونه که نازل شده است. که شیخ علی بن

ابراهیم در تفسیر صغیر خود از حضرت امام رضا (ع) آیه الکرسی را بر این وجه نقل

نموده است.

الْمَ. اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، الْحَيُّ الْقَيُّومُ، لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ، لَهُ مَا

منم خدای دانا. خدا موجود است نیست خدائی مگر او که زنده و بخود برپاست. فرا نمی گیرد او را سستی و نه خوابی. از برای اوست

فِي السَّمَوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا، وَ مَا تَحْتَ الثَّرَى، عَالِمٌ

چیزی که در آسمانها و چیزی که در زمین است و هر چیزی که بین این دو و در زیر خاک است. دانای

حرزهای حضرت امام رضا (ع)

الْغَيْبُ وَ الشَّهَادَةُ، هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، فَلَا يُظْهَرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا،

پنهان و حاضر است. اوست بخشنده مهربان، پس بر امر پنهان او کسی مطلع نمی‌گردد

مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ، يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ،

کسیست آن که درخواست نماید نزد او مگر به اذن، او می‌داند آنچه پیش روی و آنچه در پس سر ایشان است.

و لَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ، وَ سِعَ كُرْسِيُّهُ

و به چیزی از علمش احاطه پیدا نمی‌کنند مگر به آنچه خود خواهد. فراگرفته است کرسی او

السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ، وَ لَا يَؤُدُّهُ حِفْظُهُمَا، وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ. لَا

آسمانها و زمین را و نگاهداشتن آنها او را به تعب نمی‌اندازد، و اوست بلند مرتبه بزرگ. نیست

إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ، فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ

جبری در دین. ظاهر شده رشده از گمراهی پس کسی که انکار نماید بت را و

يُؤْمِنُ بِاللَّهِ، فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا، وَ اللَّهُ

ایمان آورد بخدای چنگ زده به دست او یز محکم که از برای او جدائی نیست و خدا

سَمِيعٌ عَلِيمٌ. اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا، يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى

شنوا و داناست. خدا دوست دارد جماعتی را که ایمان آورده‌اند. بیرون می‌آورد ایشان را از تاریکی کفر به سوی

النُّورِ، وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ

روشنی ایمان و جماعتی که کافرنند دوستداران ایشان اند که بیرون می‌آورند آنها را از نور

الظُّلُمَاتِ، أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ.

به سوی تاریکی، آن جماعت دائماً مصاحبان آتش هستند.

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ حَسْبِيَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ، وَ أَسْلَمَ

و سپاس از برای پروردگار عالمهاست و کافی است مرا خدای و نیکی و کیلی است او، و تسلیم است

فِي رَأْسِ الشَّهْبَا فِيهَا طَال سَلْسَبِيلًا، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

در کوه در آن دراز است سلسبیل. و رحمت خدای باد بر محمد و آل او

الطَّاهِرِينَ.

که پاکند.



حرز دوم حضرت امام رضا (ع)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به یاری نام خدای بخشنده مهربان

يَا مَنْ لَا شَبِيهَ لَهُ، وَ لَا مِثَالَ لَهُ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَ لَا خَالِقَ إِلَّا

ای کسی که مانندی و نمونه‌ای از برای او نیست تویی خدای. نیست آفرینندای مگر

حُرّهای امام جواد علیه السلام

أَنْتَ، تُفْنِي الْمَخْلُوقِينَ، وَتَبْقَى أَنْتَ. حَلُمْتَ عَمَّنْ عَصَاكَ،

تو، فانی می‌نمائی همه خلق شده‌ها را و خود باقی می‌مانی. حلم ورزیده‌ای از کسی که عصیان نموده

وَفِي الْمَغْفِرَةِ رِضَاكَ.

و غشودیت در آمرزش است.

حُرّهای امام جواد علیه السلام

حُرّ اوّل حضرت امام جواد علیه السلام

شیخ علی بن عبدالصمد گفت: ما را شیخ فقیه ابو جعفر محمد ابی الحسن علیه السلام عموی پدرم حدیث نموده که به ما نقل نمود ابو عبد الله جعفر بن محمد بن احمد بن عباس دوریستی گفته که حدیث نمود ما را پدرم از فقیه ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی علیه السلام و همچنین خبر داده مرا جدم و گفته است که حدیث نمود ما را والد امیرالمؤمنین علیه السلام فقیه علیه السلام گفت که حدیث نمود ما را جماعتی از یاران ما علیه السلام که از جمله ایشان سید عالم ابوالبرکات و شیخ ابوالقاسم علی بن محمد معاذی و ابوبکر محمد بن علی معمري و ابو جعفر محمد بن ابراهیم بن عبد الله مدائنی بودند و همه ایشان نقل نموده‌اند از شیخ ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی علیه السلام که گفت: حدیث نموده به من پدرم از علی بن ابراهیم بن هاشم از جدّ خود که گفته است: روایت نمود به من ابونصر همدانی و گفت که حدیث نمود مرا حکیمه دختر حضرت امام محمد تقی بن علی بن موسی بن جعفر علیه السلام که عمّه حضرت ابی محمد امام حسن عسکری علیه السلام بوده‌باشد، که گفت: چون که حضرت امام محمد تقی بن علی بن موسی الرضا علیه السلام شهید شدند، به دیدن زوجه آن حضرت، امّ عیسی دختر مأمون رفتم و او را تسلیت گفتم.

او را در نهایت اندوه یافتم و جزع بسیار می‌نمود به گونه‌ای که نزدیک بود که خود را از گریه و زاری هلاک نماید، آن چنان که ترسیدم که مبادا زهره ترک شود. پس همان گونه که با یکدیگر یادآوری می‌کردیم کرم و حسن خلق و باقی اوصافی که خدای تعالی به آن حضرت عطا فرموده بود از شرافت و خلوص نیت و آنچه بخشش نموده بود به آن حضرت از عزّت و کرامت بسیار را.

امّ عیسی گفت: می‌خواهید شما را از اوصاف و احوال آن حضرت به چیزی بسیار عجیب و امری بسیار عظیم خبر دهم که قابل از وصف و مقدار نباشد؟

حرز های امام جواد علیه السلام

حکیمه گوید: من گفتم آن چه چیز است؟

امّ عیسی گفت: من زنی صاحب غیرت بر آن حضرت بودم و پیوسته نگاهبان و سخن چین آن حضرت بودم و بسیار بود که از آن حضرت حرف و حکایت و نصیحت می شنیدم، پس شکوه می نمودم و آن را به نزد پدرم خبر می بردم. پدرم می گفت: ای دختر من تحمل نمای و شکوه از آن حضرت مکن، پس به درستی که آن حضرت پاره تن رسول خدا ﷺ است.

یک روزی نشسته بودم که دختری بر من داخل شد و سلام نمود. گفتم: تو کیستی؟ در جواب گفت: من دختری هستم از اولاد عمار بن یاسر و زوجه حضرت ابی جعفر امام محمد تقی بن علی بن موسی الرضا علیه السلام که شوهر تو است.

چون این سخن را شنیدم احوالم سخت متغیر شد و حسادت سراپایم را فرا گرفت، آن گونه که قادر نبودم که تحمل آن را نمایم و اراده داشتم که از خانه و این شهر بیرون روم و شیطان و سوسه ام می نمود که این دختر را آزار نمایم. پس خشم خود را فرو بردم و به او نیکوئی نمودم و او را صله دادم و رخت دادم که بپوشد.

چون آن زن از نزد من بیرون رفت. برخواستم پیش پدرم مأمون در حالی که او مست بود و این خبر را به او دادم.

تا این خبر را شنید، سخت عصبانی شد و به غلام خود گفت: ای غلام شمشیر مرا بیاور. چون غلام شمشیر پدرم را آورد، آن را برداشت و سوار شد و گفت: قسم بخدای که او را می کشم. چون این حال را دیدم، گفتم: «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». چه کاری درباره خود و شوهرم کردم و شروع به زدن بر صورت خود نمودم. پدرم رفت و بر آن حضرت داخل شد و چندین شمشیر بر آن حضرت زد که آن حضرت را پاره پاره نمود و بیرون رفت. من هم پشت سر او از خانه فرار کرده، آن شب را تا صبح نخوابیدم. چون روز شد و آفتاب در آمد، به نزد پدرم رفتم.

گفتم: آیا می دانی دیشب چه کردی؟

پدرم گفت: چه کردم؟

گفتم: پسر حضرت امام رضا علیه السلام را کشتی. چشمهایش برقی زد و بیهوش شد. پس از ساعتی چون بیهوش آمد، گفت: وای بر تو ای دختر! چی می گویی؟

گفتم: بلی، قسم به خدا ای پدر که بر آن حضرت داخل شدی و او را شمشیر زدی تا آن که او را به قتل رسانیدی.

پس از این حکایت اضطراب بسیار نمود و گفت: یاسر خادم را بطلبید. چون یاسر آمد و نگاه مأمون بر او افتاد، گفت: وای بر تو چه می گوید این دخترم؟

حرز های امام جواد علیه السلام

یاسر گفت: راست می گوید یا امیرالمؤمنین. پس مأمون دست خود را بر سینه و صورت خود زد و گفت: «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». هلاک گردیدیم، قسم به خدا هلاک شدیم و تا ابد در میان خلائق رسوا گردیدیم. وای بر تو باد ای یاسر، برو و ببین که چه خبر است و داستان آن حضرت چه گونه است؟ و بزودی برای من خبر بیاور به درستی که نزدیک است که در همین ساعت نفسم بیرون رود.

پس یاسر بیرون رفت و در حالی که من بر صورت خود می زدم، پس یاسر در اندک زمانی برگشت و گفت: بشارت باد شما را ای امیرالمؤمنین.

مأمون گفت: برای تو نیز بشارت باد چه خبر داری؟

یاسر گفت: داخل شدم بر آن حضرت و دیدم و که آن حضرت نشسته و پیراهنی بر اوست و لحافی بر دوش گرفته و مسواک می نماید. پس بر آن حضرت سلام کردم و گفتم: یا بن رسول الله دوست می دارم که به من این پیراهن خود را ببخشی تا آن که در آن نماز کنم و به آن تبرک جویم. و حال آن که از این سؤال اراده نداشتی مگر آن که بدن آن حضرت را ملاحظه نمایم که آیا زخم شمشیر دارد یا نه. پس قسم به خدا که دیدم بدن آن حضرت را مثل عنجی که به او زردی رسیده باد و زخم شمشیر اصلاً در آن نبود.

پس مأمون مدتی مدید گریست و گفت: بعد از این خبر بر من چیزی از دلگیری باقی نماند. به درستی که این عبرت است از برای مردم اولین و آخرین. سپس گفت: ای یاسر اما سوار شدن و شمشیر برداشتن و رفتن به سوی آن حضرت به درستی که در خاطر من است و همچنین بیرون آمدن از نزد آن حضرت نیز مرا در خاطر است ولیکن چیزی دیگر به یاد نمی آورم و نمی دانم برگشتن خود را به مجلسم و نه آن که چه کار کردم در حینی که به سوی آن حضرت رفتم. بر این دختر لعنت خدا باد لعنتی بسیار و دایم.

ای یاسر به نزد دخترم برو و بگو که پدرت می گوید: قسم بخدا که اگر بعد از این به نزد من بیایی و شکوه نمایی، یا آن که بدون اذن آن حضرت از خانه بیرون روی، هر آینه انتقام آن حضرت را از تو خواهم گرفت و بعد از آن برو به نزد پسر امام رضا علیه السلام و سلام مرا به آن حضرت برسان و برای آن حضرت بیست هزار دینار ببر و پیشکش نمای آن اسب را که دیشب بر آن سوار بودم. پس همه بنی هاشم را امر نمای که به دیدن آن حضرت روند و بر او سلام نمایند.

یاسر گوید: من هاشمیان را امر نمودم و خود نیز به اتفاق ایشان بر آن حضرت داخل شدیم و سلام کردیم و سلام مأمون را رساندم و آن مال را به خدمت آن حضرت

گذاردم و آن اسب را به آنها عرضه کردم. پس ساعتی نگاه کرد و تبسم نموده، فرمودند: ای یاسر! میان من و پدرم و میان مأمون چنین قرار و عهد شده بود تا آن که با شمشیر برهنه بر سر من فرود آید و هجوم نماید. آیا نمی داند که مرا یاری کننده و کسی هست که میان من و او مانع گردد؟

یاسر گوید: گفتم ای سید من یابن رسول الله از سر این عتاب و اعتراض کردن بگذرید، بخدا قسم و به حق جدتان رسول خدا صلی الله علیه و آله که مأمون در آن هنگام در کار خود عاقل نبود و نمی دانسته در کجای زمین خدا قرار دارد. به تحقیق که از برای خدا نذری صحیح نموده و قسم یاد کرده که دیگر بعد از این هرگز مست نگردد و این مرتبه از فریب شیطان بوده است. پس هرگاه بر او وارد شدید یابن رسول الله چیزی را از این ماجرا، یادآوری نفرمائید و او را بر آن عملی که از او صادر شده، سرزنش ننمائید.

سپس آن حضرت فرمودند: قسم به خدا که رأی من همچنین است و چنین قصد دارم. پس آن گاه جامه خود را طلب نمودند و آن را پوشیدند و از جای برخاستند و همه مردم با آن حضرت ایستادند و براه افتادند تا آن که بر مأمون داخل شدند.

مأمون چون آن حضرت را دید، برخواست و آن حضرت را به سینه خود چسباند و خوش آمد گفت و احدی را اجازه نداد که بر او داخل شود و دائماً با آن حضرت سخن می گفت و فرمان می گرفت. چون صحبت ایشان به پایان رسید حضرت ابوجعفر محمد بن علی بن موسی الرضا علیه السلام گفت: ای مأمون.

مأمون گفت: لَبَّيْكَ وَ سَعَدَيْكَ.

آن حضرت فرمودند: برای تو نزد من نصیحتی است، پس متوجه باش و آن را قبول کن. مأمون گفت: قبول نمودم و حمد و شکر را بجای می آورم. آن نصیحت چیست؟

حضرت فرمودند: به درستی که من بر تو از شر این خلق منکوس ایمن نیستم، نزد من دعائی است که باید به آن، نفس، خود را محافظت کنی و احتراز نمائی به سبب آن و از شرها و بلاها و ناخوشیها و آفتها و آزارها جلوگیری کنی. همچنان که دیشب خدای تعالی از شر تو مرا نگاه داشت، و اگر با این دعا با سپاه روم و ترک روبرو شوی و برای چیرگی بر تو همه اهل روی زمین مجتمع شوند، هر آینه از تو چیزی برای ایشان به اذن خدای جبار میسر نمی شود و چنانچه آن دعا را خواهی پس آن را برایت بفرستم تا احتراز نمائی به سبب این از جمیع آنچه ذکر نمودم.

مأمون گفت: بلی می خواهم، به خط خود آن را بنویسید و برایم بفرستید.

حضرت فرمودند: چنین باشد.

یاسر گوید: چون صبح شد، حضرت ابوجعفر علیه السلام کسی را به نزد من فرستادند و مرا

حرز های امام جواد علیه السلام

طلب نمودند. چون به خدمت آن حضرت رفتم و در پیش روی ایشان نشستم، پوست آهونی از زمین تهامه را طلبیدند، و این حرز را به خط خود نوشتند و فرمودند: ای یاسر این رقعہ را به سوی مأمون ببر و بگوی زرگر از برای او لوله‌ای از نقره بسازد که بر آن منقوش باشد، آنچه ذکر می‌نمایم بعد از این، پس هرگاه که اراده‌نماید که آن را بر بازوی خود ببندد، باید که بر بازوی راست خود ببندد و باید که وضو سازد، وضوئی نیکو و کامل، و باید که چهار رکعت نماز بجای آورد و در هر رکعتی بخواند: «فاتحة الكتاب» یک مرتبه و «آية الكرسي» هفت مرتبه و آیه «شَهِدَ اللَّهُ» تا به آخر هفت مرتبه و سورة «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى» هفت مرتبه و سورة «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» هفت مرتبه، پس هرگاه از خواندن این‌ها فارغ شود، پس آن را بر بازوی راست خود ببندد که هنگام رسیدن سختیها و حادثه‌ها، سالم خواهد ماند به حول و قوت خدا، از هر چیزی که می‌ترسد و از آن حذر می‌نماید.

و سزاوار است که در موقع نوشتن حرز، ماه در برج عقرب نباشد.

و روایت شده آن که چون مأمون از حضرت ابی جعفر علیه السلام در شأن این حرز همه این اوصاف را شنید، با اهل روم جنگ نمود. پس خدای تعالی او را بر ایشان نصرت داد و به او غنیمت بسیار عطا نمود آن اندازه که خواست خدای تعالی بود و این حرز را در هر غزوه‌ای و جنگی از خود جدا ننمود و پیوسته خدای تعالی او را به فضل خود یاری می‌نمود و فتح و نصرت را روزی می‌نمود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به یاری نام خدای بخشنده مهربان

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اَلرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ. مَا لِكَ يَوْمَ الدِّينِ. اِيَّاكَ نَعْبُدُ، وَ اِيَّاكَ نَسْتَعِينُ. اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ. صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ، غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ. اَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ اسْمُكَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ، وَ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ، وَ اَمَّا كَرْدَانِيْدُ لَزِ بَرَايِ شَمَا اَن چمرا كه باشد در زمين و رام كَرْدَانِيْدُ كَشْتِيَهَارَا در حالتی كه می‌روند در دریا به فرماتش، و اَمَّا كَرْدَانِيْدُ لَزِ بَرَايِ شَمَا اَن تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ نَدَاتْنَهَايِ كه نگاه می‌دارد آسمان را از آن كه بیلگد بر زمین مگر بخواست خدای. بدرستی كه خدای به مردمان

حز های امام جواد علیه السلام

لَرَوْفٌ رَحِيمٌ. اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْوَاحِدُ الْمَلِكُ الدَّيَّانُ يَوْمَ الدِّينِ، تَفَعَّلُ مَا

هر آینه مهربان و بخشنده است. خداوند اتونی یگانه و پادشاهی. جزادهنده در روز جزا. می کنی هر آنچه خواهی

تَشَاءُ بِلَا مُغَالَبَةٍ، وَ تُعْطِي مَنْ تَشَاءُ بِلَا مَنٍّ، وَ تَفَعَّلُ مَا تَشَاءُ وَ

بدون مغلوب شدن از کسی و بخشش می نمائی آنرا که خواهی بدون منتی و می کنی آن چه را که می خواهی و

تَحْكُمُ مَا تُرِيدُ، وَ تُدَاوِلُ الْاَيَّامَ بَيْنَ النَّاسِ، وَ تَرْكَبُهُمْ طَبَقًا عَنْ

نابت می نمائی آن چه را که قصد نمائی و نوبت قرار داده ای روزگار را مابین مردمان و می نشانی ایشان را بر

طَبَقٍ، اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ عَلَى سُرَادِقِ الْمَجْدِ، وَ اَسْئَلُكَ

حالی بعد از حالی. سؤال می نمایم به اسمت که نوشته شده است بر سرپرده شرف. و سؤال می کنم

بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ عَلَى سُرَادِقِ السَّرَائِرِ السَّابِقِ الْفَائِقِ الْحَسَنِ

به اسمت که نوشته شده است بر سرپرده امور پنهان که پیشی گرفته و بلندمرتبه و نیکو

الْجَمِيلِ النَّصِيرِ، رَبِّ الْمَلَائِكَةِ الثَّمَانِيَةِ وَ الْعَرْشِ الَّذِي لَا

و بسیار خوب و باطراوت است. پروردگار فرشتگانی که هشت است عدد آن ها و پروردگار عرش که

يَتَحَرَّكُ، وَ اَسْئَلُكَ بِالْعَيْنِ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَ بِالْحَيَاةِ الَّتِي لَا تَمُوتُ

حرکت نمی کند. و سؤال می کنم از تو به چشمی که نمی خوابد و به زندگی که نمی میرد.

وَ بِنُورٍ وَ جِهَكِ الَّذِي لَا يُطْفَأُ، وَ بِالْاِسْمِ الْاَكْبَرِ الْاَكْبَرِ، وَ

و به روشنی رویت که خاموش نمی گردد و به آن اسم که بزرگ تر است از همه بزرگ تر است بزرگ تر است و

بِالْاِسْمِ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ الَّذِي هُوَ مُحِيطٌ بِمَلَكُوتِ

به آن اسم که عظیم تر است عظیم تر است آن چنانی که او شامل است به پادشاهی

السَّمَوَاتِ وَ الْاَرْضِ، وَ بِالْاِسْمِ الَّذِي اَشْرَقَتْ بِهِ الشَّمْسُ، وَ

آسمانها و به زمین و به اسمی که روشن گردیده است به سبب آن آفتاب و

اَضَاءَ بِهِ الْقَمَرُ، وَ سُجِرَتْ بِهِ الْبُحُورُ، وَ نُصِبَتْ بِهِ الْجِبَالُ، وَ

نورانی شده است به سبب ماه و پیر شده است به سبب دریاها و قرار گرفته است به سبب کوهها و

بِالْاِسْمِ الَّذِي قَامَ بِهِ الْعَرْشُ وَ الْكُرْسِيُّ، وَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ عَلَى

به اسمی که بپا ایستاده است به سبب آن عرش و کرسی. و به اسمت که نوشته شده بر

سُرَادِقِ الْعَرْشِ، وَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ عَلَى سُرَادِقِ الْعِظَمَةِ، وَ

سرپرده عرش. و به اسمت که نوشته شده بر سرپرده بزرگی. و

بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ عَلَى سُرَادِقِ الْبَهَاءِ، وَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ عَلَى

به اسمت که نوشته شده بر سرپرده جمال. و به اسمت که نوشته شده بر

سُرَادِقِ الْقُدْرَةِ، وَ بِاسْمِكَ الْعَزِيزِ، وَ بِاَسْمَائِكَ الْمُقَدَّسَاتِ

سرپرده توانائی. و به اسمت که غلبه کننده است و به اسمهای که منزّه و تعظیم کرده شده اند

الْمُكَرَّمَاتِ الْمَخْرُونَاتِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، وَ أَسْأَلُكَ مِنْ

و ذخیره کرده شده های در علم پنهان در نزد تو است. و سؤال می نمایم تو را از

خَيْرِكَ خَيْرًا مِمَّا أَرْجُو، وَ أَعُوذُ بِعِزَّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ

نیکی تیرا بهتر از آن چه امید دارم. و پناه می برم به عزت و توانایت از بدی چیزی که می ترسم

وَ أَخْذَرُ وَ مَا لَا أَخْذَرُ، يَا صَاحِبَ مُحَمَّدٍ يَوْمَ حُنَيْنٍ، وَ يَا صَاحِبَ

و دوری می جویم از آن و از چیزی که نمی ترسم از آن. ای مددگار محمد در روز جنگ حنین و ای صاحب

عَلِيٍّ يَوْمَ صِفِّينَ، أَنْتَ يَا رَبِّ مُبِيرُ الْجَبَّارِينَ، وَ قَاصِمُ الْمُتَكَبِّرِينَ،

علی در روز جنگ صفین. تویی ای پروردگار من هلاک کننده صاحبان جبروت و شکننده پشت صاحبان تکبر را

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ طِهِ وَ يَسَّ. وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ. وَ الْفُرْقَانِ الْحَكِيمِ، أَنْ

سؤال می نمایم به حق طه و یاسین و به حق قرآن که بزرگ است. و به حق فرق نماینده که حکم کننده است میان حق و باطل

تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَشُدَّ بِهِ عِصْدَ صَاحِبِ هَذَا

آن که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و آن که محکم گردانی بازوی صاحب این

الْعَقْدِ، وَ أَذْرَأُ بِكَ فِي نَحْرِ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ، وَ عَدُوِّ

دعای بسته را. و دفع می نمایم و طعن می زنم به قوتم در گودی گردن هر جبر کننده ظالم و هر شیطانی سرکش

شَدِيدٍ، وَ عَدُوِّ مُنْكَرِ الْأَخْلَاقِ، وَ اجْعَلْهُ مِمَّنْ أَسْلَمَ إِلَيْكَ نَفْسَهُ وَ

و دشمنی سخت که صفات او ناخوش باشد. و بگردان صاحب دعا را از کسانی که سالم کرده به تو نفسش را و بازگذاشته

فَوَضَّ إِلَيْكَ أَمْرَهُ، وَ أَلْجَأَ إِلَيْكَ ظَهْرَهُ. اَللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ

به تو کارش را و پناه داده پشتش را به تو. بار خدایا به حق این نامها که

الَّتِي ذَكَرْتُهَا وَ قَرَأْتُهَا، وَأَنْتَ أَعْرَفُ بِحَقِّهَا مِنِّي، وَ أَسْأَلُكَ يَا ذَا الْمَنِّ

ذکر نمودم و خواندم و تو به حق آنها داناتر از من. و سؤال می کنم از تو ای صاحب نعمت

الْعَظِيمِ وَ الْجُودِ الْكَرِيمِ، وَ وَلِيِّ الدَّعَوَاتِ الْمُسْتَجَابَاتِ، وَ الْكَلِمَاتِ

بزرگ و ای صاحب بخشش کریم. ای سزاوار دعا های برآورده شده و ای سزاوار کلام های

الْقَامَاتِ، وَ الْأَسْمَاءِ النَّافِذَاتِ، وَ أَسْأَلُكَ يَا نُورَ النَّهَارِ، وَ يَا نُورَ

تمام و نامهای اطاعت کرده شده. و سؤال می نمایم تو را ای روشنی بخش روز (به آفتاب) و ای روشن نماینده

اللَّيْلِ، وَ نُورَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ، وَ نُورَ النُّورِ، وَ نُوراً يُضِيءُ بِهِ كُلُّ

شب (به ستاره ها و ماه) و ای روشن کننده آسمان و زمین. و ای نوری که روشن می گردد به سبب او هر

نُورٍ، يَا عَالِمَ الْخَفِيَّاتِ كُلِّهَا فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ، وَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ

نوری. ای دانی امور پنهان همه آن ها. خواه باشند در بیابان و در دریا و در زمین و در آسمان

وَ الْجِبَالِ، وَ أَسْأَلُكَ يَا مَنْ لَا يَفْنَى وَ لَا يَبِيدُ وَ لَا يَزُولُ، وَ لَا لَهُ

و در کوهها. و سؤال می نمایم از تو ای کسی که فانی نمی شود و هلاک نمی گردد و برطرف نمی شود. و نیست

حز های امام جواد علیهما السلام

شَيْءٌ مَوْصُوفٌ، وَ لَا إِلَيْهِ حَدٌّ مَنْسُوبٌ، وَ لَا مَعَهُ إِلَهٌ، وَ لَا إِلَهَ سِوَاهُ،

از برای او چیزی که بوصف درآید. و نیست به سوی او تعریفی نسبت داده شده. و نیست با او خدائی و نیست

وَ لَا لَهُ فِي مُلْكِهِ شَرِيكٌ، وَ لَا تُضَافُ الْعِزَّةُ إِلَّا إِلَيْهِ، لَمْ يَزَلْ

خدائی به غیر از او. و نیست از برای او در پادشاهی او شریکی. و نسبت داده نمی شود عزت مگر به او. همیشه به

بِالْعُلُومِ عَالِمًا، وَ عَلَى الْعُلُومِ وَاقِفًا، وَ بِالْأُمُورِ نَاطِقًا، وَ

همه علمها دانا و بر همه دانشها مطلع است و همه چیز را منتظم گردانیده است و

بِالْكَيْنُونَةِ عَالِمًا، وَ لِلتَّذْيِيرِ مُحْكِمًا، وَ بِالْخَلْقِ بَصِيرًا، وَ بِالْأُمُورِ

به هستی همه چیز داناست. و بر تقدیر چیزها محکم است و در خلق نمودن چیزها بینا و به همه چیز

خَبِيرًا. أَنْتَ الَّذِي خَشَعَتْ لَكَ الْأَصْوَاتُ، وَ ضَلَّتْ فِيكَ الْأَخْلَامُ، وَ

مطلع است. تو آن چنانی که پست شده است از برایت آوازه ها و گمراه شدند در شانت عقلا و

ضَاقَتْ دُونَكَ الْأَسْبَابُ، وَ مَلَأَ كُلُّ شَيْءٍ نُورُكَ، وَ وَجَلَ كُلُّ شَيْءٍ

تنگ و کوتاه است نزدت سببها. و پر کرده است هر چیزی را روشنیت. و ترسیده است هر چیزی

مِنْكَ، وَ هَرَبَ كُلُّ شَيْءٍ إِلَيْكَ، وَ تَوَكَّلَ كُلُّ شَيْءٍ عَلَيْكَ، وَ أَنْتَ

از تو. و گریخته است هر چیزی به سوییت. و اعتماد نموده است هر چیزی بر تو. و تونی

الرَّفِيعُ فِي جَلَالِكَ، وَ أَنْتَ الْبَهِيُّ فِي جَمَالِكَ، وَ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

بلند مرتبه در عظمت خود و تونی صاحب آب و رنگ در نیکی و حسن خود. و تونی بلند مرتبه بزرگ

فِي قُدْرَتِكَ، وَ أَنْتَ الَّذِي لَا يُدْرِكُكَ شَيْءٌ، وَ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ،

در توانایی خود. و تونی آن چنان که ادراک نمی کند تو را چیزی و تونی بلند مرتبه بزرگ.

مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ، قَاضِي الْحَاجَاتِ، مُفَرِّجُ الْكُرْبَاتِ، وَلِيُّ النِّعَمَاتِ.

تونی اجابت کننده دعاها. تونی برآورنده طلبها. تونی دفع کننده اندوهها تونی صاحب نعمتها.

يَا مَنْ هُوَ فِي عُلُوِّهِ دَانٍ، وَ فِي دُنُوِّهِ عَالٍ، وَ فِي إِشْرَاقِهِ مُبِيرٌ، وَ فِي

ای کسی که او در بلندی مرتبه اش نزدیک و در نزدیکیش بلند مرتبه و در روشنیش نورانی و در

سُلْطَانِهِ قَوِيٌّ، وَ فِي مُلْكِهِ عَزِيزٌ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ

پادشاهی اش صاحب قوت و در مملکتش غلبه کننده است. رحمت فرست بر محمد و آل محمد و

أَخْرُسَ صَاحِبَ هَذَا الْعَقْدِ وَ هَذَا الْحِرْزِ وَ هَذَا الْكِتَابِ، بِعَيْنِكَ

باسبانی کن صاحب این دعای بسته شد مرا و صاحب این حرز و نوشته را به چشم خود که

الَّتِي لَا تَنَامُ، وَ اَكْنُفُهُ بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ، وَ اَرْحَمُهُ بِقُدْرَتِكَ

نمی خوابد و محافظت نماید او را به قوتش که نیست نمی شود. و رحیم کن او را به توانایی خود

عَلَيْهِ، فَإِنَّهُ مَرْزُوقُكَ. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ وَ

بر او. پس بدرستی که او روزی داده شده تو است. بسم خدای بخشنده مهربان. بسم به اسم خدای و

بِه ذاتِ خدایِ که نیست مصاحبی از برایش و نه فرزندی، پناه بنامِ خدائی که تواناست شانش، بزرگی است

حجّتش، سبّت است پادشاهش، و آنچه خدای خواسته، شده است. و چیزی که نخواست، نشده.

شهادت می‌دهم آن که نوح فرستاده خداست و آن که ابراهیم دوست خداست و آن که موسی

سخن گفته شده خدا و موضوع راز اوست، و آن که عیسی پسر مریم کلمه خدای و روح اوست

و آن که مَحَقِّدِ کِه رَحْمَتِهای خُدا بِسَر او و بِسَر هَمّه یَمْعَبِران باد

خاتم پیغمبران است، که پیغمبری بعد از او نیست. و سؤال می‌کنم تورا به حق آن ساعتی که

آورده می شود در آن شیطان لعنت کرده شده در روز قیامت و آن لعین در آن ساعت

مرگم بد که قسم بخدای که نبودم مگر برانگیزنده یافغان و سرکشان. خدای روشن نعاينده آسمانها و زمين است

وَهُوَ الْغَافِرُ، وَهُوَ الْغَائِبُ، لَهُ الْقُدْرَةُ الْمُنَاجِبَةُ، وَهُوَ الْحَكِيمُ

الحبيب. اللهم واسئلك بحق هذه الاسماء كلها، وصالحاتها و

صورتِها.

2017年12月15日

Συνολικά 1000 άτομα

11

1 255 D1111

1906

حز های امام جواد علیه السلام

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْعَرْشَ وَ الْكُرْسِيَّ وَ اسْتَوَى عَلَيْهِ، أَسْأَلُكَ أَنْ

منزه است خدائی که خلق کرده عرش و کرسی را و مسلط است بر او، سؤال مى نمایم ترا

تَصْرِفَ عَنِّ صَاحِبِ كِتَابِي هَذَا كُلَّ سُوءٍ وَ مَحْذُورٍ، فَهُوَ عَبْدُكَ وَ

آن که دور نمائی از صاحب نوشته من این شخص هر بدی را و هر چیزی را که دوری باید نمود از آن پس آن شخص بنده تو و

بْنُ أَمَتِكَ، وَ أَنْتَ مَوْلَاهُ. فَقِهِ اللَّهُمَّ يَا رَبَّ الْأَسْوَاءِ كُلِّهَا، وَ اقْمَعْ

پسر کنیز تو است و تویی صاحب او، پس نگاهدار او را، خداوند ای پروردگار من دفع نمای بدیها را همه آن ها را

عَنْهُ أَبْصَارَ الظَّالِمِينَ، وَ أَلْسِنَةَ الْمُغَانِدِينَ، وَ الْمُرِيدِينَ لَهُ

و صرف نمای از او چشمهای ستمکاران و زبانهای دشمنان را و اراده نمایندگان او را به

بِالسُّوءِ وَ الضَّرِّ، وَ ادْفَعْ عَنْهُ مَحْذُورٍ وَ مَخُوفٍ. وَ أَيُّ عَبْدٍ مِنْ

سوءی و ضرر، و دفع نمای از او هر چیزی را که دوری باید نمود از او، و هر ترسیده شده از

عَبِيدِكَ، أَوْ أَمَةٍ مِنْ إِمَائِكَ، أَوْ سُلْطَانٍ مَارِدٍ، أَوْ شَيْطَانٍ أَوْ شَيْطَانِهِ

او را و هر آن بنده ای از بندگانت یا کنیزی از کنیزانت یا پادشاهی یاغی یا مرد شیطانی یا زین شیطانه ای

أَوْ جِنِّي أَوْ جِنِّيَّةٍ، أَوْ غُولٍ أَوْ غُولَةٍ، أَرَادَ صَاحِبِ كِتَابِي هَذَا بِظُلْمٍ

یا مرد جنی یا زن جنیه ای، یا مرد غولی یا زن غوله ای، که اراده نموده باشد صاحب کتاب من این شخص را به ستم کردن

أَوْ ضَرٍّ أَوْ مَكْرُوهٍ أَوْ كَيْدٍ أَوْ خَدِيعَةٍ أَوْ نِكَايَةٍ أَوْ سِغَايَةٍ أَوْ فَسَادٍ

یا ضرر رسانیدن یا ناخوشی یا دشمنی، یا حیلای یا جراحی، یا کار بدی یا فساد

أَوْ غَرَقٍ أَوْ اضْطِلَامٍ أَوْ عَطَبٍ أَوْ مُغَالَبَةٍ أَوْ غَدَرٍ أَوْ قَهَرٍ أَوْ هَتَكٍ

یا غرقی یا از بیخ برگردانی، یا هلاکتی یا مغلوب شدنی، یا مکرری یا غلبه ای، یا پاره نمودن

سِتْرِ أَوْ اقْتِدَارٍ أَوْ آفَةٍ أَوْ عَاهَةِ أَوْ قَتْلِ أَوْ انْتِقَامٍ أَوْ قَطْعٍ أَوْ سِحْرِ

برده ای یا قدرت داشتنی، یا بلانی یا افنی، یا کشتنی یا عقوبت نمودنی، یا قطع کردنی یا سحر نمودنی

أَوْ مَسَخٍ أَوْ مَرَضٍ أَوْ سُقْمٍ أَوْ بَرَصٍ أَوْ جُذَامٍ أَوْ بُؤْسٍ أَوْ فَاقَةٍ

یا مسخ شدن یا بیماری، یا آزاری یا پیسی یا خورمائی، یا فقری یا درویشی

سَغَبٍ أَوْ عَطَشٍ أَوْ وَسْوَسةٍ أَوْ نَقْصٍ فِي دِينٍ أَوْ مَعِيشَةٍ، فَكَفِّهِ بِمَا

یا گرسنگی یا تشنگی، یا وسوسه نمودنی یا کمی در دین، یا در زندگانی پس کفایت نمای

شَيْئَتْ وَ كَيْفَ شَيْئَتْ وَ أَنِّي شَيْئْتُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَ صَلَّى

آن بنده را به چیزی که خواسته ای و به نحوی که خواسته ای و به آنچه خواسته ای بدرستی که تو بر هر چیز قادری و

اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا، وَ لَا

رحمت فرستد خدای بر ستوده ما محمد و بر همه آل او و درود خدا باد درودی

حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

بسیار و نیست حرکتی و نه توانائی مگر بخدای که بلند مرتبه و بزرگ است و همه حمد از برای خداست که پروردگار همه عالم است.

حرز های امام علی النقی علیه السلام

وامّا آن دعائی که باید نقش شود بر لوله نقره خالص، این است:
يَا مَشْهُوراً فِي السَّمَوَاتِ، يَا مَشْهُوراً فِي الْأَرْضَيْنِ يَا مَشْهُوراً
 ای آن که ظاهر و معروفی در آسمانها، ای آن که معروفی در زمین ها، ای آن که ظاهری
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، جَهَدَتِ الْجَبَابِرَةُ وَالْمُلُوكُ عَلَى إِطْفَاءِ نُورِكَ،
 در دنیا و آخرت، سعی نمودند ماحبان جبروت و پادشاهان بر خاموش نمودن نورت
وَإِحْضَادِ ذِكْرِكَ، فَأَبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورُكَ، وَ يَبُوحَ بِذِكْرِكَ، وَلَوْ
 و بر طرف کردن ذکر تو، پس امتناع نمود خدای مگر از آن که تمام کند نورت را و ظاهر سازد ذکر تو را و هر چند
كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.
 ناخوش داشته باشند کفار.

توضیح: سید بن طاووس رحمه الله گوید: در نسخه ای دیدم: «وَأَبَيْتَ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورُكَ»
 یعنی «امتناع نمودی تو مگر از آن که تمام نمائی نور خود را»
 سید بن طاووس رحمه الله نیز گوید و اما قول او: «فَأَبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورُكَ» یعنی «نورت ای
 اسم اعظم که نوشته شده است در حرز به صورت طلسم»
 و در جزء سوم کتاب «الواحد» یافتم آن که مراد به قول او «يَا مَشْهُوراً فِي السَّمَوَاتِ»
 تا به، آخر، مولای ما امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است.

حرز دوم حضرت امام جواد علیه السلام

يَا نُورُ يَا بُرْهَانُ، يَا مَتِينُ يَا مُبِيرُ، يَا رَبِّ اكْفِنِي شَرَّ الشُّرُورِ، وَ
 ای نور ای دلیل، ای استوار ای نورانی کننده، ای پروردگارم کفایت کن از من بدی شرها را و
آفَاتِ الدُّهُورِ، وَ أَسْأَلُكَ النِّجَاةَ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ.
 آسیب روزگار، و درخواست می کنم از تو رستگاری در روزی که دمیده می شود در شیپور.

حرز های امام علی النقی علیه السلام

حرز اول حضرت امام علی النقی علیه السلام

شیخ علی بن عبدالصمد گفته است که خبر دادند مرا جماعتی از اصحاب ما (که خدای
 تعالی ایشان را زیاده گرداند) از جمله ایشان شیخ جدّ من بود، گفت که حدیث نمود مرا

حرز های امام علی النقی (ع)

پدرم ابوالحسن فقیه (ع)، از شیخ ابوجعفر محمد بن حسن طوسی (ع) و خبر داده مرا شیخ ابو عبد الله حسین بن احمد بن طحال مقدادی گفته که حدیث نموده ما را ابو محمد حسین بن حسین بن بابویه، از شیخ سعید ابوجعفر محمد بن حسن بن علی طوسی (ع) او گفت که خبر داده ما را جماعتی از اصحاب ما، از ابوالفضل محمد بن عبد الله شیبانی و او از ابو احمد عبد الله بن حسن بن ابراهیم علوی نقل نموده که حدیث نمود پدر من و او از عبدالعظیم بن عبد الله حسنی نقل کرده اند: حضرت علی بن موسی الرضا (ع) این عوذ را از برای فرزند خود حضرت ابوالحسن علی بن محمد (ع) نوشتند و حال آن که ایشان طفل در گهواره بودند و آن حضرت فرزندشان را به این حرز پناه می دادند و اصحاب خود را به این دعا امر فرمودند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشنده مهربان

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَلَائِكَةِ
 نیست حرکتی و نه قوتی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ. خداوندای پروردگار فرشتگان
 وَالرُّوحِ، وَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ، وَ قَاهِرَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ
 و روح، و پیغمبران و رسولان، و ای غلبه کننده بر کسی که باشد در آسمانها
 وَ الْأَرْضِينَ، وَ خَالِقَ كُلِّ شَيْءٍ وَ مَالِكَهُ، كُفَّ عَنِّي بَأْسَ أَعْدَائِنَا وَ
 و زمینها، و ای موجود کننده هر چیز و صاحب او، بازدار از من بدی دشمنان را و
 مَنْ أَرَادَ بِنَا سُوءًا مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ، وَ أَعْمَ أَبْصَارَهُمْ وَ قُلُوبَهُمْ،
 بدی آن را که اراده نموده باشد به ما بدی از جن و انس، و کور کن چشمها و دل های ایشان را
 وَ اجْعَلْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ حِجَابًا مَسْتُورًا، وَ حَرَسًا وَ مَدْفَعًا، إِنَّكَ
 و بگردان میان ما و ایشان پرده پوشیده شده و حافظی و محل دفعی، بدرستی که
 رَبُّنَا، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ لَنَا إِلَّا بِاللَّهِ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا وَ إِلَيْهِ أُنَبِّئُكَ
 تو پروردگار مانی، نیست حرکتی و نه توانائی از برای ما مگر بخدای، بر او اعتماد نموده ایم و
 إِلَيْهِ الْمَصِيرُ. رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا، وَ اغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا
 به سوی رجوع می نمائیم و به سوی اوست بازگشت. ای پروردگار ما مگردان ما را آلت امتحان برای آن جماعتی که کافرنند، و بیامرز
 إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. رَبَّنَا عَافِنَا مِنْ كُلِّ سُوءٍ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ
 ما را ای پروردگار ما بدرستی که تو غلبه کننده و دانای به حکمتی، ای پروردگار ما نجات ده ما را از هر بدی و از شر هر
 دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، وَ مِنْ شَرِّ مَا يَسْكُنُ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، وَ
 جاننده ای که گرفته ای پیش سر او را، و از شر چیزی که قرار گیرد در شب و روز و

حز های امام علی النقی (علیه السلام)

مِنْ شَرِّ كُلِّ سُوءٍ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ، رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ إِلَهَ

از شرّ هر بدی و از شرّ هر صاحب شرّی. ای پروردگار همه عالم و خداوند

الْمُرْسَلِينَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ وَ أَوْلِيَاءِكَ، وَ خُصِّ

همه پیغمبران، رحمت فرست بر محمد و همه آل او و بر همه دوستان و مخصوص کردن

مُحَمَّدًا وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ بِأَتَمِّ ذَلِكَ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ

محمد و همه آل او را به تمام ترین از رحمت خود، و نیست حرکتی و نه قوتی مگر بخداوند بلند مرتبه

الْعَظِيمِ. بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، أُوْمِنُ بِاللَّهِ، وَ بِاللَّهِ أُعُوذُ، وَ بِاللَّهِ

بزرگ. بسم الله و بالله، اؤمن بالله، و بالله اعود، و بالله

أَعْتَصِمُ، وَ بِاللَّهِ أَسْتَجِيرُ، وَ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَ مَنَعَتِهِ أَمْتَنُ مِنْ

جنگ در می زنم، و از خدا طلب زنجار می نمایم، و به غلبه خدا و منع او دوری می نمایم از

شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ، وَ رَجْلِهِمْ وَ خَيْلِهِمْ وَ رَكْضِهِمْ وَ عَطْفِهِمْ وَ

شیطان های جن و انس، و پیاده و سواره ایشان و از جای جستن و میل نمودن ایشان و

رَجْعَتِهِمْ وَ كَيْدِهِمْ وَ شَرِّهِمْ، وَ شَرِّ مَا يَأْتُونَ بِهِ تَحْتَ اللَّيْلِ وَ

برگشتن و مکر و شر ایشان، و از شرّ آن چه به جای آورند در شب و

تَحْتَ النَّهَارِ، مِنْ الْبُعْدِ وَ الْقُرْبِ، وَ مِنْ شَرِّ الْغَالِبِ وَ الْخَاضِرِ

روز (از اعمال زشت و وسوسه های شیطانی)، از دور و نزدیک و از شرّ (موجودات) پنهان و حاضر

وَالشَّاهِدِ وَ الزَّائِرِ، أَحْيَاءَ وَ أَمْوَاتًا، أَعْمَى وَ بَصِيرًا، وَ مِنْ شَرِّ

و شاهد و قاصد نماننده، زنده ها و مرده های ایشان، کور و بینا، و از شرّ

الْعَامَّةِ وَ الْخَاصَّةِ، وَ مِنْ شَرِّ نَفْسٍ وَ وَسْوَاسَتِهَا، وَ مِنْ شَرِّ

بیگانه ها و خویشان و از شرّ نفسی که باشد، و از وسوسه آن و از شرّ

الدَّناهِشِ وَ الْحِسِّ وَ اللَّمْسِ وَ اللَّبْسِ، وَ مِنْ عَيْنِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ،

جن ها و از بویخ برکنده شدن و از فریب و اشتباه و چشم بد جن و انس و

وَ بِالْإِسْمِ الَّذِي اهْتَزَّ بِهِ عَرْشُ بَلْقِيسَ. وَ أُعِيذُ بَيْنِي وَ نَفْسِي وَ

پناه می برم به نامی که حرکت نمود به سببش تخت بلقیس، و پناه می دهم بینم و نفسم و

جَمِيعَ مَا تَحْوِطُهُ عِنَايَتِي، مِنْ شَرِّ كُلِّ صُورَةٍ أَوْ خِيَالٍ أَوْ بَيَاضٍ

همه آن چه را که شامل باشد عیند خواهش من، از شرّ هر صورتی و خیالی یا سفیدی

أَوْ سَوَادٍ أَوْ تِمَثَالٍ أَوْ مُعَاهِدٍ أَوْ غَيْرِ مُعَاهِدٍ، مِمَّا يَسْكُنُ الْهَوَاءَ

یا سیاهی یا سپورتی یا اهل ذمه ای یا کافر حری از آن چه قرار گیرد در هوا

وَالسَّحَابَ وَ الظُّلُمَاتِ وَ النُّورَ وَ الظِّلَّ وَ الْحَرُورَ وَ الْبَرَّ وَ الْبُحُورَ

و ابر و تاریکی و روشنایی و سایه و آفتاب و خشکی و دریاها

حرز های امام علی النقی علیه السلام

وَالسَّهْلَ وَالْوُغُورَ وَالْخَرَابَ وَالْعُمْرَانَ وَالْأَكَامَ وَالْأَجَامَ

و در هموار و ناهمواری و در ویسراته و آبادان و در تپل ها و نیستان ها و در مواضعی که

وَالْغِيَاضَ وَالْكَنَائِسَ وَالنَّوَاوِيسَ وَالْفَلَوَاتِ وَالْجَبَانَاتِ، وَمِنْ

آب مجتمع گردد و در کلیساهای و قبرستان های آرامگاه و در بیابان ها و محراب ها و از

شَرِّ الصَّادِرِينَ وَالْوَارِدِينَ مِمَّنْ يَبْدُو بِاللَّيْلِ، وَيَسْتَقِرُّ بِالنَّهَارِ وَ

شر رجوع نمایندگان و وارد شوندگان از کسانی که ظاهر می شوند در شب و پنهان می شوند در روز و

بِالْعَشِيِّ وَالْأَبْكَارِ وَالْغُدُوِّ وَالْأَصَالِ، وَالْمُرِيبِينَ وَالْأَسَامِرَةَ وَ

در شام و صبح و با امداد و وقت عصر و از صاحبان شک و از سخن گویان در شب و

الْأَقَاتِرَةَ وَالْفَرَاعِنَةَ وَالْأَبَالِسَةَ، وَمِنْ جُنُودِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَ

از شیطان ها و از شر ظالمان بی باغی و ابلیس ها و از سپاهشان و از جفت هایشان و

عَشَائِرِهِمْ وَقَبَائِلِهِمْ، وَمِنْ هَمَزِهِمْ وَلَمَزِهِمْ، وَنَفْثِهِمْ وَوَقَاعِهِمْ

از خویشان ایشان و از قبیله هایشان و از عیب نمودنشان و لمز و دمیدنشان و از بلیه ها

وَأَحْذِهِمْ وَسِحْرِهِمْ وَضَرْبِهِمْ وَعَيْثِهِمْ وَلَفْجِهِمْ وَاحْتِيَالِهِمْ وَ

و فراموشی آنها و سحر نمودن و زدن ایشان و فساد کردن و از جلدی نگاه ایشان و

اخْتِلَافِهِمْ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ، وَمِنْ السَّحَرَةِ وَالْغِيْلَانِ، وَأُمِّ

از حيله نمودن و مخالفت نمودنشان و از شر هر صاحب شری و از شر ساحران و هلاک کنندگان و از ام

الصَّبِيَّانِ وَمَا وَلَدُوا وَمَا وَرَدُوا، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ دَاخِلٍ وَ

صبيان و از چیزی که زاییده اند و حاضر شدند او را و از شر هر صاحب شری که داخل باشد و

خَارِجٍ وَغَارِضٍ وَمُتَعَرِّضٍ وَسَاكِنٍ وَمُتَحَرِّكِ، وَضَرْبَانِ عِرْقٍ

بیرون باشد و غارض گردد و مرتکب شود شر را، ساکن و حرکت کننده باشد و از طپیدن رگ

وَصُدَاعٍ وَشَقِيقَةٍ، وَأُمِّ مِلْدَمٍ وَالْحُمَى وَالْمُثَلَّثَةِ وَالرَّبْعِ وَالْغَبِ

و از دره سر و از درد نصف سر و روی و از تب لازم و از تب هر روز و از تب سه یک و از تب ربع و نوبه

وَالنَّافِضَةِ وَالصَّالِبَةِ وَالِدَاخِلَةِ وَالْخَارِجَةِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ

یک روز در میان و از تبی که بلرزاند و تب گرم و از تب اندرون و بیرون و از شر هر جنبندگی

أَنْتَ أَخِذْ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى

که اخذ نموده ای پیش سر او را، بدرستی که تو بر راه راستی و رحمت فرستد خدای بر

نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.

پیغمبر او که محمد است و بر خاندانش که پاکیزگان و پاکند.

حرز های امام حسن عسکری علیه السلام

✽ حرز دوم حضرت امام علی النقی علیه السلام ✽

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به یاری نام خدای بخشنده مهربان

يَا عَزِيزَ الْعِزِّ فِي عِزِّهِ، مَا أَعَزَّ عَزِيزَ الْعِزِّ فِي عِزِّهِ. يَا عَزِيزُ أَعِزَّنِي

ای کسی که غلبه نموده است غلبه اش در عزت خود، چقدر عزیز است کسی که غالب باشد غلبه اش در

بِعِزِّكَ، وَ أَيْدِي بِنَصْرِكَ، وَ ادْفَعْ عَنِّي هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَ ادْفَعْ

عزت خود، ای غلبه نماینده، غالب گردانم به عزت و قوتم ده به یاریت و دفع نمای از من کیدهای شیطان ها را

عَنِّي بِدَفْعِكَ، وَ امْنَعْ عَنِّي بِصُنْعِكَ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ خِيَارِ خَلْقِكَ،

و دور نمای از من به سبب دفع نمودنت و منع نمای از من به فعلت و بگردان مرا از جمله بهترین مخلوقات

يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا فَرْدُ يَا صَمَدُ.

ای یگانه ای یکتا، ای بی همتا ای مقصود در حاجت ها.

✽ حرز های امام حسن عسکری علیه السلام ✽

✽ حرز اول حضرت امام حسن عسکری علیه السلام ✽

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به یاری نام خدای بخشنده مهربان

إِخْتَجَبْتُ بِحِجَابِ اللَّهِ النُّورِ الَّذِي اخْتَجَبَ بِهِ عَنِ الْعُيُونِ، وَ

پنهان شدم به حجاب خدای که روشنی است که پنهان است خدای به سبب او از چشم ها، و

أَحَطْتُ عَلَى نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ وَلَدِي وَ مَالِي، وَ مَا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ

محیط گردانیدم بر نفسم و اهلم و فرزندم و مالم و بر آنچه شامل است بر آن قصد من

عِنَايَتِي، بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَ أَخْرَزْتُ نَفْسِي وَ ذَلِكَ كُلَّهُ

بناه به اسم خدای بخشنده مهربان را، و محافظت کردم نفسم را و چیزهایی که مذکور شد همه آنرا

مِنْ كُلِّ مَا أَخَافُ وَ أَخْذَرُ بِاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، أَلْحَى الْقِيَوْمِ، لَا

از هر چیز که می ترسم و دوری می نمایم از آن به خدایی که نیست خدائی مگر او، همیشه زنده به خود بریاست، فرامی گیرد

تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَ لَا نَوْمٌ، لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ، مَنْ

او را سستی و نه خوابی، از برای اوست آنچه در آسمان ها و زمین است کیست آن که

حرز های امام حسن عسکری علیه السلام

ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ، يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ، وَلَا

درخواست نماید نزدش مگر به اذن او، می داند آنچه را که پیش رو و در پس سر ایشان است و احاطه نمی کند

يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ، وَ سِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ

به چیزی از علم، مگر به آنچه خدای خواهد، و فرو گرفته است کرسی او آسمان ها

وَالْأَرْضِ، وَلَا يَؤُودُهُ حِفْظُهُمَا، وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ. وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ

و زمین را و به تعبیر نمی اندازد او را نگهداشتن آن ها، و اوست بلند مرتبه بزرگ و کیست ستم کننده تر بر خود

ذَكَرَ بَيِّنَاتٍ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا، وَ نَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ. إِنَّا جَعَلْنَا

از کسی که مذکور شود نزدش آیات پروردگارش، پس اعراض نماید از آن ها و فراموش کرده باشد چیزی را که کرده است دست های او.

عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ، وَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرًا. إِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى

بدرستی که ما گردانیدیم بر دل هایشان پوشش ها که مبادا بفهمند قرآن را و گردانیدیم در گوش هایشان گمراهی را و اگر

الْهُدَى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذَا أَبَدًا. أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ، وَ أَضَلَّهُ

بخوانی ایشان را به سوی راه حق، پس ره نمی یابند در این هنگام هرگز. آیا پس دیدهای آن را که فرا گرفت خدایش را از روی خواهش

اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ، وَ خَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ، وَ جَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ

و واگذاشت او را در گمراهی خدای بر دوش ازلی و مهر نهاد بر گوشش و پر دوش و گردانید بر چشمش

غِشَاوَةً، فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ. أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ

برده ای، پس کیست که راه نماید او را از غیر خدا، آیا پس پسند شما نمی گیرد؟ آن جماعت کسانی اند که مهر نهاده است

اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ سَمْعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ، وَ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ.

خدا بر دل ها و گوش ها و چشم های ایشان، و جماعت غافلان از عذاب خدا ایشانند.

وَ إِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ، جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ

و هرگاه می خوانی (ای محمد) قرآن را می گردانیم میان تو و میان آن جماعتی که ایمان نمی آورند و به آخرت

حِجَابًا مَسْتُورًا. وَ جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ، وَ فِي

برده پوشیده شده و گردانیدیم بر دل هایشان پوشش ها که مبادا بفهمند قرآن را و گردانیدیم در

آذَانِهِمْ وَ قَرَأَ. وَ إِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَ حُدَّهُ، وَ لَوْ أَعْلَى

گوشه های ایشان گمراهی را و هرگاه یاد نمودی پروردگار خود را در قرآن که بگفته است او، باز گردند کافران بر پشت های خود

أَذْبَارِهِمْ نُفُورًا. وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ.

در حالی که نفرت کنندگان باشند و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او که پاکند از گناه.



حرز دوم حضرت امام حسن عسکری علیه السلام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به یاری نام خدای بخشنده مهربان

حرز مولای ما حضرت قائم علیه السلام

يَا عُدَّتِي عِنْدَ شِدَّتِي، وَيَا غَوْثِي عِنْدَ كُرْبَتِي، يَا مُوَسِّئِي عِنْدَ

ای تهمینه من نزد سختی ام، و ای فـریادرسم نزد اندوهم، ای مـمـرزم نزد

وَحْدَتِي، أَخْرُسْنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَ اُخْتَفِنِي بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا

تنهاتیم، نگاهبانی نمای مرا به چشم خود که بغواب نمی رود و حفظ نمای مرا به قوت خود که سست

يُرَامُ.

گردیده است.

حرز مولای ما حضرت قائم علیه السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به یاری نام خدای بخشنده مهربان

يَا مَالِكَ الرِّقَابِ، وَيَا هَازِمَ الْأَحْزَابِ، يَا مُفْتِحَ الْأَبْوَابِ، يَا مُسَبِّبَ

ای صاحب گردن ها و ای گریزاننده گروه لشکرها، ای گشاینده درهای بسته، ای برانگیزنده

الْأَسْبَابِ، سَبِّبْ لَنَا سَبَبًا لَا نَسْتَطِيعُ لَهُ طَلَبًا، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،

سبب ها، برانگیز برای ما سببی را که قدرت نداریم آن را از طلب نمودن، به حق کلمه نیست خدائی مگر خدا

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ أَجْمَعِينَ.

محمد فرستاده خدا، رحمت های خدای و درود او باد بر آن حضرت و آل او همه.

قنوت‌های ائمه اطهار علیهم‌السلام

سندهای قنوت‌های ائمه علیهم‌السلام

سید بن طاووس رحمه‌الله گوید: در آن اصلی که از آن، این قنوت‌ها را نقل نمودم، این دعاها را یافتیم که بدون سندی ذکر می‌نمایم. پس بعد از آن که این قنوت‌ها را نوشتم، در کتاب عمل سه ماهه رجب و شعبان و رمضان تألیف احمد بن محمد بن عبدالله عباس رحمه‌الله سندهای این قنوت‌ها را یافتیم.

احمد بن محمد گفته است که حدیث نمود به من ابوالطیب حسن بن احمد بن محمد بن محمد بن عمر بن عبد الله صباح قزوینی و ابوالصباح محمد بن احمد بن عبدالرحمن بغدادی که هر دو نویسنده بودند، گفتند که در حضور شیخ ما فقیه جماعت، احوال مولای ما حضرت ابی محمد امام حسن بن امیرالمؤمنین علیه‌السلام مذکور شد، پس مردی از اولاد طالب گفت: مردم بر آن حضرت عیب می‌نمایند و اعتراض می‌کنند و مطالبه مؤاخذه می‌تمایند از جهت تسلیم نمودن و بازگذاشتن آن حضرت امر خلافت را به معاویه بن ابی سفیان.

پس شیخ ما گفت: من می‌دانم که امر و شأن مولای ما ابا محمد حسن بن علی علیه‌السلام بزرگ‌تر و مرتبه او بلندتر و عصمت و امامت و حجت او واضح‌تر است از آن که در کار آن حضرت سرزنش کنندگان قدح کند، یا بر او شک کنندگان و توهّم و تهمّ نمایندگان اعتراض نماید.

پس شیخ شروع در حکایت فرمود: چون درگذشت و رحلت نمود سید ما شیخ ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید العمری که خدای از او راضی شود و خدای تعالی او را راضی گرداند و بلندی مرتبه او را زیاده گرداند، و فارغ شد از چیزی که متولی آن بود. پس شیخ ابوالقاسم بن روح بن ابی بحر (که خدای تعالی توفیق او را زیاده گرداند) از جهت محاکمه بین مردم در بقیه همان روز در خانه شیخ مرحوم رحمه‌الله نشست. پس ذکاء خادم که پوست او سفید بود، بیرون آورد طوماری پیچیده و عصایی و حقه‌ای از چوب که رنگ و روغن زده بود و آن‌ها را نزد شیخ گذارد. شیخ عصا را برداشته بر دامن خود روی دو ران خود و طومار را در طرف راست و حقه را در طرف چپ خود گذاشت. ورثه گفتند: در این طومار و دیعه‌ها، نوشته‌ها است. پس شیخ آن طومار را گشود، در آن دعاها و قنوت‌های موالی ما ائمه معصومین آل محمد علیهم‌السلام بود. پس ورثه از آن روی گردانیدند و گفتند: پس در حقه بدون شک، جواهری هست.

شیخ به ایشان گفت: این را می‌فروشید؟ ورثه گفتند چند می‌خری؟ شیخ روی به

قنوت‌های حضرت امام حسن علیه السلام

جانب ابوالحسن یعنی ابن شبيب کوثاوی نموده، گفت: یا اباالحسن به ایشان ده اشرفی تسلیم نمای. پس ورثه امتناع نموده، راضی نشدند.

پس شیخ مرتب مبلغ را زیاد می نمود و ورثه قبول نمی نمودند، تا آن که قیمت به صد اشرفی رسید. پس آن گاه شیخ به ایشان گفت که اگر راضی می شوید و می فروشید که هیچ والا پشیمان خواهید شد. پس ورثه راضی شدند و آن را فروختند و صد اشرفی را قبض نمودند.

پس شیخ گفت: مشروط به آن که طومار و عصا را نیز به من بازگذارید. چون همگی را متصرف شد، امر معامله تمام شد. سپس شیخ گفت: این عصای مولای ما حضرت ابی محمد امام حسن بن امام علی نقی بن امام محمد تقی بن امام علی بن موسی الرضا علیه السلام است که در دست آن حضرت بود در روزی که سید ما را شیخ عثمان بن سعید عمری را وکیل خود نمودند و وصیتی چند به او نموده و غائب گردیدند تا به امروز و این حقه‌ای است که در او انگشترهای ائمه معصومین علیهم السلام است و تعداد آن‌ها و جواهر آنها و نقش آن‌ها را ذکر نمود.

پس سر حقه را گشوده انگشترها را بیرون آورد. و آنها همانگونه بودند که گفته بود و در طومار قنوت‌های مولایان ما ائمه معصومین علیهم السلام بود و از آن جمله قنوت حضرت ابومحمد امام حسن بن امیرالمؤمنین علیه السلام بود و آن قنوت‌ها را بر ما از حفظ خواند. پس ما آنها را نوشتیم، موافق آنچه در آن طومار بود و شیخ گفت که این‌ها را محافظت نمائید هم‌چنان که مهمات دین و واجبات رب العالمین جل و علا را محافظت می نمائید و این قنوت‌ها دست به دست تا به این زمان رسیده‌اند و قنوت‌ها این است:

❁ قنوت‌های حضرت امام حسن علیه السلام ❁

❁ قنوت اول حضرت امام حسن علیه السلام ❁

يَا مَنْ بِسُلْطَانِهِ يَنْتَصِرُ الْمَظْلُومُ، وَ بِعَوْنِهِ يَغْتَصِمُ الْمَكْلُومُ،

ای کسی که به سبب پادشاهی‌اش انتقام می‌کشد ستم رسیده شده، و بود نمودن او جنگ در می‌زند جراحت رسیده شده.

سَبَقَتْ مَشِيَّتُكَ وَ تَمَّتْ كَلِمَتُكَ، وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَ بِمَا

پیشی گرفته است خواهشت و تمام است کلمات، و تو بر همه چیز بسیار قادری و به امری

تُمْضِيهِ خَبِيرٌ. يَا حَاضِرَ كُلِّ غَيْبٍ، وَ عَالِمَ كُلِّ سِرٍّ، وَ مُلْجَأَ كُلِّ

که جاری می‌نمائی دلتانی، ای حاضر هر پنهانی، و ای دانای هر نهانی، و ای پناه هر

قنوت‌های حضرت امام حسن علیّه السلام

مُضْطَرَّ، ضَلَّتْ فِيكَ الْفُهُومُ، وَ تَقَطَّعَتْ دُونَكَ الْعُلُومُ، وَ أَنْتَ اللَّهُ

فرورمانده، گمراه است در شایسته فوهم‌ها و پاره پاره است در نزدت دانش‌ها و تونی خدای

الْحَيُّ الْقَيُّومُ الدَّائِمُ الدَّيْمُومُ. قَدْ تَرَى مَا أَنْتَ بِهِ عَلِيمٌ، وَ فِيهِ

همیشه زنده به خود بر پای همیشه و زلی می بینی چیزی را که به آن دانائی و در آن

حَكِيمٌ، وَ عَنْهُ حَلِيمٌ، وَ أَنْتَ بِالتَّنَاصُرِ عَلَى كَشْفِهِ وَ الْعَوْنِ عَلَى

حکیم کننده‌ای و از آن چشیز حاکم نماینده‌ای (یعنی در دنیا) و تو یاری نمودن بر

كَفِّهِ غَيْرُ ضَائِقٍ، وَ إِلَيْكَ مَرْجِعُ كُلِّ أَمْرٍ، كَمَا عَنْ مَشِيَّتِكَ مَصْدَرُهُ،

برطرف کردن آن و مددکاری بر بازداشتن از آن غیر عاجزی، و به سویت است بازگشت هر چیزی هم چنان که از اراده تو است حادث شدن آن

وَ قَدْ أَبْنَتْ عَنْ عُقُودِ كُلِّ قَوْمٍ، وَ أَخْفَيْتَ سَرَائِرَ آخِرِينَ، وَ أَمْضَيْتَ

و ظاهر نموده‌ای اعتقادهای هر طایفه‌ای را و پنهان نموده‌ای نیتها و کارهای نهانی جماعتی دیگر را، و جاری

مَا قَضَيْتَ، وَ أَخَّرْتَ مَا لَا قُوَّةَ عَلَيْكَ فِيهِ، وَ حَمَلْتَ الْعُقُولَ مَا

نموده‌ای امری را که حکم نموده‌ای آن را و تاخیر نموده‌ای چیزی را که نیست قوتی بر تو در آن چیز، و تکلیف نموده‌ای عقل‌ها را

تَحْمَلَتْ فِي غَيْبِكَ، لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ، وَ يَحْيَى مَنْ حَيَّ عَنْ

قدری که توانستند که متحمل شوند آن را در علم پنهانت تا آن که هلاک و کافر شود کسی که کافر شده است بعد از علم به حجت و دلیل، و زنده

بَيِّنَةٍ، وَ إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ الْأَحَدُ الْبَصِيرُ. وَ أَنْتَ اللَّهُمَّ

و مؤمن شود کسی که مؤمن شده است از روی دلیل، و بدستی که تو شنوا و دانا و یگانه و بینائی، و تونی خداوند

الْمُسْتَعَانُ، وَ عَلَيْكَ التَّوَكُّلُ، وَ أَنْتَ وَلِيُّ مَا تَوَلَّيْتَ، لَكَ الْأَمْرُ كُلُّهُ.

یاری طلب کرده شدماز تو و بر تو است اعتماد، و تونی سزاوار بر آنچه که متولی آنی، از برای توست امر همه آن

تَشْهَدُ الْأَنْفِعَالُ، وَ تَعْلَمُ الْأَخْتِلَالُ، وَ تَرَى تَخَاذُلَ أَهْلِ الْخَبَالِ، وَ

گواهی به آزار و تعب من و می دانای فساد را و می بینی یاری نکردن اهل فساد را و

جُنُوحَهُمْ إِلَى مَا جَفَحُوا إِلَيْهِ، مِنْ عَاجِلٍ فَا، وَ حُطَامِ عُقْبَاهُ حَمِيمٍ

میل نمودنشان به سوی آنچه میل نموده‌اند به سوی او از دنیای برطرف شونده و از زخارف دنیوی که در عقب اوست

أَنْ، وَ قُعُودَ مَنْ قَعَدَ، وَ ارْتِدَادَ مَنْ ارْتَدَّ، وَ خُلُوقَ مِنَ النَّصَارِ، وَ

آتش بسیار گرم و می بینی نشستن آن را که نشسته است و برگشتن آن را که برگشته است از دین و خالی بودن مرا از یاری کنندگان و

انْفِرَادِي عَنِ الظُّهَارِ. وَ بِكَ أَعْتَصِمُ، وَ بِحَبْلِكَ أَسْتَمْسِكُ، وَ عَلَيْكَ

تنهایی مرا از پستی کنندگان و به تو چنگ در می زنم و به قوت در می آویزم و بر تو

أَتَوَكَّلُ. اللَّهُمَّ فَقَدْ تَعْلَمُ أُنِّي مَا ذَخَرْتُ جُهْدِي، وَ لَأَمْنَعْتُ وَجْدِي

اعتماد می نمایم. خداوند می دانای آن که من ذخیره نمودم سعیت را و مضایقه نکردم توانگریم را

حَتَّى انْفَلَ حَدِّي، وَ بَقِيْتُ وَ حَدِّي، فَاتَّبَعْتُ طَرِيقَ مَنْ تَقَدَّمَ بِي فِي

تا آن که گند شد تندی من و باقی ماندم به تنهایی، پس پیروی نمودم راه آن را که پیشی گرفته است از من در

قنوت‌های حضرت امام حسن علیه السلام

كَفِّ الْعَادِيَةِ، وَ تَسْكِينِ الطَّاعِيَةِ عَنْ دِمَاءِ أَهْلِ الْمُشَايِعَةِ، وَ

سازدانشتن ظلم دشمنان و فرو نشاندن طغیان یاغیان از خون‌های اهل پیروی و

حَرَسْتُ مَا حَرَسَهُ أَوْلِيَايَ مِنْ أَمْرِ آخِرَتِي وَ دُنْيَايَ. فَكُنْتُ

نگاهداشتم چیزی را که نگاه داشته‌اند آن را پیشوایانم از امر آخرت و دنیایم را. پس گردیدم

كَظْمِهِمْ أَكْظَمُ، وَ بِنِظَامِهِمْ أَنْتَظِمُ، وَ لِطَرِيقَتِهِمْ أَتَسَنَّمُ، وَ

چنانچه خشم فرو بردند کافران خشم فرو بردم و بر رویه ایشان داخل گردیدم و روش ایشان را اخذ نمودم و

بِمِيسَمِهِمْ أَتَسِمُ، حَتَّى يَأْتِيَ نَصْرَتِي، وَ أَنْتَ نَاصِرُ الْحَقِّ وَ عَوْنُهُ،

به علامتشان علامت خود قرار دادم تا آن که بیاید یاری و تونی یاری دهنده حق را و مددکار اوئی

وَ إِنْ بَعْدَ الْمَدَى عَنِ الْمُرْتَابِ، وَ نَأَى الْوَقْتُ إِلَى إِفْنَاءِ الْأَضْدَادِ.

و اگر چه دور است نهایت رسیدن از مطلب و دراز است زمان به سوی برطرف نمودن دشمنان.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ امْرِجْهُمْ مَعَ النَّصَابِ فِي سَرْمَدِ

خداوند رحمت فرست بر محمد و آل او، و داخل گردان آن هارا با جماعت ناصبان در عذاب دائمی

الْعَذَابِ، وَ أَعْمِ عَنِ الرُّشْدِ أَبْصَارَهُمْ، وَ سَكِّعْهُمْ فِي غَمَرَاتِ لَذَاتِهِمْ

و کور نمای از دیدن راه حق چشم‌هایشان را و دراز گردان زمان فرو رفتنشان را در لذت‌های ایشان

حَتَّى تَأْخُذَهُمْ بَغْتَةً وَ هُمْ غَافِلُونَ، وَ سُحْرَةً وَ هُمْ نَائِمُونَ،

که پوشاننده است تا آن که فراگیریت ایشان را ناگه و حال آن که بی خبران باشند و در وقت سحرگاه و حال آن که باشند

بِالْحَقِّ الَّذِي تُظْهِرُهُ، وَ الْيَدِ الَّتِي تَبْطِشُ بِهَا، وَ الْعِلْمِ الَّذِي تُبْدِيهِ،

آنها در خواب، به آن حق و ثابتی که ظاهر می‌کنی آن را، و به حق دستی که قهر می‌نمائی به سبب آن و دانائی که ظاهر می‌نمائی آن را.

إِنَّكَ كَرِيمٌ عَلِيمٌ.

بدرستی که تو بخشنده دانائی.

قنوت دوم حضرت امام حسن علیه السلام

اللَّهُمَّ إِنَّكَ الرَّبُّ الرَّؤُفُ الْمَلِكُ الْعَطُوفُ الْمُتَحَنِّنُ الْمَأْلُوفُ، وَ

خداوند ایدرستی که تو پروردگار مهربانی و پادشاه لطف و رحمت کنندهای و اتسی و

أَنْتَ غِيَاثُ الْحَيْرَانِ الْمَلْهُوفِ، وَ مُرْشِدُ الضَّالِّ الْمَكْهُوفِ، تَشْهَدُ

توئی فریادرس از برای متعیر مظلوم و راهنمای گم شده نابینا، می‌بینی خطور رازهای نهانی

خَوَاطِرَ أَسْرَارِ الْمُسِيرِينَ كَمْشَاهِدَتِكَ أَقْوَالَ الْفَاطِقِينَ. أَسْأَلُكَ

مهر پنهان را همچنان که می‌بینی سخن‌های همه سخنگویان را. سؤال می‌کنم

بِمُغَيِّبَاتِ عِلْمِكَ فِي بَوَاطِنِ سَرَائِرِ الْمُسِيرِينَ إِلَيْكَ، أَنْ تُصَلِّيَ

به حق پنهانی‌های علمت در باطن‌های ظاهر هر راز نهان‌گونی به سویت، آن که رحمت فرستی

قنوت های حضرت امام حسین علیه السلام

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً نَسْبِقُ بِهَا مَنْ اجْتَهَدَ مِنَ الْمُتَقَدِّمِينَ، وَ
 نَتَجَاوَزُ فِيهَا مَنْ يَجْتَهِدُ مِنَ الْمُتَأَخِّرِينَ، وَأَنْ تَصِلَ الَّذِي بَيْنَنَا
 وَبَيْنَكَ صِلَةٌ مِنْ صَنْعَتِهِ لِنَفْسِكَ، وَاصْطَنَعَتْهُ لِفَيْبِكَ، فَلَمْ
 تَخْطَفْهُ خَاطِفَاتُ الظَّنِّ، وَلَا وَارِدَاتُ الْفِتَنِ، حَتَّى نَكُونَ لَكَ
 فِي الدُّنْيَا مُطِيعِينَ، وَفِي الْآخِرَةِ فِي جِوَارِكَ خَالِدِينَ.

در دنیا اطاعت کنندگان و در آخرت همیشه در پناه تو باشیم.

قنوت های حضرت امام حسین علیه السلام

قنوت اول حضرت امام حسین علیه السلام

اَللّٰهُمَّ مِنْكَ الْبَدْءُ وَ لَكَ الْمَشِيَّةُ، وَ لَكَ الْحَوْلُ وَ لَكَ الْقُوَّةُ، وَ اَنْتَ
 بَارِ خَدَايَاكَ تَوَاسْتَ اَغْلَازِ اَشْيَاكَ وَ لَكَ اَمْرٌ اَرَادَهُ وَ لَكَ اَمْرٌ اَرَادَهُ وَ لَكَ اَمْرٌ اَرَادَهُ
 اَللّٰهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ، جَعَلْتَ قُلُوبَ اَوْلِيَائِكَ مَسْكَنًا لِمَشِيَّتِكَ،
 تَوَاسَّيْ وَ تَوَاسَّيْ خَدَايَاكَ مَكْرُومًا تَوَاسَّيْ خَدَايَاكَ مَكْرُومًا تَوَاسَّيْ خَدَايَاكَ مَكْرُومًا
 وَ مَكْمَنًا لِاِرَادَتِكَ، وَ جَعَلْتَ عُقُولَهُمْ مَنَاصِبَ اَوْامِرِكَ وَ نَوَاهِيكَ،
 وَ جَعَلْتَ اَمْرَهُمْ لَكَ اَمْرًا وَ نَهْيَهُمْ لَكَ نَهْيًا وَ اَمْرَهُمْ لَكَ اَمْرًا وَ نَهْيَهُمْ لَكَ نَهْيًا
 فَانْتَ اِذَا شِئْتَ مَا تَشَاءُ حَرَّكَتَ مِنْ اَسْرَارِهِمْ كَوَامِنَ مَا اَبْطَنْتَ
 فِيهِمْ، وَ اَبْدَيْتَ مِنْ اِرَادَتِكَ عَلَى اَلْسِنَتِهِمْ مَا اَفْهَمْتَهُمْ بِهِ عَنْكَ فِي
 عُقُولِهِمْ بِعُقُولِ تَدْعُوكَ، وَ تَدْعُو اِلَيْكَ بِحَقَائِقِ مَا مَنَحْتَهُمْ بِهِ،
 وَ اِنِّي لَا اَعْلَمُ مِمَّا عَلَّمْتَنِي مِمَّا اَنْتَ الْمَشْكُورُ عَلَى مَا مِنْهُ اَرَيْتَنِي وَ

بدرستی که من هر آنچه می دانم چیزها را از جهت تعلیم نمودن تو مرا از آنچه تو شکر کرده شدی بر آنچه از آن جهت نموده ای چیزها

قنوت های حضرت امام حسین علیهما السلام

إِلَيْهِ أَوِيْتُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ وَإِنِّي مَعَ ذَلِكَ كُلِّهِ عَائِدُ بِكَ، لَا أَيْدُ بِحَوْلِكَ وَ

را و به سوی آن جای داده‌ای مرا. خداوند و بدرستی که من با وجود این‌ها همه پناه آورنده‌ام به سوی تو و التجا آورنده‌ام به قدرت و

قُوَّتِكَ، رَاضٍ بِحُكْمِكَ الَّذِي سَقَتْهُ إِلَيَّ فِي عِلْمِكَ، جَارٍ بِحَيْثُ

توانانیت، خشنودم به حکمت که رانده‌ای او را به سویم در علم خود. رواته‌ام به جایی که

أَجْرِيْتَنِي، قَاصِدٌ مَا أَمَفْتَنِي، غَيْرَ ضَنِينٍ بِنَفْسِي فِي مَا يُرْضِيكَ

روان گردانیده‌ای مرا، قصد نماینده‌ام آنچه را که از من خواسته‌ای در حالی که نیستم خست کننده به نفس خود در آنچه خشنود

عَنِّي، إِذْ بِهِ قَدْ رَضَّيْتَنِي، وَ لَا قَاصِرٍ بِجُهِدِي عَمَّا إِلَيْهِ نَدَبْتَنِي،

می‌گرداند تو را از من، جهت آن که به سبب آن چیز خشنود می‌گردانی مرا و نه تقصیر کننده‌ام در سعی خود از آنچه به سوی آن

مُسَارِعٌ لِمَا عَرَفْتَنِي، شَارِعٌ فِيمَا أَشْرَعْتَنِي، مُسْتَبْصِرٌ فِي مَا

خوانده‌ای مرا، زود بجا آورنده‌ام آنچه را که شناسانده‌ای مرا، شروع نماینده‌ام در آنچه طریقه قرار داده‌ای از برایم.

بَصَّرْتَنِي، مُرَاعٍ مَا أَرْعَيْتَنِي، فَلَا تُخْلِنِي مِنْ رِعَايَتِكَ، وَ لَا

بینایم در آنچه نمودهای آن را به من، رعایت کننده‌ام آنچه را که امر نمودهای مرا به رعایت آن پس خالی

تُخْرِجَنِي مِنْ عِنَايَتِكَ، وَ لَا تُقْعِدَنِي عَنْ حَوْلِكَ، وَ لَا تُخْرِجَنِي عَنْ

مگردانم از زیر نظرت و بیرونم مکن از عنایت و عاجز مگردانم از قوت دادنت و بیرون منمای مرا

مَقْصِدٍ أَنَالُ بِهِ إِزَادَتَكَ. وَ اجْعَلْ عَلَى الْبَصِيرَةِ مَذْرَجَتِي، وَ عَلَى

از مقصودی که برسم به سبب آن خواسته‌ات را، و بگردان بر بینائی رفتم را، و بر

الْهُدَايَةِ مَحَجَّتِي، وَ عَلَى الرَّشَادِ مَسْلَكِي حَتَّى تُنِيلَنِي، وَ تُنِيلَ بِي

رسیدن به حق بگردان طریقه‌ام را، تا آن که برسانی مرا به آرزویم و برسانی به من آرزویم را

أُمْنِيَّتِي، وَ تُحِلَّ بِي عَلَى مَا بِهِ أَرَدْتَنِي، وَ لَهُ خَلَقْتَنِي، وَ إِلَيْهِ أَوَيْتُ

و تا آن که نازل گردانی مرا بر آنچه به سببش اراده نمودهای مرا و از برای آن خلق کرده‌ای مرا

بِي، وَ أَعِذْ أَوْلِيَاءَكَ مِنَ الْإِفْتِنَانِ بِي، وَ فَتَنَهُمْ بِرَحْمَتِكَ لِرَحْمَتِكَ

و به سوی آن جای داده‌ای مرا و پناه ده دوستانت را از مبتلا شدن به بلیه‌ها و آزمایش کن ایشان را به سبب رحمت

فِي نِعْمَتِكَ تَفْتِينَ الْأَجْتِبَاءِ، وَ الْأَسْتِخْلَاصِ بِسُلُوكِ طَرِيقَتِي وَ

از جهت رحمت خود در نعمت آزمودنی جهت برگزیدن و خالص شدن به سبب رفتن به راه من و پیروی نمودن طریقه من و

اتِّبَاعِ مَنْهَجِي، وَ الْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ مِنْ آبَائِي، وَ ذَوِي لُحْمَتِي.

ملحق گردان مرا به جماعت صالحان از پدراتم و صاحبان خویش من.



قنوت دوم حضرت امام حسین علیهما السلام



اللَّهُمَّ مَنْ أَوَى إِلَى مَأْوِي فَأَنْتَ مَأْوَايَ، وَ مَنْ لَجَأَ إِلَى مَلْجَأٍ فَأَنْتَ

خداوند هر کس جای گیرد به سوی جایگاهی، توئی جایگاه من، و هر کس پناه برد به سوی پناهی، توئی

قنوت‌های امام زین العابدین علیه السلام

مَلَجَايَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ اسْمَعْ دُعَائِيْ، وَ اَجِبْ

پسند من، بار خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد، و بشنو آواز مرا و برآور

دُعَائِيْ، وَ اجْعَلْ مَا بِيْ عِنْدَكَ وَ مَثْوَايَ، وَ اخْرِسْنِيْ فِيْ بَلَوَايَ مِنْ

حاجتم را و بگردان نزدت بازگشتم را و مکاتم را و محافظت نمای مرا در امتحان نمودن از

اَفْتِتَانِ الْاَمْتِحَانِ، وَ لَمَّةِ الشَّيْطَانِ، بِعَظَمَتِكَ اَللّٰهُ لَا يَشُوْبُهَا وَ لَعُ

بلیه آزمایش و از وسوسه قلیل شیطان به سبب بزرگیت که مخلوط و وارد نمی شود آنرا خفت نفس به سبب

نَفْسٍ بِتَفَتِيْنِ، وَ لَا وَاْرِدُ طَيْفٍ بِتَقَاتِيْنِ، وَ لَا يَلُمُّ بِهَا فَرْحٌ، حَتّٰى

در بلا انداختن آن و نه جنان و خیال وارد شونده به سبب توهم انداختن و نمی رسد به او جنونی تا آن که برگردانی مرا به سوی خود

تَقْلِبْنِيْ اِلَيْكَ بِاِرَادَتِكَ غَيْرَ ظَنِيْنِ وَ لَا مَظْنُوْنٍ، وَ لَا مُرَابٍ، وَ لَا

به سبب ارادات در حالی که غیر متهم باشی در دین و نه گمان بد برده شده باشم در عمل و نباشم شک زده و نه

مُرْتَابٍ، اِنَّكَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِيْنَ.

تبهت زده شده، بدرستی که تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی.

قنوت‌های امام زین العابدین علیه السلام

قنوت اول حضرت امام زین العابدین علیه السلام

اَللّٰهُمَّ اِنَّ جِبِلَّةَ الْبَشَرِيَّةِ، وَ طِبَاعَ الْاَنْسَانِيَّةِ، وَ مَا جَرَتْ عَلَيْهِ

بار خدایا بدرستی که خلقت بشریت و طبیعت انسانیت و چیزی که جاری شده است بر آن

تَرْكِيْبَاتُ النَّفْسِيَّةِ، وَ اِنْعَقَدَتْ بِهِ عُقُوْدُ النَّشِيْئَةِ تَعْجِزُ عَنْ حَمْلِ

ترکیب‌های نفسانی و بسته شده به آن بسته شده‌های خلقت انسانی عاجز است از بار برداشتن

وَ اِرَادَاتِ الْاَقْصِيَّةِ، اِلَّا مَا وَفَّقَتْ لَهُ اَهْلَ الْاَصْطِفَاءِ، وَ اَعْنَتَ عَلَيْهِ

و اراده‌های قضاها و حکم‌ها مگر آنچه را که توفیق داده باشی از برای آن اهل برگزیدگی را و امداد نموده باشی بر آن

ذَوِي الْاَجْتِبَاءِ. اَللّٰهُمَّ وَ اِنَّ الْقُلُوْبَ فِيْ قَبْضَتِكَ وَ الْمَشِيَّةَ لَكَ فِي

مباحیان اختیار را. خدایا و دل‌ها در کف اختیارات است و خواهش از برای توسل در

مُلْكِيَّتِكَ، وَ قَدْ تَعْلَمُ اَيُّ رَبِّ مَا الرَّغْبَةُ اِلَيْكَ فِيْ كَشْفِهِ، وَ اِقْعَهُ

پادشاهیت و می‌دانی ای پروردگار من آنچه را که خواهش به سوی در بر طرف شدن آن چیز واقع است

لَاَوْقَاتِهَا بِقُدْرَتِكَ، وَ اِقْعَهُ بِحَدِّكَ مِنْ اِرَادَتِكَ. وَ اِنِّيْ لَاَعْلَمُ اَنْ لَكَ

در وقت‌های آن به قدرت ثابت است آن به سبب تعیین تو از ارادات و بدرستی که هر آینه می‌دانم آن که از برای تست

قنوت‌های امام زین العابدین (علیه السلام)

ذَارَ جَزَاءٍ مِنَ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ، مَثُوبَةٌ وَعُقُوبَةٌ، وَأَنَّ لَكَ يَوْمًا تَأْخُذُ

سرای جزا دادن از خوب و بد از جهت ثواب دادن و عقاب نمودن و آن که از برای تست روزی که مؤاخذه می‌نماید

فِيهِ بِالْحَقِّ، وَأَنَّ أَنْتَ أَشْبَهُ الْأَشْيَاءِ بِكَرَمِكَ، وَالْأَيُّهَا بِمَا

در آن روز به حق و راستی، می‌دانم آن که حُلمت شبیه‌ترین چیزهاست به بخشش تو و لایق‌ترین آن‌هاست به چیزی

وَصَفْتَ بِهِ نَفْسَكَ فِي عَطْفِكَ وَتَرَائُفِكَ، وَأَنْتَ بِالْمَرْضَادِ لِكُلِّ

که وصف نمودهای به آن چیز نفست را در شفقت و در مهریبت، و تو در کمین‌گاه و ملاحظه مرا

ظَالِمٍ فِي وَجِيمِ عُقْبَاهُ وَسُوءِ مَثْوَاهُ. اللَّهُمَّ وَإِنَّكَ قَدْ أَوْسَعْتَ

احوال مُر ظالمی در یسنی مرتبه و سنگینی عذاب آخرت و بدی جای او، خداوند اوست و بدرستی که وسعت و قدرت دادهای

خَلْقَكَ رَحْمَةً وَحِلْمًا، وَقَدْ بَدَّلْتَ أَحْكَامَكَ، وَغَيَّرْتَ سُنَنَ نَبِيِّكَ، وَ

مخلوقات خود را از جهت رحمت و علم و به تحقیق که تغییر داده شده‌است حکم‌هایت و تبدیل کرده شده‌است طریق‌های پیغمبرت

تَمَرَّدَ الظَّالِمُونَ عَلَى خُلَصَائِكَ، وَاسْتَبَاحُوا حَرِيمَكَ، وَرَكِبُوا

و طغیان نمودند ستمکاران بر جماعت مخصوصان تو و حلال نمودند حرام تو را، و سوار شدند

مَرَائِبَ الْأَسْتِمْرَارِ عَلَى الْجُرْأَةِ عَلَيْكَ. اللَّهُمَّ فَبَايَرَهُمْ بِقَوَاصِفِ

مَرکب‌های مداومت بر جرأت نمودن بر تو را، خداوند پس تعجیل نمای به سوی ایشان به سختی‌های

سَخَطِكَ، وَعَوَاصِفِ تَنْكِيلَاتِكَ، وَاجْتِثَاتِ غَضَبِكَ، وَطَهْرِ الْبِلَادِ

غضب خود و به شدت‌های عذاب‌هایت و به از بیخ برکنیدن غضبت را و پاک گردان شهرها را

مِنْهُمْ، وَعَفَّ عَنْهَا آثَارَهُمْ، وَاخْطَطَّ مِنْ قَاعَاتِهَا، وَمَظَانِّهَا

از ایشان و محو نمای از بلاد اثرهایشان را و سرنگون نمای از جای‌های هموار شهرها و از مواضع آن محل

مَنَارَهُمْ، وَاصْطَلَمَهُمْ بِبَوَارِكٍ حَتَّى لَا تَبْقَى مِنْهُمْ دِعَامَةٌ لِنَاجِمِ

نور و علامت ایشان را و مقطوع گردان ایشان را به هلاک نمودن تا آن که باقی نگذاری از ایشان پس و بنیادی از برای

و لَا عِلْمًا لَآمٍ، وَلَا مَنَاصًا لِقَاصِدٍ، وَلَا رَأْدًا لِمُرْتَادٍ. اللَّهُمَّ امْحُ

ظاهر شوندمای و نه نشانی از برای قصدکننده‌ای و نه پناه و مقری جهت اراده نماینده‌ای و نه طلب‌کننده‌ای مطلوبی را، بپار خدایا برطرف کن

آثَارَهُمْ، وَاطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَدِيَارِهِمْ، وَامْحُ أَغْقَابَهُمْ وَ

اثرهایشان را و محو نمای مال‌هایشان را و خانه‌هایشان را و برطرف نمای اولادشان را و

افْكُ أَصْلَابَهُمْ، وَعَجِّلْ إِلَى عَذَابِكَ السَّرْمَدِ انْقِلَابَهُمْ، وَاقِمِ

جدا ساز مهرهای پشت ایشان را و تعجیل نمای به سوی عذاب دائمی خود بازگشت ایشان را و برپای دل حق را در

لِلْحَقِّ مَنَاصِبَهُ، وَاقْدَحْ لِلرَّشَادِ زَنَادَهُ، وَأَثِرَ لِلثَّارِ مُثِيرَهُ، وَأَيِّدْ

محل‌های نصب او و برافروز و روشن گردان از برای راهنمایی چوب‌های آتش زنده حق را و برانگیز از جهت طلب نمودن خون برانگیزنده

بِالْعَوْنِ مُرْتَادَهُ، وَوَقِّرْ مِنَ النَّصْرِ زَادَهُ، حَتَّى يَعُودَ الْحَقُّ بِجِدَّتِهِ،

حق را و قوت بده به مدد نمودن خود طلب‌کننده حق را و بسیار گردان از برای نمودن خود توشه‌اش را تا آن که برگردد حق به توانگری خود و تا

قنوت‌های امام زین العابدین (علیه السلام)

و يُنِيرُ مَعَالِمَ مَقاصِدِهِ، وَ يَسْلُكُهُ أَهْلُهُ بِالْأَمْنَةِ حَقَّ سُلُوكِهِ. إِنَّكَ

آن‌که روشن گردد علامت‌های جای‌های قصد نمودن حق، و تا آن‌که در راه حق رود اهل حق، در حالی که ایمن باشد حق راه رفتن در آن، بدرستی که

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

تو بر همه چیز به غایت توانایی.

❁ قنوت دوم حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) ❁

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمُبِينُ الْبَاطِنُ، وَ اَنْتَ الْمَكِينُ الْمَاجِنُ الْمُفَكِّنُ. اَللّٰهُمَّ

خداوند توننی ظاهر سازنده حکمت و واضح کننده تدبیرت و توننی صاحب رفعت و منزلت و رفعت دهنده، بار خدایا

صَلِّ عَلَى آدَمَ بَدِيعِ فِطْرَتِكَ، وَ بِكَرِ حُجَّتِكَ، وَ لِسَانِ قُدْرَتِكَ

رحمت فرست بر آدم که ترازه از خلق و اول حجت و زبان قدرت تو است

وَ الْخَلِيفَةِ فِي بَسِيطَتِكَ، وَ اَوَّلِ مُجْتَبَى النَّبُوَّةِ بِرَحْمَتِكَ، وَ

و خلیفه است در روی زمینت، و اول برگزیده شده از برای پیغمبری به رحمت تو، و

سَاحِفِ شَعْرِ رَاسِهِ، تَذَلُّلاً لَكَ فِي حَرَمِكَ لِعِزَّتِكَ، وَ مُنْشِئاً مِنْ

اول شخصی است که تراشیده است موی سرش را از جهت خورای نمودن از برای تو، در حرم تو از جهت عزت تو

التُّرَابِ، نَطَقَ اِعْرَاباً بِوَحْدَانِيَّتِكَ، وَ عَبْدٌ لَكَ اَنْشَأْتَهُ لِأَمَّتِكَ، وَ

و اول مخلوق از خاک است که سخن گفته از جهت ظاهر کردن یگانگی تو را، و اول بنده ای است که خلق نموده ای او را از برای

مُسْتَعِيزٍ بِكَ مِنْ مَسِّ عُقُوبَتِكَ. وَ صَلِّ عَلَى ابْنِهِ الْخَالِصِ مِنْ

امت خود و اول پناه آورنده به سویت است از ترس رسیدن عقابت و رحمت فرست بر پسر او که خالص از برگزیدگان تو است

صَفْوَتِكَ، وَ الْفَاحِصِ عَنْ مَعْرِفَتِكَ، وَ الْغَائِصِ الْمَأْمُونِ عَنْ

و تسفح نماینده از شناخت تو است و دانای حقیقت چیزهاست که امین و سپرده شده به اوست از پنهان علم

مَكْنُونِ سِرِّرِكَ، بِمَا أَوْلَيْتَهُ مِنْ نِعَمِكَ وَ مَعُونَتِكَ، وَ عَلَى مَنْ

پوشیده تو به چیزی که بخشیده ای او را از نعمت‌ها و عطیة خود و رحمت نمای بر کسی که

بَيْنَهُمَا مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ

مابین این دو شخص است از پیغمبران و فرستاده شدگان و راست گویان و گواهان

و الصَّالِحِينَ. وَ أَسْأَلُكَ اَللّٰهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي بَيْنِي وَ بَيْنِكَ لَا

و صلحا و سواال می‌کنم تو را خداوند حاجت خود را که میان من و تو است که نمی‌داند

يَعْلَمُهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ، أَنْ تَأْتِيَ عَلَيَّ قَضَائِهَا، وَ اِمْضَائِهَا فِي يُسْرِ

آنرا کسی غیر تو، آن‌که اتیان نمایی بر سر آوردن آن حاجت و روان نمودن آن در آسانی از جانب تو و در

مِنْكَ، وَ شَدِّ أَزْرٍ وَ حَطِّ وَزْرِ. يَا مَنْ لَهُ نُورٌ لَا يُطْفِئُ، وَ ظُهُورٌ لَا

سختی قوت و در فرو ریختن گناه، ای کسی که از برای اوست روشنی که خاموش نمی‌شود و ظهوری است که

قنوت‌های امام محمد باقر علیه السلام

يَخْفَى، وَأُمُورٌ لَا تُكْفَى. اَللّٰهُمَّ اِنِّى دَعَوْتُكَ دُعَاءَ مَنْ عَرَفَكَ، وَتَبَتَّلَ

پنهان نمی‌گردد و امروهاى است که برابری کرده نمی‌شود. خداوند! خواتندام تو را خواندن کسی که

إِلَيْكَ، وَ آلَ بِجَمِيعِ بَدَنِهِ إِلَيْكَ، سُبْحَانَكَ طَوْتُ الْأَبْصَارِ فِى

شناخته است تو را و منقطع شده به سویت و برگشته به همه بدن خود به سویت، منزهی تو، درهم پیچیده‌اند چشم‌ها در

صَنَعَتِكَ مَدِيدَتَهَا، وَ ثَنَّتِ الْأَلْبَابُ عَنْ كُنْهِكَ أَعْتَهَا، فَأَنْتَ الْمُدْرِكُ

صنعتت مد نظر خود را و برگردانیده‌اند عقل‌ها از رسیدن به کنه تو جلو اسبان خود را، پس تونى ادراك كننده چیزهای

غَيْرُ الْمُدْرِكِ، وَ الْمُحِيطُ غَيْرُ الْمُحَاطِ. وَ عِزَّتِكَ لَتَفْعَلَنَّ وَ عِزَّتِكَ

غیر ادراك شده، و تونى فراگیرنده هر چیز غیر فراگرفته شده، به حق عزتت بر آوری حاجتم را قسم به حق عزتت

لَتَفْعَلَنَّ وَ عِزَّتِكَ لَتَفْعَلَنَّ.

بر آوری حاجتم را قسم به حق عزتت بر آوری حاجت.

قنوت‌های امام محمد باقر علیه السلام

قنوت اول حضرت امام محمد باقر علیه السلام

اَللّٰهُمَّ اِنَّ عَدُوِّى قَدْ اسْتَسَنَّ فِى غُلُوَائِهِ، وَ اسْتَمَرَّ فِى عُدُوَانِهِ، وَ

خداوند! بدرستی که دشمن من پیر شده در طغیان نمودن خود و استمرار یافته در دشمنی کردن خود و

أَمِنَ بِمَا شَمِلَهُ مِنَ الْحِلْمِ عَاقِبَةُ جُرْأَتِهِ عَلَيْكَ، وَ تَمَرَّدَ فِى

ایمن گشته به سبب آنچه شامل است او را از حلمت از عاقبت جرأت نمودن او بر تو و سرکشی نموده در

مُبَايَنَتِكَ، وَ لَكَ اَللّٰهُمَّ لَحَظَاتٌ سَخَطِ بَيَاتًا، وَ هُمْ نَائِمُونَ، وَ نَهَارًا

جدائی و دور نمودن از تو و از برای تست خداوند! نگاه‌های غضبانه در شب و حال آن که باشند ایشان خوابیده در روز

وَ هُمْ غَافِلُونَ، وَ جَهْرَةً وَ هُمْ يَلْعَبُونَ، وَ بَغْتَةً وَ هُمْ سَاهُونَ، وَ

و حال آن که ایشان غافلند و در ظاهر و ایشان لهو کنندگانند، و حال آن که ایشان فراموش کنندگانند و

إِنَّ الْخُنَاقَ قَدْ اشْتَدَّ، وَ الْوِثَاقَ قَدْ اخْتَدَّ، وَ الْقُلُوبَ قَدْ مُحِيتْ،

بدرستی که خنق محکم گردیده و عهد و پیمان که متروک شده‌است و دلهای محو شده‌اند

وَ الْعُقُولَ قَدْ تَنَكَّرَتْ، وَ الصَّبْرَ قَدْ أُوذِيَ، وَ كَادَ يَنْقَطِعُ حَبَائِلُهُ.

و عقل‌ها متغیر شده‌است و صبر هلاک گردیده و نزدیک است که منقطع شود رگ‌های پشت او

فَإِنَّكَ لِبَالِمِرْضَادٍ مِنَ الظَّالِمِ، وَ مُشَاهِدَةٍ مِنَ الْكَاطِمِ لَا يُعْجِلُكَ

پس بدرستی که تو در گمینگاهی از حال ستم‌کننده، و در جایگاه دیدنی از خشم فرو برنده، بتعجل نمی‌اندازد

قنوت‌های امام محمد باقر علیه السلام

فَوْتُ دَرْكِ، وَ لَا يُعْجِزُكَ اخْتِجَازُ مُخْتَجِرٍ. وَ إِنَّمَا مَهْلُ اسْتِثْبَاتٍ، وَ

ترا رسیدن از فوت ادراک امری، و عاجز نمی‌کند تو را امتناع نمودن امتناع‌کننده‌ای و بدروستی که مهلت داده نشده‌است او مگر از جهت

حُجَّتِكَ عَلَى الْأَخْوَالِ الْبَالِغَةِ الدَّامِغَةِ، وَ لِعَبِيدِكَ ضَعْفُ

مدلر نمودن و غلبه تو بر همه حالهار سیده و هلاک‌کننده‌است، و از برای بندگان توست سستی

الْبَشَرِيَّةِ، وَ عَجْزُ الْإِنْسَانِيَّةِ، وَ لَكَ سُلْطَانُ الْإِلَهِيَّةِ، وَ مَلَكَةُ الْبَرِيَّةِ،

بشریت و ناتوانی انسانیت، و از برای توست پادشاهی خداوندی و صاحبیت خلائق،

وَ بَطْشَةُ الْأَنَاةِ، وَ عُقُوبَةُ التَّأْيِيدِ. اَللّٰهُمَّ فَإِنْ كَانَ فِي الْمُضَابَرَةِ

و از برای توست قهر و غلبه مدلرا، و عقاب نمودن دائمی، خداوند پس اگر باشد در صبر نمودن ما

لِحَرَارَةِ الْمُعَانِ مِنَ الظَّالِمِينَ، وَ كَمَدٍ مَنْ يُشَاهِدُ مِنَ الْمُبْدِلِينَ

بر شدت غلب صاحب مال و قوت از ستمگران و بر تیرمرونی کسی که دیده می‌شود از تغییر دهندگان در دین

رَضَى لَكَ، وَ مَثُوبَةٌ مِنْكَ، فَهَبْ لَنَا مَزِيداً مِنَ التَّأْيِيدِ، وَ عَوْناً

و در دنیا خشنودی از برایت، و ثوابی از جانت، پس ببخش به ما زیادت از قوت را و مددکاری از

مِنَ التَّشْدِيدِ إِلَى حِينِ نَفُوزِ مَشِيَّتِكَ فَيَمُنْ أَسْعَدَتَهُ، وَ أَشَقِيَّتَهُ مِنْ

محکم‌کاری را تا به وقت جاری شدن خواهشت در کسی که نیکبخت گردانیده‌ای و کسی که بدبخت نموده‌ای او را از

بَرِيَّتِكَ، وَ اٰمَنْنُ عَلَيْنَا بِالتَّسْلِيمِ لِمَحْتَوَمَاتِ أَقْضِيَّتِكَ، وَ التَّجَرُّعِ

مخلوقات و منت گذار بر ما به رضامندی لازم‌های از قضاهايت را و به فرو بردن ولرد شونده‌ها

لِوَارِدَاتِ أَقْدَارِكَ، وَ هَبْ لَنَا مَحَبَّةً لِّمَا أَحْبَبْتَ فِي مُتَقَدِّمٍ، وَ مُتَأَخَّرِ

از قدرهايت را و ببخش به ما دوستی آنچه را که دوست می‌داری آن را در دنیا و در آخرت و در تعجیل کرده‌شده به آن

وَ مُتَعَجِّلٍ وَ مُتَأَجِّلٍ، وَ الْإِثَارِ لِمَا اخْتَرْتَ فِي مُسْتَقَرِّبٍ وَ مُسْتَبْعَدٍ،

و در تأخیر نموده‌شده به آن و ببخش به ما اختیار نمودن آنچه اختیار نموده‌ای آن را در نزدیک گردانیده‌شده و در دور نموده‌شده

وَ لَا تُخْلِنَا اَللّٰهُمَّ مَعَ ذَلِكَ مِنْ عَوَاطِفِ رَأْفَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ

و غالی مگذار ما را خداوند با وجود این‌ها از بخشش‌های مهربانی و رحمت و

كِفَايَتِكَ وَ حُسْنِ كَلَالَتِكَ، بِمَنِّكَ وَ كَرَمِكَ.

کفایت نمودن و از نیکویی محافظت نمودنت به حق جود و بخششت.



قنوت دوم حضرت امام محمد باقر علیه السلام



يَا مَنْ يَعْلَمُ هَوَاجِسَ السَّرَائِرِ، وَ مَكَامِنَ الضَّمَائِرِ، وَ حَقَائِقَ

ای کسی که می‌داند خطور کننده‌های در خاطر‌ها را از امرهای پنهان و می‌داند پوشیده‌های در دل‌ها را و می‌داند حقیقت‌های

قنوت‌های امام محمد باقر (ع)

الْخَوَاطِرِ. يَا مَنْ هُوَ لِكُلِّ غَيْبٍ حَاضِرٌ، وَ لِكُلِّ مَنْسِيٍّ ذَاكِرٌ، وَ عَلَى

خطور کنندگان را ای کسی که او هر پنهانی را حاضر است، و هر فراموش شده‌ای را دانا و متذکر است و بر

كُلِّ شَيْءٍ قَادِرٌ، وَ إِلَى الْكُلِّ نَاطِرٌ. بَعْدَ الْمَهْلِ، وَ قَرَبِ الْأَجَلِ، وَ

همه چیز تواناست و به سوی همه نظر کننده و دور و دراز است. زمان مهلت، و نزدیک است اجل و

ضَعْفُ الْعَمَلِ، وَ أَرَابِ الْأَمَلِ، وَ أَنْ الْمُنْتَقِلُ، وَ أَنْتَ يَا اللَّهُ الْآخِرُ كَمَا

ضعیف است عمل و به شک انداخته طول امل و حاضر شده انتقال به آخرت، و تو ای خداوند هستی در آخر چنانچه بوده‌ای

أَنْتَ الْأَوَّلُ، مُبْدِئُ مَا أَنْشَأْتَ، وَ مُصَيِّرُهُمْ إِلَى الْبَلَى، وَ مُقَلِّدُهُمْ

در اول، خلق کننده‌ای بی ماده آنچه را که ایجاد نموده‌ای آن را می گردانی ایشان را به سوی گمبختی، و می اندازی بر گردن خلائق

أَعْمَالَهُمْ، وَ مُحَقِّلُهَا ظُهُورَهُمْ إِلَى وَ قَتِ نَشُورِهِمْ مِنْ بَعَثَةِ

کارهایشان را و بار می کنی عمل‌ها را بر پشت‌های ایشان به سوی وقت زنده شدنشان از برانگیخته شدن از قبرهای

قُبُورِهِمْ عِنْدَ نَفْخَةِ الصُّورِ، وَ انْشِقَاقِ السَّمَاءِ بِالنُّورِ، وَ الْخُرُوجِ

خودشان نزد دمیدن صور و در وقت شکافته شدن آسمان به روشنی و وقت بیرون آمدن به سبب برانگیخته شدن به سوی فضا

بِالْمَنْشَرِ إِلَى سَاحَةِ الْمَحْشَرِ، لَا تَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ أَبْصَارُهُمْ وَ أَفِيدَتُهُمْ

محشر بر نمی گردد به سویشان چشم‌هایشان و دل‌های ایشان خالی است از عقل، فرو رفته شده‌اند در اندوه

هَوَاءٍ، مُتَرَاطِمِينَ فِي غَمَّةٍ مِمَّا أَسْلَفُوا، وَ مُطَالِبِينَ بِمَا اخْتَقَبُوا، وَ

از آنچه تحصیل نموده‌اند و بازخواست کرده می شوند به سبب آنچه کسب نموده‌اند و

مُخَاسِبِينَ هُنَاكَ عَلَى مَا ارْتَكَبُوا، أَلَصَّحَائِفُ فِي الْأَغْنَاكِ

حساب کرده می شوند در آن محشر بر آنچه مرتکب شده‌اند نامه‌های اعمال در گردن‌ها

مَنْشُورَةٌ، وَ الْأَوْزَارُ عَلَى الظُّهُورِ مَازُورَةٌ، لَا انْفِكَاكَ وَ لَا مَنَاصَ

پهن و آویخته شده‌است و بار گناهان بر پشت‌ها بار نموده شده، نیست نجاتی و جای پناهی

وَ لَا مَحِيصَ عَنِ الْقِضَاصِ. قَدْ أَفْحَمَتْهُمْ الْحُجَّةُ، وَ حَلُّوا فِي حَيْرَةٍ

و نیست محل خلاصی از عقوبت، ساکت نموده ایشان را دلیل، و فرو ماندند در حیرانی

الْمَحَجَّةِ هَمْسِ الضَّجَّةِ، مَعْدُولٌ بِهِمْ عَنِ الْمَحَجَّةِ إِلَّا مَنْ سَبَقَتْ لَهُ

راه در حالی که ضعیف است ناله ایشان، میل کرده شده‌اند از جاده راه مگر کسی که پیشی گرفته باشد از برای

مِنْ اللَّهِ الْحُسْنَى، فَنَجَا مِنْ هَوْلِ الْمَشْهَدِ، وَ عَظِيمِ الْمَوْرِدِ، وَ لَمْ

او از جانب خدا نیگونی، پس نجات یافته باشد از ترس قیامت و از عذاب بزرگ جهنم و نبوده باشد از کسی که

يَكُنْ مِمَّنْ فِي الدُّنْيَا تَمَرَّدَ، وَ لَا عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ تَعَنَّدَ، وَ لَهُمْ

در دنیا طغیان نموده و نه از کسی که بر دوستان خدای دشمنی ورزیده باشد و نه از کسی که دوستان خدا را مانند بنده

اسْتَعْبَدَ، وَ عَنْهُمْ بِحَقُوقِهِمْ تَفَرَّدَ. اللَّهُمَّ فَإِنَّ الْقُلُوبَ قَدْ بَلَغَتْ

ذلیل نموده باشد و نه از کسی که به عوض اولیا به اخذ حق‌های ایشان منفرد باشد. خداوند! پس بدترستی که دل‌ها رسیده است

قنوت‌های امام جعفر صادق علیه السلام

الْحَنَاجِرَ، وَ النُّفُوسَ قَدْ عَلَتِ التَّرَاقِي، وَ الْأَعْمَارَ قَدْ نَفِدَتْ

به حنجره‌ها، و نفوس‌ها بالا رفتند چنبرهای گسردن را و عمرها بسر آمده است

بِالْإِنْتِظَارِ لَا عَنْ نَقْصِ اسْتِيفَاضٍ، وَ لَا عَنْ اتِّهَامِ مِقْدَارٍ، وَ لَكِنْ لِمَا

به سبب انتظار نه از جهت کمی بینائی، و نه از جهت متهم بودن در اندازه چیزها، ولیکن از جهت آن چه

تُعَانِي مِنْ رُكُوبِ مَغَاصِيكَ، وَ الْخِلَافِ عَلَيْكَ فِي أَوْامِرِكَ وَ

رنج می‌کنند از مرتکب شدن مردم معصیت‌هایت را و از مخالفت نمودن بر تو در امرهایت و

نَوَاهِيكَ، وَ التَّلَعُّبِ بِأَوْلِيَاءِكَ، وَ مُظَاهَرَةِ أَعْدَائِكَ. اَللَّهُمَّ فَقَرِّبْ مَا

در نهی‌هایت و از جهت استهزا نمودن به دوستان و از جهت قوی بودن دشمنانت. خداوند! پس نزدیک گردان آنچه را

قَدْ قَرَّبَ، وَ أَوْرِدْ مَا قَدْ دَنَى، وَ حَقِّقْ ظُنُونِ الْمُوقِنِينَ، وَ بَلِّغِ

که نزدیکست و وارد ساز چیزی را که نزدیک شده و ثابت گردان اعتقادهای یقین دارندگان را و برسان

الْمُؤْمِنِينَ تَأْمِلَهُمْ مِنْ إِقَامَةِ حَقِّكَ، وَ نَصْرِ دِينِكَ، وَ إِظْهَارِ حُجَّتِكَ،

مؤمنان را به آرزویشان از بسطی داشتنت حق ثابت را و یاری نمودن دینت را و ظاهر ساختن حجتت را

وَ الْإِنْتِقَامِ مِنْ أَعْدَائِكَ.

و از انتقام کشیدن از دشمنانت.

قنوت‌های امام جعفر صادق علیه السلام

قنوت اول حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

يَا مَنْ سَبَقَ عِلْمُهُ، وَ نَفَذَ حُكْمُهُ، وَ شَمِلَ جِلْمُهُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

ای کسی که پیشی گرفته علمش، و روان شده حکمش، و فرا گرفته بردباریش، رحمت فرست بر محمد و

آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَرِزْ جِلْمَكَ عَنْ ظَالِمِي، وَ بَايِرْهُ بِالنَّقِمَةِ، وَ عَاجِلْهُ

آل محمد و زایل گردان بردباری خود را از ستم کننده بر من و پیشی گیر او را به عقوبت نمودن و تعجیل نمای

بِالْإِسْتِيفَاضِ، وَ كُبَّةَ لِمَنْخَرِهِ، وَ اغْصُضْهُ بِرِيقِهِ، وَ ارْزُدْ كَيْدَهُ

لورا به از بسیج بریدن و بروی انداز او را به بینی او و گره نمای گلویش را به آب دهنش، و برگردان دشمنیش را

فِي نَخْرِهِ، وَ حُلْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ بِشُغْلِ شَاغِلِ مُؤَلِّمٍ، وَ سُقْمِ دَائِمٍ، وَ

در گودی گردنش و حایل گردان میان من و او با شغل مشغول سازنده به درد آورنده‌ای را و بیماری همیشگی را و

امْنَعُهُ التَّوْبَةَ، وَ حُلْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْإِنَابَةِ، وَ اسْلُبْهُ رَوْحَ الرَّاحَةِ،

منع نمای او را از توبه کردن و حایل باش میان او و میان بازگشت نمودن و برطرف نمای از او نسیم و بوی آسودگی را

وَ أَشَدُّ عَلَيْهِ الْوُطْأَةُ، وَ خُذْ مِنْهُ بِالْمَخْنَقِ، وَ حَشْرَجَةٍ فِي صَدْرِهِ،

و محکم نمای بر او لگدمال شدن را، و فرو گیر از او گلویش را و به انداختن غرغره در سینه او

وَ لَا تُثَبِّتْ لَهُ قَدَمًا، وَ أَثْكِلْهُ وَ نَكِلْهُ، وَ اجْتَنِّهِ وَ اسْتَأْصِلْهُ، وَ

و ثابت نگردان از برای او قدمش را و هلاک گردان اولادش را و مبتلا گردان او را به عیب‌ها و قلع کن ریشه‌اش را و قطع کن

حُتَّهُ وَ جُتَّ نِعْمَتِكَ عَنْهُ، وَ أَلْبِسْهُ الصِّغَارَ، وَ اجْعَلْ عُقْبَاهُ النَّارَ

بیخش را و برانداز ریشه‌اش را و سلب کن نعمت را از او و بپوشان به او خفت و خولری را و بگردان عاقبت او را بودن در آتش

بَعْدَ مَحْوِ آثَارِهِ، وَ سَلْبِ قَرَارِهِ، وَ إِجْهَارِ قَبِيحِ آصَارِهِ، وَ أَسْكِنْهُ

بعد از برافشاندن اثرهای او و برطرف شدن قرار او، و بعد از مشهور ساختن قبیح از گناهان او را و ساکن

دَارَ بَوَارِهِ، وَ لَا تُبْقِ لَهُ ذِكْرًا، وَ لَا تُعَقِّبْهُ مِنْ مُسْتَخْلِفٍ أَجْرًا. اَللّٰهُمَّ

گردان او را در خانه هلاکت و باقی مگذار از برایش یاد نمودنی و مفرست در عقبش از بازمانده از او ثوابی را. خداوندا

بَادِرُهُ، اَللّٰهُمَّ بَادِرُهُ، اَللّٰهُمَّ بَادِرُهُ. اَللّٰهُمَّ عَجِّلْهُ، اَللّٰهُمَّ عَجِّلْهُ، اَللّٰهُمَّ

پیشی گیر او را (به عذاب)، خداوندا پیشی نمای او را (به عقوبت)، خداوندا مبادرت نمای او را، خداوندا تعجل کن او را به عذاب نمودن. خداوندا

عَجِّلْهُ، وَ لَا تُؤَجِّلْهُ. اَللّٰهُمَّ خُذْهُ. اَللّٰهُمَّ خُذْهُ. اَللّٰهُمَّ خُذْهُ.

تعجل نمای او را به مؤاخذه، خداوندا تعجیل نمای او را و تأخیر مکن در عذاب نمودن او. خداوندا فرو گیر او را خداوندا فرو گیر او را، خداوندا

اَللّٰهُمَّ اسْلُبْهُ التَّوْفِيقَ (سه مرتبه). اَللّٰهُمَّ لَا تُنْهَضْهُ. اَللّٰهُمَّ لَا تُرِثْهُ.

برطرف نمای از او توفیق را، خداوندا سلب نمای از او توفیق را، خداوندا بیای مدار او را، خداوندا رحم منماید او را، خداوندا تأخیر منماید

اَللّٰهُمَّ لَا تُؤَخِّرْهُ. اَللّٰهُمَّ عَلَيْكَ بِهِ. اَللّٰهُمَّ اشْدُدْ قَبْضَتَكَ عَلَيْهِ. اَللّٰهُمَّ

او را به عقوبت، خداوندا بر تو است به مؤاخذه او، خداوندا سخت نمای گرفتن خود را بر او، خداوندا به تو

بِكَ اِعْتَصَمْتُ عَلَيْهِ، وَ بِكَ اسْتَجَرْتُ مِنْهُ، وَ بِكَ تَوَارَيْتُ عَنْهُ، وَ بِكَ

جنگ در زده‌ام در تسلط بر او و از شر او به تو پناه برده‌ام، و از او به تو پنهان شدم و از او به تو طلب

اسْتَكْهَفْتُ دُونَهُ، وَ بِكَ اسْتَقَرْتُ مِنْ ضَرَائِهِ. اَللّٰهُمَّ اخْرِسْنِي

پناه نمودم، و به تو در پرده شده‌ام از شدت ضرر او، خداوندا از شر او و عذاب تو نگاهدار مرا

بِحَرِّ اسْتِكَ مِنْهُ، وَ مِنْ عَذَابِكَ، وَ اخْفِنِي بِكَفَايَتِكَ كَيْدَهُ، وَ كَيْدَ

به نگاهداشتن خود، و از مکر او و مکر دشمنان به کفایت خود مرا کفایت نمای.

بُغَايَتِكَ. اَللّٰهُمَّ اخْفِظْنِي بِحِفْظِ الْاِيْمَانِ، وَ اَسْبِلْ عَلَيَّ سَبْرَكَ

خداوندا مرا به نگاهداشتن ایمانم نگهداری کن، و پرده خود را بر من بپانداز همان که فرستادگان خود را به آن پوشانیده‌ای

الَّذِي سَقَرْتَ بِهِ رُسُلَكَ عَنِ الطَّوَاغِيَّتِ، وَ حَصِّنِي بِحِصْنِكَ الَّذِي

از شر شیاطین (و از سرکرده‌های گمراهان) و داخل کن مرا به حصار خود که تو

وَقَيْتَهُمْ بِهِ مِنَ الْجَوَابِيَّتِ. اَللّٰهُمَّ اَيِّدْنِي مِنْكَ بِنَصْرِ لَا يَنْفَكُ، وَ

ایشان را از ساحران به آن نگاهداشته‌ای. بار خدایا از سوی خود مرا با پیروزی ناگسسته و

قنوت‌های امام جعفر صادق علیه السلام

عَزِيمَةَ صِدْقٍ لَا تَخْتَلُ، وَ جَلِّلَنِي بِنُورِكَ، وَ اجْعَلْنِي مُتَدَرِّعًا

اراده درست باطل نشوونده‌ای، تأیید کن، و به نورت مرا بپوشان، و بازارهای از زره فراگیر نگاهدارنده

بِدِرْعِكَ الْوَاقِيَةِ، وَ اخْلَأْنِي بِكِلَابَتِكَ الْكَافِيَةِ، إِنَّكَ وَاسِعٌ لِّمَا

خود مرا پوشش ده، و به محافظت نمودن کافی خودت، مرا حفظ کن. بدرستی که تو عالم و قادری آنچه را

تَشَاءُ، وَ وَلِيٌّ مَنْ لَكَ تَوَالِي، وَ نَاصِرٌ مَنْ إِلَيْكَ آوَى، وَ عَوْنٌ مَنْ

که خواهی، و دوست داری آن را که تو را دوست داشته است، و یاری کننده‌ای آن را که به پناه تو آمده

بِكَ اسْتَعْدَى، وَ كَافِيٌّ مَنْ بِكَ اسْتَكْفَى، وَ الْعَزِيزُ الَّذِي لَا يُفَانِعُ

و مددکار کسی هستی که از تو طلب یاری نموده، و کافی هستی برای کسی که به تو اکتفا نموده و تو غلبه کننده‌ای هستی

عَمَّا يَشَاءُ، وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَ هُوَ حَسْبِي، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ، وَ هُوَ رَبُّ

که از آنچه می خواهد بازداشته نمی شود، و نیست هیچ توانایی مگر به خدا و مرا او بس است، بر او اعتماد نمودم و او پروردگار

الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

عرش بزرگ است.



قنوت دوم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام



يَا مَأْمَنَ الْخَائِفِ، وَ كَهْفَ الْلَاهِفِ، وَ جُنَّةَ الْعَائِدِ، وَ غَوْثَ اللَّائِذِ،

ای آرامگاه هر ترسنده و ای پناه هر اندوهناک بشیمان، و ای سپر هر پناه آورنده و ای فریادرس هر زنجار طلب نماینده

خَابَ مَنْ اعْتَمَدَ سِنَوَاكَ، وَ خَسِرَ مَنْ لَجَأَ إِلَى دُونِكَ، وَ ذَلَّ مَنْ اعْتَزَّ

ناامید است کسی که تکیه نموده است به غیر تو و زیانمند شده کسی که پناه برده به سوی غیر تو، و خوار گشته کسی که عزت جسته

بِغَيْرِكَ، وَ افْتَقَرَ مَنْ اسْتَعْنَى عَنْكَ. إِلَيْكَ اللَّهُمَّ الْمَهْرَبُ، وَ مِنْكَ

است به غیر تو، و بی چیز (محتاج تو) گشته کسی که بی نیاز می کند از تو، به سویت است خداوند اگریزگاه، و

اللَّهُمَّ الْمَطْلَبُ. اللَّهُمَّ قَدْ تَعَلَّمُ عَقْدَ ضَمِيرِي عِنْدَ مُنَاجَاتِكَ، وَ

خداوند احوال حاجت از تو است، خداوند می دانی قصد پنهان مرا هنگام راز گفتن، و

حَقِيقَةَ سِرِّ رَتَبِي عِنْدَ دُعَائِكَ، وَ صِدْقَ خَالِصَتِي بِاللَّجَأِ إِلَيْكَ،

می دانی حقیقت پنهان در خاطر مرا هنگام خواندنم تو را و می دانی راستی نیت خالصم را در پناه آوردن به سویت.

فَافْزَعْ عَنِّي إِذَا فَرَعْتُ إِلَيْكَ، وَ لَا تَخْذُلْنِي إِذَا اعْتَمَدْتُ عَلَيْكَ، وَ

پس به فریادرس مرا وقتی که جزع نمایم به سویت و خوار و بیمدکار مگردان مرا هرگاه که اعتماد نمایم بر تو و

بَادِرْنِي بِكَفَايَتِكَ، وَ لَا تَسْلُبْنِي رِفْقَ عِنَايَتِكَ، وَ خُذْ ظَالِمِي

پیشی نمای مرا به کار گذاری و بر طرف مکن از من ملایمت شفقت خود را، و فروگیر ستم کننده مرا

السَّاعَةَ السَّاعَةَ أَخْذَ عَزِيزٍ مُقْتَدِرٍ عَلَيْهِ، مُسْتَأْصِلٍ شَأْفَتَهُ،

در این ساعت در این ساعت، گرفتن شخص غلبه کننده بسیار قادر بر او که از بیخ برنده باشد قدمش را، قطع کننده باشد

قنوت‌های امام موسی بن جعفر علیه السلام

مُجْتَبِ قَائِمَتُهُ، حَاطِدِ غَامَتِهِ، مُتَبَرِّلُهُ، مُدَمِّرِ عَلَيْهِ. اَللّٰهُمَّ بَادِرُهُ قَبْلَ

پایه‌اش را، سرلایر کننده باشد ستونش را، هلاک کننده باشد او را، هلاک نماینده باشد بر او، خداوندی تعجیل نهای او را به عذاب پیش از

اَذِيَّتِي، وَ اَسْبِقُهُ بِكِفَايَتِي كَيْدَهُ وَ شَرَّهُ وَ مَكْرُوهُهُ وَ غَمَزَهُ، وَ

آزار رسانیدن به من و پیشی گیر او را به کفایت نمودن مرا از مکر و شر او، و از ناخوشی و از اشاره به چشم بد او و

سُوءَ عَقْدِهِ وَ قَصْدِهِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّى اِلَيْكَ فَوَّضْتُ اَمْرِي، وَ بِكَ

از بدی قصد و اعتقاد او. خداوندی بدرستی که من به سویت بسازگذاشتم امر خود را و به تو

تَخَصَّنْتُ مِنْهُ، وَ مِنْ كُلِّ مَنْ يَتَعَمَّدُنِي بِمَكْرُوهِهِ، وَ يَتَرَصَّدُنِي

پناه گرفتم از او، و از هر کسی که قصد نماید مرا به ناخوشی خود و در کمین باشد مرا به آزار رسانیدن خود و ظاهر سازد از برای من

بِاَذِيَّتِهِ، وَ يُضِلُّ لِي بِطَانَتَهُ، وَ يَسْغِي عَلَيَّ بِمَكَائِدِهِ. اَللّٰهُمَّ كِدْ

عداوت پنهان خود را، و سعی نماید در رسانیدن ضرر بر من به حیل‌های خود. خداوندی حیل نهای با

لِي، وَ لَا تَكِدْ عَلَيَّ، وَ اَمْكُزْ لِي، وَ لَا تَفْكُزْ بِي، وَ اَرِنِي الثَّارَ مِنْ كُلِّ

دشمن از جهت انتفاع من و حیل مکن بر من و مکر نهای به دشمن از برای انتفاع من، و مکر منهای به من و بنهای به من کشنده مرا از هر

عَدُوٍّ اَوْ مَكَّارٍ، وَ لَا يَضُرَّنِي ضَارٌّ، وَ اَنْتَ وَ لِيَّيْ، وَ لَا يَغْلِبُنِي

دشمنی یا محیلی و ضرر نمی‌رساند به من ضرر رساننده‌ای، در حالی که تو مولائی از برای من و غالب نمی‌شود

مُغَالِبٌ، وَ اَنْتَ عَضُدِي، وَ لَا تَجْرِي عَلَيَّ مَسَاءَةٌ، وَ اَنْتَ كَنْفِي.

غلبه کننده‌ای در حالی که تو اعانت کننده‌ای مرا، و جاری نمی‌شود بر من بدی در حالی که تو حمایت کننده من هستی.

اَللّٰهُمَّ بِكَ اسْتَدْرَعْتُ وَ اِعْتَصَمْتُ، وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَ لَا قُوَّةَ لِي

خداوندی به تو طلب محافظت نمودم و به تو چنگ در زدم و بر تو اعتماد کردم، و نیست توانائی از برای من

وَ لَا حَوْلَ اِلَّا بِكَ.

و نیست حرکتی مگر به تو.

قنوت‌های امام موسی بن جعفر علیه السلام

قنوت اول حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام

يَا مَفْزَعَ الْفَارِغِ، وَ مَأْمَنَ الْهَالِغِ، وَ مَطْمَعِ الطَّامِعِ، وَ مَلْجَأَ الضَّارِعِ،

ای پناه هر ترسنده، و آرامگاه هر ترسناکه، و ای محل طمع هر طمع کننده‌ای، و پناه هر ذلیل و خوار.

يَا غَوْثَ اللَّهْفَانِ، وَ مَأْوَى الْحَيْرَانِ، وَ مُرَوِّى الظُّمَّانِ، وَ مُشْبِعِ

ای فریادرس هر سستم رسیده حیران و منزل هر سرگردان، و ای سیراب کننده هر تشنه‌ای، و سیر کننده

قنوت‌های امام موسی بن جعفر علیهما السلام

الْجُوعَانِ، وَ كَاسِي الْعُزْيَانِ، وَ حَاضِرِ كُلِّ مَكَانٍ بِلاَ دَرْكِ وَ لاَ

مَرگرسنه‌ای، و پوشاننده هر برهنه‌ای، و ای حاضر در هر جایی بدون رسیدن، و نه

عِيَانِ، وَ لاَ صِفَةٍ وَ لاَ بَطَانٍ، عَجَزَتِ الْأَفْهَامُ، وَ ضَلَّتِ الْأَوْهَامُ عَنْ

دیدشدن و نه از مطلع شدن بر صفت و نه بر اسرار پنهانت عاجزند فهم‌ها و گمراهند وهم‌ها از

مُؤَافَقَةِ صِفَةِ دَبِّهِ مِنَ الْهَوَمِ، فَضْلاً عَنِ الْأَجْزَامِ الْعِظَامِ، مِمَّا

مطالع شدن بر صفت جنبندگی از حشرات، چه جای از اطلاع یافتن بر جسم‌های آسمانی بزرگ از آنچه

أَنْشَأَتْ حِجَاباً لِعِظَمَتِكَ، وَ أَنَّنِي يَتَغَلَّغُلُ إِلَى مَا وَ رَاءَ ذَلِكَ بِمَا لَا

خلق نموده‌ای او را پرده حجابی از برای بزرگی تو، و کجاست احدی که تواند داخل شدن و رسیدن به سوی چیزی که

يُرَامُ، تَقَدَّسَتْ يَا قُدُّوسُ عَنِ الظُّنُونِ وَ الْحُدُوسِ، وَ أَنْتَ الْمَلِكُ

غیر مخلوقات است به آنچه رسیده نمی‌شود به او احدی، منزهی تو ای بسیار پاکیزه از گمان‌ها و حدس‌ها و تئونی پادشاه

الْقُدُّوسُ، بَارِئُ الْأَجْسَامِ وَ النُّفُوسِ، وَ مُنْخَرُ الْعِظَامِ، وَ مُمِيتُ

بسیار پاکیزه و خلق کننده جسم‌ها و آفریننده نفس‌ها و پوسیده و از هم پاشیده کننده استخوان‌ها و تئونی میراننده

الْأَنَامِ، وَ مُعِيدُهَا بَعْدَ الْفَنَاءِ وَ التَّطْمِيسِ. أَسْأَلُكَ يَا ذَا الْقُدْرَةِ

خلایق و برگرداننده آن‌ها بعد از نیستی و برطرف شدن، سؤال می‌نمایم تو را ای صاحب توانائی و بلند مرتبه

وَ الْعُلَى، وَ الْعِزَّ وَ الثَّنَاءَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أُولَى النَّهْيِ،

و ای صاحب غلبه و ستایش، که رحمت فرستی بر محمد و آل او که صاحب توانائی و بلند مرتبه

وَ الْمَحَلِّ الْأَوْفَى، وَ الْمَقَامِ الْأَعْلَى، وَ أَنْ تُعَجِّلَ مَا قَدْ تَأَجَّلَ، وَ تُقَدِّمَ

و صاحب منزلت اعلی و مکان بلندند، و آن که تسجیل نمائی آنچه را که تأخیر شده است در او و مقدم بداری آنچه را

مَا قَدْ تَأَخَّرَ، وَ تَأْتِي بِمَا قَدْ أُوجِبَتْ إِيَّاهُ، وَ تُقَرِّبَ مَا قَدْ تَأَخَّرَ فِي

که تأخیر شده است در او، و مقدم بداری آنچه را که پس افکنده شده است و بجا آوری آنچه را که

النُّفُوسِ الْحَصِيرَةِ أَوَانُهُ، وَ تَكْشِفَ الْبَاسَ وَ سُوءَ اللَّبَاسِ، وَ

واجب ساخته‌ای بجا آوردن آنرا، و نزدیک سازی آنچه را که پس افتاده است در نفس‌های تنگ بی‌صبر، زمان او و آن که برطرف نمائی

عَوَارِضَ الْوَسْوَاسِ الْخَنَاسِ فِي صُدُورِ النَّاسِ، وَ تَكْفِينَا مَا قَدْ

سختی تعب را و بدی پوشش را و عارض‌های وسوسه کننده پنهان شونده در سینه‌های مردمان را و کفایت نمائی ما را از آنچه که حیل

رَهَقْنَا، وَ تَصْرِفَ عَنَّا مَا قَدْ رَكِبْنَا، وَ تُبَادِرَ اضْطِلَامَ الظَّالِمِينَ، وَ

و ظلم نموده است ما را، و صرف نمائی از ما آن چه را که سوار شده است ما را و آن که پیشی نمائی از بیخ قطع نمودن ظلم کنندگان را

نَضْرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ الْأَذَالَهَ مِنَ الْمُعَانِدِينَ. آمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

و یاری کردن مؤمنان و غلبه نمودن بر دشمنان را، مستجاب گردان دعای مرا ای پروردگار عالمان.

✽ قنوت دوم حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام ✽

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ وَ فُلَانٌ بِّنَ فُلَانٍ، عَبْدَانِ مِنْ عَبْدِكَ، نَوَاصِبِنَا بِیَدِكَ،
 خداوند ابدیستی که من و فلان شخص پسر فلان شخص دو بندمایم از بندگان تو، پیش سر ما به دست قدرت تو است.
 تَعْلَمُ مُسْتَقَرَّنَا وَ مُسْتَوْدَعَنَا، وَ مُنْقَلَبَنَا وَ مَثْوَانَا، وَ سِرَّنَا وَ
 می‌دانی موضع قرار ما را، و موضعی را که سپرده شده‌ایم در او و می‌دانی کارهای ما را در دنیا و بازگشت ما را در آخرت
 عَلَانِیَّتِنَا، تَطَّلِعُ عَلٰی نِیَّاتِنَا، وَ تُحِیْطُ بِضَمَائِرِنَا، عَلِمُكَ بِمَا
 و امور ما را و آشکار ما را، مطلق بر قصدهای ما و احاطه نموده‌ای بر پوشیده‌های در خاطرهای ما، علمت به
 نُبْدِیهِ كَعِلْمِكَ بِمَا نُخْفِیهِ، وَ مَعْرِفَتِكَ بِمَا نُبْطِنُهُ كَمَعْرِفَتِكَ بِمَا
 آنچه ظاهر می‌کنیم آن را مثل علمت است به آنچه پنهان می‌گردانیم آن را، و شناخت تو به چیزی که پوشیده می‌داریم
 نُظْهِرُهُ، لَا یَنْطَوِی عَنْكَ شَیْءٌ مِنْ اُمُورِنَا، وَ لَا یَنْسَتِرُ دُونَكَ
 مانند شناخت تو است به چیزی که هویدا می‌گردانیم آن را، پنهان نیست از تو، چیزی از امرهای ما
 حَالٌ مِنْ اُخْوَالِنَا، وَ لَا مِنْكَ مَعْقِلٌ یُخْصِنُنَا، وَ لَا حِزْزٌ یُخْرِزُنَا، وَ لَا
 و پوشیده نیست در نزد تو حالی از حال‌های ما، و نیست از تو ملجائی که محافظت نماید ما را، و نه پناهی که
 مَهْرَبٌ لَنَا نَفُوتُكَ بِهِ، وَ لَا یَمْنَعُ الظَّالِمُ مِنْكَ حُصُونَهُ، وَ لَا
 نگاهمان دارد، و نیست گریزگاهی از براینمان که نرسد عقوبت تو به ما به سبب آن، و منع نمی‌کند ظالم را از عذاب تو
 یُجَاهِدُكَ عَنْهُ جُنُودُهُ، وَ لَا یُغَالِبُكَ مُغَالِبٌ بِمَنْعَةٍ، وَ لَا یُعَازُكَ
 حصارهای او، و جنگ و منع نمی‌کند تو را از جانب او سپاهش، و غلبه نمی‌کند تو را غلبه‌کننده‌ای به سبب حامیان و عشیره خود، و فایق نمی‌شود
 مُعَازٌ بِكَثْرَةٍ، اَنْتَ مُدْرِكُهُ اَیْنَمَا سَلَكَ، وَ قَادِرٌ عَلَیْهِ اَیْنًا لَجَا، فَمَعَاذُ
 بر تو فایق شوندمای به سبب زیادتی لشکر او، می‌رسی به او هر کجا که رفته است، و قدرت داری بر او هر کجا که پناه برده است.
 الْمَظْلُومِ مِّنَّا بِكَ، وَ تَوَكَّلُ الْمُقْهَرِّ مِّنَّا عَلَیْكَ، وَ رُجُوعُهُ اِلَیْكَ،
 پس پناه ستم رسیده شده از ما به تو است و اعتماد قهر کرده شده بر او از ما بر تو است، و بازگشت او به سویت
 یَسْتَغِیْثُ بِكَ اِذَا خَذَلَهُ الْمُغِیْثُ، وَ یَسْتَضَرِّحُكَ اِذَا قَعَدَ عَنْهُ
 است. طلب فریادری می‌نماید از تو هرگاه ترک یاری نماید او را فریادرس غیر تو. و آواز می‌کند تو را هرگاه بنشیند از اعانت
 النَّصِیْرُ، وَ یَلُوْذُ بِكَ اِذَا نَفَتْهُ الْاَفْنِیَّةُ، وَ یَطْرُقُ بِابِكَ اِذَا اُغْلِقَتْ
 او یاری کننده یبوی تو و پناه می‌برد به تو هرگاه نباشد او را فضاها و آستان‌ها و می‌کوبد در رحمت تو را هرگاه بسته شده باشد
 عَنْهُ الْاَبْوَابُ الْمُرْتَجَّةُ، وَ یَصِلُ اِلَیْكَ اِذَا اخْتَجَبَتْ عَنْهُ الْمُلُوكُ
 از او درهای بسته شده، و می‌رسد مظلوم به سویت هرگاه که در پرده نشسته باشند از او پادشاهان
 الْغَافِلَةُ. تَعْلَمُ مَا حَلَّ بِهِ قَبْلَ اَنْ یَشْكُوهُ اِلَیْكَ، وَ تَعْلَمُ مَا یُصْلِحُهُ
 غافل. می‌دانی آنچه را که رسیده است به او پیش آن که شکوه نماید آنرا به سویت، و می‌دانی آنچه را که صلاح

قنوت‌های امام موسی بن جعفر علیه السلام

قَبْلَ أَنْ يَدْعُوكَ لَهُ، فَلَكَ الْحَمْدُ سَمِيعاً عَلِيماً لَطِيفاً خَبِيراً، وَإِنَّهُ

محال او است پیش از آن که بخواند تو را برای آن، پس از برای توست ستایش در حالی که شنوایی و دانایی و مطلع و بسیار آگاهی و بدرستی

قَدْ كَانَ فِي سَابِقِ عِلْمِكَ، وَ مُحْكَمَ قَضَائِكَ، وَ جَارِي قَدْرِكَ، وَ نَافِذِ

که بوده است در پیش از علمت و در ثابت از قضایت و در جاری از قدر تو و در روان

أَمْرِكَ، وَ مَاضِي مَشِيَّتِكَ فِي خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ، شَقِيهِمْ وَ سَعِيدِهِمْ

از امرت و در گذشته از ارادات در مخلوقات همه، بدبخت و نیکبخت و نیکوکار

وَ بَرِّهِمْ وَ فَاجِرِهِمْ، أَنْ جَعَلْتَ لِفُلَانٍ بِنِ فُلَانٍ عَلَى قُدْرَةٍ فَظَلَمَنِي

و بدکار ایشان، آن که گردانیدی از برای فلان پسر فلان بر من توانایی‌ای را پس ستم کرده است مرا

بِهَا، وَ بَغَى عَلَيَّ بِمَكَانِهَا وَ اسْتَطَالَ، وَ تَعَزَّزَ بِسُلْطَانِهِ الَّذِي

به آن قدرت، و جور نموده بر من به سبب بودن آن، و بزرگی نموده و عزت بر خود بسته به سبب پادشاهی او

خَوْلَتُهُ إِيَّاهُ، وَ تَجَبَّرَ وَ افْتَخَرَ بِعُلُوِّ حَالِهِ الَّذِي نَوَّلْتَهُ، وَ غَرَّهُ

که دادی آن را به او، و تکبر نموده و افتخار ورزیده به سبب بلندی حال خود که عطا نموده‌ای او را و مغرور ساخته است او را

إِمْلَأْتُكَ لَهُ، وَ أَطْغَاهُ حِلْمُكَ عَنْهُ، فَقَصَدَنِي بِمَكْرُوهِ عَجَزْتُ عَنْ

مهلّت دادن تو او را و یاغری نموده است او را حلمت از او پس اراده نموده است مرا به بدی که عاجزم از

الصَّبْرِ عَلَيْهِ، وَ تَعَمَّدَنِي بِشَرِّ ضَعْفَتُ عَنْ اخْتِمَالِهِ، وَ لَمْ أَقْدِرْ

میر نمودن بر او، و قمد نموده مرا به شری که ضعیفم از متحمل شدن آن، و نیستم قادر بر

عَلَى الْأَسْتِنَاصِافِ مِنْهُ لِضَعْفِي، وَ لَا عَلَى الْأَنْتِصَارِ لِقَلْبِي،

استیغای حق خود از او، از جهت سستی من و نه بر انتقام کشیدن از او جهت کمی اعوان من

فَوَكَّلْتُ أَمْرَهُ إِلَيْكَ، وَ تَوَكَّلْتُ فِي شَأْنِهِ عَلَيْكَ، وَ تَوَعَّدْتُهُ

پس باز گذاشتم امرش را به سوییت و اعتماد نمودم در کردارش بر تو و بیمناک نمودم او را

بِعُقُوبَتِكَ، وَ حَذَرْتُهُ بِبَطْشِكَ، وَ خَوَّفْتُهُ بِقَمَتِكَ. فَظَنُّ أَنْ حِلْمُكَ

به عذاب تو و تخویف نمودم او را به قهرت و ترسانیدم او را از عقابت، پس گمان نمودم است آن که حلم تو

عَنْهُ مِنْ ضَعْفٍ، وَ حَسِبْتُ أَنَّ إِمْلَأْتُكَ لَهُ مِنْ عَجْزٍ، وَ لَمْ تَفْهَمْ

از او از جهت سستی است، و پنداشتم است آن که مهلت دادن تو او را از ناتوانیت است و باز نداشتی است

وَاحِدَةً عَنْ أُخْرَى، وَ لَا أَنْزَجَرَ عَنْ ثَانِيَةٍ بِأُولَى، لَكِنَّهُ تَمَادَى فِي

او را از یک معصیت از دیگری، و پندیدم نگزشتن از گناهی در مرتبه دوم به سبب بجا آوردن آن در

غِيهِ، وَ تَتَابَعَ فِي ظُلْمِهِ، وَ لَجَّ فِي عُذْوَانِهِ، وَ اسْتَشْرَى فِي

مرتبه اولی، لیکن مداومت نموده است در گمراهی خود و پستیایی نموده است در ستم نمودن خود و لجاج نموده است در

طُغْيَانِهِ، جُرْأَةً عَلَيْكَ يَا سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ، وَ تَعَرَّضاً لِسَخَطِكَ

دشمنی نمودن خود، و ابرام نموده است در سرکشی کردن خود از جهت جرات نمودن بر تو، ای سید من و ای مولای من و از جهت متعرض

قنوت‌های امام موسی بن جعفر علیه السلام

الَّذِي لَا تَرُدُّهُ عَنِ الظَّالِمِينَ، وَ قِلَّةَ اكْتِرَاتٍ بِبَأْسِكَ الَّذِي لَا تَحْبِسُهُ

شدن غضب تو را که بر نمی گردانی آن را از ستمکاران، و از جهت کمی پروا به عذاب تو که منع نمی کنی آن را

عَنِ الْبَاغِي. فَهَا أَنَا يَا سَيِّدِي مُسْتَضَعَفٌ فِي يَدِهِ، مُسَضْمٌ تَحْتَ

از ظالمان. پس ای سید من ای سید من ضعیف گشته‌ام در دست او و ستم رسیده‌ام در زیر

سُلْطَانِهِ، مُسْتَذِلٌّ بِفِنَائِهِ، مَغْلُوبٌ مَبْغِيٌّ عَلَيْهِ، مَرْغُوبٌ وَجِلٌّ

پادشاهی او، ذلیل گردیده شده در فتنای خاندان او، و مغلوب و مایه بغی علیه، مرغوب و وجل

خَائِفٌ مَرْوَعٌ مَقْهُورٌ، قَدْ قَلَّ صَبْرِي، وَ ضَاقَتْ حِيلَتِي، وَ انْفَعَلْتُ

ترسندام، فزع رسیده شده و مغلوبم، کم شده صبرم و تنگ گشته چاره‌ام

عَلَى الْمَذَاهِبِ إِلَّا إِلَيْكَ، وَ انْسَدَّتْ عَنِّي الْجِهَاتُ إِلَّا جِهَتَكَ،

و بسته شده بر من راه‌ها مگر به سوییت و مسدود شده است از من سمت‌ها مگر سمت تو

وَ التَّبَسُّتُ عَلَى أُمُورِي فِي دَفْعِ مَكْرُوهِهِ عَنِّي، وَ اشْتَبَهَتْ عَلَى

و مشتبه گشته بر من امرهایم در دفع نمودن ناخوشی او را از من، و پوشیده شده بر من راه‌ها

الْأَرَاءُ فِي إِزَالَةِ ظُلْمِهِ، وَ خَذَلَنِي مَنِ اسْتَنْصَرْتُهُ مِنْ خَلْقِكَ، وَ

در برطرف نمودن ستم او، و یاری نکرد مرا کسی که طلب یاری نمودم از آن کس از مخلوقات تو و

أَسْلَمَنِي مَنْ تَعَلَّقْتُ بِهِ مِنْ عِبَادِكَ. فَاسْتَشَرْتُ نَصِيحِي فَأَشَارَ

بِهَلَاكِتِ اتِّدَاخْتِ مَرَاكِسِي كَمَا دَرَأَوْا بَخْتَمِي بِهِ أَوْ زَبَدَانِ تَو، پس مشورت نمودم با نصیحت کننده خودم پس اشاره نمود او

عَلَى بِالرَّغْبَةِ إِلَيْكَ، وَ اسْتَرْشَدْتُ دَلِيلِي فَلَمْ يَدُلَّنِي إِلَّا عَلَيْكَ.

بر من بخواهش و میل نمودن به سوییت، و طلب راهنمایی نمودم از راهنمای خودم، پس راهنما نمود مرا مگر بر تو

فَرَجَعْتُ إِلَيْكَ يَا مَوْلَايَ صَاغِرًا رَاغِمًا مُسْتَكِينًا عَالِمًا أَنَّهُ لَا فَرْجَ

پس باز گشتم به سوییت ای صاحب من در حالی که ذلیل و خوارم و رو بر خاک مالاندام و زاری کننندام و دانایم به آن که نیست گشایش

لِي إِلَّا عِنْدَكَ، وَ لَا خَلَاصَ لِي إِلَّا بِكَ، أَتَنْجِزُ وَ عِدَّكَ فِي نَصْرَتِي، وَ

برای من مگر به نزد تو، و نیست نجاتی برای من مگر به سبب تو، طلب می کنم بجا آمدن وعده‌ات را در یاری نمودن من و

إِجَابَةِ دُعَائِي، لِأَنَّ قَوْلَكَ الْحَقُّ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَ لَا يُبَدَّلُ، وَ قَدْ قُلْتَ

در برآوردن حاجت من، از جهت آن که سخن تو حق است که برگشته نمی شود، و تغییر داده نمی شود، و گفته‌ای در حالی که

تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ: «وَمَنْ بَغَى عَلَيْهِ لَيَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ»، وَ قُلْتَ جَلَّ

بزرگی و بلندمرتبه‌ای: «و به هر کس ظلم شود، البته یاری می نماید او را خدای»، و گفتی جلَّ

ثَنَاؤُكَ، وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ: «أَدْعُوْنِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»، فَأَنَا ذَا فَاعِلٍ

ستایش و پاکیزه است نام‌هایت: «بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را»، پس من هم اکنون مشغول

مَا أَمَرْتَنِي بِهِ لَا مَنَّا عَلَيْكَ، وَ كَيْفَ أَمُنُ بِهِ وَ أَنْتَ عَلَيْهِ دَلَلْتَنِي،

آنم که فرمودهای مرا به آن از جهت منت گذاشتن بر تو، و چگونه منت گذارم به آن و حال آن که تو بر آن

فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي، يَا مَنْ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ، وَإِنِّي لَأَعْلَمُ

راه نمودن مرا، پس اجابت کنای از برای من چنانکه وعده نموده‌ای تو، ای کسی که خلف نمی‌کند وعده خود را و بدستی که من هر آینه می‌دانم

يَا سَيِّدِي أَنَّ لَكَ يَوْمًا تَنْتَقِمُ فِيهِ مِنَ الظَّالِمِ لِمَظْلُومٍ، وَ أَتَيَقِّنُ أَنَّ

ای سید من آن که از برای تست روزی که انتقام می‌کنی در آن روز از ستم کننده از برای ستم رسیده شده و یقین دارم

لَكَ وَقْتًا تَأْخُذُ فِيهِ مِنَ الْغَاصِبِ لِمَغْضُوبٍ، لِأَنَّهُ لَا يَسْبِقُكَ

آن که از برای توست وقتی که فراگیری در آن وقت از غصب کننده از برای غصب کرده شده حق او را از جهت آن که پیشی

مُعَانِدٌ، وَلَا يَخْرُجُ مِنْ قَبْضَتِكَ مُنَابِدٌ، وَلَا تَخَافُ فَوْتَ فَائِتٍ، وَلَكِنْ

نمی‌گیرد تو را دشمنی و بیرون نمی‌رود از دست تو منازعی و نمی‌ترسی آن که فوت شدن فوت شونده را، ولیکن

جَزَعِي وَ هَلَجِي لَا يَبْلُغَانِ الصَّبْرَ عَلَى أَنْاتِكَ، وَ انْتِظَارِ حِلْمِكَ،

بی‌تابی و اضطراب من نمی‌رسند صبر بر مدارای تو و انتظار حلم تو،

فَقُدْرَتُكَ يَا سَيِّدِي فَوْقَ كُلِّ قُدْرَةٍ، وَ سُلْطَانُكَ غَالِبُ كُلِّ سُلْطَانٍ، وَ

پس قدرتت ای سید من بالای هر توانائی است، و پادشاهیت غلبه کننده هر پادشاهی است، و

مَعَادُ كُلِّ أَحَدٍ إِلَيْكَ وَ إِنِ امْهَلْتَهُ، وَ رَجُوعُ كُلِّ ظَالِمٍ إِلَيْكَ وَ إِنِ

بازگشت هر کسی به سوییت است و هرچند بازگذاشته‌ای او را، و برگشتن هر ستم کننده‌ای به سوییت است و هر چند

أَنْظَرْتَهُ. وَ قَدْ أَضْرَبَنِي يَا سَيِّدِي حِلْمُكَ عَنْ فُلَانٍ، وَ طَوَّلَ أَنْاتِكَ لَهُ،

مهلت داده‌ای او را، و به تحقیق که ضرر رسانیده است مرا ای سید من حلمت از فلان شخص و درازی مدارایت از برای

وَ إِمْهَالُكَ إِيَّاهُ، كَادَ الْقُنُوطُ يَسْتَوِلِي عَلَى لَوْ لَا الثِّقَّةُ بِكَ وَ الْيَقِينُ

او و مهلت دادن تو او را و نزدیک است که ناامیدی مسلط گردد بر من، اگر نمی‌بود اعتماد به تو و یقین داشتن

بِوَعْدِكَ، فَإِنْ كَانَ فِي قَضَائِكَ النَّافِذِ وَ قُدْرَتِكَ الْمَاضِيَةِ، أَنَّهُ

بوعده تو، پس اگر باشد در حکمتت که جاری است و در قدرتت که گذشته است، آن که فلان شخص بازگشت می‌نماید یا

يُنِيبُ أَوْ يَتُوبُ أَوْ يَرْجِعُ عَنْ ظُلْمِي، وَ يَكْفُ عَنْ مَكْرُوهِي، وَ

توبه می‌کند یا برمی‌گردد از ستم نمودن بر من، و باز می‌ایستد از ناخوش کردن بر من و

يَنْتَقِلُ عَنْ عَظِيمٍ مَا رَكِبَ مِنْي، فَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ

منتقل می‌شود از بزرگی آنچه مرتکب شده است از آزار من، پس رحمت فرست خداوند بر محمد و آل او، و

أَوْقِعْ ذَلِكَ فِي قَلْبِهِ قَبْلَ إِزَالَةِ نِعْمَتِكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ، وَ

ببینداز این توبه را در دلش پیش از برطرف نمودن نعمت تو را که انعام نموده‌ای آن نعمت را بر من، و

تَكْدِيرِ مَعْرُوفِكَ الَّذِي صَنَعْتَهُ عِنْدِي، وَ إِنِ كَانَ عِلْمُكَ بِهِ غَيْرَ

پیش از تیرید نمودن احسانت که بخشیده‌ای آن را بزم و اگر باشد علمت به فلان شخص غیر از این

ذَلِكَ مِنْ مَّقَامٍ عَلَى ظُلْمِي، فَإِنِّي أَسْأَلُكَ يَا نَاصِرَ الْمَظْلُومِينَ

از برای داشت نمودن بر ستم نمودن بر من. بدستی که سؤال می‌کنم تو را ای یاری کننده ستم رسیده شده‌گان

قنوت‌های امام موسی بن جعفر علیه السلام

الْمَبْغِي عَلَيْهِمْ، إِجَابَةً دَعْوَتِي، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ

ظلم کرده‌شدگان بر ایشان، آن که سرآوری حاجت مرا پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد و

خُذْهُ مِنْ مَأْمَنِهِ أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ، وَ أَفْجَأُهُ فِي غَفْلَتِهِ مُفَاجَأَةً مَلِيكِ

فرودگیر او را از جای قرار او گرفتن غلبه کننده بسیار با قدرت و ناگهانی او را در غفلتش ناگهانی گرفتن پادشاهی

مُنْتَصِرٍ، وَ اسْلُبْهُ نِعْمَتَهُ وَ سُلْطَانَهُ، وَ أَفْضُضْ عَنْهُ جُمُوعَهُ وَ

باقوت، و برطرف کن نعمت او را و پادشاهی او را و پراکنده کن جمعی از او جمعیتش را و

أَعْوَانَهُ، وَ مَزِقْ مُلْكَهُ كُلَّ مُمَزَّقٍ، وَ فَرِّقْ أَنْصَارَهُ كُلَّ مُفَرَّقٍ،

مددکارانش را و برطرف کن مملکتش را نهایت برطرف نمودنی و جدا کن یاری کنندگان او را نهایت پراکندگی

وَ اعْزِلْهُ مِنْ نِعْمَتِكَ الَّتِي لَا يُقَابِلُهَا بِالشُّكْرِ، وَ انْزِعْ عَنْهُ سِرِّيَالَ

و دور سازش از نعمت خود که برابری نمی نماید او را به شکر کردن، و بیرون کن لباس غلبه دادند

عِزِّكَ الَّذِي لَمْ يُجَازِهِ بِإِحْسَانٍ، وَ اقْصِمَهُ يَا قَاصِمَ الْجَبَابِرَةِ، وَ

را که مکافات ننموده است او را به نیکنی و بشکن پشت او را ای شکستنده پشت مستکبران و

أَهْلِكَ يَا مُهْلِكَ الْقُرُونِ الْخَالِيَةِ، وَ أَبْرُهُ يَا مُبِيرَ الْأُمَمِ الظَّالِمَةِ، وَ

برطرف کن او را ای برطرف کننده امت‌های گذشته، و هلاک کن او را ای هلاک سازنده قبیله‌های ستم کننده و

اخْذُلْهُ يَا خَاذِلَ الْفِرَقِ الْبَاغِيَةِ، وَ ابْتَرِ مُلْكَهُ، وَ ابْتَرِ عُمْرَهُ، وَ عَفِّ

ذلیل سازنده طایفه‌های فساد کنندگان، و برطرف کن پادشاهی او را و کوتاه گردان زندگی او را و محو کن

أَثَرَهُ، وَ اقْطَعْ خَبْرَهُ، وَ اطْفِ نَارَهُ، وَ أَظْلِمْ نَهَارَهُ، وَ كَوِّرْ شَمْسَهُ،

نشانش را و قطع کن خبرش را و خاموش کن آتش او را و تاریک ساز و بی نور کن آفتاب او را و

وَ أَزْهِقْ نَفْسَهُ، وَ أَهْشِمِ سُوقَهُ، وَ جُبِّ سَنَامَهُ، وَ أَرْغِمِ أَنْفَهُ، وَ عَجِّلْ

بیرون کن جان او را و بشکن بازارش را و قطع کن کوهان رفعتش را و بر خاک بمال بینش را و تسجیل کن

حَتْفَهُ، وَ لَا تَدْعَ لَهُ جُنَّةً إِلَّا هَتَكَتْهَا، وَ لَا دَعَامَةً إِلَّا قَصَفْتَهَا، وَ لَا

مهرکش را و مگذار از برای او سپری مگر آن که پاره نموده باشی آن را و نه ستونی، مگر آن که شکسته باشی

كَلِمَةً مُجْتَمِعَةً إِلَّا فَرَّقْتَهَا، وَ لَا قَائِمَةً عَلَوٍ إِلَّا وَضَعْتَهَا، وَ لَا رُكْنًا إِلَّا

آن را و نه کلمه جمع شده‌ای را مگر آن که پراکنده کرده باشی آن را، و نه پایه بلندی مگر آن که پست نموده باشی او را

وَهْنَتَهُ، وَ لَا سَبَبًا إِلَّا قَطَعْتَهُ، وَ أَرِنَا أَنْصَارَهُ عِبَادِيَدَ بَعْدَ الْأَلْفَةِ، وَ

و نه قوتی مگر آن که سست نموده باشی او را، و نه وسیله‌ای را مگر آن که قطع نموده باشی او را و بنمای به ما مددکاران او را متفرق در اطراف

شَتَّى بَعْدَ اجْتِمَاعِ الْكَلِمَةِ، وَ مُقْنِعِي الرُّؤُسِ بَعْدَ الظُّهُورِ عَلَى

بعد از التیام ایشان و پراکنده شده بعد از موافقت نمودن آن‌ها در سخن و در بالا نگاهدارنده سرهای خود را بعد از ظاهر شدن

الْأُمَّةِ، وَ اشْفِ بِزَوَالِ أَمْرِهِ الْقُلُوبَ الْوَجِلَةَ، وَ الْأَفْئِدَةَ اللَّهْفَةَ، وَ

بر امت و شفاده به سبب برطرف شدن دولت او دل‌های ترسیده را، و قلب‌های ستم رسیده اندوهناک را و

قنوت‌های امام موسی بن جعفر علیه السلام

الْأُمَّةَ الْمُتَحَيِّرَةَ، وَ الْبَرِيَّةَ الضَّائِعَةَ، وَ أَيْلَ بِبَوَارِهِ الْحُدُودَ

فِرَقَه حیران را و خلائق ضایع شده را، و غالب گردان به سبب هلاکت او حدهای

الْمُعْطَلَةَ، وَ السُّنَنَ الدَّائِرَةَ، وَ الْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ، وَ الْمَعَالِمَ الْمُغَيَّرَةَ،

مطل را و سنتهای مندرس شده را و حکم‌های واگذاشته شده را و محل‌های علم تغییر داده شده را

وَ الْآيَاتِ الْمُحَرَّفَةَ، وَ الْمَدَارِسَ الْمَجْهُورَةَ، وَ الْمَخَارِيبَ الْمَجْفُورَةَ،

و آیه‌های تبدیل کرده شده را و مدرسه‌های ترک کرده شده را و محراب‌های دور و خالی از مردم را

وَ الْمَشَاهِدَ الْمَهْدُومَةَ، وَ أَشْبَغَ بِهِ الْخِمَاصَ السَّاعِبَةَ، وَ أَرْوَى بِهِ

و مجمع‌های خرابه را و سیر گردان به سبب هلاکت او شکم به اندرون رفته‌های بسیار گرسنه را و سیراب گردان

الْلَّهَوَاتِ اللَّاعِبَةَ، وَ الْأَكْبَادَ الظَّامِيَةَ، وَ أَرَحَ بِهِ الْأَقْدَامَ الْمُتَعَبَةَ، وَ

به سبب هلاکت دشمن آن‌هائی را که گوشت دهن ایشان فاسد شده باشد، و سیراب گردان جگرهای تشنه را و راحت بده به سبب هلاکت او

أَطْرَقَهُ بَلِيلَةٌ لَا أُخْتَ لَهَا، وَ بِسَاعَةٍ لَا مَثْوًى فِيهَا، وَ بِنَكْبَةٍ لَا

قدم‌های رنج کشیده را، و وارد ساز به او عذاب خود را در شبی که نباشد مثلی از برای آن شب و در ساعتی که نباشد از برای او قراری

اِنْتِعَاشَ مَعَهَا، وَ بَعَثَرَةَ لَا إِقَالَةَ مِنْهَا، وَ أَبْحَحَ حَرِيمَهُ، وَ نَغَضَ

در آن ساعت، و برسان به او مصیبتی را که نباشد خوشحالی با آن مصیبت، و به سر درآمدنی را که نباشد او را پشیمانی از آن و مباح گردان

نَعِيمَهُ، وَ أَرِهَ بِطُشَّتِكَ الْكُبْرَى، وَ نَقِمَتِكَ الْمُثْلَى، وَ قُدْرَتِكَ الْبَتَى

حرام او را و تیره نماید بر او نعمت‌های او را و بنمای به او قهر بزرگت را و عقوبت معیوب کنندمات را و توانائی

فَوْقَ كُلِّ قُدْرَةٍ، وَ سُلْطَانِكَ الَّذِي هُوَ أَعَزُّ مِنْ سُلْطَانِهِ، وَ أَغْلِبَهُ لِي

خود را که بالاتر از هر توانائی است، و پادشاهیت را که آن غلبه کننده‌تر از پادشاهی اوست و

بِقُوَّتِكَ الْقَوِيَّةِ، وَ مِحَالِكَ الشَّدِيدِ، وَ اِمْنَعْنِي مِنْهُ بِمَنْعِكَ الَّذِي كُلُّ

مغلوب گردان او را برایم به قوتت که قوی است و به کید و مکررت که سخت است و نگاهدار مرا از شر او به سبب منع نمودن تو او را که هر

خَلْقٍ فِيهَا ذَلِيلٌ، وَ ابْتَلِهِ بِفَقْرٍ لَا تَجْبِرُهُ، وَ بِسُوءٍ لَا تَسْتُرُهُ، وَ كُلَّهُ

خلق در آن خوار است و مبتلاگردان او را به احتیاجی که غنی نگردانی، و به بدی که پنهان نکنی آن را، و واگذار او را به خودش

إِلَى نَفْسِهِ فِيمَا يُرِيدُ، إِنَّكَ فَعَالٌ لِّمَا تُرِيدُ. وَ أَبْرَأُهُ مِنْ حَوْلِكَ وَ

در آنچه اراده می‌نماید، بدرستی که تو کننده‌ای آنچه را که می‌خواهی و خالی گردان او را از قدرتت و

قُوَّتِكَ، وَ كُلَّهُ إِلَى حَوْلِهِ وَ قُوَّتِهِ، وَ أَزِلْ مَكْرَهُ بِمَكْرِكَ، وَ اُدْفَعْ

توانانیت و بازگذار او را به سوی قدرت و قوت خودش، و زایل گردان حيله‌اش را به مکررت و دور نمای

مَشِيَّتَهُ بِمَشِيَّتِكَ، وَ أَسْقِمْ جَسَدَهُ، وَ أَيِّتْمْ وَ لَدَهُ، وَ أَنْقُضْ أَجَلَهُ، وَ

اراده تو و بسیار کن بدنش را و یتیم گردان فرزندش را و کوتاه کن مدت عمرش را و

خَيِّبْ أَمَلَهُ، وَ أَزِلْ دَوْلَتَهُ، وَ أَطِلْ عَوْلَتَهُ، وَ اجْعَلْ شُغْلَهُ فِي بَدَنِهِ،

برنیاور آرزویش را و زایل گردان دولتش را و بلندنمای صدای گریه‌اش را و بگردان مشغولی او را در بدن خودش،

قنوت حضرت امام رضا علیه السلام

و لَا تَفْكُهُ مِنْ حُزْنِهِ، وَ صَيَّرَ كَيْدَهُ فِي ضَلَالٍ، وَ أَمَرَهُ إِلَى زَوَالٍ، وَ
 و جدا سازش از آسود، و بگردان حیلش را در گمراهی، و امرش را به سوی زائل شدن، و
 نِعْمَتَهُ إِلَى انْتِقَالٍ، وَ جَدَّهُ فِي سِفَالٍ، وَ سُلْطَانَهُ فِي اضْمِحْلالٍ، وَ
 نعمتش را به سوی برطرف شدن، و بگردان عظمتش را در نیستی و پادشاهی را در مضمحل شدن و
 عَاقِبَتَهُ إِلَى شَرِّ مَالٍ، وَ أَمِتَهُ بِغَيْظِهِ إِنْ أَمِتَتْهُ، وَ أَبَقَهُ بِحَسْرَتِهِ إِنْ
 عاقبتش را به سوی بدی بازگشت و بمیران او را به خشم خودش اگر میمیرانی او را، و باقی گذارش در پشیمانی
 أَبَقِيَّتَهُ، وَ قَبِي شَرَّهُ وَ هَمَزَهُ وَ لَمَزَهُ وَ سَطَوْتَهُ وَ عَدَاوَتَهُ، وَ الْمَخَهُ
 اگر باقی می گذری او را، و نگاهدار مرا از شرّ و غیبت کردن و اشاره گوشه چشمش و از قهر و دشمنی او، و نگاه کن تو او
 لَمَحَهُ تُدَمِّرُ بِهَا عَلَيَّهِ، فَإِنَّكَ أَشَدُّ بَأْسًا وَ أَشَدُّ تَنْكِيلًا.
 راه نظر خفت، که هلاک نمائی به سبب آن نگاهش را، پس بدرستی که تو سخت تری از همه مردم در عذاب نمودن و شدیدتری در عقاب کردن.

قنوت حضرت امام رضا علیه السلام

الْفَرْعُ الْفَرْعُ إِلَيْكَ يَا ذَا الْمُحَاضِرَةِ، وَ الرَّغْبَةُ الرَّغْبَةُ إِلَيْكَ يَا مَنْ
 جَزَعُ جَزَعٍ بِه سَوِيَّتِ اسْتِ اِي مَاحِبِ غَلْبِهِ كَرْدَن، وَ خَوَاشِ خَوَاشِ بِنه سَوِيَّتِ اسْتِ اِي اَن كِه لَایق
 بِهِ الْمُفَاخَرَةُ، وَ أَنْتَ اللَّهُمَّ مُشَاهِدٌ هَوَاجِسِ النُّفُوسِ، وَ مُرَاصِدٌ
 به اوست فخر نمودن، و تَوْنِ خِدَاوندَا بِنینْدَه حَرَكَتِ كَننْدَه های در خَاطِرَهَا وَ تَوْنِ دِیدَه بَان
 حَرَكَاتِ الْقُلُوبِ، وَ مُطَالِعُ مَسَرَّاتِ الْمَرَاثِرِ مِنْ غَيْرِ تَكْفُفٍ وَ لَا
 حَرَكَتِ دِل مَآ وَ تَوْنِ مَطْلَعِ وَ مَشْرِفِ بِر بَنَهَانِ های در خَاطِرَهَا از غَیْرِ تَعَبِ وَ نَه
 تَعَنُّفٍ، وَ قَدْ تَرَى اللَّهُمَّ مَا لَيْسَ عَنْكَ بِمُنْطَوٍ وَ لَكِنْ آمَنَ أَهْلُهُ
 مَشَقَّتِ، وَ به تَحْقِيقِ كِه مِ بِنِی خِدَاوندَا اَنچه رَا كِه نِیست از تَو بَنَهَان، وَ لَیكن مَدَارَا نمودن تَو اِیمن كِرْدَانِیدَه اسْتِ اهل
 عَلَيْهِ جُرْأَةً وَ تَمَرُّدًا وَ عُتُوءًا وَ عِنَادًا، وَ مَا يُعَايِنُهُ أَوْلِيَاؤُكَ مِنْ
 اَن چِیز رَا بِر اَن از رَوِی جِراتِ وَ سَرَكَشِ وَ كِرْدَن بِسِجِی وَ دَشْمَنِی وَ اَنچه مِ بِنینْد اَن رَا دُوسْتَانِ تَو از
 تَعْفِيَةِ آثَارِ الْحَقِّ، وَ دُرُوسِ مَعَالِمِهِ، وَ تَزْيِيدِ الْفَوَاحِشِ، وَ اسْتِمْرَارِ
 مِندرس شدن اَثَرِهای حَقِّ، وَ بِرطرف شدن نِشَانَه های اَن وَ زِیادَه شدن قَبِیح ها وَ مَدَاوَمَتِ نمودن
 أَهْلِهَا عَلَيْهَا، وَ ظُهُورِ الْبَاطِلِ، وَ عُمُومِ التَّغَاشُّمِ، وَ التَّرَاضِي بِذَلِكَ
 اهل قَبَایح بِر قَبَایح، وَ ظَاهر شدن بَاطلِ وَ شِیوعِ قَبول نمودن ظلمِ وَ راضی شدن به اَن ظلمِ
 فِي الْمُعَامَلَاتِ وَ الْمُتَصَرِّفَاتِ، قَدْ جَرَتْ بِهِ الْعَادَاتُ، وَ صَارَ
 در داد و ستدِها وَ در بَدعتِها، جَارِی شُدَه بِنه اَن عَادَتِها وَ كِرْدِیدَه اسْتِ

كَالْمَفْرُوضَاتِ، وَ الْمَسْنُونَاتِ. اَللّٰهُمَّ فَبَايِرِ الَّذِي مَنَ اَعَنْتَهُ بِهٖ

مثل واجب‌ها و سنت‌ها، خداوند! پس پستی گیر آن را که هرگاه امداد نمایی او را به رضا رستگار خواهد بود

فَاِنْ، وَ مَنَ اَيَّدَتْهٖ بِهٖ لَمْ يَخَفْ لَمَزَ لَمَازٍ، وَ خَذِ الظَّالِمَ اَخْذًا عَنِيْفًا، وَ

و شخصی که هرگاه قوت دهی او را به این قبول نخواهد ترسید از اشاره به چشم هر اشاره کننده‌ای و

لَا تَكُنْ لَهُ رَاحِمًا وَ لَا بِهٖ رَوْفًا. اَللّٰهُمَّ اَللّٰهُمَّ بَايِرْهُمْ. اَللّٰهُمَّ

فرودگیر ظالم را گرفتار سختی، و مباحی تو برای او رحم کننده، و نه به او مهربان. خداوند! بار خدایا بار آنها

عَاجِلْهُمْ. اَللّٰهُمَّ لَا تُفْهِلْهُمْ. اَللّٰهُمَّ غَايِرْهُمْ بُخْرَةً وَ هَجْرَةً وَ سَحْرَةً

بیشی گیر ایشان را به عذاب. خداوند! تعجیل نمای ایشان را به عقاب. خداوند! مهلت مده ایشان را. خداوند! عذاب نمای ایشان را در صبح و در

وَ بَيَاتًا وَ هُمْ نَائِمُونَ، وَ ضَحَى وَ هُمْ يَلْعَبُونَ، وَ مَكْرَأً وَ هُمْ

وقت ظهر و در سحر و در شب، در حالی که باشند ایشان خوابیده و در وقت چاشت و باشند ایشان لهو کننده و حيله‌نمای

يَمْكُرُونَ، وَ فُجَاءَةً وَ هُمْ آمِنُونَ. اَللّٰهُمَّ بَيِّدْهُمْ، وَ بَيِّدْ اَعْوَانَهُمْ، وَ اَقْلِلْ

با ایشان حيله نمودنی و باشند ایشان حيله کننده و ناگهان و هجوم نمای بر ایشان و در حالی که ایشان ایمن باشند. خداوند! متفرق ساز ایشان

اَعْضَادَهُمْ، وَ أَهْزِمْ جُنُودَهُمْ، وَ اَقْلِلْ حَدَّهُمْ، وَ اجْعَلْ سَنَامَهُمْ، وَ

را و ناقص و کم گردان اعوانشان را، و بگریزان سپاهشان را و کند نمای تندی غضبشان را و قطع کن رفعتشان را و سست گردان

أَضْعَفْ عَزَائِمَهُمْ. اَللّٰهُمَّ اَمْنَحْنَا اَكْتَفَاهُمْ، وَ مَلِكُنَا اَكْبَافَهُمْ، وَ بَدِّلْهُمْ

عزیمت‌هایشان را. خداوند! ببخش به ما سواری بر دوش‌های ایشان را، و مالک گردان ما را به بلاد و نواحی ایشان.

بِالنِّعَمِ النِّقَمَ، وَ بَدِّلْنَا مِنْ مُّحَازَرَتِهِمْ وَ بَغِيهِمُ السَّلَامَةَ، وَ

و تبدیل نمای نعمت‌هایشان را به عقوبت، و بده به ما در عوض ترسیدن از ایشان و فسادشان، سلامت از آنها را، و

أَغْنِمْنَاهُمْ أَكْمَلَ الْمَغْنَمِ. اَللّٰهُمَّ لَا تَرُدَّ بِأَسْكَ الَّذِي إِذَا حَلَّ بِقَتْمٍ

غنیمت بده به ما از ایشان تمامترین غنیمت را. خداوند! بر مگردان عذابت را از ایشان که هرگاه نازل شود بر قومی بسیار بد خواهد بود

فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ.

صبح ترسیده‌شدگان.

❁ قنوت‌های حضرت امام جواد علیه السلام ❁

❁ قنوت اول حضرت امام جواد علیه السلام ❁

اَللّٰهُمَّ مَنَاحِيكَ مُتَتَابِعَةٌ، وَ اَيَادِيكَ مُتَوَالِيَةٌ، وَ نِعْمَتُكَ سَابِقَةٌ، وَ

بخشش‌هایت پی‌در پی و نعمت‌هایت پی‌پی است، و عطیه‌های او کامل و شکر ما

قنوت‌های حضرت امام جواد علیه السلام

شُكْرُنَا قَصِيرٌ، وَ حَمْدُنَا يَسِيرٌ، وَأَنْتَ بِالْتَّعَطُّفِ عَلَى مَنْ اعْتَرَفَ

کوتاه و ستایش ما اندک است، و تسبیح ما سبیل و تسبیح کسی که اقرار نموده است سزاواری.

جَدِيرٌ. اللَّهُمَّ، وَ قَدْ غَصَّ أَهْلُ الْحَقِّ بِالرِّيقِ، وَ ارْتَبَكَ أَهْلُ الصِّدْقِ

بار خدایا گمراه شده است در گمراهی اهل حق آب دهان او، و بسختی افتادند اهل راستی در

فِي الْمَضِيقِ، وَأَنْتَ اللَّهُمَّ بِعِبَادِكَ، وَ ذَوِي الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ شَفِيقٌ، وَ

تنگی، و تو خدایا با بنده پیوندگان و صاحبان خواهش به سویت مهربانی و

بِإِجَابَةِ دُعَائِهِمْ وَ تَعْجِيلِ الْفَرَجِ عَنْهُمْ حَقِيقٌ. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى

به برآوردن دعا و تسجیل نمودن گشادگی از ایشان لایقی، خدایا رحمت فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ بَايِرْنَا مِنْكَ بِالْعَوْنِ الَّذِي لَا خِذْلَانَ بَعْدَهُ،

محمد و آل محمد و پیشی گیر ما را از جانب خود به امداد نمودن ماکه به هم نمی رسد خواری بعد از آن

وَالْفَضْرِ الَّذِي لَا بَاطِلَ يَتَكَادُهُ، وَ أَتِحْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ مَتَاحاً يَأْمَنُ

و یاری کردنی که نیست باطلی که به مشقت اندازد او را، و مهیا کن برای ما از نزد خود مکان نشاطی را که

فِيهِ وَ لِيْكَ، وَ يَخِيبُ فِيهِ عَدُوُّكَ، وَ تَقَامُ فِيهِ مَعَالِمُكَ، وَ تَظْهَرُ فِيهِ

آرام گیرد در آن دوستت و ناامید گردد در آن دشمنت و به پای داشته شود در آن محل های علمت و ظاهر گردد در آن

أَوْامِرُكَ، وَ تَنْكَفُ فِيهِ عَوَابِي عِدَاتِكَ. اللَّهُمَّ بَايِرْنَا مِنْكَ بِدَارِ

امرهایت و رفع نمانی در آن منع کنندگان وعده های خود را، خدایا پستی گیر ما را از جانب خود پیشی گرفتن

الرَّحْمَةِ، وَ بَايِرْ أَعْدَاكَ مِنْ بَأْسِكَ بِدَارِ النَّقْمَةِ. اللَّهُمَّ أَعِنَّا وَ

رحمت، و پیشی گیر دشمنان خود را از عذاب خود پیشی گرفتن عقوبت، خدایا امداد نمای و

أَغْنِنَا، وَ ارْزُقْ نَقِمَتَكَ عَنَّا، وَ أَجِلْهَا بِالْقَوْمِ الظَّالِمِينَ.

فریادری کن ما را و دفع نمای عقابت را از ما و فرود آور آن را به جماعت ستمکاران



قنوت دوم حضرت امام جواد علیه السلام



اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ بِلَا أَوَّلِيَّةٍ مَعْدُودَةٍ، وَ الْآخِرُ بِلَا آخِرِيَّةٍ مَحْدُودَةٍ،

بار خدایا تو اول همه اشیا بی آن که باشی اول شمرده شده، و تونی آخر همه چیز بدون آن که باشی آخری تعیین نموده باشی،

أَنْشَأْتَنَا لِإِعْلَالِ اقْتِسَارِ، وَ اخْتَرَعْتَنَا لِإِجَابَةِ اقْتِدَارِ،

موجود نمودمای ما را بدون غرض از روی قهر و غلبه، و آفریدمای ما را بی ماده بدون احتیاجی از روی قدرت

وَ ابْتَدَعْتَنَا بِحِكْمَتِكَ اخْتِيَاراً، وَ بَلَوْتَنَا بِأَمْرِكَ وَ نَهْيِكَ اخْتِبَاراً،

و جدید آوردمای ما را بی نمونه و مثالی به حکمت خود از روی دانش و اراده، و آزمودمای ما را به امر و نهی خود از جهت امتحان

وَ أَيْدَتَنَا بِالْآلَاتِ، وَ مَنْحَتَنَا بِالْأَدْوَاتِ، وَ كَلَّفْتَنَا الطَّاقَةَ، وَ جَشَّمْتَنَا

و قوت دادمای ما را به آلاتها و بخشیدمای ما را اسباب، و تکلیف نمودمای ما را به قدر قدرت، و قرار نمودمای بر ما مشقت

قنوت‌های حضرت امام جواد (علیه السلام)

الطَّاعَةِ، فَأَمَرْتَ تَخِييراً، وَ نَهَيْتَ تَحْذِيراً، وَ خَوَّلْتَ كَثِيراً، وَ سَأَلْتَ

طاعت را. پس امر نمودهای در حال اختیار دادن ما را، و نهی کرده‌ای از جهت ترسانیدن ما را، و عطا نمودهای نعمت‌های بسیار و خواسته‌ای عبادت

يَسِيرًا. فَعَصِي أَمْرُكَ فَحَلَمْتَ، وَ جُهْلَ قَدْرِكَ فَتَكَرَّمْتَ. فَأَنْتَ رَبُّ

اندک را. پس مخالفت کرده شده است امر تو، حلم نمودهای و دانسته نشده قدر و منزلت، زیاد بخشش نمودهای پس تونی پروردگار

الْعِزَّةَ وَ الْبَهَاءَ، وَ الْعِظَمَ وَ الْكِبْرِيَاءَ، وَ الْإِحْسَانَ وَ النِّعْمَاءَ،

عزت و عظمت و بزرگی و جلالت، و تونی پروردگار نیکنی و نعمت‌ها و بخشش و نعمت‌ها

وَ الْمَنِّ وَ الْآلَاءِ، وَ الْمَنِّحِ وَ الْعَطَاءِ، وَ الْأَنْجَازِ وَ الْوَفَاءِ، وَ لَا تُحِيطُ

و عطیه‌ها و کرم، و تونی پروردگار برآوردن حاجت‌ها و بجا آوردن وعده‌ها، فراموشی نمیرد

الْقُلُوبُ لَكَ بِكُنْهِ، وَ لَا تُذِرُكَ الْأَوْهَامُ لَكَ صِفَةً، وَ لَا يُشْبِهُكَ

دل‌ها تو را به حقیقت، و ادراک نمی‌کند وهم‌ها تو را به صفت، و نیست مثل تو چیزی از آفریدگانت

شَيْءٌ مِنْ خَلْقِكَ، وَ لَا يُمَثِّلُ بِكَ شَيْءٌ مِنْ صُنْعَتِكَ، تَبَارَكْتَ أَنْ

و نیست مانند به تو چیزی از مخلوقات، مزرهی از آن که

تُحَسَّ أَوْ تُمَسَّ، أَوْ تُذَرِكَ الْحَوَاسُ الْخَفِيسُ، وَ أَنِّي يُذَرِكُ

دیده شوی یا آن که لمس کرده شوی. یا آن که ادراک نماید تو را قوت‌های حواس پست و کجا ادراک تواند نمود

مَخْلُوقٌ خَالِقُهُ، تَعَالَيْتَ يَا إِلَهِي عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا.

خلق کرده شده‌ای خالق کننده خود را، بلندی ای خدای من از آنچه می‌گویند ستمگران بلندی بزرگ،

اَللّٰهُمَّ اَدِلْ لِأَوْلِيَّائِكَ مِنْ أَعْدَائِكَ الظَّالِمِينَ، اَلْبَاغِينَ اَلنَّاسِكِينَ

خداوند! صاحب دولت بگردان دوستان را از دشمنان، که ستم کارانند و خروج کنندگان و عهد شکنان

اَلْقَاسِطِينَ اَلْمَارِقِينَ، اَلَّذِينَ أَضَلُّوا عِبَادَكَ، وَ حَرَّفُوا كِتَابَكَ، وَ

و جور کنندگان در حکم و بیرون رفته‌های از دینند، آن جماعتی که گمراه نموده‌اند و تغییر داده‌اند کتابت را و

بَدَّلُوا أَحْكَامَكَ، وَ جَحَدُوا حَقَّكَ، وَ جَلَسُوا مَجَالِسَ أَوْلِيَّائِكَ جُرْأَةً

تبدیل نموده‌اند حکم‌هایت را و انکار کرده‌اند حقت را و نشسته‌اند در مجلس دوستان تو از روی جرأت نمودن

مِنْهُمْ عَلَيْكَ، وَ ظُلَمًا مِنْهُمْ لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِمُ سَلَامُكَ وَ

از ایشان بر تو و ستم کردن از ایشان اهل بیت پیغمبرت را که بر ایشان باد درود و

صَلَوَاتُكَ وَ رَحْمَتُكَ وَ بَرَكَاتُكَ. فَضَلُّوا وَ أَضَلُّوا خَلْقَكَ،

نشفت‌هایت، و رحمت و تحیات تو، پس گمراه شدند و گمراه نمودند ایشان خلائق تو را و

وَ هَتَكُوا حِجَابَ سِتْرِكَ عَنْ عِبَادِكَ، وَ اتَّخَذُوا اَللّٰهُمَّ مَالَكَ دُولًا،

دریدند پرده پوشش تو را از بندگانت و اخذ نمودند، خداوند! مال تو را نوبه دولت خود و

وَ عِبَادَكَ خَوَلًا، وَ تَرَكُوا اَللّٰهُمَّ عَالِمَ أَرْضِكَ فِي بَحْمَاءٍ عَمِيَاءٍ

بندگان خود، و باز گذاشتند خداوند! دانی روی زمینت را در گمنامی و ناپیدانی

قنوت‌های حضرت امام جواد علیه السلام

ظَلَمَاءَ مُذَلِّمَةٍ، فَأَغْنِنَهُمْ مَفْتُوحَةً، وَ قُلُوبُهُمْ عَمِيَّةً، وَ لَمْ تَبْقَ لَهُمْ

و تاریکی بسیار تاریک، پس چشم‌هایشان گشوده و دل‌هایشان کور و نابیناست و باقی نعمت‌ها از برای ایشان.

اللَّهُمَّ عَلَيْكَ مِنْ حُجَّةٍ، لَقَدْ حَذَرْتُ اللَّهُمَّ عَذَابَكَ، وَ بَيَّنْتَ نَكَالَكَ، وَ

خداوند! بر تو از حجتی و عذری هر آینه ترسناک‌های خداوند از عذاب خود، و بیان کرده‌ای عقوبت خود را و

وَعَدْتَ الْمُطِيعِينَ إِحْسَانَكَ، وَ قَدَّمْتَ إِلَيْهِمْ بِالنُّذْرِ، فَأَمَنْتَ

و عده نموده‌ای اطاعت کنندگان را به نیکنی خود و فرستاده‌ای به سوی ایشان ترسانندگان را، پس ایمان آوردند

طَائِفَةً، فَأَيِّدِ اللَّهُمَّ الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّ أَوْلِيَاكَ،

طایفه‌ای، پس قوی و غالب گردان بارالها! آن جماعتی را که مؤمنند بر دشمنی و بر دشمن دوستانت

فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ، وَ إِلَى الْحَقِّ دَاعِينَ، وَ لِلْإِمَامِ الْقَائِمِ بِالْقِسْطِ

پس بگردند آن جماعت ظاهر شدگان، و به سوی حق دعوت کنندگان و از برای امام انتظار کشیده شده به پای دل‌نیده عدل را

تَابِعِينَ، وَ جَدِّدِ اللَّهُمَّ عَلَى أَعْدَائِكَ وَ أَعْدَائِهِمْ نَارَكَ، وَ عَذَابَكَ

و باشند پیروی کنندگان، و تازه گردان خداوند! بر دشمنان و بر دشمنان ایشان آتش و عذاب خود را

الَّذِي لَا تَدْفَعُهُ عَنِ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ

که دفع نمی‌کنی آن را از قوم ستمکاران. بار خدایا! رحمت فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَ قَوِّ ضَعْفَ الْمُخْلِصِينَ لَكَ بِالْمَحَبَّةِ، وَ الْمُشَايِعِينَ لَنَا

محمد و قوی گردان ناتوانی اخلاص پیشگامان را به دوستی، و شیعیان ما را به دوستداری که پیروی کنندگانند ما را

بِالْمُؤَالَاتِ، الْمُتَتَبِعِينَ لَنَا بِالتَّضَدِّيقِ وَ الْعَمَلِ، أَلْمُؤَاذِرِينَ لَنَا

به اعانتاد و عمل و معاونت کنندگانند ما را به مواسات نمودن در ما و

بِالْمُؤَاوِسَةِ فِينَا، أَلْمُخْجِبِينَ ذِكْرَنَا عِنْدَ اجْتِمَاعِهِمْ، وَ شُدَّ اللَّهُمَّ

زنده کنندگانند ذکر ما را هنگام اجتماع ایشان، و سخت گردان خداوند! قوتشان را و محکم گردان خداوند!

رُكْنَهُمْ، وَ سَدِّدْ لَهُمُ اللَّهُمَّ بَيْنَهُمُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُمْ، وَ أَتِمِّمْ

دین ایشان را که پسندیده‌ای آن را برای ایشان، و تمام نمای بر ایشان نعمت خود را و رها کن ایشان را

عَلَيْهِمْ نِعْمَتَكَ، وَ خَلِّصْهُمْ وَ اسْتَخْلِصْهُمْ، وَ سُدِّ اللَّهُمَّ فَقْرَهُمْ، وَ

و برگزیده نمای ایشان را و برطرف نمای خداوند! احتیاج ایشان را، و جمع نمای بار خدایا بر اکنده فقر ایشان را و

الْمُمْ اللَّهُمَّ شَعَثَ فَاقْتِهِمْ، وَ اغْفِرِ اللَّهُمَّ ذُنُوبَهُمْ وَ خَطَايَاهُمْ، وَ لَا

بیامرز خداوند! جرم‌ها و گناهانشان را و منحرف مفرمای دل‌هایشان را بعد از آن که راه نموده‌ای ایشان را

تُزِغْ قُلُوبَهُمْ بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ، وَ لَا تُخْلِهِمْ أَيْ رَبِّ بِمَغْصَبَتِهِمْ،

به دین حق و وامگذار ایشان را ای پروردگار من با گناهان ایشان، و نگاهدار برایشان آنچه را

وَ احْفَظْ لَهُمْ مَا مَنَحْتَهُمْ مِنَ الطَّهَارَةِ بِوَلَايَةِ أَوْلِيَاكَ، وَ الْبِرَاءَةِ

که بخشیده‌ای توبه ایشان از پاک‌ی به سبب دوست داشتن دوستانت را و بی‌یزل بودن.

قنوت‌های امام علی النقی علیه السلام

مِنْ أَعْدَائِكَ، إِنَّكَ سَمِيعٌ مُّجِيبٌ.

از دشمنان تو بدرستی که تو شنوا و برآورنده دعائی.

قنوت‌های امام علی النقی علیه السلام

قنوت اول حضرت امام علی النقی علیه السلام

اَللّٰهُمَّ مَنَاهِلُ كَرَامَاتِكَ بِجَزِيلِ عَطِيَّاتِكَ مُتَرَعَّةٌ، وَ اَبْوَابُ

خداوندا مواضع بخشش‌هایت به عطیه‌های بزرگت مملو است و درهای مناجاتت برای کسی که قصد نموده ترا

مُنَاجَاتِكَ لِمَنْ اَمَكَ مُشْرَعَةٌ، وَ عَطُوفٌ لِّحَظَاتِكَ لِمَنْ ضَرَعَ اِلَيْكَ

گشوده است و شفقت نگاه‌های توجّه تو برای کسی که تضرّع نموده باشد به سویت غیر

غَيْرُ مُنْقَطِعَةٍ، وَ قَدْ اُلْجِمَ الْحِذَارُ وَ اَشْتَدَّ الْاضْطِرَّارُ، وَ عَجَزَ عَنِ

منقطع است و سبکت شده است پارسایی و بسیار شدید گشته بیچارگی و عاجز گشته‌اند از

الاضْطِبارِ اَهْلُ الْاِنْتِصَارِ، وَ اَنْتَ اَللّٰهُمَّ بِالْمَرْصَدِ مِنَ الْمَكَّارِ.

مُسر نمودن اهل انتقام و تویی خداوندا به کمین‌گاه از هر مکر کنندهای.

اَللّٰهُمَّ وَ غَيْرُ مُهْمِلٍ مَعَ الْاَمْهَالِ، وَ اللَّائِذُ بِكَ اَمِنٌ، وَ الرَّاْغِبُ اِلَيْكَ

خداوندا و غیر ترک کنندهای با وجود مهلت دادن، و پناه آوردنده به تو ایمن است و خواهش دارنده به سویت

غَانِمٌ، وَ الْقَاصِدُ اِلَيْكَ سَالِمٌ. اَللّٰهُمَّ فَعَاجِلْ مَنْ قَدْ اسْتَقْنٰ فِی

نفع برنده است و قصد نمایندۀ خداوندا در رحمت تو را به سلامت است. خداوندا پس تعجیل نمای آنرا که

طُغْيَانِهٖ، وَ اسْتَمَرَّ عَلَى جَهَالَتِهٖ لِعُقْبَاهُ فِی کُفْرَانِهٖ، وَ اَطْمَعَهُ

صاحب ستم بسیار شده است در سرکشی نمودن خود، و مستمر گشته بر نادانی او عاقبتش را در کفر ورزیدن و به طمع

حِلْمِكَ عَنْهُ فِی نَیْلِ اِرَآئَتِهٖ، فَهُوَ یَتَسَرَّعُ اِلٰی اَوْلِیَآئِكَ بِمَكَارِهٖ، وَ

تبداخته است حلمت او را در رسیدن به اراده‌اش، پس تسرع می نماید در رسانیدن به سوی دوستانت

یُوَاصِلُهُمْ بِقَبَائِحِ مَرَاصِدِهٖ، وَ یَقْصُدُهُمْ فِی مَظَانِنِهِمْ بِاَذِیَّتِهٖ.

بدمی‌های خود را، و می‌رساند به ایشان قبیح‌های لز عقوبت‌های مهیا کرده‌اش را و اراده می نماید ایشان را در جای‌های ایشان

اَللّٰهُمَّ اكْشِفِ الْعَذَابَ عَنِ الْمُؤْمِنِیْنَ، وَ ابْعَثْهُ جَهْرَةً عَلَى

به آزار رسانیدن خود. یار خدا با برطرف نمای عذاب را از مؤمنان و بفرست آن را آشکارا بر

الظَّالِمِیْنَ. اَللّٰهُمَّ اكْفُفِ الْعَذَابَ عَنِ الْمُسْتَجِیْرِیْنَ، وَ اصْبُبْهُ عَلَى

ستمکاران خداوندا دور گردان عذاب را از پناه‌برندگان و فرود آور آن را

قنوت‌های امام علی النقی علیه السلام

الْمُفْتَرِينَ. اَللّٰهُمَّ بَايِرْ عَصْبَةَ الْحَقِّ بِالْعَوْنِ، وَ بَايِرْ اَعْوَانَ الظُّلْمِ

بر دروغگویان. خداوند! پیشتی گمیر طایفه حق را به یاری نمودن و پیشتی گمیر مددکاران ستمکار را

بِالْقَضَمِ. اَللّٰهُمَّ اَسْعِدْنَا بِالشُّكْرِ، وَ اَمْنَحْنَا النَّصْرَ، وَ اَعِزَّنَا مِنْ

به شکستن پشت آن‌ها. خداوند! فیروزیمان ده به شکر کردن، و ببخش به ما یاری نمودن را و پناهمان ده از

سُوْءِ الْبَدْءِ وَ الْعَاقِبَةِ وَ الْخُتْرِ.

بدی آغاز وجود و از بدی عاقبت و از حيله و مکر.

قنوت دوم حضرت امام علی النقی علیه السلام

يَا مَنْ تَفَرَّدَ بِالرُّبُوبِيَّةِ، وَ تَوَحَّدَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ، يَا مَنْ اَضَاءَ بِاسْمِهِ

ای آن که یگانه است به پروردگاری، و یگانه است در یگانگی، ای آن که روشن شده است به نام او

النَّهَارُ، وَ اَشْرَقَتْ بِهِ الْاَنْوَارُ، وَ اَظْلَمَ بِاَمْرِهِ حِنْدِسُ اللَّيْلِ، وَ هَطَلَ

روز و نورانی است به او نورها و تاریک گشته به امرش تاریکی شب، و باریده است به سبب بارانش

بِغَيْثِهِ وَابِلُ السَّيْلِ، يَا مَنْ دَعَاهُ الْمُضْطَرُّونَ فَاُجَابَهُمْ، وَ لَجَأُ

باران تند جاری، ای آن که خوانده اند او را بیچارگان، پس اجابت نمود ایشان را، و پناه برده اند به سویش

إِلَيْهِ الْخَائِفُونَ فَاَمَنَهُمْ، وَ عَبْدُهُ الطَّائِعُونَ فَشَكَرَهُمْ، وَ حَمِدَهُ

ترسندگان پس ایمن گردانید ایشان را، و بندگی نموده اند او را اطاعت کنندگان پس جزا داده است ایشان را و سپاس

الشَّاكِرُونَ فَاَثَابَهُمْ، مَا اَجَلَ شَأْنِكَ وَ اَعْلَا سُلْطَانِكَ، وَ اَنْفَذَ

نموده اند او را شکر کنندگان، پس ثواب داده است ایشان را. چه بزرگی است امرت و چه بلند است پادشاهیت

اَحْكَامَكَ، اَلْخَالِقُ بِغَيْرِ تَكْفُفٍ، وَ الْقَاضِي بِغَيْرِ تَحْيُفٍ، حُجَّتُكَ

و چه جاری است حکم‌هایت، تونی آفریننده بدون مشقت و حکم کننده بدون جور و ستم، دلیل تو

الْبَالِغَةُ، وَ كَلِمَتُكَ الدَّامِغَةُ. بِكَ اِعْتَصَمْتُ وَ تَعَوَّذْتُ مِنْ نَفَثَاتِ

رسیده است به همه مردمان و برهانت قاطع کوبنده است، به تو چنگ در زده ام و پناه برده ام از سحرهای

الْعِنْدَةِ، وَ رَصَدَاتِ الْمُلْحِدَةِ، اَلَّذِينَ اَلْحَدُّوا فِي اَسْمَائِكَ، وَ رَصَدُوا

دشمنان، و از عقوبت‌هایی که مترصد آن‌ها شده اند ظالمان، آن چنانی که میل نموده اند در صفات تو و مترصد گشته اند

بِالْمَكَارِهِ لِأَوْلِيَاءِكَ، وَ اَعَانُوا عَلَى قَتْلِ أَنْبِيَائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ،

در ستایدن انواع بدی‌ها را به دوستانت و اعانت نموده اند بر کشتن پیغمبران و برگزیدگان،

وَ قَصَدُوا لِإِطْفَاءِ نُورِكَ بِإِذَاعِ سِرِّكَ، وَ كَذَّبُوا رُسُلَكَ وَ صَدُّوا

و اراده نموده اند خاموش کردن نورت را به سبب فاش نمودن امر پنهانت را و تکذیب نمودن پیغمبرانت را و اعتراض نمودن از

عَنْ آيَاتِكَ، وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِكَ وَ دُونِ رَسُولِكَ وَ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ

علامت‌هایت و فراگرفتند از غیر تو و از غیر پیغمبرانت و از غیر مؤمنان دوستی را

قنوت‌های امام علی النقی (ع)

وَلِيَجْهَ رَغْبَةً عَنْكَ. وَ عَبَدُوا طَوَاغِيَتَهُمْ وَ جَوَابِيَتَهُمْ بَدَلًا مِنْكَ،

از جهت نخواستن و پرستیدن بتانشان را و شیطان‌هایشان را عوض از تو، پس منت گذارده‌ای بر دوستان

فَمَنْنْتَ عَلَى أَوْلِيَاءِكَ بِعَظِيمِ نِعْمَائِكَ، وَ جُدْتَ عَلَيْهِمْ بِكَرِيمِ

بسه بخشش‌های بزرگ خود و بخشیدهای بزرگ ایشان عزیزترین نعمت‌هایت را

الْإِيَّكَ، وَ أَتَمَمْتَ لَهُمْ مَا أَوْلَيْتَهُمْ بِحُسْنِ جَزَائِكَ حِفْظًا لَهُمْ مِنْ

و تمام نمودهای برایشان آنچه را که عطا نمودهای ایشان را به نیکوی از جزای خود از جهت نگاهداشتن

مُعَانَدَةِ الرُّسُلِ، وَ ضَلَالِ السُّبُلِ، فَصَدَّقْتَ لَهُمْ بِالْعُهُودِ أَلْسِنَةً

دوستان را از دشمنی با پیغمبران و از گمراهی در راه‌ها، پس تصدیق نمودند ایشان را به پیمان‌ها و عهدهای سابق زبان‌های

الْإِجَابَةِ، وَ خَشَعَتْ لَكَ بِالْعُقُودِ قُلُوبُ الْأَنْبِيَاءِ. أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ

اجابت کردن، و پستی و انقیاد نمودند برایت به اعتقاد درست دل‌های بازگشته به سویت، سؤال می‌کنم خداوند

بِاسْمِكَ الَّذِي خَشَعَتْ لَهُ السَّمَوَاتُ وَ الْأَرْضُ، وَ أَحْيَيْتَ بِهِ مَوَاتِ

به نامت که ذلت و خواری نموده‌اند برایش آسمان‌ها و زمین، و زنده نمودهای به سبب اسم مرده‌های

الْأَشْيَاءِ، وَ أَمَتَّ بِهِ جَمِيعَ الْأَحْيَاءِ، وَ جَمَعْتَ بِهِ كُلَّ مُتَفَرِّقٍ، وَ فَرَّقْتَ

چیزها را و میرانده‌ای به سبب همه زنده‌ها را و جمع نمودهای به سبب هر پراکنده‌ای را و پراکنده

بِهِ كُلَّ مُجْتَمِعٍ، وَ أَتَمَمْتَ بِهِ الْكَلِمَاتِ، وَ أَرَيْتَ بِهِ كُفْرِي الْآيَاتِ، وَ

نمودهای به سبب هر مجتمعی را و تمام نمودهای به سبب حجت‌ها را و نمودهای به سبب علامت‌های بزرگ‌ها و

تُبَّتْ بِهِ عَلَى التَّوَابِينَ، وَ أَحْسَرْتَ بِهِ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ، فَجَعَلْتَ

قبول توبه نمودهای به سبب بر توبه کنندگان و باطل نمودهای به سبب کردار فساد کنندگان را، پس گردانیدی

عَمَلَهُمْ هَبَاءً مَنْثُورًا، وَ تَبَرَّزْتَهُمْ تَتَبِيرًا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ

کردارشان را باطل و پراکنده و هلاک نمودهای ایشان را هلاک نمودی، سؤال می‌نمایم آن که رحمت فرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَجْعَلَ شَيْعَتِي مِنَ الَّذِينَ حُمِلُوا فَصَدَّقُوا

محمد و آن که بگردانی پیروانم را از آن جماعتی که متحمل شدند گواهی را پس راست گفتند و طلب

وَ اسْتَنْطَقُوا فَنَطَقُوا، آمِينَ مَأْمُونِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ لَهُمْ

کرده شدند به سخن گفتن، پس تکلم نمودند در حالی که بودند ایمن از عقوبت و بودند صاحبان امانت. خداوند بدرستی که من سؤال می‌کنم

تَوْفِيقَ أَهْلِ الْهُدَى، وَ أَعْمَالَ أَهْلِ الْيَقِينِ، وَ مُنَاصَحَةَ أَهْلِ التَّوْبَةِ، وَ

از تو برای شیعیان توفیق اهل راهنمایی را، و کردارهای اهل یقین را، و نصیحت پذیرفتن اهل توبه را و

عَزْمَ أَهْلِ الصَّبْرِ، وَ تَقِيَّةَ أَهْلِ الْوَرَعِ، وَ كَيْثَمَانَ الصِّدِّيقِينَ حَتَّى

لراده جزم اهل صبر را، و پرهیزکاری اهل پارسائی را، و پنهان نمودن تصدیق کنندگان تا آن که

يَخَافُوكَ. اللَّهُمَّ مُخَافَةً نَخْجُزُهُمْ عَنْ مَعَاصِيكَ، وَ حَتَّى يَعْمَلُوا

بترسند از تو. خداوند ترسیدنی که باز دارد ایشان را از گناهات و تا آن که عمل نمایند

قنوت‌های امام علی النقی (ع)

بِطَاعَتِكَ لِيَنَالُوا كَرَامَتَكَ، وَ حَتَّى يُنَاصِحُوا لَكَ، وَ فِيكَ خَوْفًا

به طاعت از جهت آن که برسند به بخشش و تا آن که نصیحت نمایند از برای تو و در امرت از جهت ترس از تو

مِنْكَ، وَ حَتَّى يُخْلِصُوا لَكَ النَّصِيحَةَ فِي التَّوْبَةِ حُبًّا لَكَ، فَتُوجِبُ

و تا آن که خالص سازند از برای تو نصیحت در بازگشت به سویت و از جهت دوستیت، پس ثابت نمایی تو

مَحَبَّتِكَ الَّتِي أَوْجَبَتْهَا لِلتَّوَّابِينَ، وَ حَتَّى يَتَوَكَّلُوا عَلَيْكَ فِي

برای ایشان دوستیت را که لازم نمودهای برای توبه کنندگان، و تا آن که اعتماد نمایند بر تو در

أُمُورِهِمْ كُلِّهَا حُسْنَ ظَنِّ بِكَ، وَ حَتَّى يُفَوِّضُوا إِلَيْكَ أُمُورَهُمْ ثِقَةً

امرهای خود همه آن‌ها از جهت حسن اعتقاد به تو، و تا آن که بازگذارند به سویت امرهای خود را از جهت اعتماد نمودن

بِكَ. اللَّهُمَّ لَا تُنَالُ طَاعَتَكَ إِلَّا بِتَوْفِيقِكَ، وَ لَا تُنَالُ دَرَجَةً مِنْ

به تو. خداوند! رسیدن نمی‌شود طاعت تو مگر به توفیق دادنت و رسیدن نمی‌شود پله‌ای از

دَرَجاتِ الْخَيْرِ إِلَّا بِكَ. اللَّهُمَّ يَا مَالِكَ يَوْمَ الدِّينِ، أَلْعَالِمِ بِخَفَايَا

پله‌های خوبی مگر به استعانت تو. خداوند! ای صاحب روز جزا، ای دانای پنهانی‌های در سینه‌های عالمیان پاک‌گردان

صُدُورِ الْعَالَمِينَ، طَهِّرِ الْأَرْضَ مِنْ نَجَسِ أَهْلِ الشِّرْكِ، وَ أَخْرِسِ

زمین را از نجاست اهل شرک و لال گردان دروغ‌گویان را

الْخَرَّاصِينَ عَنْ تَقْوِيلِهِمْ عَلَى رَسُولِكَ الْإِفْكَ. اللَّهُمَّ اقْصِمِ

از سخنان ایشان که بسته‌اند بر رسول تو بهتان را. بار خدایا بشکن

الْجَبَّارِينَ، وَ أَبِرِ الْمُفْتَرِينَ، وَ أَبِدِ الْأَفَّاكِينَ، الَّذِينَ إِذَا تَقَلَّى عَلَيْهِمْ

بشت متکبران را و هلاک گردان افترا کنندگان را، و برطرف نمای بهتان زندگان را آنچنان جماعتی که هرگاه خوانده می‌شد بر ایشان

آيَاتُ الرَّحْمَنِ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ، وَ أَنْجِزْ لِي وَعْدَكَ، إِنَّكَ لَا

آیه‌های خدا، می‌گفتند که افسانه‌های پیشینیان است و برآور وعده خود را بدرستی که تو خلف نمی‌کنی

تُخْلِفُ الْمِيعَادَ. وَ عَجِّلْ فَرَجَ كُلِّ طَالِبٍ مُرْتَابٍ، إِنَّكَ لَبِالْمُرْضَادِ

وعده را و تسعیل نمای خلاصی هر طلب‌کننده مطلوبی، بدرستی که تو هر آینه در کمینگاهی

لِلْعِبَادِ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ لَبِيسٍ مَلْبُوسٍ، وَ مِنْ كُلِّ قَلْبٍ عَنْ

بندگان را. پناه می‌برم به تو از هر مشتبیه پوشیده شده‌ای و از هر دلی که از

مَعْرِفَتِكَ مَحْبُوسٍ، وَ مِنْ نَفْسٍ تَكْفُرُ إِذَا أَضَايَبَهَا بُؤْسٌ، وَ مِنْ

شناختت حبس نموده شده باشد، و از هر نفسی که کفران نماید هرگاه برسد او را بدی، و از

وَاصِفٍ عَدْلٍ عَمَلُهُ عَنِ الْعَدْلِ مَعْكُوسٌ، وَ مِنْ طَالِبٍ لِلْحَقِّ، وَ هُوَ

هر بیان‌کننده عدالتی که کردارش از عدالت و ازگون باشد و از هر طلب‌کننده‌ای حق را و حال آن که او

عَنْ صِفَاتِ الْحَقِّ مَنكُوسٌ، وَ مِنْ مُكْتَسِبٍ إِيْمٍ بِإِثْمِهِ مَرْكُوسٌ، وَ

از صفات‌های حق معکوس باشد، و از هر کسب‌کننده گناهی که به سبب گناه خود مردود باشد و

قنوت‌های امام حسن عسکری علیه السلام

مِنْ وَجْهِهِ عِنْدَ تَتَابُعِ النِّعَمِ عَلَيْهِ عَبْدُكَ. أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ،

از هر رونی که در نزد پیایی وارد شدن نعمت‌ها بر او گرفته روی باشد، پناه می‌برم به تو از این‌ها همه آن و

وَمِنْ نَظِيرِهِ وَاشْكَالِهِ وَاشْبَاهِهِ وَأَمْثَالِهِ، إِنَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ.

از هم شکل‌های آن و از شبیه‌های آن و از مثل‌های آن، بدرستی که تو بسیار داناتی به حکمت.

قنوت‌های امام حسن عسکری علیه السلام

قنوت اول حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

يَا مَنْ غَشَى نُورُهُ الظُّلُمَاتِ، يَا مَنْ أَضَاءَتْ بِقُدْسِهِ الْفِجَاجُ

ای کسی که پوشانیده است روشنی او تاریکی‌ها را، ای شخصی که روشن شده است به پاکیزگی او

الْمُتَوَعِّرَاتُ، يَا مَنْ خَشَعَ لَهُ أَهْلُ الْأَرْضِ وَالسَّمَوَاتِ، يَا مَنْ بَخَعَ

راه‌های ناهموار، ای آن که فروتنی نموده است برایش اهل زمین و آسمان‌ها، ای آن که ذلیل

لَهُ بِالطَّاعَةِ كُلِّ مُتَجَبِّرٍ غَاتٍ، يَا عَالِمَ الضَّمَائِرِ الْمُسْتَخْفِيَاتِ،

و خوار گشته است برایش به اطاعت نمودن هر متکبر سرکشی، ای دانای اسرار پنهان،

وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا، فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا

فراگرفته‌ای هر چیزی را از حیثیت رحمت و دانش، پس بپارموز آن کسانی را که بازگشت نموده‌اند

سَبِيلَكَ، وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ، وَعَاجِلْهُمْ بِنُصْرِكَ الَّذِي وَعَدْتَهُمْ،

و پیروی کردند راهت را و نگاهدار ایشان را از عذاب جهنم و تعجیل نهای آنها را به یاری نمودن خود که وعده داده‌ای

إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ، وَعَجِّلِ اللَّهُمَّ اجْتِيَاخَ أَهْلِ الْكَيْدِ، وَآوِهِمْ

ایشان را بدرستی که تو خلف نمی‌کنی وعده را، و تعجیل نهای خداوندان از بیخ برکنیدن اهل مکر را، و جای ده ایشان را

إِلَى شَرِّ دَارٍ فِي أَعْظَمِ نَكَالٍ، وَأَقْبَحِ مَثَابٍ. اللَّهُمَّ إِنَّكَ حَاضِرٌ

به سوی بدتر سرانسی در بزرگ‌تر رسوائی، و قبیح‌تر بازگشتی، خداوند بدرستی که تو مطلقاً بر

أَسْرَارِ خَلْقِكَ، وَعَالِمٌ بِضَمَائِرِهِمْ وَمُسْتَعْنٍ، لَوْ لَا الذَّنْبُ بِاللَّجَأِ

سرایر مخلوقات و داناتی به امور پنهان در خاطرهای ایشان و بی‌نیازیت هرچند نمی‌بود خواندن تو به پناه آوردن

إِلَى تَنْجُزِ مَا وَعَدْتَهُ الْآجِينَ عَنْ كَشْفِ مَكَامِينِهِمْ، وَقَدْ تَعْلَمُ يَا

به سوی بجا آوردن آنچه آنرا وعده نموده‌ای به پناه آورندگان از ظاهر نمودن مطلب‌های پنهانشان را و می‌دانی ای

رَبِّ مَا أَسْرُهُ وَأَبْدِيهِ وَأَنْشُرُهُ وَأَطْوِيهِ وَأُظْهِرُهُ، وَأُخْفِيهِ عَلَى

بروردگار من آنچه را که پنهان و ظاهر می‌کنم و آنچه را که پراکنده می‌نمایم و آنچه را که کتمان کرده‌ام

قنوت‌های امام حسن عسکری علیه السلام

مُتَصَرِّفَاتِ أَوْقَاتِي، وَأَصْنَافِ حَرَكَاتِي مِنْ جَمِيعِ حَاجَاتِي، وَقَدْ

و آنچه را که آشکار می‌نمایم و آنچه را که پوشیده می‌دارم بر نهج گردش‌های وقت‌هایم و انواع حرکات‌هایم از همه مطلب‌هایم، و

تَرَى يَا رَبِّ مَا قَدْ تَرَاظَمَ فِيهِ أَهْلٌ وَلَايَتِكَ، وَاسْتَقَمَّرَ عَلَيْهِمْ مِنْ

می‌بینی ای پروردگار من آنچه را که فرو رفته است در آن اهل دوستداران تو و استعمار یافته است بر ایشان از

أَعْدَائِكَ، غَيْرَ ظَنِينٍ فِي كَرَمٍ، وَلَا ضَنِينٍ بِنِعَمٍ، وَلَكِنَّ الْجُهْدَ يَبْعَثُ

جانب دشمنانت، در حالی که متهم نیستی در بخشش نمودن و نه خسیسی به نعمت‌ها، ولیکن شدت مشقت بر می‌آید بر طلب زیادتى از

عَلَى الْاِسْتِزَادَةِ، وَ مَا أَمَرْتُ بِهِ مِنَ الدُّعَاءِ إِذَا أَخْلَصَ لَكَ اللِّجَاءُ

تو و آنچه امر نموده‌ای به آن از دعا نمودن هرگاه خالص نماید از برای پناه آوردن را

يَقْتَضِي إِحْسَانُكَ شَرْطَ الزِّيَادَةِ، وَ هَذِهِ النَّوَاصِي وَ الْأَغْنَاقُ

اقتضا می‌کند نیکوئی نمودن حکم در زیادتى کرم را و اینک پیش سرها و گردن‌ها تضرع

خَاضِعَةٌ لَكَ بِذُلِّ الْعُبُودِيَّةِ، وَ الْاِعْتِرَافِ بِمُلْكَةِ الرُّبُوبِيَّةِ، دَاعِيَةٌ

کننده‌اند از برای پناه به خواری بندگی، و اقرار داشتن به مالک بودن از جهت پروردگاری، خواننده‌اند ترا

بِقُلُوبِهَا، وَ مُحْصَنَاتٌ إِلَيْكَ فِي تَعْجِيلِ الْاِنَالَةِ، وَ مَا شِئْتَ كَانَ

به دل‌هایشان و محفوظند در روی آوردن به سویت در تعجیل رسیدن بخشش و آنچه خواسته‌ای شده است

وَ مَا تَشَاءُ كَائِنْ، أَنْتَ الْمَدْعُوُّ الْمَرْجُوُّ الْمَأْمُولُ الْمَسْئُولُ، لَا

و آنچه می‌خواهی می‌شود، و تویی خواننده شده امید داشته شده آرزو نموده سوال کرده شده‌ای که کم نمی‌کند

يَنْقُصُكَ نَائِلٌ، وَ إِنْ اتَّسَعَ، وَ لَا يُلْحِفُكَ سَائِلٌ وَ إِنْ أَلَحَّ وَ ضَرَعَ،

خزانه‌ات را بخشش، و هرچند فراخ و بسیار باشد و دلگیرت نمی‌کند سوال کننده‌ای و هرچند الحاح نماید

مُلْكُكَ لَا يُلْحَقُهُ التَّنْفِيدُ، وَ عِزُّكَ الْبَاقِي عَلَى التَّأْيِيدِ، وَ مَا فِي

و زاری کند، پادشاهیت نمی‌رسد او را بر طرف شدن و عزت باقی است همیشه و آنچه به هم رسیده است در

الْأَعْصَارِ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِمِقْدَارٍ، وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الرَّؤُوفُ

زمانه‌ها از اراده تو به اندازه است، و تویی خدا، نیست خدائی مگر تو که مهربان

الْجَبَّارُ. اَللّهُمَّ اَيِّدْنَا بِعَوْنِكَ، وَ اَكْنُفْنَا بِصَوْنِكَ، وَ اِنْلُنَا مَخَالَ

و صاحب جبروتی. خداوند اوتمان ده به یاری خود و محافظتمان نمای به نگاهداشت خود و برسان ما را به محل

الْمُعْتَصِمِينَ بِحَبْلِكَ، اَلْمُسْتَظْلِلِينَ بِظِلِّكَ.

رسیدن جنگ در زندگان به قوت و پناه آوردن به سایه‌ات.

قنوت دوم حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام مردم قم را امر به این نمودند که در قنوت نمازهای خود این دعا را بخوانند، آن‌گاه که از موسی بن بغی، نزد آن حضرت شکوه نمودند، تا

قنوت‌های امام حسن عسکری (ع)

خداوند متعال از ایشان رفع گرفتاری فرمایند.

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ شُكْرًا لِّنِعْمَائِهِ، وَاسْتِذْعَاءً لِمَزِيدِهِ، وَاسْتِخْلَاصًا لَهُ وَ

تمام سپاسم برای خدای از جهت شکر کردن نعمتهایش، و از جهت خواستن زیادتى نعمتها را و

بِهِ دُونَ غَيْرِهِ، وَ عِيَاذًا بِهِ مِنْ كُفْرَانِهِ، وَ الْاَلْحَادِ فِي عَظَمَتِهِ وَ

از جهت خالص بودن از برای خدا و به استعانت او نه غیر او، و از جهت پناه بردن به او از کفر و ورژیدنش، و از شریک قرار دادن در بزرگى اش و

كِبْرِيَايَةِ، حَفَدَ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّ مَا بِهِ مِنْ نِعْمَاءَ فَمِنْ عِنْدِ رَبِّهِ، وَ مَا

در جبروتش، سپاس کسی که می‌داند که آنچه به اوست از نعمتها پس از جانب پروردگار اوست و آنچه رسیده است

مَسَّهُ مِنْ عُقُوبَةٍ فَبِسُوءِ جَنَایَةِ يَدِهِ، وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

بسه او از عذاب، بسه سبب بدی کردار دست اوست، و رحمت فرستد خدای بر محمد

عَبْدِهِ وَ رَسُولِهِ، وَ خَيْرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ، وَ ذَرِيعَةِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى

کس به بنده و فرستاده و برگزیده اوست از خلقش، و وسیله مؤمنان است به سوی

رَحْمَتِهِ، وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ لَآءِ أَمْرِهِ. اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ نَدَبْتَ اِلَى فَضْلِكَ،

رحمت خدای، و بر خاندانش که پاکان و متوالی امر اویند. خداوند! بدستی که تو خوانده‌ای به سوی احسانت

وَ اَمَرْتَ بِدُعَائِكَ، وَ ضَمِنْتَ الْاِجَابَةَ لِعِبَادِكَ، وَ لَمْ تُخَيِّبْ مَنْ فَرَعَ

و امر نموده‌ای به خواندنت مردمان را، و ضامن شده‌ای بر آوردن دعا را از برای بندگانت و ناامید نمی‌گردانی آنرا که جزع

اِلَيْكَ بِرَغْبَتِهِ، وَ قَصَدَ اِلَيْكَ بِحَاجَتِهِ، وَ لَمْ تَرْجَعْ يَدَ طَالِبَةٍ صِفْرًا

نموده به سوییت به خواهش خود، و قصد نموده و روی آورده به سوییت به مطلوب خود و بر نمی‌گردد دست طلب کننده‌ای خالی

مِنْ عَطَائِكَ، وَ لَا خَائِبَةٌ مِنْ نَحْلِ هِبَاتِكَ، وَ اَيُّ رَاحِلٍ رَحَلَ اِلَيْكَ

از بخشش‌هایت و نه ناامید از بزرگ عطیه‌هایت، و کدام مسافری است که متوجه گردیده باشد به سوییت

فَلَمْ يَجِدْكَ قَرِيبًا، اَوْ وَاْفِدٍ وَفَدَ عَلَيْكَ فَاقْتَطَعَتْهُ عَوَاقِقُ الرَّدِّ

پس نیافته باشد تو را نزدیک، یا کدام فرود آورنده‌ای است که فرود آمده باشد بر تو پس منع نموده باشد او را مانعهای رد کننده

دُونَكَ، بَلْ اَيُّ مُخْتَفِرٍ مِنْ فَضْلِكَ لَمْ يُمْهِهِ فَيُضْ جُودِكَ، وَ اَيُّ

از نزدت بلکه کدام جوینده و تفتیش کننده از احسانت است که سیراب نگردیده باشد او را سیلاب بخششت و کجاست

مُسْتَنْبِطٍ لِمَزِيدِكَ اَكْذَى دُونَ اسْتِمَاحَةِ سِجَالِ عَطِيَّتِكَ. اَللّٰهُمَّ

بیرون آورنده‌ای عطیه‌ات را که به سنگ رسیده مایوس شده باشد نزد طلب نمودن پر شدن دلوهای بخششت. خداوند!

وَ قَدْ قَصَدْتُ اِلَيْكَ بِرَغْبَتِي، وَ قَرَعْتُ بَابَ فَضْلِكَ يَدُ مَسْئَلَتِي، وَ

قصد نمودم به سوییت به خواهش خود و کوبیده است در احسانت را دست سؤال کردن من و

نَاجَاكَ بِخُشُوعِ الْاِسْتِكَاَنَةِ قَلْبِي، وَ وَجَدْتُكَ خَيْرَ شَفِيعٍ لِي

راز گفتمات را به فروتنی زاری نمودن دلم و یالتهام تو را بهتر شفاعت کننده از برای من

قنوت‌های امام حسن عسکری علیه السلام

إِلَيْكَ، وَ قَدْ عَلِمْتَ مَا يَخْذُثُ مِنْ طَلِبَتِي قَبْلَ أَنْ يَخْطُرَ بِفِكْرِي أَوْ

به سویت و می‌دانی آنچه را که به هم می‌رسد از حاجتم پیش از آن که درآید به فکرم یا

يَقَعُ فِي خَلْدِي. فَصَلِّ اللَّهُمَّ دُعَائِي إِيَّاكَ بِإِجَابَتِي، وَ اشْفَعْ

آن که واقع شود در دلم پس متصل گردان خداوند را خواستدندم را به برآورده کردن آن

مَسْأَلَتِي بِنُجْحِ طَلِبَتِي. اللَّهُمَّ وَ قَدْ شَمَلْنَا زَيْغَ الْفِتَنِ، وَ اسْتَوْلَتْ

و جفت گردان سؤال را با برآوردن حاجتم خداوند را فرا گرفته ما را میل نمودن به

عَلَيْنَا غَشْوَةُ الْحَيْرَةِ، وَ قَارَعَنَا الذُّلُّ وَ الصِّغَارُ، وَ حَكَمَ عَلَيْنَا غَيْرُ

باطل‌ها و فسادها و مستولی شده بر ما پرده حیرانی، و کوبیده است ما را خواری و ذلت و حکم کرده‌اند بر ما غیر

الْمَأْمُونِينَ فِي دِينِكَ، وَ ابْتَزَّ أُمُورَنَا مَغَايِرُ الْأَبْنِ مِمَّنْ عَطَّلَ

اعتماد کرده شدگان در دینت و ربودند حق‌های ما را متعذرن‌های عیب رسوا از کسی که معطل کرده‌است

حُكْمَكَ، وَ سَعَى فِي إِتْلَافِ عِبَادِكَ، وَ إِفْسَادِ بِلَادِكَ. اللَّهُمَّ وَ قَدْ عَادَ

حکمت را و سعی نموده در تلف کردن بندگانت و فساد کردن در شهرهایت. خداوند برگشته

فَيُنْزِلُ دَوْلَةً بَعْدَ الْقِسْمَةِ، وَ إِمَارَتُنَا غَلَبَةً بَعْدَ الْمَشُورَةِ، وَ عُذْنَا

اموال دولت دشمنان بعد از قسمت شدن در مابین، و گردیده است پادشاهی ما به جبر برده شده بعد از مشورت نمودن و گردیدیم

مِيرَاثًا بَعْدَ الْأَخْتِيَارِ لِلْأَمَّةِ، فَاشْتَرَيْتِ الْمَلَاهِي وَ الْمَغَارِفُ بِسَهْمِ

میراث بعد از اختیار نمودن خدای تعالی ما را از برای پیشوای امت، پس خریده شده لهوها و لعب‌ها به سهم

الْيَتِيمِ وَ الْأَرْمَلَةِ، وَ حَكَمَ فِي أَبْشَارِ الْمُؤْمِنِينَ أَهْلُ الذِّمَّةِ، وَ وَلِيَ

یتیم و زن بیوه و حکم نموده‌اند آن را در بدن‌های مؤمنان، اهل ذمه و مستولی گشته است

الْقِيَامَ بِأُمُورِهِمْ فَاسِقُ كُلِّ قَبِيلَةٍ، فَلَا ذَائِدَ يَذُودُهُمْ عَنْ هَلَكَةٍ، وَ لَا

بجای داشتن امرهای ایشان را فاسق هر طایفه‌ای، پس نیست منع کنندهای که منع کند و نگاهدارد ایشان را از هلاکت و نه

رَاعَ يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ بِعَيْنِ الرَّحْمَةِ، وَ لَا ذُو شَفَقَةٍ يُشْبِعُ الْكِبِدَ الْحَرَى

رعایت کننده‌ای که نگاه کند به سویشان به چشم رحمت، و نه صاحب کرمی که سیر گرداند جگر گرمی را

مِنْ مَسْغَبَةٍ، فَهُمْ أَوْلُوا ضَرَعَ بَذَارٍ مَضْبِعَةٍ، وَ أَسْرَاءُ مَسْكَنَةٍ وَ

از گرسنگی، پس مؤمنان صاحب سؤال و زاری‌اند در خانه هلاکت و اسیران فقر و بی چیزی‌اند و

حُلَفَاءُ كَاِبَةٍ وَ ذِلَّةٍ. اللَّهُمَّ وَ قَدْ اسْتَخَصَدَ زَرْعُ الْبَاطِلِ، وَ بَلَغَ

هم‌قسمان دلگیری و خواری‌اند، خداوند نزدیک شده وقت درو کردن زراعت باطل و رسیده است

نِهَايَتُهُ، وَ اسْتَحْكَمَ عَمُودُهُ، وَ اسْتَجْمَعَ طَرِيدُهُ، وَ خَذَرَفَ وَ لِيدُهُ، وَ

به نهایتش، و مستحکم گشته ستونش و جمع شده مستغرق آن و برآه افتاده به چاهش و

بَسَقَ فُصُولُهُ، وَ ضُرِبَ بِجُرَانِهِ. اللَّهُمَّ فَأَتِحَ لَهُ مِنَ الْحَقِّ يَدًا

سلند شده نهالش و بزمین کشیده است باطل گردن درازی را. خداوند پس برانگیز برای او از جانب حق دست

قنوت‌های امام حسن عسکری علیه السلام

خَاصِدَةً تَصْرَعُ قَائِمَةً، وَ تَهْشِمُ سَوْقَهُ، وَ تَجُبُّ سَنَامَهُ، وَ تَجْدَعُ

درو کندندهای را که پیچید ایستاده‌اش را و بشکنند شاخه‌اش را و برطرف نماید رفته‌اش را و قطع کن بینی‌اش را

مَرَاغِمَهُ، لِيَسْتَخْفِيَ الْبَاطِلُ بِقُبْحِ صُورَتِهِ، وَ يَظْهَرَ الْحَقُّ بِحُسْنِ

تا آن که پنهان شود باطل به سبب زشتی صورت خود و ظاهر گردد حق به نیکی

جَلِيلَتِهِ. اَللّٰهُمَّ وَ لَا تَدْعُ لِلْجَوْرِ دِعَامَةً اِلَّا قَصَفْتَهَا، وَ لَا جُنَّةً اِلَّا

گونه خود. خداوندا و باقی مگذار برای ستم ستونی را، مگر آن که شکسته باشی، و نه سپری مگر آنکه

هَتَكْتَهَا، وَ لَا كَلِمَةً مُّجْتَمِعَةً اِلَّا فَرَقْتَهَا، وَ لَا سَرِيَّةً ثَقُلَ اِلَّا خَفَّفْتَهَا،

دریده باشی آنرا، و نه هم سخنان اجتماع کنندهای را مگر آن که پراکنده نموده باشی آن‌ها را، و نه لشکر گمراهی را مگر آنکه

وَ لَا قَائِمَةً عَلُوًّا اِلَّا حَطَطْتُهَا، وَ لَا رَافِعَةً عِلْمًا اِلَّا نَكَسْتُهَا، وَ لَا

سبک نموده باشی آنرا، و نه پایه بلندی را مگر آن که پست نموده باشی آن را، و نه بلند کننده پرچمی را، مگر آن که سرنگون کرده باشی و نه

خَضِرَاءَ اِلَّا اَبْرَزْتُهَا. اَللّٰهُمَّ وَ كَوِّرْ شَفْسَهُ، وَ حُطِّ نُورَهُ، وَ اَطْمِسْ

سبزی را مگر آن که خشک نموده باشی آن را، بار خدایا و بی نور نمای آفتاب ظلم را و پست کن روشنی آنرا

ذِكْرَهُ، وَ اِزِم بِالْحَقِّ رَاسَهُ، وَ قُضِّ جِيُوشُهُ، وَ اَزْعِبْ قُلُوبَ اَهْلِهِ.

و محو نمای ذکرش را و بکوب به سبب حق سر او را و پراکنده نمای سپاهش را و بترس انداز دل‌های اهلیش را.

اَللّٰهُمَّ لَا تَدْعُ مِنْهُ بَقِيَّةً اِلَّا اَفْنَيْتَ، وَ لَا بُنْيَةً اِلَّا سَوَّيْتَ، وَ لَا حَلْقَةً اِلَّا

خداوندا و وامگذار از ظلم باقی مانده‌ای را مگر آن که برطرف نموده باشی او را، و نه بنائی را مگر آن که هموارش نموده باشی، و نه زرهی را مگر

قَصَفْتَ، وَ لَا سِلَاحًا اِلَّا فَلَلْتَ، وَ لَا كُرَاعًا اِلَّا اجْتَحَخْتَ، وَ لَا حَامِلَةً عِلْمَ

آن که شکسته‌اش باشی، و نه سلاحی را مگر آن که گندش نموده باشی، و نه اسبان را مگر آن که بی نموده باشی آن را، و نه بردارنده پرچمی را

اِلَّا نَكَسْتَ. اَللّٰهُمَّ وَ اَرِنَا اَنْصَارَهُ عِبَادِيْدَ بَعْدِ الْاَلْفَةِ، وَ شَتَّى بَعْدَ

مگر آن که سرنگونشان نموده باشی. خداوندا و بنمای به ما یاری کنندگان او را متفرق بعد از التیام و پراکنده شده بعد از

اجْتِمَاعِ الْكَلِمَةِ، وَ مُقْنِعِي الرُّؤُوسِ بَعْدَ الظُّهُورِ عَلَى الْاُمَّةِ.

مواظقت نمودن در سخن و بالای نگاهدارنده سرهای خود را بعد از ظاهر شدن بر امت.

اَللّٰهُمَّ وَ اَسْفِرْ لَنَا عَنْ نَهَارِ الْعَدْلِ، وَ اَرِنَاهُ سَرْمَدًا لَا ظُلْمَةَ فِيْهِ، وَ

خداوندا و کشف نمای از برای ما از روز عدالت و بنمای آن را به ما دائماً که نباشد تاریکی در آن و

نُورًا لَا شَوْبَ مَعَهُ، وَ اَهْطِلْ عَلَيْنَا نَاشِئَتَهُ، وَ اَنْزِلْ عَلَيْنَا بَرَكَتَهُ

روشنی که نباشد شایبهای با آن، و بباران بر ما بر بلندش را و فرود آور بر ما برکتش را و دولت بده

وَ اَذِلْ لَهُ مِمَّنْ نَاوَاهُ، وَ اَنْصُرْهُ عَلَى مَنْ عَادَاهُ. اَللّٰهُمَّ وَ اَظْهِرِ الْحَقَّ،

او را از جانب کسی که قصد نموده او را و یاریش ده بر کسی که دشمنی نموده او را، برالها و ظاهر ساز حق را

وَ اَصْبِحْ بِهٖ فِيْ غَسَقِ الظُّلُمِ وَ بُهْمِ الْحَيْرَةِ. اَللّٰهُمَّ وَ اُخِيْ بِهٖ

و داخل در صبح گردان ما را به سبب او در حین تاریکی شب‌ها، و اشتباه‌های حیراتی. خداوندا و زنده گردان به سبب

قنوت‌های امام حسن عسکری علیه السلام

الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ، وَ اجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ الْمُتَفَرِّقَةَ، وَ الْآرَاءَ الْمُخْتَلِفَةَ، وَ

حلق دل‌های مرده را، و مجتمع گردان به سبب آن گمان‌های متفرق و اعتقادهای مختلف را و

أَقِمْ بِهِ الْحُدُودَ الْمُعْطَلَةَ، وَ الْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ، وَ أَشْبِعْ بِهِ الْخِفَاصَ

بجای دار به سببش حدهای معطل را و حکم‌های بازگذاشته را و سیر گردان به سببش شکم‌های گرسنه را

السَّاعِبَةَ، وَ أَرِحْ بِهِ الْأَبْدَانِ الْمُتَعَبَةَ. اللَّهُمَّ كَمَا أَلْهَجْتَنَا بِذِكْرِهِ، وَ

راحت بده به سببش بدن‌های تعب کشیده را، خداوند! همان‌که بسخن آوردن ما را به ذکر او و

أَخْطَرْتَ بِبَالِنَا دُعَاكَ لَهُ، وَ وَقَفْتَنَا لِلدُّعَاءِ إِلَيْهِ، وَ حَيَاشَةَ أَهْلِ

انداختن ما به دل‌های ما دعا نمودن را برای او، و توقفمان دادمانی به خواندن به سوی او و تحریر نمودن اهل

الْغَفْلَةِ عَلَيْهِ، وَ أَسَكَنْتَ قُلُوبَنَا مَحَبَّتَهُ وَ الطَّمَعِ فِيهِ، وَ حُسْنِ الظَّنِّ

غفلت را بر او و ساکن نمودن دل‌هایمان دوستی او را و طمع داشتن در او را و نیکویی اعتقاد به تو را

بِكَ لِإِقَامَةِ مَرَأْسِمِهِ. اللَّهُمَّ فَآتِ لَنَا مِنْهُ عَلَى أَحْسَنِ يَقِينِنَا يَا

از جهت بجای داشتن آثار او را، بار خدایا پس عطا کن ما را از جانبش بر نیکوتر یقین ما ای

مُحَقِّقِ الظُّنُونِ الْحَسَنَةِ، وَ يَا مُصَدِّقَ الْأَمَالِ الْمُبْطِنَةِ. اللَّهُمَّ وَ

موجود و محکم سازنده گمان‌های نیکو، و ای راست گرداننده آرزوهای پنهان، خداوند! و

أَكْذِبْ بِهِ الْمُتَأَلِّينَ عَلَيْكَ فِيهِ، وَ أَخْلِفْ بِهِ ظُنُونِ الْقَانِطِينَ مِنْ

دروغگوی گردان به سبب حق قسم خورندگان بر تو را در شان او و تخلف نمایی به او گمانهای ناامیدان از

رَحْمَتِكَ وَالْآيِسِينَ مِنْهُ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا سَبَباً مِنْ أَسْبَابِهِ، وَ عَلَماً مِنْ

رحمتت را و مأیوس شدگان از او را، بار خدایا بگردان ما را سببی از سببهای حق و علامتی از

أَعْلَامِهِ، وَ مَعْقِلاً مِنْ مَعَاقِلِهِ، وَ نَظَرٌ وَجُوهَنَا بِتَجَلِّيَّتِهِ، وَ أَكْرَمَنَا

علامتهای آن و قلعه‌ای از قلعه‌های آن، و نورانی گردان صورت‌هایمان را به ظهورش و ببخشان

بِنُصْرَتِهِ، وَ اجْعَلْ فِينَا خَيْراً يُظْهِرُنَا لَهُ بِهِ، وَ لَا تُشْمِتْ بِنَا

یاری نمودنش را و بگردان خوبی را که ظاهر سازی ما را برای آن، و به سبب او، و خوشحال مگردان به سبب

حَاسِدِي النِّعَمِ، وَ الْمُتَرَبِّصِينَ بِنَا حُلُولِ النَّدَمِ، وَ نَزُولِ الْمُثَلِّ. فَقَدْ

ما حسد برندگان نعمت‌ها را و انتظار کشندگان به ما رسیدن پشیمانی و فرود آمدن عقوبت‌ها را، به تحقیق

تَرَى يَا رَبِّ بَرَاءَةً سَاحَتِنَا، وَ خُلُوْ ذَرْعِنَا مِنَ الْأَضْمَارِ لَهُمْ عَلَى

که می‌بینی ای پروردگار من خالی بودن فضایمان را و خالی بودن سینه‌مان را از در خاطر داشتن از برای

إِحْنَةٍ، وَ التَّمَنِّي لَهُمْ وَقُوعَ جَائِحَةٍ، وَ مَا تَنَازَلَ مِنْ تَخْصِيْنِهِمْ

ایشان بر کینه‌ای، و از آرزو نمودن از برای ایشان واقع شدن در شدت فتنه را، و می‌بینی آنچه را که داده می‌شود بر ایشان از متعین شدنشان

بِالْعَافِيَةِ، وَ مَا أَضْبُوْ لَنَا مِنْ انْتِهَازِ الْفُرْصَةِ، وَ طَلَبِ الْوُثُوبِ بِنَا

به عافیت و آنچه را که کتمان نموده‌اند برای ما از انتهاز فرصت و طلب ثواب بماند

قنوت‌های امام حسن عسکری علیه السلام

عِنْدَ الْغَفْلَةِ. اَللّٰهُمَّ وَ قَدْ عَرَفْتَنَا مِنْ اَنْفُسِنَا، وَ بَصَّرْتَنَا مِنْ عُيُوبِنَا

نزد غفلتمان. خداوند! شناسانده‌ای ما را از نفس‌هایمان و نمودهای ما را از عیب‌هایمان

خِلَالاً نَخْشَى اَنْ تَقْعُدَ بِنَا اَشْتِيْهَالَ اِجَابَتِكَ، وَ اَنْتَ الْمُتَفَضِّلُ

سستی‌ها را که می‌ترسیم عاجز گرداند ما را از قابلیت اجابت نمودنت. و تویی به‌خشنده

عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحْقِّينَ، وَ الْمُبْتَدِئُ بِالْاِحْسَانِ غَيْرِ السَّائِلِيْنَ،

بر غیر مستحقین. و آغاز کننده به نیکی به غیر سؤال‌کنندگان،

فَاَتِ لَنَا مِنْ اَمْرِنَا عَلَى حَسَبِ كَرَمِكَ وَ جُودِكَ وَ فَضْلِكَ وَ اَمْتِنَانِكَ

پس عطا کن ما را از امرمان بر حسب کرم و بزرگواری و بخشش و توفیق و

اِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَ تَحْكُمُ مَا تُرِيدُ. اِنَّا اِلَيْكَ رَاغِبُونَ، وَ مِنْ

عطای خود، بدرستی که تو می‌کنی آنچه را که می‌خواهی و بجای می‌آوری آنچه را که اراده نمائی. بدرستی که به سویت رغبت نمایندگانیم و

جَمِيعُ ذُنُوبِنَا تَائِبُونَ. اَللّٰهُمَّ وَ الدَّاعِي اِلَيْكَ، وَ الْقَائِمُ بِالْقِسْطِ مِنْ

از همه گناهان توبه‌کنندگانیم. خداوند! و آن شخص خواننده خلائق را به سویت و به پای دل‌ننده عدل را

عِبَادِكَ، الْفَقِيرُ اِلَى رَحْمَتِكَ، الْمُحْتَاجُ اِلَى مَعُونَتِكَ عَلَى طَاعَتِكَ،

که از بندگان تو و فقیر است به سوی رحمتت و محتاج است به سوی مددکاریت بر اطاعتت

اِذَا ابْتَدَأَتْهُ بِنِعْمَتِكَ، وَ اَلْبَسَتْهُ اَثْوَابَ كَرَمَتِكَ، وَ اَلْقَيْتَ عَلَيْهِ

هرگاه آغاز نموده‌ای آن را به نعمت و پوشانیده‌ای به او جامه‌های کرامتت را و انداخته‌ای بر او

مَحَبَّةَ طَاعَتِكَ، وَ ثَبَّتَ وَ طَاطَأَتْهُ فِي الْقُلُوبِ مِنْ مَحَبَّتِكَ، وَ وَفَّقَتْهُ

دوستی طاعتت را و ثابت و ثبات نمودهای جای گرفتارش را در دلها از جهت دوست داشتن و توفیق دادن تو او را

لِلْقِيَامِ بِمَا اَغْمَضَ فِيهِ اَهْلُ زَمَانِهِ مِنْ اَمْرِكَ، وَ جَعَلَتْهُ مَفْرَعاً

برای به پای داشتن آنچه که چشم پوشانیده‌اند در آن اهل زمانه او از امرت. و گردانیده‌ای او را پناه

لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ، وَ نَاصِراً لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِراً غَيْرَكَ، وَ مُجَدِّداً لِمَا

از برای ستم‌رسیده از بندگانت و یاری‌کننده از برای کسی که نیابد برای خود یاری‌کننده‌ای غیر تو. و تازه نماینده

عُطِّلَ مِنْ اَحْكَامِ كِتَابِكَ، وَ مُشِيداً لِمَا رُدَّ مِنْ اَعْلَامِ سُنَنِ نَبِيِّكَ،

آنچه را که معطل گردیده است از حکمهای قرآنت و محکم‌کننده آنچه را که رد کرده شده است از نشانه‌های طریقه‌های پیغمبرت

عَلَيْهِ وَ آلِهِ سَلاَمُكَ وَ صَلَوَاتُكَ وَ رَحْمَتُكَ، وَ بَرَكَاتُكَ، فَاجْعَلْهُ

که بر او و آلش سلامت و رحمت‌هایت و شفقت تو و سپاس‌هایت، پس بگردان آن شخص را

اَللّٰهُمَّ فِي حَصَانَةٍ مِنْ بَاسِ الْمُغْتَدِبِيْنَ، وَ اَشْرِقْ بِهِ الْقُلُوبَ

خداوند! در نجاتی از عاقبت ظالمان و هلاک‌گردان به سبب او دل‌های

الْمُخْتَلِفَةَ مِنْ بُغَاةِ الدِّينِ، وَ بَلِّغْ بِهِ اَفْضَلَ مَا بَلَّغْتَ بِهِ الْقَائِمِيْنَ

مختلف از جماعت بیرون‌رفتگان از دین را و برسان به او زیاده‌تر آنچه رسانیده‌ای او را به جماعت پایدارندگان